

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی‌ام، دفتر اول، بهار ۱۳۹۹
شماره پیاپی ۱۱۷
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸
شماره: ۱۰۰ نسخه



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطبوع آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.
و مطالعات آرشیمیوی

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهراء / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر ربابه معتقدی، استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com
مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی
ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طراح نشانه و جلد: علیرضا حصارکی

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ناظر چاپ: یوسف امیری

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه نهم، اتاق ۱۱.
صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۲۶۴۰۵۶۲۱

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام ماهه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.
www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد



فهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹

شماره پیاپی ۱۱۷

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

تحقیقات تاریخی

تعامل و تقابل بنی صدر با مجلس بر سر انتخاب نخست‌وزیر و کابینه/

۶-۴۶(۴۱)

صالح پرگاری، فواد پورآرین، مصطفی جوان

سویه‌های توسعه‌طلبی ارضی روسیه از خلیج حسین‌قلی در شمال تا سرخس در شمال شرق ایران

۴۸-۷۰(۲۳)

بعداز قرارداد آخال (۱۲۹۹ق) // مجید نصرآبادی، علی‌اکبر جعفری، مرتضی نورائی

۷۲-۸۸(۱۷)

قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم با تکیه بر اسناد/ محمدرضا علم، فاطمه حاجیانی

کمسیون تطبیق حوالجات (حواله‌جات): شکل‌گیری و انحلال (۱۲۹۳-۱۳۰۰ش) //

۹۰-۱۱۵(۲۶)

علیرضا ملایی توانی، امین محمدی

مطالعات آرشیوی

پیشنهاد الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در کلانشهر تهران/

۱۱۶-۱۴۳(۲۸)

حجت‌علیاری مولان، مریم‌ناخدا، امیررضا اصنافی

تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر در سازمان صداوسیما

۱۴۴-۱۶۵(۲۰)

جمهوری اسلامی ایران/ قنبر احمدی، فریده عصاره، محسن حاجی‌زین‌العابدینی

مدیریت اسنادرسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های برتر جهان: پیشنهاد چارچوب برای

۱۶۶-۱۸۳(۱۸)

دانشگاه‌های ایران/ سارا سلطانی، سعید رضائی شریف‌آبادی، امیر غائبی

۱۸۴-۱۸۹(۶)

نمایه سال ۱۳۹۸ فصلنامه گنجینه اسناد/ سید محمود سادات‌بیدگلی

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

کوتاه‌تنتها



Cooperation and Confrontation: Volatile relations between President Banisadr and the Parliament over the Election of the Prime Minister and the Cabinet Member's

Saleh Pargari¹ | Foad Pourarian² | Mustafa Javan³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Investigates the reasons of differences between President Banisadr and the Parliament following 1979 Islamic Revolution with regard to the nomination of the Prime Minister and Cabinet Members.

Method and Research Design: Archival records and library material was consulted to gather data.

Findings and Conclusion: Differences were political and ideological, as well as legal. The political crisis has subsided to some extent since the ouster of the President. Widening ideological and political differences between BaniSadr, the President and the, Rajaei, the Prime Minister led to the passage of a number of bills in the Parliament that curtailed the authority of the former. One such bills allowed the PM to implement bills passed the parliament if the President refused to sign them and the other that allowed the PM to appoint caretakers for government departments. Finally, when the Parliament impeached BaniSadr and voted on his political incompetence he was sacked.

Keywords:

Iran Islamic Revolution 1979, Abolhasan Banisadr, Mohammad Ali Rajai; Parliament; Islamic Republic Party; Imam Khomeini.

Citation:

Pargari, S., Pourariyan, E., Javan, M. (2020). Cooperation and Confrontation: Volatile relations between President Banisadr and the Parliament over the Election of the Prime Minister and the Cabinet Member's. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 6-46. (In Persian)

1. Associate professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, I. R. Iran

pargari@khu.ac.ir

2. Associate professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, I. R. Iran

por721@yahoo.com

3. PhD Student, Department of History, Kharazmi University, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author).

m.javan1979@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2410

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 6 - 46 (41) | Received: 18, Nov. 2018 | Accepted: 3, Feb. 2019

Historical research





تعامل و تقابل بنی صدر با مجلس بر سر انتخاب نخست وزیر و کابینه

صالح پرگاری^۱ | فواد پورآرین^۲ | مصطفی جوان^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: تحلیل علل تعامل و تقابل بنی صدر با مجلس در انتخاب نخست وزیر و کابینه.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اختلاف در مبانی فکری (سیاسی و عقیدتی) و حقوقی میان رئیس‌جمهور با مجلس و نخست‌وزیر مانع همکاری آنها و بروز بحرانی شد که پس از عزل رئیس‌جمهور تاحدودی کاهش یافت. گسترش اختلافات اندیشگی و سیاسی میان بنی صدر با نخست‌وزیر و نمایندگان مخالف رئیس‌جمهور به تصویب لایحه و طرح‌هایی در مجلس منجر شد که قدرت رئیس‌جمهور را محدود کرد؛ از جمله تصویب طرح‌هایی که اجازه می‌داد هرگاه رئیس‌جمهور مصوبات مجلس را توشیح نکند، نخست‌وزیر بتواند آن را به اجرا بگذارد و نیز بتواند برای وزارت‌خانه‌های بدون وزیر، سرپرست تعیین کند. سرانجام، تصویب طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر به ریاست جمهوری او پایان داد.

کلیدواژه‌ها:

انقلاب اسلامی؛ بنی صدر؛ رجایی؛ مجلس اول شورای اسلامی؛ حزب جمهوری اسلامی؛ امام خمینی.

استناد:

پرگاری، صالح، پورآرین، فواد، جوان، مصطفی. (۱۳۹۹). تعامل و تقابل بنی صدر با مجلس بر سر انتخاب نخست‌وزیر و کابینه. *گنجینه اسناد*، ۳۰(۱)، ۴۶-۶۶.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی،

تهران، ایران

pargari@khu.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی،

تهران، ایران

por721@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی،

دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران،

(نویسنده مسئول)

m.javan1979@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۰

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۶- ۴۶ (۴۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

تحقیقات تاریخی

مقدمه

فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۰ یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین برهه‌های انقلاب محسوب می‌شود؛ چون با اشغال سفارت آمریکا و هم‌چنین آغاز جنگ تحمیلی، شرایط پیچیده‌ای برای سیاست داخلی و خارجی کشور به وجود آمده بود. در این سه سال، مجادلات و اختلافات متعددی نیز میان افراد و جریان‌های فکری-سیاسی کشور وجود داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، اختلافات اندیشه‌ای (سیاسی و عقیدتی) و حقوقی میان بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور و بخشی از مجلس اول شورا (نمایندگان حزب جمهوری اسلامی) بود. با شدت یافتن این اختلافات بنی‌صدر نتوانست دوره ریاست‌جمهوری‌اش را به پایان برساند. باتوجه به مقدمات مطرح‌شده، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است:

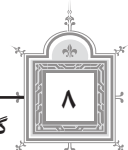
علل تعامل و تقابل بنی‌صدر و مجلس در انتخاب نخست‌وزیر و کابینه بر سر چه مسائلی بوده است؟

فرضیه پژوهش نیز از این قرار است: باتوجه به اختلافات اندیشه‌ای (سیاسی و عقیدتی) و حقوقی میان رئیس‌جمهور با مجلس و نخست‌وزیر آن‌ها بینش و تفکر یکدیگر را قبول نداشتند و در نتیجه برای رسیدن به اهداف خویش به دنبال حذف یکدیگر از حاکمیت بودند. قبل از ورود به بحث اصلی لازم است به مبانی اندیشه‌ای و عقیدتی بنی‌صدر و مخالفان او در مجلس - که در این مقاله با عنوان نیروهای مکتبی^۱ و خط امامی نامیده می‌شوند - اشاراتی کوتاه داشته باشیم.

۱. مبانی اندیشه‌ای و عقیدتی بنی‌صدر و نیروهای مکتبی

سیدابوالحسن بنی‌صدر فرزند آیت‌الله نصرالله بنی‌صدر در سال ۱۳۱۲ در همدان متولد شد. بنی‌صدر در دوران ملی شدن نفت به‌عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران از مصدق طرفداری کرد و با جبهه ملی اول و دوم همکاری کرد (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، ص ۲۵؛ جبهه ملی به‌روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹، صص ۱۹۵-۱۹۶). وی برای ادامه تحصیل در رشته اقتصاد در سال ۱۳۴۲ به فرانسه رفت و با عضویت در کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور و با تأسیس انتشارات مصدق و انتشار خبرنامه جبهه ملی به فعالیت‌های سیاسی خود علیه رژیم پهلوی ادامه داد (متین، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸؛ بنی‌صدر، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۴۷). بنی‌صدر با تشکیلات دانشجویان مسلمان خارج از کشور و انجمن‌های اسلامی نیز همکاری می‌کرد (زبیاکلام، ۱۳۹۵، صص ۲۹۷-۲۹۸). او از نخستین کسانی بود که به‌هنگام عزیمت امام خمینی به پاریس در حلقه نزدیک‌ترین مشاوران و همراهان امام قرار

۱. مکتب سیاسی (political school): عبارت است از نظریه‌ای درباره دولت؛ یعنی نظریه‌ای درباره منشأ جامعه سیاسی (دولت)، هدف آن و بهترین شکل آن. از آنجاکه مفهوم دولت همواره با قدرت آمیخته است، نظریه‌های سیاسی اگر به‌صورت آرمان جنبش‌های سیاسی درآیند، شامل روش‌های دستیابی به قدرت نیز می‌شوند و در این مرتبه، عنوان ایدئولوژی به‌خود می‌گیرند که حزب‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی، هواداران و اجراکنندگان آن هستند (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۴۰۳)؛ ولی در این پژوهش مقصود از مکتب، ایدئولوژی و باوری است که فردی مکتبی آن را داراست. مکتبی فردی است مسلمان که با پیروی از گفتار اسلام فقاهتی، به قرآنی خاص و ایدئولوژیک از اسلام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر فقه باور دارد. وابستگان این جریان از فقها به‌عنوان ناظران اجرای فقه در جامعه دفاع می‌کردند و خود را به ولایت فقیه و تقلید بی‌چون‌وچرا از امام خمینی متعهد می‌دانستند.



گرفت و روز دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ همراه با امام خمینی به ایران بازگشت (سیر مبارزاتی امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۵۹۶). البته باید توجه داشت که در ابتدای پیروزی انقلاب، بنی‌صدر چهره‌ای معروف نبود؛ ولی پس از آنکه در دانشگاه‌های مختلف سخنرانی کرد و مقالاتی در نشریات به‌ویژه روزنامه انقلاب اسلامی منتشر کرد و در مناظره‌های تلویزیونی حضور یافت، به فردی شناخته‌شده در جامعه تبدیل شد.

بنی‌صدر به‌عنوان فردی ملی، مسلمان و اسلام‌شناس، به مبانی اسلام، استقلال، آزادی، و رشد در جامعه معتقد بود (بنی‌صدر، ۱۳۵۴، صص ۱۸-۱۹). او در این باره می‌گوید: «من خودم را در خط انقلاب می‌دانم که اصول چهارگانه‌ای [است]؛ یعنی آزادی، استقلال، رشد و اسلام [که] به‌مثابه بیان آزادی و ترجمه آن اصول راهنمای آن است. هیچ تقدیمی برای اصلی بر اصل دیگر قائل نیستم و اسلام را به‌عنوان بیان این سه اصل و همه این‌ها را برپایه موازنه عدمی^۱ اصول راهنمای انقلاب ایران می‌دانم» (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، صص ۱۴۴-۱۴۵). بنی‌صدر هدف کشورهای ابرقدرت جهان (آمریکا، انگلیس و شوروی) را در دوره رژیم پهلوی، استثمار منابع ثروت کشور به‌ویژه نفت، و حفظ موقعیت استراتژیکی ایران در منطقه عنوان می‌کرد (بنی‌صدر، ۱۳۵۸، صص ۱-۴). او نجات کشور از بحران‌های سیاسی و اقتصادی را در مبارزه مردم با کشورهای استعمارگر و در رأس آن‌ها آمریکا می‌دانست (انقلاب اسلامی، ۵۹/۱/۱۴، ص ۱).

بنی‌صدر به‌عنوان فردی اقتصاددان مدعی نظریه‌پردازی برای اقتصاد اسلامی بود و با نگارش کتاب اقتصاد توحیدی مدعی بود که قصد دارد راه سومی را غیر از سرمایه‌داری و سوسیالیسم پیش‌روی اقتصاد بگذارد. سخنرانی‌های بنی‌صدر در دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف) درباره اقتصاد اسلامی توجه جوانان دانشگاهی را به این موضوع جلب کرده بود.^۲ بنی‌صدر به دولتی‌کردن امور خیلی علاقه داشت. او از اقتصاد بازار آزاد انتقاد و در مقابل از اقتصادی دولت‌گرا دفاع می‌کرد (بنی‌صدر، ۱۳۵۸، صص ۱۱۰-۱۱۱). از نظر بنی‌صدر «بهترین شکل روابط این است که فرد آنچه را به‌دست می‌آورد در اختیار جمع بگذارد و از جمع به‌اندازه نیاز خویش بستاند. درست است که ما هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم، اما این کار بسیار عملی است. هر جمعی ولو چند نفری می‌توانند جامعه اسلامی و رهبری اسلامی را ایجاد کنند و در جمع خود حکومت اسلامی را مستقر نمایند» (بنی‌صدر، ۱۳۵۷، صص ۳۳۱).

۱. نداشتن وابستگی به دیگران و اتکای به خود.

۲. اگر فرض کنیم که لیبرالیسم سه مبنا داشته باشد شامل حکومت قانون، حقوق انسان و اقتصاد آزاد، در آن صورت بنی‌صدر لیبرال نبود؛ چراکه بنی‌صدر اقتصاد آزاد را قبول نداشت.

بنی‌صدر در سال ۱۳۵۸ در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد. از جمله موضوعاتی که باعث افزایش آرای بنی‌صدر در انتخابات ریاست جمهوری شد، بهره‌برداری تبلیغاتی او از طرح ملی کردن بانک‌ها بود. او این طرح را در دوره عضویت در شورای انقلاب مطرح

کرد و باتوجه به وضعیت نامناسب بانکها در آن دوره، از این طرح استقبال شد. با اجرای این طرح، تمام قروض و وام‌هایی که مردم از بانکها گرفته بودند و امکان بازپرداخت آن را نداشتند نیز ملی شدند (معین فر، مصاحبه «دولتی شدن بانکها»، ۱۳۹۲، صص ۴۷-۴۸).
بنی‌صدر با تکیه بر این طرح و بیان اینکه به دنبال استقرار عدالت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و افزایش رفاه عمومی است، توانست تبلیغات مؤثری در انتخابات ریاست‌جمهوری داشته باشد. علاوه بر این، زمانی که او وزارت اقتصاد و دارایی را برعهده داشت شرایط را برای اعطای وام ۹ درصدی به اقشار متوسط و پایین جامعه برای خرید خانه فراهم کرد. اعطای این وام باعث محبوبیت دوچندان او نزد مردم شد و زمینه‌های لازم را برای احراز پست ریاست‌جمهوری فراهم کرد (مظفر، مصاحبه، «سرنوشت اولین رئیس‌جمهور»، ۱۳۹۶/۴/۱۷). بنی‌صدر به عنوان چهره‌ای مستقل حامیان زیادی میان جریان چپ، جریان ملی، و جریان مذهبی داشت. سخنان بنی‌صدر مبنی بر قانون اساسی، دموکراسی، آزادی، استقلال، مبارزه با امپریالیسم و سلطه‌طلبی، عدالت اجتماعی، محرومان و مستضعفان، و مقابله با سرمایه‌داری خواست اصلی جریان‌های سیاسی بود. جریان‌های مذکور با دادن حدود ۱۱ میلیون رأی از ۱۴ میلیون شرکت‌کننده در انتخابات ریاست‌جمهوری به بنی‌صدر آرمان‌های خود را در او می‌دیدند^۱ (مظفر، ۱۳۷۸، صص ۴۸-۵۲؛ بنی‌صدر، ۱۳۸۰، صص ۱۴۴-۱۴۵).

مهم‌ترین نیروهای مخالف بنی‌صدر، نیروهای مکتبی و خط امامی بودند. این جریان متشکل از افراد و گروه‌های اسلامی بودند که در سال‌های شروع نهضت امام با مبانی دینی، مواضع انقلابی و مبارزاتی ایشان آشنا شدند و به مبارزه با رژیم پهلوی پرداختند. پس از پیروزی انقلاب پیروان این جریان در گروه‌های اسلامی به‌ویژه حزب جمهوری اسلامی تشکل یافتند و تلاش کردند تا راه و اندیشه امام به عنوان ولی فقیه در انقلاب طی شود (مظفری، ۱۳۹۴، ص ۱۱۴).

اعتقاد به تأسیس حکومت اسلامی در دوران غیبت، وجود ولایت فقیه، پایبندی به مواضع امام، اجرای شعایر اسلامی در سطح جامعه، تبعیت از روحانیت مبارز و انقلابی، اجرای حدود و مجازات اسلامی، مخالفت با گروه‌های ضدانقلاب در کشور، تعمیق و جهت‌گیری انقلاب به سوی ستیز با سلطه آمریکا و اسرائیل و سایر کشورهای استعماری در منطقه، پایبندی به آرمان رهایی قدس، امت‌گرایی اسلامی در برابر ملی‌گرایی مبانی مشترکی بود که نیروهای موسوم به خط امام را متحد می‌کرد (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۸۲؛ حسینی زاده، ۱۳۸۹، صص ۲۷۳-۲۷۵).

باید توجه داشت که در سال‌های ابتدایی انقلاب، حزب جمهوری اسلامی به عنوان

۱. برای اطلاع بیشتر به سخنانی‌ها و مصاحبه‌های بنی‌صدر مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۸ بهمن ۵۸، و سخنانی‌های او در تاریخ‌های ۱۷ شهریور، ۲۸ آبان، ۲۹ بهمن، و ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ منتشر شده در روزنامه انقلاب اسلامی مراجعه شود.



شاکیه اصلی نیروهای مکتبی و خط امامی بیشترین چهره‌های روحانی و حکومتی را در اختیار داشت و اعضای ارشد آن بهشتی، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی و باهنر که پیش از تأسیس حزب جمهوری اسلامی و نیز بعد از آن، عضو شورای انقلاب بودند، بعدها هر کدام در بخشی از مراکز قضایی، اجرایی، و قانون‌گذاری فعالیت می‌کردند.

۲. جناح‌های سیاسی مجلس اول

پس از پیروزی انقلاب جریان‌های سیاسی (ملی، مذهبی، و چپ) در کشور فعال بودند. هر کدام از جریان‌های مذکور از لحاظ مبانی فکری و اندیشه‌ای با یکدیگر متفاوت بودند؛ در نتیجه برداشت‌ها و تفسیرهای مختلفی از موضوعات داشتند.

پس از رسمیت یافتن مجلس، جناح‌بندی‌های سیاسی داخل مجلس در قالب چهار فراکسیون اصلی با مبانی اندیشه‌ای ملی، مذهبی و التقاطی شکل گرفت: ۱. جناح مذهبی (فراکسیون ائتلاف بزرگ) به رهبری حزب جمهوری اسلامی و هم‌فکران آن که ۸۵ نفر از نمایندگان این دوره را تشکیل می‌داد؛ ۲. نهضت آزادی (فراکسیون همانام)^۱ که رهبری جناح اقلیت را بر عهده داشت با (۲۰ نفر)؛ ۳. جناح طرفدار بنی‌صدر (رئیس‌جمهور) که با عنوان فراکسیون دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور در مجلس حاضر بود با (۳۳ نفر)؛ ۴. نمایندگان مستقل (۱۱۵ نفر) که همگام با جناح‌های داخلی مجلس یا به‌طور مستقل عمل می‌کردند (خواجeh سروی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸). سابقه فعالیت جریان‌های سیاسی و فکری مذکور به سال‌های پیش از انقلاب بازمی‌گردد.

۱.۲. نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران را مهدی بازرگان، یدالله سحابی، سید محمود طالقانی و تنی چند از هم‌فکرانشان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰ به‌عنوان جریانی منشعب از جبهه ملی تأسیس کردند (یادنامه بیستین سالگرد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۷). مهدی بازرگان بر چهار عنصر مسلمانی، ایرانی بودن، اعتقاد به قانون اساسی، و مصدق‌ی بودن به‌عنوان ارکان چهارگانه نهضت آزادی تأکید می‌کرد (بازرگان، ۱۳۷۵، صص ۳۷۹-۳۸۰). مؤسسان نهضت آزادی در مرام‌نامه آن، فعالیت سیاسی بر مبنای اسلام و قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم‌چنین رعایت قانون اساسی، دموکراسی، استقلال اقتصادی، اصلاحات دولتی و بوروکراسی را خواستار شده‌اند. در حوزه روابط خارجی همکاری با کشورهای اسلامی و تلاش برای دستیابی به راه‌حل‌های غیرخشونت‌آمیز در امور بین‌الملل و عدم تعهد در سیاست خارجی برای آن‌ها اهمیت داشت (برزین، ۱۳۷۳، ص ۱۵۳). پس از پیروزی

۱. فراکسیون به گروه‌های هم‌فکری گفته می‌شود که برای دستیابی به هدف‌های معین در داخل یک حزب یا مجمع به‌وجود می‌آیند. نام همانام از حروف نخستین کلمات هیئت، معرف، نامزدهای، انتخابات، مجلس، گرفته شده بود.



انقلاب، بازرگان بنابه پیشنهاد شورای انقلاب به نخست‌وزیری رسید. حزب جمهوری اسلامی از لحاظ مبانی اندیشه‌ای، فکری و اجرایی با دولت موقت اختلاف نظر داشت. این اختلافات به تدریج خود را در قضیهٔ فراندوم نوع نظام، تدوین قانون اساسی، عملکرد نهادهای انقلاب، تسخیر سفارت آمریکا، و استعفای بازرگان نشان داد (بازرگان، ۱۳۶۱، ص ۳۳؛ بازرگان، ۱۳۶۳، ص ۹۴). پس از برگزاری انتخابات مجلس، بازرگان و جمعی از اعضای نهضت آزادی وارد مجلس شدند. در مجلس نیز نمایندگان نهضت آزادی با حزب جمهوری در مسائل متعدد به‌ویژه در انتخاب نخست‌وزیر و دولت اختلاف نظر داشتند.

۲.۲. حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی را پنج نفر از شاگردان امام خمینی (بهشتی، هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، باهنر، و موسوی اردبیلی) در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ با هدف «تداوم بخشیدن به انقلاب مردم مسلمان ایران و تلاش جهت استقرار نظام عدل اسلامی در سراسر جهان تحت رهبری ولی فقیه در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، سیاسی و نظامی» تأسیس کردند (اسماعیلی، ۱۳۸۶، ص ۵۲). در اساس‌نامهٔ حزب در معرفی آن چنین آمده است: «[این] حزب تشکیلاتی است عقیدتی سیاسی و معتقد به ولایت فقیه و ملتزم به قانون اساسی جمهوری اسلامی که برای هدایت و سازمان‌دهی نیروهای مسلمان باایمان در جهت نیل به اهداف والای اسلامی تشکیل شده است.» اهداف، خط‌مشی و مواضع حزب جمهوری اسلامی در اساس‌نامهٔ آن مطرح شده است. افزایش آگاهی اسلامی مردم و سرعت بخشیدن به خودسازی انقلابی آن‌ها، پاک‌سازی کشور از آثار استبداد و استعمار، برقراری آزادی‌های سیاسی، تحول در نظام اداری و تبدیل آن به نظامی که در آن ایمان، صداقت و لیاقت معیار تصدی هر شغل باشد، تقویت هرچه بیشتر نهادهای انقلاب اسلامی، پایان‌دادن به سلطهٔ اقتصادی بیگانگان، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت، تحول در نظام آموزشی، از بین بردن همهٔ ریشه‌ها و نهادهای فساد و فحشا، تنظیم سیاست خارجی بر اساس دو اصل تبری و تولی، رعایت استقلال کامل کشور در تمام وجوه، توسعه و تحکیم روابط برادرانه با همهٔ مسلمانان جهان، داشتن روابط با ملل مبارز و تحت‌سلطه، و کمک به محرومان و مستضعفان جهان اصولی بودند که حزب با اعلام آن‌ها و برای رسیدن به اهداف خود به دنبال تحقق آن‌ها بود (کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲، صص ۱-۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب جمهوری اسلامی مهم‌ترین مخالف دولت موقت بازرگان، و ریاست جمهوری بنی‌صدر بود.



۳.۲. جناح طرفدار بنی صدر

در بجهوه انتخابات اولین دوره مجلس، دفتری با عنوان «دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس‌جمهور» به وجود آمد. بنابه گفته بنی صدر این دفاتر را مردم به صورت کاملاً خودجوش در شهرها و روستاها ایجاد کرده بودند (بنی صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱)؛ ولی مخالفان بنی صدر هدف او را از ایجاد و هدایت این دفتر کسب قدرت سیاسی مطرح کرده‌اند (غائله چهاردهم اسفند...، ۱۳۶۴، ص ۱۵۷؛ صفار هرندی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). بنی صدر علت نگرانی و مخالفت جریان رقیب با دفتر مذکور را ترس از ایجاد شورش و به دست گرفتن قدرت توسط رئیس‌جمهور مطرح می‌کند (بنی صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲). بنی صدر به تشکیل حزب اعتقادی نداشت و هدف سیاستمداران را از ایجاد حزب رسیدن به قدرت و حفظ منافع خود می‌دانست. او به ایجاد سازمان‌ها و نهادهای خودجوش مردمی برای رسیدن به خواسته‌ها و مطالباتشان معتقد بود (بنی صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱). پس از پیروزی بنی صدر در انتخابات ریاست‌جمهوری خلأ وجود یک سازمان منسجم مردمی وجود داشت. می‌توان سه ضرورت را برای شکل‌گیری دفتر مذکور برشمرد: اول ارتباط میان مردم با رئیس‌جمهور؛ دوم مطرح و اجرایی کردن نظریات رئیس‌جمهور در جامعه؛ و سوم حضور در انتخابات مجلس.

دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور، در رقابت انتخاباتی مجلس اول، فهرستی از کاندیداهای مورد تأیید خود را منتشر کرد (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲، ص ۱). پس از اعلام نتایج آراء تعدادی از نامزدهای دفتر وارد مجلس شدند و به حمایت از برنامه‌های رئیس‌جمهور پرداختند. عده‌ای دیگر از این نمایندگان (اعظم طالقانی، محمدجواد حجتی کرمانی، فخرالدین حجازی، محمدعلی هادی نجف‌آبادی و چند نفر دیگر) به مرور زمان به مخالفت با بنی صدر پرداختند و در نهایت به عدم کفایت سیاسی او رأی دادند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۳۰، ص ۳۲؛ ۱۳۶۰/۳/۳۱، صص ۲۵ و ۴۴).

در مجموع جناح‌های فوق در قالب دو جریان عمده اکثریت و اقلیت در مجلس به رقابت و مخالفت با برنامه‌های یکدیگر می‌پرداختند. جریان اکثریت که حول حزب جمهوری اسلامی و رهبران آن گرد آمده بودند، با سیاست‌های رئیس‌جمهور، و نمایندگان نهضت آزادی و نمایندگان هم‌سو با بنی صدر بر سر انتخاب نخست‌وزیر و کابینه مخالف بودند.

در ادامه اختلافات اندیشه‌ای و حقوقی میان بنی صدر و مجلس در انتخاب نخست‌وزیر و کابینه بررسی می‌شود.



۳. انتخاب نخست‌وزیر

پس از تصویب قانون اساسی، به منظور نهادسازی و اجرای قوانین، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس برگزار شد. با انتخاب سید ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست جمهوری و رسمیت یافتن مجلس شورا، موضوع انتخاب نخست‌وزیر مطرح شد. بر طبق اصل ۱۲۴ قانون اساسی، رئیس‌جمهور ملزم بود تا فردی را برای نخست‌وزیری نامزد کند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورا حکم نخست‌وزیری را برای او صادر کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی...، ۱۳۶۸، ص ۹۹).

۱.۳. اختلاف اندیشه‌ای و ایدئولوژیک

یکی از مشکلاتی که میان بنی‌صدر و مجلس بر سر انتخاب نخست‌وزیر به وجود آمد، بروز اختلافات اندیشه‌ای و عقیدتی بود. بنی‌صدر و اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی) هریک ویژگی‌های خاصی را برای انتخاب نخست‌وزیر مدنظر خویش قائل بودند. نمایندگان هر کدام از دو قوه مجریه و مقننه به دنبال انتخاب فردی هم‌فکر از یاران خویش به عنوان نخست‌وزیر بودند تا بتوانند پس از پیروزی بر رقیب با ایجاد دولتی هم‌سو به اهدافشان در حاکمیت برسند.

جریان خط امام و حزب جمهوری از لحاظ اندیشه‌ای و ایدئولوژیکی بنی‌صدر را فردی غیر قابل اعتماد می‌دانست (فارسی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۴). این جریان از شکست خود در انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی بنی‌صدر در این انتخابات به شدت ناراحت بودند (فارسی، ۱۳۷۳، ص ۵۲۵). حزب جمهوری اسلامی با توجه به رفتار بنی‌صدر معتقد بود که بیش از آنکه مخالف بینش اسلام فقهاتی است. اعضای اصلی این حزب طی نامه‌ای به امام این نظر را اعلام کردند. در این نامه «ورود افراد تارک الصلاة یا متظاهر به فسق در کارها، پنخش موسیقی و حضور زنان بی‌حجاب در صداوسیما و ادارات، تضعیف نهادهای انقلاب، [و] اجرای منویات آمریکا» را مهم‌ترین دلایل اختلافشان با بنی‌صدر مطرح کردند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، صص ۳۶۱-۳۶۶). هم‌چنین بنابه گفته بهشتی مخالفت‌های بنی‌صدر در تصویب و افزایش اختیارات ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی او را در اندیشه جریان مذهبی، فردی مخالف و غیر پایبند به این اصل مطرح می‌کرد (مظفر، ۱۳۷۸، ص ۱۵۵). بنی‌صدر در نگاه اکثر جریان مذهبی، فردی تحصیل کرده در غرب، مغرور، خودمحور، ریاست طلب، دروغ‌گو، با صورتی تیغ‌زده، متمایل به غرب و مخالف جریان مکتبی بود (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۳۰، صص ۱۳-۳۴؛ ۱۳۶۰/۳/۳۱، صص ۱۳-۱۴).



۴۱؛ مظفر، ۱۳۷۸، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۷، صص ۲۲۵-۲۲۶).

ویژگی‌ها و شاخص‌های نخست‌وزیر در دیدگاه اکثریت نمایندگان مجلس با بنی‌صدر و نمایندگان هم‌سو با او متفاوت بود. از دیدگاه اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی)، شاخص‌هایی چون پیرو خط امام بودن، مسلمان‌بودن و متعهدبودن، اساس انتخاب نخست‌وزیر بود. آن‌ها به دنبال نخست‌وزیری با ویژگی‌های مکتبی و انقلابی، نداشتن وابستگی فکری به غرب، مقتدر و مستقل از ریاست‌جمهوری بودند (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲، ص ۱). آیت‌الله بهشتی دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نیز ویژگی‌های نخست‌وزیر مورد تأیید حزب را با تأکید بر انقلابی‌گری و تعهد چنین بیان می‌کند: «آنچه برای ما به عنوان تشکیلات متعهدانه مطرح است، این است که نخست‌وزیر و وزراء باید مسلمان، متعهد، جوان، پرتحرک، انقلابی و هماهنگ باشند...» (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۹، صص ۱ و ۱۶).

درمقابل بنی‌صدر معتقد بود شخصی باید عهده‌دار مسئولیتی شود که علم و تجربه کافی، و مدیریت و توانایی کار در آن مسئولیت را داشته باشد و در واقع ترکیبی از تخصص و تعهد را باهم داشته باشد. او در این باره می‌نویسد: «علم بیرون از دین نیست. ما مسلمان‌ها معتقدیم اسلام عین علم است و در اسلام ما شرط مسئولیت علم است؛ نمی‌توان بدون علم عهده‌دار مسئولیت شد... چگونه بیاییم سرنوشت کارهای بزرگ کشور را به کسی بسپاریم که علم و تجربه ندارد و تنها دل خوش بداریم که این‌ها مکتبی هستند. اساساً آدم مکتبی که علم و تجربه نداشته باشد، خود را داوطلب مقام نمی‌کند و اگر کرد به این دلیل است که چون سرمایه دیگری نداشته این مکتب بینوا را سرمایه خود قرار داده است» (بنی‌صدر، ۱۳۵۹، ج ۲، صص ۵۶-۵۷).

بنی‌صدر برای انتخاب نخست‌وزیر ویژگی‌های زیر را مدنظر داشت: «مکتبی، قاطع و جوان، دارای قابلیت و خوش سابقه بودن، توانایی مدیریت و اداره دولت، داشتن تجربه و تخصص، هماهنگی با رئیس‌جمهور و مجلس، معتقد به قانون اساسی، مستقل بودن و عدم وابستگی به حزبی خاص» (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰، صص ۱۹-۲۰).

با مطرح‌شدن انتخاب نخست‌وزیر، امام‌خیمینی رهبر انقلاب نیز در دیدار با اعضای شورای عالی قضایی، معیارهای انتخاب نخست‌وزیر و دولت را اعلام کرد و از جمله تأکید کرد که نخست‌وزیر و کابینه باید صددرصد انقلابی، مکتبی و قاطع باشند (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۳۰، ص ۱۲).

۴. کاندیداهای نخست‌وزیری

کاندیدای اول بنی‌صدر برای نخست‌وزیری حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی فرزند رهبر انقلاب اسلامی بود. بنی‌صدر طی نامه‌ای به امام، سیداحمد خمینی را برای نخست‌وزیری پیشنهاد کرد؛ ولی امام خمینی با این درخواست موافقت نکرد (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱، ص ۱؛ صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۵۶). برطبق اصل ۱۲۴ قانون اساسی رئیس‌جمهور موظف بود فرد مدنظر خود به‌عنوان نامزد نخست‌وزیری را به مجلس معرفی کند. به‌نظر می‌رسد اقدام بنی‌صدر در ارسال نامه به امام خمینی با هدف درمقابل عمل انجام‌شده قراردادن مجلسی بود که اکثریت آن در اختیار حزب مخالف او قرار داشت. در صورتی که امام خمینی با پیشنهاد بنی‌صدر موافقت می‌کرد، مجلس نیز با توجه به ولایت‌پذیری از امام چاره‌ای جز پذیرفتن نداشت؛ هم‌چنین، احترامی که نمایندگان برای امام و بیت ایشان قائل بودند جلوی انتقادات نمایندگان مجلس از دولت را می‌گرفت. پس از درخواست بنی‌صدر از امام در موافقت با انتخاب احمد خمینی، اکبر پرورش‌نایب‌رئیس مجلس در نطق پیش‌از‌دستور از بنی‌صدر درخواست کرد تا طبق اصل ۱۲۴ فرد مدنظر خود برای نخست‌وزیری را به مجلس معرفی کند و مجلس را در محظوریت^۱ و روبه‌روی امام قرار ندهد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱، ص ۱۴).

پس از مخالفت امام با نخست‌وزیری سیداحمد خمینی، حزب جمهوری اسلامی که دربرگیرنده اکثریت نمایندگان مجلس بود، طی جلسه‌ای در دفتر مرکزی حزب، با حضور نمایندگان دفاتر خود در سراسر کشور، با بحث روی کاندیداتوری فارسی، رجایی و میرسلیم، درنهایت جلال‌الدین فارسی را به‌عنوان گزینه اول برای نخست‌وزیری انتخاب کرد (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲، ص ۷).

بنی‌صدر در میان کاندیداهای موردتأیید حزب، سیدمصطفی میرسلیم سرپرست شهربانی و معاون سیاسی وزارت کشور را انتخاب و به مجلس معرفی کرد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۵، ص ۲۷). بنی‌صدر در گفت‌وگویی تلویزیونی، ضمن برشمردن دلایل خود برای انتخاب میرسلیم به‌عنوان نخست‌وزیر، اعلام کرد که به میرسلیم حسن نظر دارد و او می‌تواند معرف هماهنگی و تفاهم بین رئیس‌جمهور و دولت باشد؛ درحالی‌که دیگران این خصوصیت را ندارند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۵، صص ۱-۲).

میرسلیم علت انتخابش به‌عنوان کاندیدای نخست‌وزیری توسط بنی‌صدر را در قابلیت‌های اجرایی، دانش و تجربه خویش در امور مطرح می‌کند. او دراین‌باره می‌گوید: «بنی‌صدر نمی‌خواست کسی را معرفی کند که توانایی و دانش لازم را نداشته باشد و

۱. تنگنا؛ گفتاری؛ الزام.



اجرایات کشور را که مسئولیت نخست‌وزیر بود به فردی بی‌لیاقت بسپارد؛ چون به فکر شهرت خودش هم بود» (میرسلیم، مصاحبه، ۹۷/۱/۱۲). میرسلیم هم چنین علت معرفی‌اش از طرف حزب جمهوری اسلامی را اعتماد به او با هدف ایجاد تفاهم بین مجلس و رئیس‌جمهور مطرح می‌کند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۲، ص ۱۰).

بنی‌صدر پس از حضور در مجلس برای معرفی میرسلیم متوجه مواضع اکثریت نمایندگان مبنی بر تمایل نداشتن به میرسلیم شد؛ در نتیجه از نمایندگان مجلس درخواست کرد که رأی اعتماد به میرسلیم را مسکوت بگذارند (صابری فومنی، ۱۳۶۰، ص ۳۴). به نظر می‌رسد که به دلیل موافقت نکردن بنی‌صدر با نامزدهای پیشنهادشده حزب جمهوری (فارسی و رجایی) اکثریت نمایندگان مجلس نیز با پذیرفتن میرسلیم به نخست‌وزیری به دنبال شخصی بارزتر و مقتدرتر از ایشان و تحمیل یکی از کاندیدای اول و دوم خود بودند. بنی‌صدر درباره انتخاب نشدن میرسلیم از طرف نمایندگان می‌نویسد: «بر سر آقای میرسلیم توافق شده بود؛ اما چون او گفته بود رویه دوئیت (دوگانگی) با رئیس‌جمهوری را در پیش نمی‌گیرد، به او رأی ندادند» (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۴۵). بنی‌صدر درباره یکی از علت‌های تمایل نداشتن نمایندگان در انتخاب میرسلیم می‌گوید: «در مجلس گفتند که بهتر از او [میرسلیم هم] بوده، اما آن‌ها (فارسی و رجایی) چون نمی‌توانستند با من تفاهم داشته باشند، آقای میرسلیم را معرفی کرده‌ام. من می‌خواهم بگویم که این درست نیست... آقای جلال‌الدین فارسی را خود معرفی کنندگان گفتند توانائی نخست‌وزیری ندارد و آقای رجائی را من گفتم ایشان خشک‌سر هستند؛ یعنی آنچه را که صحیح می‌داند راجع به آن حتی بحث را هم جایز نمی‌داند و در نتیجه همکاری او با رئیس‌جمهور از آن‌هم مشکل‌تر است» (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۹، صص ۱ و ۱۲). آیت‌الله بهشتی درباره علت تمایل نداشتن نمایندگان به میرسلیم چنین اعلام کرد: «... برادری متدین و باایمان چون میرسلیم که من او را از نظر تقوا در حدی می‌دانم که با کمال طیب خاطر و اطمینان با او به جماعت به نماز می‌ایستم، به دلیل اینکه در دوسه مورد فقط کمی سست آمد که موضعی که باید موضع [اش] قاطع مکتبی باشد نبود، مجلس حاضر نشد به او رأی تمایل بدهد» (سرابندی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۲-۲۳۳).

میرسلیم علت انتخاب نشدن به نخست‌وزیری را شناخت نداشتن نمایندگان از سوابق و فعالیت‌های او، کم‌تجربگی برخی نمایندگان در مدیریت سیاسی کشور، و مقابله سیاسی برخی از نمایندگان غیرحزبی با حزب جمهوری می‌داند (میرسلیم، مصاحبه، ۱۳۹۷/۱/۱۲؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۲، ص ۱۰).

اعضای دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور نیز به دنبال کاندیدای مدنظر خود

بودند. در اول مردادماه ۱۳۵۹ اعضای دفتر هماهنگی مردم با رئیس‌جمهور در جلسه‌ای با تبادل نظر کاندیداهای خود را برای نخست‌وزیری معرفی کردند. آن‌ها تلاش‌های حزب جمهوری اسلامی را به‌عنوان حزبی انحصارطلب و قدرت‌طلب، و حمایت‌های امام خمینی از این حزب را با هدف حذف تدریجی تفکر و بینش بنی‌صدر «به‌عنوان مزاحم اصلی» از قدرت مطرح کردند. اعضاء در این جلسه پیشنهادها و راهکارهای مختلفی را برای انتخاب نخست‌وزیر به بنی‌صدر مطرح کردند: «۱. آقای بنی‌صدر با در نظر گرفتن سلیقه و خواسته حزب، نخست‌وزیر را به مجلس معرفی کند؛ ۲. آقای بنی‌صدر بدون در نظر گرفتن سلیقه و خواسته حزب، حتی واکنش رهبری، نخست‌وزیر لایق و مورد اعتماد خویش را به مجلس معرفی کند؛ ۳. آقای بنی‌صدر از میان اشخاص مورد اعتماد خویش فردی را انتخاب و معرفی کند و در صورت تأیید مجلس با مهره‌های کاردان و مورد اعتماد، او را تقویت کند؛ ۴. آقای بنی‌صدر شخصی را در خارج از محدوده اطرافیان مورد اعتماد خویش انتخاب و معرفی کند که ضمن برخورداری از حمایت مجلس از موضع نسبتاً مستقل در برابر حزب جمهوری اسلامی برخوردار باشد؛ ۵. آقای بنی‌صدر در حدود صلاح و امکان، ضمن در میان گذاشتن حقایق با مردم درباره نخست‌وزیر آینده و دولت از خود سلب مسئولیت کند و این کار را بر عهده مجلس قرار دهد» (غائله چهاردهم اسفند...، ۱۳۶۴، صص ۲۹۵-۲۹۸).

سرانجام بنی‌صدر به این نتیجه رسید که بدون هماهنگی با خواسته‌های نمایندگان مجلس، امکان انتخاب نخست‌وزیر وجود ندارد؛ بدین منظور پس از بحث فراوان میان بنی‌صدر و نمایندگان مجلس مقرر شد تا هیئتی موسوم به «هیئت ویژه تشخیص صلاحیت نخست‌وزیر و وزرا»^۱ برای بررسی صلاحیت و مقبولیت کاندیداهای نخست‌وزیری مأمور شود (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۶، ص ۱). بدین ترتیب بنی‌صدر شرایط نخست‌وزیر و اسامی ۱۴ نفر از کاندیداهای منتخب خود و حزب جمهوری اسلامی را برای بررسی صلاحیت آن‌ها طی نامه‌ای به هیئت ویژه مطرح کرد که این نامه در مجلس قرائت شد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰، صص ۱۹-۲۰؛ مارجا، آن-۳-ش.س-۴). بنی‌صدر پس از معرفی کردن کاندیداهای نخست‌وزیری مدنظرش مدعی شد افرادی که طرح سقوط جمهوری را تهیه کرده‌اند، بنای کارشان بر ایجاد اختلاف است و طرحشان هم این است که نگذارند هیچ شخصی که بتواند همکاری و هماهنگی به وجود آورد، نخست‌وزیر شود. او در ادامه متذکر شد که این مخالفان به طرق مختلف به افراد مدنظر او هم چون سلامتیان، نوبری، حسن حبیبی، سحابی، کلانتری و میرسلیم حمله می‌کنند و از انتخاب آن‌ها به نخست‌وزیری جلوگیری می‌کنند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۹، صص ۶).

۱. این هیئت وظیفه داشت با ارتباط میان دو قوه مجریه و مقننه اشخاصی را برای نخست‌وزیری معرفی کند که هم مورد تأیید رئیس‌جمهور باشند و هم در مجلس زمینه‌ای برای کسب رأی تمایل نمایندگان داشته باشند. در این هیئت از طرف بنی‌صدر، آقای عبدالحسین جلالی، نماینده نیشابور معرفی شد و از طرف مجلس حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر، علی‌اکبر پرورش، آیت‌الله امامی کاشانی و آیت‌الله محمد یزدی معرفی شدند. بنی‌صدر اعتراض خود را به انتخاب آقایان خامنه‌ای و باهنر، به دلیل عضویت آن‌ها در حزب جمهوری اسلامی اعلام کرد و مجلس هم با کراهت موافقت کرد تا دو نفر فوق را حذف کند و یک نماینده از جانب امام و یک نماینده از طرف رئیس‌جمهور در این هیئت حضور یابند؛ البته امام خمینی با انتخاب نماینده‌ای از جانب خود مخالفت کرد (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۸، صص ۱۱، فوری، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۱۳).



در واکنش به این سخنان بنی صدر، آیت الله بهشتی، اتهامات وارد شده به حزب جمهوری اسلامی را مبنی بر این که تلاش دارد تا نخست وزیر از این حزب انتخاب شود رد کرد. بهشتی اصلی ترین موضوع در انتخاب نخست وزیر را رعایت حفظ معیارها (انقلابی، مکتبی، جوان و قاطع بودن) می دانست و مشکل به وجود آمده را در نبود توافق بین رئیس جمهور و حزب در تطبیق این معیارها بر افراد بیان می کرد (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۱، صص ۱ و ۴). سرانجام هیئت پس از بررسی کاندیداهای مطرح شده از طرف بنی صدر و اعضای حزب جمهوری اسلامی، اسامی نهایی را به مجلس و رئیس جمهور اعلام کرد. در بین این افراد، رجایی بیشتر از دیگران مدنظر هیئت بررسی قرار گرفت (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰، صص ۲۰-۲۲).

بنی صدر در ۱۸ مرداد ۱۳۵۹ رجایی را به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی کرد. البته متن نامه معرفی نخست وزیر موجب ناخرسندی جمع زیادی از نمایندگان شد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۹، صص ۱۷-۲۳). متن این نامه به این قرار بود: «با استناد به شور هیئت منتخب و تمایلی که از سوی آن مجلس محترم اظهار شده است، آقای محمدعلی رجایی را به عنوان نخست وزیر معرفی می کنم...» (صابری فومنی، ۱۳۶۰، ص ۶۶). در همان روز روزنامه انقلاب اسلامی در یادداشتی رجایی را نخست وزیر مجلس و نه رئیس جمهور و دارای دو ضعف اصلی سخت سری و نداشتن اطلاع از وضع کشور عنوان کرد (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۸، صص ۱ و ۲؛ ۱۳۵۹/۵/۱۹، صص ۱ و ۱۲). سرانجام، رجایی با ۱۵۳ رأی موافق، ۲۴ رأی مخالف و ۱۹ رأی ممتنع نمایندگان مجلس به عنوان نخست وزیر انتخاب شد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰، ص ۱۶). بعدها بنی صدر با اذعان به اشتباه خویش در انتخاب رجایی، انتخاب او به نخست وزیری را به دلیل وضعیت بحرانی کشور، احتمال حمله نظامی عراق به ایران، و تحمیلی از سوی حزب جمهوری اسلامی و امام خمینی اعلام کرد (بنی صدر، ۱۳۶۱، صص ۱۹۵-۱۹۶؛ بنی صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰).

پس از انتخاب رجایی به نخست وزیری آشکار بود که رئیس جمهور و نخست وزیر به دلیل اختلافات اندیشه ای، سیاسی و عقیدتی قادر نیستند با یکدیگر همکاری کنند. چگونگی حکم انتصاب رجایی به عنوان نخست وزیر از جانب رئیس جمهور، خود موجباتی از سوء تفاهات را فراهم کرد. بنی صدر در حکم خود به رجایی اعلام کرد: «... باتوجه به جریان گزینش شما و رأی کامل نمایندگان محترم، به سمت نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران منصوب می شوید...» (مارجا، آ.و. ۱-۲).

درواقع بنی صدر با به کار بردن لفظ مبهم «جریان گزینش شما» به نوعی مشخص کرد که

رجایی، نخست‌وزیر مدنظر او نبوده و بر او تحمیل شده‌است (بنی‌صدر، ۱۳۶۱، ص ۱۵)؛ چنان‌که چهار روز پس از امضای حکم بنی‌صدر اعلام کرد: اگر ببیند رجایی خط او را ندارد، به تمام مردم خواهد گفت که این دولت دولت او نیست (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۳، ص ۲). همین موضوع موجب مباحثی طولانی در میان نمایندگان مجلس شد و برخی از نمایندگان از این رفتار رئیس‌جمهور انتقاد کردند. در پاسخ به سخنان بنی‌صدر، محمد یزدی -یکی از اعضای هیئت ویژه تشخیص صلاحیت نخست‌وزیر- طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: «این‌که عده‌ای می‌گویند که در انتخاب آقای رجایی الزام و اجباری وجود داشته، این‌طور نیست و این تعبیرات اصولی و منطقی نمی‌باشد.» او در ادامه افزود: «رجایی یکی از ۱۴ نفری بود که خود بنی‌صدر به هیئت بررسی معرفی کرده بود و هیئت نیز ایشان را از سایر نفرات شایسته‌تر دانست» (کیهان، ۱۳۶۰/۳/۱۳، ص ۱).

۵. انتخاب کابینه

پس از انتخاب رجایی به نخست‌وزیری، اولین چالش جدی میان بنی‌صدر و رجایی و نمایندگان هم‌سو با آن‌ها در مجلس، درباره انتخاب وزرای کابینه به وجود آمد. ابهامات موجود در حیطة اختیارات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در قانون اساسی به تفسیرهای متفاوتی از حوزه اختیارات هریک منجر شده بود؛ هم‌چنین اختلافات اندیشه‌ای میان دو طرف به بحران پیش‌آمده دامن می‌زد.

۱.۵. اختلاف حقوقی

قانون اساسی کشور باتوجه‌به فضای هیجانی انقلاب و هم‌چنین نداشتن شناخت دقیق از معضلات اجرایی جامعه، توسط خبرگان قانون اساسی در ۱۲۴بان ۱۳۵۸ به تصویب رسید. یکی از اشکالات قانون اساسی درعین تفکیک قوا، نقص در تبیین وظایف، اختیارات و توزیع قدرت میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بود. براین‌اساس دو نهاد ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری از لحاظ تفکیک صلاحیت‌ها، سلسله‌مراتب، وظایف و اختیارات نمی‌توانستند با یکدیگر هماهنگ باشند و هرکدام از دو طرف تفسیری از قانون اساسی داشتند که موردقبول طرف مقابل نبود و این امر باعث اختلاف شده بود.

نمونه بارز این رویکرد قانون اساسی، انتخاب وزرا با سه تصویب (رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و مجلس) بود که با مخالفت هریک از این نهادها امکان رد شدن وزیر وجود داشت. طبق اصل ۱۳۳ قانون اساسی (قبل از بازنگری)، صلاحیت‌گزینش و پیشنهاددادن وزیران با نخست‌وزیر بود و در مرحله بعد وزیران انتخابی می‌بایست به تأیید رئیس‌جمهور



می‌رسیدند و رئیس‌جمهور نیز باید این وزیران را برای اخذ رأی اعتماد از نمایندگان، به مجلس معرفی می‌کرد؛ ولی طبق قانون نخست‌وزیر شخصیتی مستقل معرفی شده بود که رئیس دولت بود و باید در مقابل اعضای دولت پاسخگویی مجلس باشد (اصل ۱۳۴).

به‌موجب اصل ۱۱۳ مسئولیت‌های مهمی به رئیس‌جمهور واگذار شده بود: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد.» طبق این اصل که ابهامات بسیاری برای سایر قوا به‌وجود آورده بود، تقریباً تمام امور کشور به‌جز اموری که به رهبری مربوط می‌شد به رئیس‌جمهور ارتباط پیدا می‌کرد.

طبق اصل ۱۳۳ نصب اعضای قوه مجریه منوط به موافقت رئیس‌جمهور بود؛ ولی طبق اصل ۱۳۴ اعمال ریاست قوه مجریه عملاً از او سلب شده بود و جز درباره موافقت با عزل وزیر به پیشنهاد نخست‌وزیر (اصل ۱۳۶) و حق نظارت قانونی بر مصوبات هیئت وزیران (اصل ۱۲۶) قانون‌گذار اختیار دیگری را برای رئیس‌جمهور لحاظ نکرده بود. بنابه گفته هاشمی رفسنجانی تجربه سال‌ها دیکتاتوری در ایران و ترس از وقوع مجدد تمرکز قدرت در یک شخص، موجب گرایش قانون‌گذاران به چنین شیوه‌ای شده بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰).

به‌موجب اصل ۱۳۴، نخست‌وزیر ریاست هیئت وزیران را برعهده داشت و بر کار آنان نظارت داشت و با همکاری وزیران قوانین را اجرا می‌کرد و در برابر مجلس مسئول اقدامات وزیران بود. قانون‌گذاران این ریاست را از مقام مافوق آنان، یعنی رئیس‌جمهور سلب کرده بود و اعضای دولت در انجام وظایف و امور خود کاملاً مستقل از رئیس‌جمهور عمل می‌کردند. براساس اصل ۱۲۷، رئیس‌جمهور فقط حق داشت در جلسه هیئت وزیران حضور داشته باشد و تنها از طریق اصل ۱۲۶ حق داشت بر مصوبات هیئت وزیران نظارت قانونی داشته باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی...، ۱۳۶۸، صص ۹۹-۱۰۱). بنی‌صدر که به‌درستی متوجه این موضوع شده بود می‌نویسد: «...در این قانون اساسی، رئیس‌جمهور کاره‌ای نیست و اختیاری ندارد. قدرت را هم مثل گوشت قربانی تقسیم کرده‌اند و هر کس می‌تونه [می‌تواند] دیگری را فلج بکند» (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). بنی‌صدر در مجلس خبرگان قانون اساسی هم، چنین روزی را پیش‌بینی کرده بود که بعداً اختلاف میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به‌وجود خواهد آمد (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹). او در این باره می‌نویسد: «من به بهشتی گفتم: گوشت قربانی می‌کنید، هم تقسیم قدرت می‌کنید. این قدرش مال رئیس‌جمهور، این قدرش مال نخست‌وزیر، این قدرش مال مجلس باشد.

این رژیم است که شما دارید درست می‌کنید؟! این کار بحران درست می‌کند. شما یا بنا را بگذارید به اختیار با رئیس‌جمهور و مجلس و نخست‌وزیر را بکنید تابع رئیس‌جمهور؛ یا بنا را بگذارید به مجلس و نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور را بکنید تشریفاتی. گفتیم: آقا این که شما درست کرده‌اید اگر ناهماهنگی بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بشود، به هم می‌خورد» (مظفر، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲).

بنابه اصل ۱۳۵ قانون اساسی نخست‌وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس بود در سمت خود باقی می‌ماند. به علاوه چنانچه بین نخست‌وزیر و وزیران هماهنگی وجود نمی‌داشت، نخست‌وزیر قادر نبود به تنهایی وزیر را عزل کند؛ زیرا برای این عزل موافقت رئیس‌جمهور لازم بود. چنانچه وزیر با رئیس‌جمهور هماهنگ و با نخست‌وزیر ناهماهنگ بود، نخست‌وزیر نمی‌توانست در انجام وظایف ریاست هیئت وزیران هماهنگی کند (هاشمی رفسنجانی، مصاحبه، «احیاء نخست‌وزیری»، ۱۳۹۴/۱/۳۱)؛ بنابراین اصول مذکور باعث بروز اختلاف میان دو طرف شده بود و هر کدام طبق قانون و اختیارات معین شده در آن خود را محق می‌دانستند.

رجایی بر اساس برداشت خود از قانون اساسی، نخست‌وزیر را منحصرأدر مقابل مجلس مسئول می‌دانست و هیچ مسئولیتی و حتی اختیاری را در قبال تصمیمات هیئت وزیران متوجه رئیس‌جمهوری نمی‌دانست (صابری فومنی، ۱۳۶۰، صص ۲۱۶-۲۱۹). در مقابل بنی‌صدر، مسئولیت نخست‌وزیر در قبال مجلس را منافات با مسئولیت رئیس‌جمهور نمی‌دانست و بر این باور بود که رئیس‌جمهور به دادن تذکر به نخست‌وزیر و وزرا برای برحذر داشتن از انجام اعمال خلاف قانون مکلف است (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴). رجایی به بنی‌صدر پیشنهاد می‌داد که جلسات دولت نزد رئیس‌جمهور برگزار شود، ولی رئیس‌جمهور در این جلسه صرفاً حق ریاست دارد و مسئولیتی ندارد (صابری فومنی، ۱۳۶۰، صص ۲۲۰-۲۲۱). بنی‌صدر معتقد بود که اگر رئیس‌جمهور ریاست هیئت وزیران را عهده‌دار شود، مسئولیت اداره هیئت وزیران از عهده نخست‌وزیر ساقط است (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵). در خلال این کشمکش‌های حقوقی، دو طرف بدون عقب‌نشینی و آشکارا همدیگر را به بی‌اطلاعی از قانون اساسی و اجرای آن متهم می‌کردند (صابری فومنی، ۱۳۶۰، صص ۲۱۷ و ۲۲۱؛ بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵). در مجموع این نواقص حقوقی توزیع قدرت در قانون اساسی باعث بروز اختلاف میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و همکاری نکردن آن‌ها شد.^۱

۲.۵. اختلاف اندیشه‌ای در انتخاب وزیران کابینه

دیدگاه و بینش رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر درباره انتخاب اعضای کابینه متفاوت بود.

۱. کاستی‌های قانون اساسی سال ۱۳۵۸ و اشکالات ناشی از پراکندگی امور در طی یک دهه باعث شد تا در بهار سال ۱۳۶۸ نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به امام خمینی، درخواست ارائه طریق با هدف تجدید نظر در قانون اساسی را مطرح کنند که امام نیز با درخواست آنان موافقت کرد. در قانون اساسی جدید مقام نخست‌وزیر حذف شد و اختیاراتش به رئیس‌جمهور داده شد (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۱۷).



بنی صدر معتقد بود شخصی باید وزیر شود که ترکیبی از تخصص و تعهد را با هم داشته باشد (بنی صدر، ۱۳۵۹، صص ۵۶-۵۷). بنی صدر به دنبال آن بود تا با به کارگیری تمام جناح‌های سیاسی، کابینه‌ای هماهنگ و نه صرفاً از یک حزب خاص تشکیل شود. او در این باره می‌نویسد: «دولت باید معرف همه جامعه باشد و نه صرفاً معرف حزب جمهوری؛ و دولت باید مستقل از تصمیمات حزب عمل کند» (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۶، ص ۲). رجایی و اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی) مخالف شکل‌گیری کابینه‌ای مختلط بودند و تشکیل کابینه‌ای مکتبی و یکدست از انقلابیون هم‌سو با دیدگاه‌های خویش را خواستار بودند (کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳). رئیس‌جمهور به‌خوبی متوجه این قضیه شده بود که اگر دولت صرفاً از یک جریان خاص (حزب جمهوری اسلامی) تشکیل شود، آن جریان سیاسی، قدرت را به‌صورت انحصاری در دست خواهد گرفت و امکان هماهنگی و همکاری با آن وجود نخواهد داشت.

با نزدیک شدن به زمان معرفی کابینه، امام‌خیمینی طی سخنانی در ۱۳۵۹/۴/۲۹ ضمن اعتراف به اشتباهات گذشته در انتخاب دولت موقت، به نقد آن دولت پرداختند. ایشان ضمن توصیه به نمایندگان مجلس معیارهایی چون: «تدین، صددرصد انقلابی، مکتبی و قاطع» را برای انتخاب اعضای کابینه واجب و لازم دانستند و در ادامه گفتند: «ما نمی‌توانیم تحمل کنیم این مطلبی را که آقایان می‌خواهند با آن مغزهایی که در اروپا تربیت شده‌است درست بکنند. ما می‌خواهیم اسلام را [پیاپی] بکنیم... این اشخاصی که انقلابی نیستند باید در رأس وزارت‌خانه‌ها نباشند و آقای بنی‌صدر باید امثال این‌ها را معرفی به مجلس نکند و اگر کرد، مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکند؛ الا این که وزیری باشد که کارآمد باشد؛ اسلامی باشد؛ مسامحه‌کار نباشد؛ انقلابی باشد تا یک مملکتی دستان باشد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳، صص ۴۶-۵۲). برخی از نمایندگان از نخست‌وزیر می‌خواستند که در انتخاب وزرا بیشتر دقت کند و در انتخاب کابینه کوچک‌ترین تعللی در زمینه معیارهای مشخص شده از جانب امام نداشته باشد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۵۹/۶/۲، ص ۱۶).

رجایی بلافاصله پس از اخذ رأی اعتماد از مجلس، به دلیل اختلاف فکری با بنی‌صدر بدون مشورت با ایشان و با مشورت نهادها و نیروهای هم‌فکر انقلابی به انتخاب اعضای کابینه‌ای یکدست با ویژگی‌های مکتبی، انقلابی و مقلد امام‌خیمینی بودن پرداخت (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۳، ص ۱۴). انتخاب چنین کابینه‌ای یکدست به‌خوبی اتحاد اکثریت نمایندگان مجلس با نخست‌وزیر و بی‌توجهی به خواسته‌های بنی‌صدر را نشان می‌دهد. رجایی پس از انتخاب کابینه، در روز اول شهریور با امام دیدار کرد و درباره روند

انتخاب یکدست اعضای کابینه از نهادهای انقلابی توضیحاتی به اطلاع ایشان رساند (کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱۵). او سپس در ملاقات با بنی صدر، فهرست ۲۰ نفر از وزاری را که برگزیده بود به ایشان اعلام کرد (مارجا، آن-۳-۲۹۰ ش.س-۱). با توجه به اختلاف اندیشه‌ای (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۱، ص ۲۰)، مشورت نکردن رجایی با بنی صدر در انتخاب اعضای کابینه و به ویژه انتخاب این افراد از نهادهای انقلابی و حزب جمهوری اسلامی (بنی صدر، ۱۳۸۴، صص ۲۶-۶۳)، هم چنین ناتوانی، ناکارآمدی و رفتار مخرب برخی از وزرای پیشنهادی (بنی صدر، ۱۳۵۹، صص ۲۰۲-۲۰۳؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲۷، ص ۱) بعضی از این وزرا مورد تأیید بنی صدر قرار نگرفتند.

پس از این جلسه، رجایی در مقابل پرسش خبرنگاران مبنی بر زمان معرفی کابینه گفت: معلوم نیست و بنی صدر نیز گفت: درباره تأیید یا رد فهرست کابینه، موضوع برمی گردد به اصل قضیه و درباره اصل قضیه هم قرار است فعلاً سکوت کند تا ببیند چه می شود (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۳، ص ۱۲). او در ادامه افزود: «فرض این است که دولت دولت رئیس جمهور است و [رئیس جمهور] تمام ابزار کار را در اختیار دارد... اگر چنانچه دیدم این دولت دولتی است که خط من را ندارد و [چون] مردم از من خواسته اند، من باید به مردم بگویم که این دولت دولت من نیست» (جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۳، ص ۱۲). بنی صدر پس از مشاهده فهرست پیشنهادی کابینه، دو نامه متفاوت در ۳ شهریور ۱۳۵۹ خطاب به رجایی نوشت (بنی صدر، ۱۳۸۴، ص ۶۴). در نامه اول با لحنی ملایم تر اعلام کرد که به جز وزرای دفاع و کشور، به دلیل حساسیت وضع کشور درباره سایر وزرا کاری ندارد؛ ولی در نامه دوم که مفصل تر (چهار صفحه) و با لحنی تندتر بود، اعتراض خود را به چگونگی گزینش وزرا و بی تجربگی و ناتوانی آن‌ها اعلام کرد. از ادبیات موجود در نامه بنی صدر به رجایی می توان به عمق اختلاف و بی اعتمادی موجود بین دو طرف پی برد. بنی صدر در این نامه، دائماً در صدد است تا نارضایتی خود را از نخست وزیر رجایی و در عین حال جریان پشت رجایی - که احتمالاً حزب جمهوری اسلامی باشد - اعلام کند (مارجا، آن.س-۲۹۰ ش.س-۱).

رجایی در روز ۵ شهریور ۱۳۵۹، طی نامه‌ای در پاسخ به بنی صدر، شدیداً به مواضع او در مقابل فهرست پیشنهادی کابینه و مخالفت‌هایش با نخست وزیر واکنش نشان داد. او در این باره نوشت: «نامه چهار صفحه‌ای مورخ سوم شهریور ۱۳۵۹ [۱۳] جناب عالی را به دقت خواندم. از مقدمه آن چنین برمی آید که آقای رئیس جمهور در مذاکره با هیئت همکاری مجلس با رئیس جمهور در تعیین صلاحیت رئیس دولت که در نتیجه به تعیین و معرفی



نخست‌وزیر از طرف جناب عالی منجر شد، نوعی عقب‌نشینی مصلحتی کرده‌اند و اینک پشیمان شده و تصمیم به ایستادگی گرفته‌اند و در نتیجه تشکیل دولت و معرفی آن به مجلس را به تأخیر انداخته‌اند. تقصیر ملت منتظر چیست؟... تهمت‌هایی که در نامه و مذاکرات حضوری نسبت به وزرای انتخابی روا داشته‌اید، برای یک مسلمان متعهد قابل تحمل نیست و من شما را از اینکه این چنین برخوردهایی داشته و خود را دارای خط توحیدی می‌دانید، برحذر می‌دارم... جناب عالی دکترای اقتصاد را بی تجربه، و کارکنان در کار و کسب و اهل مطالعه و مطلع در امور اقتصادی داخل کشور را (به خاطر نداشتن مدرک) بی علم می‌خوانید. یکی را از اصحاب برادر آقای هاشمی و دیگری را دشنام گوی و... [می‌خوانید]. برادرمان رئیس‌جمهور با گفتن «من سکوت می‌کنم» و به خصوص «با وزرای تو کار ندارم»، احساس می‌کنند شاید از این پس باید بقیه دوران ریاست‌جمهوری را طبق قانون اساسی به کارهای خاصی پردازند؛ زیرا مجلس ناظر بر اعمال و زراست و مردم از طریق مجلس شورای اسلامی با وزرا ارتباط قانونی پیدا می‌کنند. آقای رئیس‌جمهوری ناگزیر باید به اصول ۱۲۲ تا ۱۲۹ و آنگاه به اصل ۱۲۱ توجه فرمایند...» (مارجا، آ.و. ۱-۴).

با شدت گرفتن تنش میان بنی‌صدر و رجایی، بنی‌صدر طی نامه‌ای به امام خمینی به اختلافاتش با نخست‌وزیر دربارهٔ اجرانشدن معیارهایش در انتخاب وزیران اشاره کرد و نوشت: «با آقای رجایی بسیار صحبت کردم و فرمایشات شما را که باید باهم تفاهم کنید و همه خدمتگزار اسلام باشید و تضعیف هیچ ارگانی نه رئیس‌جمهوری و نه مجلس به سود کشور نیست، [به ایشان] گفتم. معلوم شد اعضای هیئت وزیران [هم] مثل خود نخست‌وزیر لایتغیرند.» بنی‌صدر در خاتمه نامه خود از امام خمینی درخواست کرد تا هر تصمیمی را که صلاح می‌داند اعلام کند تا او اجرا کند (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۷۱). امام خمینی نیز در جواب بنی‌صدر یادآور شد: «این جانب دخالت در این امور نمی‌کنم. موازین همان بود که کراراً گفته‌ام و سفارش من آن است که آقایان تفاهم کنند و اشخاص مؤمن به انقلاب و مدیر و مدبر و فعال انتخاب کنند» (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۷۵).

رجایی در ۸ شهریور ۱۳۵۹ مجدداً طی نامه‌ای به بنی‌صدر فهرست اصلاح‌شدهٔ جدیدی از وزرای پیشنهادی را به اطلاع بنی‌صدر رساند. در فهرست دوم براساس آنچه که رئیس‌جمهور درخواست کرده بود، برای وزارت کشور از بین ناطق نوری و مهدوی کنی، ناطق نوری حذف شده بود و برای وزارت دفاع نیز فردی معرفی نشده بود. رئیس‌جمهور با وجود این که اعلام کرده بود فقط دربارهٔ وزارت کشور و دفاع نظر دارد، ولی همچنان دربارهٔ دیگر وزرا نیز نظر داشت؛ چنان‌که در ذیل نامهٔ رجایی می‌نویسد: «قرار بود وزرای دیگر انتخاب کند که نکرده‌است» (مارجا، آن.ش. ۲-س. ۳).

باتوجه به نبود توافق میان بنی صدر و رجایی و اختلاف به وجود آمده میان این دو در انتخاب وزرا و همچنین دخالت نکردن امام خمینی در انتخاب کابینه، بنی صدر طی نامه‌ای در ۹ شهریور به مجلس نظر خود را دربارهٔ وزرای پیشنهادی رجایی و علت مخالفتش با برخی از وزیران اعلام کرد و تصمیم نهایی را برعهدهٔ مجلس گذاشت (مارجا، آ.و. ۱-۸). به همین دلیل باز هم بحث همکاری و حضور مجلس برای حل این مشکل مطرح شد. بدین منظور، چندین نشست بین رئیس جمهور و نخست‌وزیر با حضور عده‌ای از نمایندگان مجلس، اعضای جامعهٔ روحانیت مبارز، سیداحمد خمینی و افراد کاندیدای وزارت، برای رفع سوء تفاهم‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها در انتخاب کابینه برگزار شد که نتیجهٔ مهمی دربر نداشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳).

سرانجام پس از بحث و بررسی فراوان بنی صدر در ۱۵ شهریور طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی اسامی ۱۴ نفر از فهرست ۲۰ نفرهٔ پیشنهادی کابینهٔ رجایی را برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی کرد (مارجا، آن-۳-ش.س-۴). بنی صدر با ۶ نفر از وزرای مدنظر رجایی که از منتقدان و مخالفان جدی‌اش بودند مخالفت کرد؛ یعنی اکبر پرورش (آموزش و پرورش)، محسن نوربخش (اقتصاد)، سیداسماعیل داوودی (برنامه‌بودجه)، میرحسین موسوی (امور خارجه)، احمد توکلی (کار)، اصغر ابراهیمی (نفث) (صورت مشروح مذاکرات جلسهٔ علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۶، صص ۱۸-۱۹).

هاشمی رفسنجانی دو نامهٔ متفاوت رئیس جمهور و نخست‌وزیر برای معرفی اعضای کابینه به مجلس را قرائت کرد. باتوجه به اختلاف به وجود آمده میان رئیس جمهور و نخست‌وزیر، نمایندگان موافق و مخالف، هریک نظرات خود را مطرح کردند. برخی از نمایندگان از چگونگی ارسال نامه‌های جداگانهٔ متفاوت و نبود وحدت میان بنی صدر و رجایی در معرفی برخی از وزرای کابینه، هم‌چنین رعایت نکردن اصل ۱۳۳ و ۱۳۴ قانون اساسی توسط رئیس جمهور و نخست‌وزیر ناراحت شدند و نظرات خود را مبنی بر رعایت قانون اساسی و معرفی اعضای کابینه مطرح کردند. در خاتمهٔ این جلسه رئیس مجلس هاشمی رفسنجانی از نخست‌وزیر و رئیس جمهور درخواست کرد تا یک فهرست واحد را که به تأیید هر دو نفر رسیده باشد تنظیم کنند و به مجلس ارسال کنند (صورت مشروح مذاکرات جلسهٔ علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۶، صص ۱۸-۳۲).

در زمانی که تنش لفظی میان رئیس جمهور و نخست‌وزیر ادامه داشت نمایندگان مجلس در جلسات ۱۸ و ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ بحث دربارهٔ برنامهٔ دولت و اعضای دولت را آغاز کردند. در جلسات مذکور نخست‌وزیر به دفاع از دولت خویش در برابر اتهامات

بنی صدر پرداخت و نمایندگان موافق و مخالف^۱ نیز درباره برنامه پیشنهادی دولت و وزرای معرفی شده به تفصیل صحبت کردند. مهم ترین محورهای صحبت نمایندگان مخالف کابینه عبارت بود از: برنامه نداشتن نخست وزیر برای کابینه؛ ابهام درباره تعداد وزرا؛ کلی بودن برنامه دولت و نداشتن نظم و انسجام عمومی در طرح آن؛ انتخاب وزیران از یک حزب خاص [حزب جمهوری اسلامی] و انتخاب نکردن وزیران از سایر جناح ها و احزاب سیاسی؛ نامشخص بودن حدود اختیارات وزیران؛ مشکل هماهنگی [مجلس و نخست وزیر] و تفاهم با رئیس جمهور؛ نداشتن برنامه در ادغام نهادهای انقلابی و مکتبی [ادغام کمیته ها در ارتش، ادغام دادگاه های انقلاب در دادگستری و ...] در تحت حاکمیت دولت؛ نداشتن برنامه روشن در امور اقتصادی و قضایی و آموزش عالی. مهم ترین محورهای صحبت نمایندگان موافق کابینه عبارت بود از: برنامه نداشتن نخست وزیر برای کابینه؛ انتخاب وزرای در خط امام، معتقد به ولایت فقیه، دین و انقلاب؛ انتخاب وزرای متخصص و متعهد؛ حمایت از مستضعفان؛ مبارزه با استکبار (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۸، صص ۲۰-۲۹؛ ۱۳۵۹/۶/۱۹، صص ۱۷-۳۲؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۷-۲۰۸).

نمایندگان مجلس پس از شنیدن سخنان نمایندگان موافق و مخالف درباره کاندیداهای پیشنهاد شده، رأی خود را اعلام کردند. در نهایت دولت رجایی با ۱۶۹ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع رسمیت یافت (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۹، صص ۳۸).

۶. موضوع تکمیل کابینه

پس از انتخاب ۱۴ نفر از اعضای کابینه، رجایی تصویب بقیه اعضای کابینه را منوط به نظر بنی صدر اعلام کرد (کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲۲، صص ۳). دولت رجایی در حالی تشکیل شد که برخی از مهم ترین وزارت خانه ها بدون وزیر بودند. رجایی برای تکمیل بقیه اعضای کابینه، طی بازه زمانی ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ تا عزل بنی صدر در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ افرادی را به عنوان وزیر به بنی صدر معرفی کرد که بنی صدر عده ای از آن ها را تأیید و عده ای دیگر را رد کرد. معرفی و انتخاب کم دسر محمد جواد تندگویان برای وزارت نفت، موسی خیر به عنوان وزیر مشاور و سازمان برنامه و بودجه (۵۹/۷/۳)، محمد میر محمد صادقی برای وزارت کار، ابراهیم احدی برای وزارت دادگستری (۵۹/۸/۱۴) و محمد جواد باهنر برای وزارت آموزش و پرورش (۵۹/۹/۴) در حالی انجام شد (مارجا، آن-۳-۲۹۰.ش.س-۱۴؛ مارجا، آن-۳.ش.س-۱۰) که انتخاب حسین کاظم پور اردبیلی و حسین نمازی برای

۱. نمایندگان موافق و مخالف کابینه عبارت بودند از موافقان: محمد جواد شرافت، علی اصغر باغانی، سید حسن آیت، سید علی خامنه ای، و عبدالمجید معادیخواه؛ و مخالفان: رضا رضانی خورشید دوست، محمد محمدی، کاظم سامی، محمد مهدی جعفری، علی گل زاده غفوری.

وزارت‌خانه‌های بازرگانی، و اقتصاد و دارایی (۱۳۵۹/۱۲/۲۰) و نهایتاً میرحسین موسوی برای وزارت امور خارجه - که در نهایت در (۱۳۶۰/۴/۱۴) و بعد از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری وزیر شد- به یکی از موضوعات مورد مناقشه میان نخست‌وزیر و بنی‌صدر تبدیل شده بود (مارچ، آن-۳۲ ش.س-۱۳؛ مارچ، آن-۴-۲۹۰ ش.س-۵).

مخالفت‌های میان بنی‌صدر و رجایی بر سر تعیین وزرای باقی مانده کابینه باعث شد تا نمایندگان مجلس با توجه به شرایط مخاطره‌انگیز جنگ تحمیلی، موضوع گروگان‌گیری و وضعیت نامساعد اقتصادی و سیاسی کشور تکمیل کابینه را خواستار شوند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۳، ص ۲۰). نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به امام که آن را اکبر پرورش نایب‌رئیس در مجلس قرائت کرد از رئیس‌جمهور و رئیس دولت درخواست کردند تا با حفظ وحدت و تفاهم با یکدیگر گفت‌وگو کنند و در تکمیل کابینه بکوشند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۴، ص ۲۰).

طبیعی بود میان رئیس‌جمهور و اکثریت مجلس که به‌طور جدی با اندیشه و دیدگاه‌های یکدیگر اختلاف داشتند هماهنگی در انتخاب وزرا به‌وجود نیاید. پس از معرفی افراد پیشنهادی کابینه به مجلس، نمایندگان موافق و مخالف از جناح اکثریت و اقلیت نظرات خود را درباره آن‌ها مطرح می‌کردند. نمایندگان مخالف، محمد میرمحمدصادقی (وزیر پیشنهادی کار)، و ابراهیم احدی (وزیر پیشنهادی دادگستری) را افرادی فاقد برنامه و شایستگی و سابقه مدیریتی در حوزه تخصصی مربوطه می‌دانستند. موافقان نیز این دو را افرادی مکتبی و انقلابی و کاردان می‌دانستند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱۴، صص ۲۱-۲۸). هم‌چنین نمایندگان مخالف، محمدجواد باهنر (وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش) را فردی فاقد برنامه و از نظر قدرت اجرایی و مدیریت در حوزه این وزارت‌خانه ضعیف مطرح می‌کردند. نمایندگان موافق، باهنر را فردی متخصص و تحصیل‌کرده دانشگاه و حوزه و با سابقه اجرایی و مدیریتی در آموزش و پرورش می‌دانستند. رجایی نیز در تأیید توان مدیریتی و تخصصی باهنر خود را شاگرد باهنر در دوران وزارتش [وزرات رجایی در آموزش و پرورش] در آموزش و پرورش معرفی کرد. پس از ابراز نظرات نمایندگان موافق و مخالف، نمایندگان مجلس به وزرای پیشنهاد شده که از لحاظ فکری و اندیشه‌ای با آن‌ها هم‌سو بودند با اکثریت آراء رأی اعتماد دادند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۹/۴، صص ۲۲-۲۸).

باتوجه به طولانی‌شدن معرفی سه وزیر مهم دیگر، برخی از نمایندگان مجلس طی نطق‌های پیش از دستور، فقدان وزیران امور خارجه، بازرگانی و اقتصاد و دارایی را ضربه‌ای



به روابط خارجی، تجارت و اقتصاد کشور مطرح کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۹، ص ۱۸؛ ۱۳۵۹/۱۱/۶، ص ۱۹). آن‌ها با توجه به وضعیت جنگی کشور معرفی هر چه سریع‌تر وزیر خارجه را برای دفاع از جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی و خنثی کردن تبلیغات رژیم عراق در جهان خواستار بودند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۱۰، ص ۱۸؛ ۱۳۵۹/۱۱/۱۸، ص ۱۹). آن‌ها از رجایی و بنی صدر درخواست داشتند که «هر چه سریع‌تر بر سر انتخاب وزیر امور خارجه به توافق برسند» و سیاست خارجی کشور را در شرایط حساس جنگ بدون مسئول نگذارند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۷/۳۰، ص ۱۹؛ ۱۳۵۹/۸/۴، ص ۱۸).

تأییدنشدن چند تن از وزرای پیشنهادی توسط بنی صدر، باعث شد تا رجایی برای برخی از وزارت‌خانه‌ها (امور اقتصادی و دارایی، و بازرگانی) معاون وزیر و سرپرست تعیین کند. بنی صدر در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۵۹ در نامه‌ای به رجایی ضمن اعتراض به این اقدام نخست‌وزیر تصریح کرد: «انتصابات هر وزارت‌خانه منحصر از اختیارات قانونی وزیر مسئول آن است و چون شما وزیر مسئول وزارت‌خانه‌های بی‌وزیر نیستید، انتصابات شما مخالف قانون و بی‌اعتبار است» (مارجا، آن-۲-ش.س-۲۹۰). هم‌چنین پس از انتصاب مدیرعامل جدید بانک ملی ایران از سوی نخست‌وزیر، بنی صدر این اقدام رجایی را غیرقانونی اعلام کرد (مارجا، آن-۳-ش.س-۲۷). رجایی در پاسخ به این نامه بنی صدر با تأکید بر اصل ۱۴۱ قانون اساسی مبنی بر تصدی وزارت‌خانه‌های بدون وزیر توسط نخست‌وزیر نوشت: «اولاً، تعیین معاون از طرف نخست‌وزیر در کدام قانون منع شده است؟ ثانیاً، طی نامه‌ای که شخصاً نوشته‌اید، در وزارت‌خانه‌های بدون وزیر به نخست‌وزیر اجازه امضا داده‌اید؛ اگر قانونی است؟! که شما نوشته و ابلاغ کرده‌اید و اگر خلاف قانون است؟! به خود جناب عالی مربوط می‌شود» (مارجا، آن-۲-ش.س-۲۹۰). لازم به ذکر است که بنی صدر با تصدی نخست‌وزیر در انتخاب معاون وزیر و سرپرست در برخی از وزارت‌خانه‌ها توافق نکرده بود. او طی نامه‌ای تنها «در حد امضای نامه و راه‌انداختن امور جاری و نه بیشتر، با تصدی رجایی موافقت کرده بود» (بنی صدر، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶).

نمایندگان مجلس با استناد به ماده ۱۸۱ آیین‌نامه داخلی مجلس^۲ و اصل ۱۳۳ قانون اساسی طی نامه‌ای به مورخه ۱۳۵۹/۸/۱۲ از ریاست مجلس درخواست کردند تا نخست‌وزیر برای پاسخ به سؤال علل تأخیر در معرفی وزرای باقی‌مانده کابینه، در مجلس حضور یابد (آشنایی با مجلس شورای اسلامی به‌ضمیمه کارنامه سال اول مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۴۷). به دنبال سؤال نمایندگان مجلس، رجایی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲

۱. به نامه بنی صدر به رجایی در ۱ آبان ۱۳۵۹، اشاره دارد.

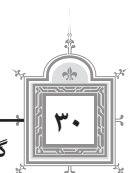
۲. ماده ۱۸۱: هیئت وزراء باید در ظرف مدت ده روز از طرف نخست‌وزیر به مجلس معرفی بشوند.



با شرکت در جلسه علنی مجلس موضوعاتی را مطرح کرد. او با توضیح این که انتخابش به نخست‌وزیری با رضایت کامل رئیس‌جمهور نبوده‌است، به تشریح اقدامات خود برای انتخاب وزرای باقی‌مانده پرداخت. او در ادامه سخنانش افزود که برای سه وزارت‌خانه باقی‌مانده بیش از ده نفر را معرفی کرده‌است که با مخالفت رئیس‌جمهور روبه‌رو شده‌اند. رجایی هم چنین به دخالت «هیئت ویژه تشخیص صلاحیت نخست‌وزیر و وزرا» برای حل این موضوع و درعین حال شکست در این موضوع اشاره کرد و تشکیل جلسه‌ای غیرعلنی در مجلس و حضور رئیس‌جمهور در این جلسه را برای بیان دلایل مخالفت خود با وزرای پیشنهادی خواستار شد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۲، صص ۲۴-۲۵).

در این میان تأکیدات امام خمینی و هم‌چنین تلاش برخی از نمایندگان برای ایجاد تفاهم میان بنی‌صدر و رجایی نیز مؤثر واقع نشد (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴، صص ۱۹۰-۱۹۱؛ صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۱/۵، صص ۱۷-۱۸).

در نهایت با ادامه بلا تکلیفی چندین وزارت‌خانه، جمعی از نمایندگان مجلس طرح تصدی سرپرستی وزارت‌خانه‌های بدون وزیر به وسیله نخست‌وزیر را با قید دوفوریت تقدیم مجلس کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۶، ص ۲۸). با مطرح شدن طرح تصدی سرپرستی وزارت‌خانه‌های بدون وزیر، بنی‌صدر در ۱۳۵۹/۱۲/۷ طی نامه‌ای به امام خمینی و شورای نگهبان با مطرح کردن اصول ۱۳۳، ۱۳۶، و ۱۳۷ قانون اساسی مبنی بر تصویب وزیر توسط رئیس‌جمهور، این طرح نمایندگان مجلس را برخلاف قانون اساسی و به‌منزله حذف اختیارات رئیس‌جمهور و دارای عواقبی بس خطرناک برای کشور عنوان کرد (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۹، ص ۱؛ بنی‌صدر، ۱۳۸۴، صص ۱۵۳-۱۵۷). بنی‌صدر در این نامه تهدید کرد که اگر این طرح تصویب شود: «۱. این جانب این دولت را یاغی تلقی خواهم کرد و با تمام قوا برضد آن عمل خواهم کرد. از این حرکت بوی تند و ابستگی و استبداد می‌آید. ۲. در هیچ جلسه‌ای که اعضای این دولت حاضر شوند، حاضر نمی‌شوم... ۳. پیشنهاد می‌کنم، پیش از آن که کار از کار بگذرد و به جایی برسیم که از به میدان آمدن مردم نیز کاری ساخته نشود، کار را به مردم بگذاریم تا در یک نظرخواهی عمومی اظهار نظر کنند... تصویب این طرح کار را به جای خطرناکی می‌کشد که عواقب آن را خدا می‌داند و بس» (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴). نمایندگان مجلس با توجه به تنش‌های به‌وجود آمده، از رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر درخواست کردند تا ظرف مدت یک هفته سه وزیر باقی‌مانده را به مجلس معرفی کنند یا



در غیر این صورت به مجلس بیایند و دلایل خود را در جلسه‌ای غیر علنی مطرح کنند تا نمایندگان پس از بررسی اعلام کنند که آیا رئیس‌جمهور بهانه‌گیری می‌کند یا این که افرادی که از طرف نخست‌وزیر معرفی می‌شوند از صلاحیت کافی برخوردار نیستند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۰، صص ۲۹-۳۱). سرانجام گروهی از مسئولان کشور (بنی صدر، رجایی، بهشتی، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی) پس از برگزاری جلسه‌ای در منزل موسوی اردبیلی، درباره نقرات پیشنهاد شده برای وزارت‌خانه‌های اقتصاد و دارایی، و بازرگانی به توافقاتی رسیدند؛ ولی درباره وزارت امور خارجه وضعیت همچنان نامشخص باقی ماند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹؛ انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۳، صص ۱-۲). این جلسه و تفاهمات حاصل شده امیدواری‌هایی را برای حل مشکل به وجود آورده بود؛ ولی سخنرانی روز ۱۴ اسفند بنی صدر و اتفاقات به وجود آمده پس از آن باعث تنش مجدد میان دو طرف شد.

۷. روند برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری

بنی صدر در ۱۴ اسفند به مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق در دانشگاه تهران سخنرانی کرد. در این سخنرانی جریان‌های طرفدار و مخالف رئیس‌جمهور با سردادن شعارهایی علیه یکدیگر باهم درگیر شدند که در این میان عده‌ای مجروح شدند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۶، ص ۱؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۶، ص ۱). درگیری ۱۴ اسفند و حوادث و رخداد‌های پس از آن میان بنی صدر و اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی) جدایی انداخت و عزم جریان مذهبی را برای پایان دادن به حضور بنی صدر در قدرت جزم کرد. پس از این سخنرانی، نمایندگان مجلس و برخی از شخصیت‌های سیاسی نظام خواستار روشن شدن ماجرا، مجازات عاملان، و حتی استیضاح رئیس‌جمهور شدند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۷، صص ۱۹-۲۳؛ اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۹۴).

۱.۷. طرح تصدی سرپرست برای وزارت‌خانه‌های بدون وزیر به وسیله نخست‌وزیر

در ۲۰ اسفند ۱۳۵۹ جمعی از نمایندگان مجلس با تأکید بر اصول قانون اساسی و هم‌چنین نبود تفاهم بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در تعیین و معرفی سه وزیر باقی مانده هیئت دولت، و تشدید مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور به علت بروز جنگ، طرح «تصدی سرپرستی وزارت‌خانه‌های بدون وزیر به وسیله نخست‌وزیر» را با اکثریت آرا تصویب کردند و نخست‌وزیر را موظف کردند: «بنابه ضرورت‌های حاد موجود و شرایط



حساس کشور تا تعیین وزرای خارجه، بازرگانی، و اقتصاد و دارائی تصدی آن وزارت خانه‌ها را برعهده بگیرد.» نمایندگان مخالف این طرح را مغایر با اصل ۱۳۳ قانون اساسی بیان کردند و در زمان رأی گیری با خارج شدن از صحن علنی اعتراض خود را اعلام کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۰، صص ۲۷-۲۹). آن‌ها طی بیانیه‌ای تصویب این طرح را با هدف انحصارطلبی توسط حزبی واحد (جمهوری اسلامی)، استقرار دیکتاتوری، از بین بردن اختیارات رئیس جمهور و به دست گرفتن قدرت توسط جناح رقیب عنوان کردند (انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۱، ص ۹).

نمایندگان موافق طرح، تفسیر قانون اساسی را برعهده شورای نگهبان دانستند. شورای نگهبان نیز طرح را با قانون اساسی مغایر ندانست و آن را تأیید کرد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۰، صص ۲۹-۳۱). پس از تصویب این طرح، بنی صدر به مخالفت با آن برخاست. او تصویب این طرح توسط عده‌ای از نمایندگان وابسته به حزبی خاص (حزب جمهوری اسلامی) را با هدف انحصارطلبی در قدرت، سلب اختیارات خود (رئیس جمهور) و در مخالفت آشکار با قانون اساسی عنوان کرد (انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰/۱/۱۱، صص ۵-۶). پس از تصویب این طرح، رجایی به ترتیب آقایان حسین نمازی و حسین کاظم پور اردبیلی را برای وزارت خانه‌های اقتصاد و دارائی، و بازرگانی به مجلس معرفی کرد. او این دو وزیر را افرادی متعهد، مدیر و با تحصیلات تخصصی مرتبط با وزارت خانه‌های مذکور معرفی کرد. نمایندگان موافق نیز وزرای پیشنهادی را افرادی متعهد، کاردان، مدیر و توانا دانستند و به تأیید آن‌ها پرداختند. نمایندگان مخالف صرف داشتن تنها مدرک تحصیلی را برای وزارت خانه‌های مذکور کافی نمی‌دانستند و داشتن سابقه مدیریت اجرایی و توانایی در انجام کار را مطرح می‌کردند. سرانجام مجلس به وزیران پیشنهاد شده رأی اعتماد داد (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۲۰، صص ۳۲-۳۵). نمایندگان مجلس پس از دادن رأی اعتماد به وزرای کابینه، به تدریج با تصویب طرح‌هایی در مجلس زمینه برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری را فراهم کردند.

۲.۷. لایحه یک فوریتی حذف فرمان همایونی

نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳۰ کلیات لایحه یک فوریتی حذف فرمان همایونی را تصویب کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۲/۳۰، ص ۲۵). درباره این لایحه لازم به توضیح است که در زمان حکومت پهلوی، محمدرضا شاه عزل و نصب بسیاری از مقامات مملکتی را تحت عنوان تنفیذ احکام



به وسیله «فرمان همایونی» با تصویب مجلس آن زمان انجام می‌داد. پس از پیروزی انقلاب طبق مصوبه شورای انقلاب تمام این اختیارات به رئیس‌جمهور واگذار شد (مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹، ص ۳۲۹). هنگامی که دولت رجایی با رئیس‌جمهور اختلاف پیدا کرد، اکثریت نمایندگان مجلس نیز در حمایت از دولت لایحه مذکور را به تصویب رساندند. در این لایحه اختیارات فرمان همایونی از رئیس‌جمهور گرفته شد و به دولت محول شد. تصویب این لایحه مخالفت نمایندگان هم‌سو با رئیس‌جمهور را به همراه داشت. نمایندگان مخالف این طرح را به منزله تحدید اختیارات رئیس‌جمهور، حذف رئیس‌جمهور، تسویه حساب سیاسی جناح رقیب و مطلق‌العنان کردن نخست‌وزیر اعلام می‌کردند. نمایندگان موافق این طرح را در راستای هماهنگی بین دولت با سازمان‌های دولتی (بانک مرکزی، هلال احمر، سازمان تربیت بدنی و...) و پاسخگو کردن آن‌ها به دولت و مجلس عنوان می‌کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۲/۲۴، ص ۲۳؛ ۱۳۶۰/۲/۳۰، صص ۲۰-۲۵). پس از تصویب این لایحه رئیس‌کل بانک مرکزی و قائم‌مقام او به پیشنهاد وزیر امور اقتصاد و دارایی و تصویب هیئت دولت تعیین می‌شد؛ سرپرست هلال احمر با پیشنهاد وزیر بهداشت و تأیید صلاحیت کمیسیون بهداشتی مجلس تعیین می‌شد؛ و استانداران با پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیئت دولت تعیین می‌شدند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۲/۳۱، ص ۲۲).

بنی‌صدر پس از تصویب شدن این طرح، در نامه‌ای به امام‌خیمینی در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۶، تضعیف تدریجی خود را برنامه‌ای از پیش طراحی شده برای حذف خود از مقام ریاست‌جمهوری خواند و برای آن واژه «کودتای خزنده» را به کار برد (بنی‌صدر، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

۳.۷. طرح دوفوریتی تعیین مهلت قانونی برای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی

یکی دیگر از اقدامات مجلس تصویب طرح دوفوریتی تعیین مهلت قانونی برای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی^۱ بود (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۲۰، ص ۱۷). به دلیل اختلاف میان رئیس‌جمهور و اکثریت نمایندگان مجلس، بنی‌صدر برخی از مصوبات مجلس را امضاء نمی‌کرد. نمایندگان مجلس با عرضه طرحی رئیس‌جمهور را ملزم کردند تا مصوبات مجلس را امضاء کند. طرح مذکور عبارت بود از: «چنانچه در اجرای اصل ۱۲۳ و اصل ۹۴ قانون اساسی، رئیس‌جمهور حداکثر تا پنج روز از تاریخ ابلاغ مصوبه مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را امضاء ننموده و برای اجرا به

۱. اصل ۱۲۳: «رئیس‌جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.»



مسئولان ابلاغ ننماید، نخست‌وزیر موظف است مصوبات مجلس را جهت اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.»

نمایندگان موافق علت مطرح کردن این طرح را مشخص نبودن مهلت امضای مصوبات، و اجرانکردن آن‌ها توسط رئیس‌جمهور اعلام کردند. نمایندگان قانون مصوب مجلس را پس از تأیید شورای نگهبان (اصل ۹۴) لازم‌الاجرا می‌دانستند و امضای رئیس‌جمهور را تنها به‌منزله ابلاغ و اجرای آن توسط دولت می‌دانستند. آن‌ها خواستار آن بودند که در صورت امضاشدن مصوبات مجلس توسط رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر این مصوبات را به دولت ابلاغ و اجرا کند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۱۹، صص ۱۲-۱۴).

نمایندگان مخالف طرح مذکور، اجرای آن را توسط نخست‌وزیر بدون امضاء و ابلاغ رئیس‌جمهور، با اصل ۱۲۳ مغایر می‌دانستند. آن‌ها مشخص شدن مدت‌زمانی بیشتر از پنج روز برای امضای مصوبات مجلس توسط رئیس‌جمهور و هم‌چنین واگذار نکردن این اختیار به نخست‌وزیر را خواستار بودند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۱۹، ص ۱۲؛ ۱۳۶۰/۳/۲۰، صص ۴-۶). سرانجام پس از دو جلسه بحث میان نمایندگان موافق و مخالف، مجلس طرحی را با این محتوا تصویب کرد: «چنانچه رئیس‌جمهور مصوبات مجلس شورای اسلامی و یا نتیجه همه‌پرسی را پس از ابلاغ به وی امضاء نکند، مصوبه و نتیجه همه‌پرسی پس از پنج روز از تاریخ ابلاغ به رئیس‌جمهور لازم‌الاجراء است» (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۲۰، ص ۱۵).

پس از تصویب این طرح، بنی‌صدر طی پیامی به مردم در ۱۳۶۰/۳/۲۲ تصویب این طرح را به‌منزله حذف اختیارات ریاست‌جمهوری، مخالف قانون اساسی و از بین بردن استقلال و آزادی و جمهوری عنوان کرد (بنی‌صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹).

۴.۷. طرح دوفوریتی عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر برای ریاست‌جمهوری

با شدت یافتن درگیری‌ها و تهدیدات لفظی میان بنی‌صدر و نمایندگان مجلس، بنابه حکم اسدالله لاجوردی دادستان کل انقلاب تهران نشریات: «انقلاب اسلامی»، «جبهه ملی»، «میزان»، «آرمان ملت»، «نامه مردم»، و «عدالت» توقیف شدند (اطلاعات، ۱۳۶۰/۳/۱۸، صص ۱-۲). پس از توقیف روزنامه انقلاب اسلامی، بنی‌صدر طی اطلاعیه‌ای این حرکت را به معنای حذف ریاست‌جمهوری توسط غول استبداد و تحمیل حاکمیت انحصاری توسط امام، سایر ارکان نظام و حزب جمهوری اسلامی عنوان کرد (بنی‌صدر، ۱۳۸۴،



صص ۲۴۲-۲۴۳). امام خمینی در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۰ بنی صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کرد (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۲۰). بنی صدر در واکنش به عزل خویش طی نامه‌ای به امام، ایشان را به پایبندی در اجرای قانون اساسی، احترام به آرای مردم در انتخاب رئیس‌جمهور و خودداری از زبان تهدید توصیه کرد (بنی صدر، ۱۳۸۴، صص ۲۴۵-۲۴۶). پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، نمایندگان مجلس طرح دوفوریتی عدم کفایت سیاسی بنی صدر را در مجلس تصویب کردند (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۶، ص ۲۰). پس از تصویب دوفوریت طرح مذکور عده‌ای از نمایندگان مخالف و موافق طرح طی دو جلسه در مجلس سخنرانی کردند. نمایندگان مخالف طرح سخنان زیر را مطرح کردند:

ایجاد جو هیجان در مجلس و جامعه علیه رئیس‌جمهور و نبود امکان برای رئیس‌جمهور برای دفاع از خودش؛ فشار تبلیغاتی، رسانه‌ای و مطبوعاتی علیه رئیس‌جمهور و هم‌چنین دستگیری همکاران و توقیف روزنامه ایشان توسط مخالفان؛ تحمل نکردن رئیس‌جمهور توسط مخالفان؛ تحمیل نخست‌وزیری رجایی توسط مجلس بر شخص رئیس‌جمهور؛ سنگ‌اندازی و مخالفت جریان حاکم در قدرت با برنامه‌های بنی صدر به علت اختلافات عقیده‌ای و اندیشه‌ای؛ قبضه کردن قدرت توسط یک جریان تک‌حزبی خاص (حزب جمهوری اسلامی) و حذف رئیس‌جمهور (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۳/۳۰، صص ۱۷-۳۰؛ ۱۳۶۰/۳/۳۱، صص ۱۴-۴۰). در مجموع از سخنان مخالفان طرح چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آن‌ها دلیل طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر را در اختلافات شخصی و قدرت‌طلبی گروه مخالف رئیس‌جمهور می‌دانستند.

نمایندگان موافق طرح نیز مهم‌ترین دلایل خود را برای طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور موارد زیر بیان کردند: مخالفت با اسلام فقاهتی به منظور نابودی ولایت فقیه؛ مخالفت با امام؛ اهانت به شورای نگهبان، شورای عالی قضایی، کابینه و شخص رئیس‌جمهور؛ امضا نکردن لوایح و طرح‌های مصوبه مجلس؛ مخالفت با سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و دیگر نهادهای قانونی و انقلابی؛ تهییج روزنامه انقلاب اسلامی در دامن زدن به مطالب تفرقه‌آمیز؛ مطرح کردن نبود قانون در دولت و وجود شکنجه و نبود آزادی در کشور؛ به‌کارگیری عناصر بدسابقه به‌عنوان مشاوران نزدیک و یاران رئیس‌جمهور؛ افشای اسرار اقتصادی؛ ارسال نکردن نیرو و تجهیزات به جبهه‌های جنگ و همکاری نکردن با دولت در این زمینه؛ تلاش برای رسیدن به قدرت مطلقه از طریق مخالفت با مجلس و شورای عالی قضایی.

سرانجام پس از آن‌که نمایندگان نظرات خود را درباره کفایت یا عدم کفایت بنی صدر مطرح کردند، این طرح به رأی گذاشته شد و با کسب ۱۷۷ رأی موافق، ۱۲ رأی ممتنع

و ۱ رأی مخالف، در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از تصویب طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس، امام خمینی نیز در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱ بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کرد و دوره ریاست جمهوری بنی صدر به پایان رسید (صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس اول شورای اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۳۱، ص ۴۳؛ صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۸۰).

نتیجه‌گیری

فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ یکی از مهم‌ترین برهه‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ چون در این دوره تعیین نوع حکومت، تشکیل مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تدوین قانون اساسی به وسیله آن مجلس، انتخاب اولین رئیس جمهور، تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی، انتخاب نخست‌وزیر، تشکیل اولین دولت دائمی و سایر رخدادهای دیگر اتفاق افتاد.

پس از تصویب قانون اساسی لازمه اجرای آن ایجاد نهادهای سیاسی بود؛ این کار با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورا انجام شد. در انتخابات ریاست جمهوری، بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور ایران برگزیده شد. پس از انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورا با رقابت جریان‌های سیاسی (ملی، مذهبی، و چپ) برگزار شد که در این رقابت حزب جمهوری اسلامی بیشتر کرسی‌های مجلس را به دست آورد. با رسمیت یافتن مجلس نوبت به انتخاب نخست‌وزیر و اعضای کابینه رسید. اولین چالش جدی میان بنی صدر و مجلس، در انتخاب نخست‌وزیر به وجود آمد. بنی صدر در انتخاب نخست‌وزیر در مقابل مجلسی قرار داشت که اکثریت آن در نوع معیارهای نخست‌وزیر با او هم‌فکر نبودند. علت تقابل و اختلاف بنی صدر و مجلس در انتخاب نخست‌وزیر و اختلاف بین رئیس جمهور و نخست‌وزیر در انتخاب هیئت وزیران به اختلافات فکری (سیاسی و عقیدتی) میان دو طرف و نواقص حقوقی در نحوه توزیع قدرت در قانون اساسی بازمی‌گشت.

بنی صدر و اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی) بینش و تفکر سیاسی و عقیدتی یکدیگر را قبول نداشتند و هر کدام معیارهای خاصی را برای انتخاب نخست‌وزیر مدنظر خویش قائل بودند. اکثریت نمایندگان مجلس (نمایندگان حزب جمهوری اسلامی) به عنوان جناح مخالف بنی صدر، اولویت را در انتخاب نخست‌وزیر به تعهد می‌دادند و تخصص را در درجه بعدی مدنظر داشتند. بنی صدر اساساً تعهد و تخصص را جدا از یکدیگر نمی‌دانست و معتقد بود فردی باید نخست‌وزیر شود که ترکیبی از آن دو را باهم



داشته باشد. تمایل نداشتن مجلس و رئیس جمهور به کاندیداهای معرفی شده یکدیگر برای نخست‌وزیری، باعث شد تا هیئتی به نمایندگی از رئیس جمهور و مجلس، اشخاصی را معرفی کنند که مدنظر دو طرف باشد. سرانجام پس از بحث‌های فراوان، بنی صدر برخلاف میل باطنی خود با پیشنهاد نخست‌وزیری محمدعلی رجایی موافقت کرد.

پس از انتخاب نخست‌وزیر، اختلافات اندیشه‌ای میان بنی صدر و رجایی و نمایندگان هم‌سو با آن‌ها در مجلس از یکسو و ابهامات موجود در قانون اساسی در تبیین وظایف، اختیارات و توزیع قدرت میان دو طرف ازسوی دیگر به چالشی جدی در انتخاب وزیران کابینه منجر شد. بنی صدر همانند انتخاب نخست‌وزیر معتقد بود فردی باید به‌عنوان وزیر انتخاب شود که ترکیبی از تخصص و تعهد را باهم داشته باشد. او به دنبال انتخاب افرادی مدیر، متخصص و تشکیل کابینه‌ای مختلط بدون وابستگی به حزبی خاص بود. نخست‌وزیر و اکثریت نمایندگان مجلس (حزب جمهوری اسلامی) خواستار تشکیل کابینه‌ای یکدست از افراد مکتبی، انقلابی و هم‌فکر با دیدگاه‌های خویش بودند. بنی صدر به‌علت مشورت نکردن نخست‌وزیر با او در انتخاب وزرا، انتخاب این افراد صرفاً از نهادهای انقلابی و حزب جمهوری و همچنین ناتوانی و ناکارآمدی این وزرا با برخی از وزرای پیشنهادی موافقت نکرد.

وجود نواقص و ابهامات در قانون اساسی از دیگر موارد اختلافی میان رئیس جمهور، نخست‌وزیر و مجلس بود. بر مبنای اصول قانون اساسی وظایف و اختیارات هر کدام از دو طرف به‌صورت دقیق تعریف و تبیین نشده بود و این نارسایی به بروز اختلاف میان دو طرف در تفسیر قانون اساسی و در نتیجه تداخل در امور منجر شده بود. بنابر اصل ۱۳۳ وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور معین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شدند؛ ولی طبق اصل ۱۳۴ نخست‌وزیر ریاست هیئت وزیران را برعهده داشت و با همکاری وزیران، برنامه و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کرد و در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران بود. این موضوع با اصل ۱۱۳ که در آن به رئیس جمهور مسئولیت‌های مهمی واگذار شده بود مغایرت داشت. طبق این اصل که ابهامات بسیاری برای سایر قوا به‌وجود آورده بود، تقریباً تمام امور کشور به‌جز اموری که به رهبری مربوط می‌شد به رئیس جمهور ارتباط پیدا می‌کرد.

طبق اصل ۱۳۶ عزل و نصب وزیر با پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور بود؛ ولی در عمل اگر وزرا با رئیس جمهور یا نخست‌وزیر ناهماهنگ بودند، دو طرف نمی‌توانستند بدون توافق با یکدیگر برای عزل آن‌ها اقدامی انجام دهند. در مجموع این نواقص حقوقی توزیع قدرت در قانون اساسی باعث بروز اختلاف میان دو طرف شده بود

و هر کدام خود را طبق اختیارات معین شده در قانون محق می دانستند. سرانجام گسترش اختلافات اندیشه‌ای و حقوقی میان بنی صدر با نخست‌وزیر و نمایندگان مخالف رئیس‌جمهور به تصویب لایحه و طرح‌هایی در مجلس منجر شد. تصویب لایحه حذف فرمان همایونی، و تصویب طرح‌های تصدی سرپرستی وزارت خانه‌های بدون وزیر به وسیله نخست‌وزیر، تعیین مهلت قانونی برای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی و طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر برای ریاست‌جمهوری باعث پایان دوره ریاست‌جمهوری او شد.

منبع

اسناد

مرکز اسناد ریاست‌جمهوری اسلامی ایران (مارجا): آن-۳ش.س-۴؛ آ.و-۱-۲؛ آن-۳-۲۹۰ش.س-۱؛ آ.و-۱-۴؛ آن-۲ش.س-۳؛ آ.و-۱-۸؛ آن-۳-۲۹۰ش.س-۱۴؛ آن-۳ش.س-۱۰؛ آن-۳۲ش.س-۱۳؛ آن-۴-۲۹۰ش.س-۵؛ آن-۲ش.س-۲۹۰؛ آن-۳ش.س-۷۲.

کتاب

آشنایی با مجلس شورای اسلامی به‌ضمیمه کارنامه سال اول مجلس. (۱۳۶۰). تهران: مجلس شورای اسلامی.

آشوری، داریوش. (۱۳۹۱). *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*. تهران: مروارید.

اسماعیلی، خیرالله. (۱۳۸۶). *حزب جمهوری اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

بازرگان، عبدالعلی. (۱۳۶۱). *مسائل و مشکلات نخستین سال انقلاب از زبان رئیس دولت موقت*. تهران: نهضت آزادی ایران.

بازرگان، مهدی. (۱۳۷۵). *شصت سال خدمت و مقاومت*. (ج ۱). تهران: رسا.

بازرگان، مهدی. (۱۳۶۳). *انقلاب ایران در دو حرکت*. تهران: نهضت آزادی ایران.

برزین، سعید. (۱۳۷۳). *زندگی‌نامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان*. تهران: نشر مرکز.

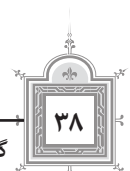
بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۸۰). *درس تجربه: خاطرات ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس‌جمهوری ایران*.

(حمید احمدی، کوشش‌گر). برلین: انقلاب اسلامی.

بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۶۱). *خیانت به امید*. بی‌جا: بی‌نا.

بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۹). *روزها بر رئیس‌جمهور چگونه می‌گذرد*. (ج ۲). تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۸). *بیانیه جمهوری اسلامی*. تهران: امام.



- بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۸ ب). *کار و کارگر در اسلام*. تهران: پیام آزادی.
- بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۷). *اقتصاد توحیدی*. تهران: حجر.
- بنی صدر، ابوالحسن. (۱۳۵۴). *اصول پایه و ضابطه‌های حکومت اسلامی*. بی‌جا: بی‌نا.
- بنی صدر، فیروزه. (۱۳۸۴). *نامه‌ها از آقای بنی صدر به آقای خمینی و دیگران*. پاریس: بی‌نا.
- جبهه ملی به روایت اسناد ساواک*. (۱۳۷۹). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۹). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: دانشگاه مفید.
- خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. (ج ۱۳ و ج ۱۴). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خواججه‌سروی، غلامرضا. (۱۳۸۲). *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زیباکلام، صادق. (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*. تهران: روزنه.
- سرابندی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، جلد ۲: از خرداد تا اسفند ۱۳۵۹*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سیر مبارزاتی امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک*. (ج ۶). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صابری فومنی، کیومرث. (۱۳۶۰). *چگونگی انتخاب اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و مکاتبات شهید رجایی با بنی صدر*. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات روابط عمومی نخست‌وزیری.
- صفار هرندی، مرتضی. (۱۳۹۰). *رازهای دهه شصت*. تهران: کیهان.
- غانله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹: ظهور و سقوط ضدانقلاب*. (۱۳۶۴). تهران: انتشارات دادگستری جمهوری اسلامی ایران.
- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۷۳). *زوایای تاریک*. تهران: حدیث.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۷). *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*. (ج ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی؛ منضم به اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ که در اصلاحیه جدید تغییر یافته است*. (۱۳۶۸). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- متین، افشین. (۱۳۷۸). *کنفدراسیون تاریخ جنبش‌های دانشجویی ایران در خارج از کشور*. (ارسطو آذری، مترجم). تهران: شیرازه.
- مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۵۹). تهران: اداره کل تنقیح و تدوین قوانین و مقررات مجلس.
- مدنی، جلال‌الدین. (۱۳۶۹). *حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران*. (ج ۳). تهران: سروش.
- مظفر، محمدجواد. (۱۳۷۸). *اولین رئیس‌جمهور: پنج گفت‌وگو درباره اولین انتخابات ریاست جمهوری*

ایران دی ماه ۱۳۵۸، جلال‌الدین فارسی... تهران: انتشارات کویر.
مظفری، آیت. (۱۳۹۴). *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. قم: زمزم هدایت.
مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *خاطرت آیت‌الله مهدوی کنی*. (غلام‌رضا خواجه‌سروی، کوشش‌گر).
تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۴). *کارنامه و خاطرات سال ۱۳۵۹: انقلاب در بحران*. تهران: نشر معارف
انقلاب.
یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران. (۱۳۶۲). بی‌جا: بی‌نا.

صورت مذاکرات مجلس

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی:

۱۳۵۹/۳/۱۹؛ ۱۳۵۹/۳/۲۶؛ ۱۳۵۹/۳/۳۱؛ ۱۳۵۹/۵/۱؛ ۱۳۵۹/۵/۵؛ ۱۳۵۹/۵/۱۹؛ ۱۳۵۹/۵/۲۰؛ ۱۳۵۹/۶/۱۱؛
۱۳۵۹/۶/۱۶؛ ۱۳۵۹/۶/۱۸؛ ۱۳۵۹/۶/۱۹؛ ۱۳۵۹/۷/۱۰؛ ۱۳۵۹/۷/۳۰؛ ۱۳۵۹/۸/۴؛ ۱۳۵۹/۸/۴
۱۳۵۹/۸/۱۴؛ ۱۳۵۹/۹/۴؛ ۱۳۵۹/۱۰/۲؛ ۱۳۵۹/۱۰/۹؛ ۱۳۵۹/۱۱/۵؛ ۱۳۵۹/۱۲/۶؛ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰؛
۱۳۵۹/۱۲/۱۷؛ ۱۳۵۹/۱۲/۲۰؛ ۱۳۵۹/۱۲/۲۴؛ ۱۳۶۰/۲/۳۱؛ ۱۳۶۰/۳/۲۰؛ ۱۳۶۰/۳/۳۰.

مصاحبه

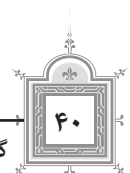
مصاحبه سیدمیلاد ناظمی با سیدمصطفی میرسلیم، سایت فرادید، ۱۳۹۷/۱/۱۲.
مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شبکه مجازی آستان، ۱۳۹۴/۱/۳۱.
مصاحبه با علی‌اکبر معین‌فر، هفته‌نامه تجارت فردا، ش ۷۴، بهمن ۱۳۹۲.
مصاحبه با محمدجواد مظفر، هفته‌نامه صدا، ش ۱۲۰، تیر ۱۳۹۶.

روزنامه

اطلاعات: ۱۳۶۰/۳/۱۸.

انقلاب اسلامی: ۱۳۵۸/۱۲/۲۲؛ ۱۳۵۹/۱/۱۴؛ ۱۳۵۹/۵/۱؛ ۱۳۵۹/۵/۵؛ ۱۳۵۹/۵/۶؛ ۱۳۵۹/۵/۱۸؛ ۱۳۵۹/۵/۱۹؛
۱۳۵۹/۶/۲۷؛ ۱۳۵۹/۱۲/۹؛ ۱۳۵۹/۱۲/۱۳؛ ۱۳۵۹/۱۲/۱۶؛ ۱۳۵۹/۱۲/۲۱؛ ۱۳۶۰/۱/۱۱.
جمهوری اسلامی: ۱۳۵۹/۴/۳۰؛ ۱۳۵۹/۵/۲؛ ۱۳۵۹/۵/۸؛ ۱۳۵۹/۵/۹؛ ۱۳۵۹/۵/۲۱؛ ۱۳۵۹/۵/۲۳؛ ۱۳۵۹/۶/۳؛
۱۳۵۹/۱۲/۱۶.

کیهان: ۱۳۵۷/۱۲/۲؛ ۱۳۵۹/۵/۱۶؛ ۱۳۵۹/۶/۲؛ ۱۳۵۹/۶/۲۲؛ ۱۳۶۰/۳/۱۳.



English Translation of References

Documents

Markaz-e Asnād-e Riāsat-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Mārjā) (Office of Presidential Documents): [Persian]

Books

Ashouri, Daryoush. (1391/2012). *“Dānešnāme-ye siāsi: Farhang-e estelāhāt va maktab-hā-ye siāsi”* (Persian political dictionary). Tehran: Morvārid. [Persian]

“Āšnāyi bā majles-e šorā-ye eslāmi be zamime-ye kārnām-ye sāl-e avval-e majles” (An introduction to Islamic Parliament of Iran in addition to the report of the first year of the Parliament). (1360/1981). Tehran: Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Islamic Parliament of Iran). [Persian]

“Bā Banisadr” (With Banisadr). (n. d.). Tehran: Daftar-e Tahqiqāt va Entesārāt-e Ravābet-e ‘Omumi-ye Noxošt Vaziri (Prime Ministry Public Relations Office of Research and Publication). [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1380/2001). *“Dars-e tajrobeh: Xāterāt-e Abolhassan-e Banisadr avvalin ra’ees jomhuri-ye Irān”* (The lesson of experience: The memoir of Abolhasan Banisadr, the first president of Iran). Edited by Hamid Ahmadi. Berlin: Enqelāb-e Eslāmi. [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1361/1982). *“Xiānat be omid” (The betrayal of hope)*. (n. p.): n. p. [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1359/1980). *“Ruz-hā bar ra’ees jomhur čegune migozarad”* (How are the days of the President?) (vol. 2). Tehran: Āmuzeš-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Education). [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1358/1979). *“Bayāniye-ye jomhuri-ye eslāmi”* (Statement of the Islamic Republic). Tehran: Emām. [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1358/1980). *“Kār va kārgar dar eslām”* (Labor and laborer in Islam). Tehran: Payām-e Āzādi. [Persian]

Banisadr, Abolhassan. (1357/1979). *“Eqtesād-e towhidi”* (Islamic finance). Tehran: Hajar. [Persian]



- Banisadr, Abolhassan. (1354/1975). *“Osul-e pāyeh va zābete-hā-ye hokumat-e eslāmi”* (The fundamental principles and precepts of Islamic government). (n. p.): n. p. [Persian]
- Banisadr, Firouzeh. (1384/2005). *“Nāme-hā az āqā-ye Banisadr be āqā-ye Xomeini va digarān”* (Letters from Mr. Bani—Sadr to Mr. Khomeini and others). Paris: n. p. [Persian]
- Bazrin, Saeed. (1373/1994). *“Zendegināme-ye siāsi-ye Mohandes Mahdi-ye Bāzargān”* (Bazargan: A political biography). Tehran: Našr-e Markaz. [Persian]
- Bazargan, Abdolali. (1361/1982). *“Masā’el va moškelāt-e noxoštin sāl-e enqelāb az zabān-e ra’ees-e dowlat-e movaqqat”* (The issues and problems of the first year of the revolution from as recounted by the head of the interim government). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Irān (Freedom Movement of Iran). [Persian]
- Bazargan, Mehdi. (1375/1996). *“Šast sāl xedmat va moqāvemāt”* (Sixty years of service and opposition) (vol. 1). Tehran: Rasā. [Persian]
- Bazargan, Mehdi. (1363/1984). *“Enqelāb-e Irān dar do harekat”* (The Iranian revolution in two movements). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Irān (Freedom Movement of Iran). [Persian]
- Esmā’eeli, Kheirollah. (1386/2007). *“Hezb-e jomhuri-ye eslāmi”* (Islamic republican party). Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Farsi, Jalal Al-Din. (1373/1994). *“Zavāyā-ye tārik”* (Dark corners). Tehran: Hadis. [Persian]
- Fozi, Yahya. (1387/2008). *“Tahavvolāt-e siāsi va ejtemā’ee-ye ba’d az Enqelāb-e Eslāmi dar Irān”* (Political and social developments after the Islamic Revolution in Iran) (vol. 1). Tehran: Mo’assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works). [Persian]
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1384/2005). *“Kār-nāme-hā va xāterāt-e sāl-e 1359: Enqelāb dar bohrān”* (Collection of daily memos of Hashemi Rafsanjani). Tehran: Našr-e Ma’āref-e Enqelāb. [Persian]
- Hoseinizadeh, Seyyed Mohammad Ali. (1389/2010). *“Eslām-e siāsi dar Irān”* (Political



- Islam in Iran). Qom: Dānešgāh-e Mofid (Mofid University). [Persian]
- “Jebhe-ye melli be ravayat-e asnād-e Sāvāk”** (National Front, according to SAVAK documents). (1379/2000). Tehran: Markaz-e Barresi-ye Asnād-e Tārixi-ye Vezārat-e Ettelā’āt (The Center of Historical Documents Survey). [Persian]
- Khajeh Sarvi, Gholamreza. (1382/2003). **“Reqābat-e siāsi va sobāt-e siāsi dar Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān”** (Political competition and political stability in the Islamic Republic of Iran). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]
- Khomeini, Seyyed Rouhollah. (1378/1999). **“Sahife-ye emām”** (Sahifeh-ye Imam: An anthology of Imam Khomeini’s Speeches, messages, interviews, decrees, religious permissions, and letters) (vol. 13 & 14). Tehran: Mo’assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works). [Persian]
- Madani, Jalal Al-Din. (1369/1990). **“Hoquq-e asāsi dar Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān”** (*Constitutional law in the Islamic Republic of Iran*) (vol. 3). Tehran: Soruš. [Persian]
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza. (1387/2008). **“Xāterāt-e Āyatollah Mahdavi-ye Kani”** (Memoirs of Ayatollah Mahdavi Kani). Edited by Gholamreza Khajeh Sarvi. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]
- “Majmu’e-ye lavāyeh-e qānuni-ye mosavvab-e šorā-ye enqelāb-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān”** (Collection of legal bills approved by the Council of the Islamic Revolution of the Islamic Republic of Iran). (1359/1980). Tehran: Edāre-ye Koll-e Tanqih va Tadvin-e Qavānin va Moqarrarāt-e Majles (General Directorate of Revision and Development of Parliamentary Laws and Regulations). [Persian]
- Matin, Afshin. (1378/1999). **“Konfederāšion-e tārix-e jonbeš-hā-ye dānešjuyi-ye Irān dar xārej az kešvar”** (A history of the Iranian student movement abroad: The confederation of Iranian students/National Union, 1960-75). Translated by Araštou Azari. Tehran: Širāzeh. [Persian]
- Mozaffār, Mohammad Javad. (1378/1999). **“Avvalin raees jomhur: Panj goftegu**

- darbāre-ye avvalin entexābāt-e riāsat-e jomhuri-ye Irān: Dey-māh-e 1358, Jalāl-ed-Din Fārsi...*” (First president: Five discussions on the first presidential elections in Iran in 1979, January, with Jalaluddin Farsi, Bani-Sadr, Ayatollah Seyyed Mohammad Beheshti, Hassan Habibi, and Ezzatullah Sahabi). Tehran: Enteshārāt-e Kavir. [Persian]
- Mozaffari, Ayat. (1394/2015). *“Jariān-šenāsi-ye siāsi-ye Irān-e mo’āser”* (Political currents in contemporary Iran). Qom: Zamzam-e Hedāyat. [Persian]
- “Qā’ele-ye čahārdahom-e Esfand-e 1359: Zohur va soqut-e zed-de enqelāb”* (The tumult of March 5, 1981: The rise and fall of the counter-revolution). (1364/1985). Tehran: Enteshārāt-e Dādgoštari-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Publications of the Ministry of Justice of the Islamic Republic of Iran). [Persian]
- “Qānun-e asāsi-ye Jomhuri-ye Eslāmi; Monzam be osuli az qānun-e asāsi-ye mosav-vab-e 1385 ke dar eslvhie-ye jadid taqyir yāfteh ast”* (Constitution of the Islamic Republic; Attached to some principles of the Constitution adopted in 1979, which have been revised in the new amendment). (1368/1989). Tehran: Vezārāt-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance). [Persian]
- Saberi Foumani, Kiyumars. (1360/1981). *“Čegunegi-ye entexāb-e avvalin-e noxošt vazir-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān va mokātebāt-e Šahid Rajāee bā Banisadr”* (The correspondences between Martyr Rajayi and Banisadr). Tehran: Daftar-e Tahqiqāt va Enteshārāt-e Ravābet-e ‘Omumi-ye Noxošt Vaziri (Prime Ministry Public Relations Office of Research and Publication). [Persian]
- Saffar Harandi, Morteza. (1390/2011). *“Rāz-hā-ye dahe-ye šast”* (Secrets of the sixties). Tehran: Keyhān. [Persian]
- Sarabandi, Mohammad Reza. (1386/2007). *“Soxan-rāni-hā va mosāhebe-hā-ye Āyatollah Šahid Doktor Seyyed Mohammad Hosseini-ye Behešti: Jeld-e 2: Az Xordād tā Esfand-e 1359”* (Lectures and interviews of Ayatollah Shahid Dr. Seyed Mohammad Hosseini Beheshti, volume 2: from 1980, June to 1981, March). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Islamic Revolution Document Center). [Persian]
- “Seir-e mobārezāti-ye Emām Xomeini dar āyene-ye asnād be ravāyat-e Sāvāk”*



(Political struggles of Imam Khomeini on the basis of SAVAK documents) (vol. 6). (1386/2007). Tehran: Mo'assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works). [Persian]

“Yādnāme-ye bištomīn sālgard-e nehzat-e āzādi-ye Irān” (Memorial of the twentieth anniversary of the Freedom Movement of Iran). (1362/1983). (n. p.): n. p. [Persian]

Ziba Kalam, Sadegh. (1395/2016). **“Moqaddame-ee bar enqelāb-e eslāmi”** (Introduction to the Islamic revolution). Tehran: Rowzaneh. [Persian]

Records of parliamentary debates

Surat-e mašruh-e mozākerāt-e jalase-ye ‘alāni-ye majles-e avval-e Šorā-ye Eslāmi (Detailed records of parliamentary debates of the first open session of the Islamic Consultative Assembly):

19/3/1359 (1980, June 9); 26/3/1359 (1980, June 16); 31/3/1359 (1980, June 21); 1/5/1359 (1980, July 23); 5/5/1359 (1980, July 27); 19/5/1359 (1980, August 10); 20/5/1359 (1980, August 11); 11/6/1359 (1980, September 2); 16/6/1359 (1980, September 7); 18/6/1359 (1980, September 9); 19/6/1359 (1980, September 10); 10/7/1359 (1980, October 2); 30/7/1359 (1980, October 22); 4/8/1359 (1980, October 26); 4/8/1359 (1980, October 26); 14/8/1359 (1980, November 5); 4/9/1359 (1980, November 25); 2/10/1359 (1980, December 23); 9/10/1359 (1980, December 30); 5/11/1359 (1981, January 25), 6/12/1359 (1981, February 25), 10/12/1359 (1981, February 29), 17/12/1359 (1981, March 8), 20/12/1359 (1981, March 11), 24/2/1360 (1981, May 14), 31/2/1360 (1981, May 21), 20/3/1360 (1981, June 10), 30/3/1360 (1981, June 20). [Persian]

Interviews

Ayatollah Hashemi Rafsanjani. (31/3/1394 / 2015, June 21). Šabake-ye Majāzi-ye Āštān (<http://aštān.ir/>). [Persian]

Mir Salim, Seyyed Moštafa. (12/1/1397 / 2018, April 1). Interviewed by Seyyed Milad Nazemi. Sāyt-e Farādid (<https://faradeed.ir/>). [Persian]

Moeenfar, Ali Akbar. (Bahman, 1392 / 2013, February). Hafte-nāme-ye Tejārat-e Fardā



(Tejarat-e-Farda), 74. [Persian]

Mozaffar, Mohammad Javad. (Tir, 1396 / 2017, June). *Hafte-nāme-ye Sedā*, 120. [Persian]

Newspapers


Enqelāb-e Eslāmi: (22/12/1358 / 1980, March 12); (14/1/1359 / 1980, April 3); (1/5/1359 / 1980, July 23); (5/5/1359 / 1980, July 27); (6/5/1359 / 1980, July 28); (18/5/1359 / 1980, August 9); (19/5/1359 / 1980, August 10); (27/6/1359 / 1980, September 18); (9/12/1359 / 1981, February 28); (13/12/1359 / 1981, March 4); (16/12/1359 / 1981, March 7); (21/12/1359 / 1981, March 12); (11/1/1360 / 1981, March 31). [Persian]

Ettelā'āt: (18/3/1360 / 1981, June 8). [Persian]

Jomhuri-ye Eslāmi: (30/4/1359 / 1980, July 21); (2/5/1359 / 1980, July 24); (8/5/1359 / 1980, July 30); (9/5/1359 / 1980, July 31); (21/5/1359 / 1980, August 12); (23/5/1359 / 1980, August 14); (3/6/1359 / 1980, August 25); (16/12/1359 / 1981, March 7). [Persian]

Keyhān: (2/12/1357 / 1979, February 21); (16/5/1359 / 1980, August 7); (2/6/1359 / 1980, August 24); (22/6/1359 / 1980, September 13); (13/3/1360 / 1981, June 3). [Persian]





Russia's land annexation attempts in north and northeast of Iran after the Akhal treaty of 1881 until the collapse of the Tsarist Regime

Majid Nasrabadi¹ | Aliakbar Jafari² | Morteza Nouraei³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper investigates the different techniques employed by the Russians to implement their policy of annexing Iranian territory on the southeast of the Caspian Sea following in the late 19th Century until the October Revolution of 1917.

Method and Research Design: This study is based on archival and published documents.

Findings and Conclusion: The Russian imperialism long dreaming to extend its territory southward to outreach to the open sea in rivalry to the British influence in southern Asia, tried ways to expand its presence in the southeast Caspian Sea Iranian territory by calining ownership of bitas a pieces of lands. This took place by, for example, changing the borders, launching territorial claims after capturing Turkmen region, provoking Turkmen tribes to call for Russian citizenship, capturing farms, as well as buying real estates.

Keywords:

land abstracting, Russia, Qajar, Akhal, border.

Citation:

Nasrabadi, M., Jafari, A., Nouraei, M. (2020). Russia's land annexation attempts in north and northeast of Iran after the Akhal treaty of 1881 until the collapse of the Tsarist Regime. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 48-70. (In Persian)

1. PhD Student, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
majid_nasrabadi@yahoo.com

2. Associate professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran, (Corresponding Author)
ajafari2348@yahoo.com

3. professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, I. R. Iran
mortezanouraei@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2411

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 48 - 70 (23) | Received: 2, Dec. 2016 | Accepted: 16, Sep. 2018

Historical research

سویه‌های توسعه‌طلبی ارضی روسیه از خلیج حسین‌قلی در شمال تا سرخس در شمال شرق ایران بعد از قرارداد آخال (۱۳۹۹ ق)

مجید نصرآبادی^۱ | علی اکبر جعفری^۲ | مرتضی نورائی^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: هدف این پژوهش بررسی سویه‌های توسعه‌طلبی روسیه از خلیج حسین‌قلی در شمال تا سرخس در شمال شرق ایران در محدوده زمانی انعقاد قرارداد آخال تا پایان دولت ترازوی است.

روش/رویکرد پژوهش: روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای اسناد آرشیوی و چاپ شده و هم‌چنین منابع کتابخانه‌ای است. پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه روسیه پس از انعقاد قرارداد آخال به توسعه‌طلبی ارضی خود در مناطق پیرامون مرزهای مشخص شده در این قرارداد ادامه داد؟ فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. روس‌ها برای انتزاع اراضی ایران در منطقه شمال و شمال شرق رویه‌های موازی را دنبال می‌کردند. ۲. طرح روس‌ها برای انتزاع اراضی ایران در هر دوره‌ای متفاوت، ولی مستمر بود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: روسیه که همواره برای رسیدن به آب‌های آزاد و تهدید منافع انگلیس، به سرزمین ایران چشم داشت، پس از تصرف مناطق ترکمن‌نشین و انعقاد قرارداد آخال نیز به روش‌های مختلف، تغییر خطوط مرزی و توسعه ارضی به سمت ایران را دنبال می‌کرد. تغییر خودسرانه خطوط مرزی، تحریک ترکمانان به پذیرش تابعیت روس و ادعای مالکیت بر اساس محل زندگی این طوایف، تصرف زمین‌های کشاورزی، و خرید مستغلات از جمله روش‌های روس‌ها برای رسیدن به این هدف بود.

کلیدواژه‌ها:

توسعه‌طلبی ارضی؛ روسیه؛ قاجار؛ آخال؛ مرز.

استناد:

نصرآبادی، مجید، جعفری، علی اکبر، نورائی، مرتضی. (۱۳۹۹). سویه‌های توسعه‌طلبی ارضی روسیه از خلیج حسین‌قلی در شمال تا سرخس در شمال شرق ایران بعد از قرارداد آخال ۱۳۹۹ ق. *گنجینه اسناد*، ۳۰ (۱)، ۴۸-۷۰.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه اصفهان.

اصفهان، ایران

majid_nasrabadi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)

a.jafari2348@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان،

ایران

mortezanouraei@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۱

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۴۸ - ۷۰ (۳۳)

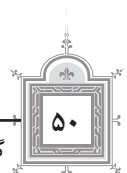
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

تحقیقات تاریخی

مقدمه

آرزوی رسیدن به آب‌های آزاد گرم و تهدید منافع انگلیس در هند، روسیه را برآن داشت تا به‌بانه ایجاد امنیت و با استفاده از خلأ قدرت و تسلط‌نداشتن ایران بر سرزمین‌های ترکمن‌نشین خود در شرق دریای خزر، سرزمین‌های وسیعی از ایران را در این منطقه تصرف کند. دولت ایران ناچار به خواسته‌های همسایه قدرتمند خود تن داد و بدون هیچ‌گونه رویارویی با روسیه و برای جلب رضایت آن کشور قرارداد آخال را در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۱م امضا کرد. این قرارداد اگرچه امید دولت ایران را به برقراری امنیت در شمال و شرق کشور زنده نگه می‌داشت، ولی مانع از تمایلات توسعه‌طلبانه روسیه نشد. از آنجاکه تصرف هرات به‌عنوان دروازه هند، همیشه در برنامه بلندمدت روسیه قرار داشت، عهدنامه آخال نتوانست مانع چشم‌داشت روسیه به استرآباد و خراسان شود. موقعیت استراتژیک و نقش مهم تدارکاتی این ایالات در حمله احتمالی به هرات از سویی و آبادانی و حاصلخیزی آن‌ها از سویی دیگر، این ایالات را در تیررس برنامه‌های توسعه‌طلبانه روسیه تزاری قرار داده بود. روسیه کوشید تا با روش‌های گوناگون، زمینه را برای تغییر مرزهای مورد توافق فراهم کند. از زمان انعقاد قرارداد آخال تا پایان دولت تزاری روسیه، آن دولت از هر فرصتی برای انتزاع بخش‌هایی از شمال و شمال شرق ایران استفاده می‌کرد و به روش‌های مختلف می‌کوشید تا شرایط را برای توجیه توسعه‌طلبی خود فراهم آورد. تغییر خودسرانه و گام‌به‌گام خطوط مرزی، تحریک ترکمانان به ایجاد آشوب در ایالات مرزی ایران و حمایت از ترکمانان غارتگر، جلب توجه طوایف ترکمان به منافع حاصل از پذیرش تابعیت روس و دادن تابعیت به آنان و در نتیجه ادعای ارضی بر مبنای محل زندگی این طوایف، گسترش دامنه زمین‌های زیر کشت اتباع خود به داخل ایران و تملک آرام این مناطق، و اجاره و خرید اراضی و مستغلات و اسکان اتباع خود در این اراضی از جمله طرح‌هایی بود که روسیه در بازه زمانی قرارداد آخال تا پایان دولت تزاری به‌طور مستمر و موازی در مناطق شمال و شمال شرق ایران اجرا کرد تا با توجیه حضور خود در داخل مرزهای ایران، زمینه را برای گسترش متصرفاتش آماده کند. در سال ۱۳۱۳ق/۱۸۹۶م «اداره اسکان مجدد» در روسیه تأسیس شد. رئیس این اداره، «کریوشکین»، در یادداشتی با عنوان «ترسیم سیمای آتی آسیای غربی» برای وزیر امور خارجه کشورش نوشت که ولایت استرآباد باید ضمیمه روسیه شود. از آن‌پس برنامه‌هایی برای خرید و تصرف زمین‌ها و مزارع حاصلخیز استرآباد به‌اجرا گذاشته شد و کنسول‌گری روسیه کوشید تا کشاورزان روسی را که «مالکان» یا «مالقان» نامیده می‌شدند، به این ایالت بکوباند و در مزارع متصرفی اسکان دهد. این سیاست تا پایان عمر دولت روسیه تزاری ادامه یافت.

I. Krivushkin



تحرکات مختلف روس در سرزمین‌های سرحدی را در مجموعه‌نامه‌ها و گزارش‌هایی که عوامل مختلف دولتی و مخصوصاً کارگزاری‌های ایران در مناطق استرآباد و بجنورد نگاهشته‌اند می‌توان پیگیری کرد. این مجموعه‌اسناد از رفتارهای دولت روسیه در این مناطق پس از انعقاد قرارداد آخال، پرده برمی‌دارد و تصویری از سیاست این دولت در سرحدات شمال خراسان و استرآباد ارائه می‌کند. بخش‌هایی از این اسناد و مکاتبات در قالب مجموعه‌های چاپ‌شده در دسترس قرار دارد که از آن جمله می‌توان به مجموعه‌مجلدات مختلفی اشاره کرد که ابراهیم صفایی، محمدحسن کاووسی عراقی، فاطمه قاضیها و هم‌چنین مصطفی نوری به‌همراه اشرف سرایلو گردآوری کرده‌اند. بخش عمده‌ای از این اسناد هم در بایگانی‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی و وزارت امور خارجه موجود است. در بین پژوهش‌های چندی که در این باره انجام شده‌است، برجسته‌ترین نمونه پژوهشی است که نورائی و آندریوا (۱۳۸۸) با عنوان «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار» انجام داده‌اند که به‌دلیل استفاده از منابع روسی منحصر به فرد است.

در پژوهش حاضر سعی شده است تا با تکیه بر مجموعه اسناد در دسترس و پژوهش‌های مذکور به بررسی سیاست توسعه‌طلبانه روس پس از قرارداد آخال، پرداخته شود و واکنش دولت ایران به این رفتارها بررسی شود.

توسعه‌طلبی ارضی روسیه تزاری در شمال و شمال شرق ایران بعد از قرارداد آخال

دولت روسیه پس از انعقاد قرارداد آخال نیز همچنان در تلاش بود تا به شیوه‌های مختلف، مرزهای خود را به داخل خاک ایران بکشاند. این دولت از دو منظر به گسترش مرزهای خود در این سوی خطوط تعیین‌شده در قرارداد آخال می‌نگریست: یکی نزدیکی به هندوستان و دیگری توسعه سرزمینی خود به داخل ایران و بهره‌مندی از منابع طبیعی کشور ایران. از هر دو زاویه، دولت روسیه معتقد بود که ضعف دولت ایران مانع از آن خواهد شد که در برابر فشار روسیه مقاومت کند و شرایط آن را دارد تا در خاک روسیه مستحیل شود (نورائی و سعادت، ۱۳۸۹، ص ۲۰۲). منظر نخست که یکی از استراتژی‌های مهم دولت روسیه نیز به‌شمار می‌رفت، نزدیک‌شدن به هرات و سایر قسمت‌های افغانستان و تهدید منافع رقیب بین‌المللی خود (انگلیس) در هند بود. این سیاست در شماره اول دسامبر ۱۸۸۸ روزنامه «نوورمیا»ی روسیه انعکاس یافت. کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* از قول این روزنامه چنین می‌آورد:

«توجه ما چنان‌که باید و شاید به لزوم انقیاد خراسان که با استان ماوراء بحر خزر

۱. انقیاد / enqiyād / مطیع‌شدن؛ فرمان‌برداری؛ خوار و رام‌شدن.

ارتباط نزدیک دارد و از جهات اقتصادی و صنعتی به این ایالت متکی است، معطوف شده است. در این حدود، منطقه نفوذ انحصاری روسیه از میان خراسان جاده مطلوبی به هرات است و در صورت پیش آمدن عملیات جنگی بر علیه هندوستان، خراسان پایگاه خواربار ما جهت اقدامات مقدماتی نسبت به آنجاست. به علاوه از این جهت نیز اهمیت سرشار دارد که از داخل این ایالت، رودخانه‌هایی سرچشمه می‌گیرد که اراضی آخال و اتک ما را سیراب می‌کند و جمع و جور کردن آب‌های آن‌ها برای آبادانی و ترقی ایالت جدید ماوراء بحر خزر ضروری است» (کرزن، ۱۳۸۰، ص ۷۰۸).

در راستای این سیاست بود که روسیه دو سال بعد از انعقاد قرارداد آخال به سمت سرخس کهنه متمایل شد و با تصرف این شهر خود را به دهانه ذوالفقار رساند. سرخس کهنه برای روسیه اهمیتی سوق الجیشی داشت؛ زیرا این شهر در مسیر جاده‌ای قرار داشت که عشق آباد را به هرات وصل می‌کرد. این جاده از مسیری مسطح و حاصلخیز می‌گذشت و به دلیل داشتن قلعه‌هایی نزدیک به هم در سرحد ایران، برای تأمین مایحتاج ارتش روسیه در حمله احتمالی به سمت هرات، می‌توانست مفید باشد (میرنیا، ۱۳۷۳، ص ۱۴۹). شاه ایران که پیش از این، قرارداد آخال را پایان توسعه طلبی روسیه در ایران می‌پنداشت، در برابر طمع دولت روسیه به سرخس کهنه موضعی بسیار سخت گیرانه اتخاذ کرد؛ به این امید که شاید بتواند روسیه را از پیشروی به سمت سرخس کهنه منصرف کند. او در حاشیه نامه مورخه ۱۳۰۰ ق و وزیر امور خارجه درباره سرخس کهنه چنین نوشت: «جناب وزیر خارجه: امروز صریح و در کمال سختی به وزیر مختار بگو - البته به همین عبارت که می‌نویسم بگو - البته شاه می‌گوید من می‌توانم از سلطنت خود بگذرم، لیکن نمی‌توانم از یک وجب خاک و متعلقات سرخس بگذرم؛ این حرف آخر است» (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷، سند ۹۴). ولی این حرف آخر نیز نمی‌توانست روسیه را از دنبال کردن سیاست نزدیکی به هرات بازدارد و از این رو در ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۴ م سرخس کهنه را تصرف کرد.

سیاست روس‌ها در نزدیکی به هرات با تصرف سرخس و رسیدن به دهانه ذوالفقار پایان نیافت و شاید اگر حوادث داخلی و بین‌المللی، روسیه را درگیر نکرده بود، در سال‌های بعد، حوادث به گونه‌ای دیگر برای خراسان رقم می‌خورد. در تأیید این احتمال، نگاهی به نظرات «کلنل زالاطارف» می‌تواند راهگشا باشد. او کتابچه‌ای محرمانه درباره مناسبات ایران و روس و سازمان نظامی، بنیه دفاعی و راه‌های سوق الجیشی ایران تهیه کرده بود و آن را در جمع سران ارتش روسیه قرائت کرد. در این کتابچه، زالاطارف به بررسی راه‌های حمله به ایران و شیوه‌های تصرف خراسان پرداخته بود. این کتابچه را علاءالملک، سفیر ایران در پترزبورگ، در تاریخ چهارم جمادی‌الآخر ۱۳۰۶ ق به ایران فرستاد. در این

1. ZalataRov



کتابچه، زلاطراف درباره‌ی تصرف خراسان و حمله‌ی احتمالی به هرات چنین می‌گوید:
«ما هم چنین می‌توانیم در پی تصرف اماکن حاصلخیز مشهد و شیروان و بجنورد و مرکز مشهد باشیم که ثروت آن‌جا را مخصوص خود نماییم و برای این فقره اشکالات زیادی نیست. راه خوبی که حالا در ماوراء خزر هست راه «گوک‌تپه»^۱ و شیروان و قوچان و مشهد است... یک راه شوسه در میانه‌ی عشق‌آباد و خراسان از معبر «کوکلان» و «دوز لوم»^۲ و «امام‌قلی»^۳ و «زادران» ساخته می‌شود [که] کم‌تر عرض این راه پنج متر و سی سانتی‌متر خواهد بود... این راه برای رفتن به هرات خیلی اهمیت دارد» (صفایی، ۱۳۶۲، سندهای صص ۶۸-۷۰).

تاکتیک دیگر روسیه تغییر قدم‌به‌قدم مرزهای خود به داخل ایران و گسترش سرزمینی خود بود. روسیه تزاری با هر بهانه‌ی ممکن، می‌کوشید روستا، رودخانه و یا قطعه‌زمینی را از خاک ایران جدا سازد. از نخستین بخش‌های جداشده از ایران، روستاهای «گرماب» و «غلغلاب» بودند. این دو روستا، اگرچه طبق فصل سوم قرارداد آخال به روسیه تعلق گرفت، ولی اخراج ساکنان این دو روستا و تحویل آن به روس، یکی داستان است پر آب چشم. دولت ایران موظف شد ظرف یک سال پس از تاریخ مبادله‌ی قرارداد آخال، آن دو محل را تخلیه کند و ساکنانش را به ایران کوچ دهد. مقرر شد تا تمام کسانی که پس از تاریخ یک‌ساله مشخص شده در این دو محل بمانند، تبعه‌ی روس محسوب شوند. دستور تخلیه به شجاع‌الدوله حاکم قوچان داده شد و مقرر شد اهالی این دو منطقه به مشهد غلامان^۴ کوچ کنند (استادوخ، مکمل، 278 و 268 و k56-126). در مراسله‌ای از حکومت خراسان به وزارت خارجه در ۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۱ ق چنین آمده‌است که این خانواران به کلی گرماب و غلغلاب را تخلیه کرده‌اند و به داخل ایران کوچ کرده‌اند (استادوخ، مکمل، 99-126k). صد و پنجاه خانوار از اهالی غلغلاب نیز به میان‌تخته و رباط کوچ کردند و به زراعت گندم و جو مشغول شدند (استادوخ، مکمل، 108-66k). به اهالی این دو روستا فقط این حق داده شد که پس از اخراج از مناطق خود، در فصل برداشت محصول با داشتن نامه‌ای از سوی دولت، مدت سه هفته به زادگاه خود برگردند و پس از برداشت محصول خود، چهارپنجم آن را با خود به ایران بیاورند و یک‌پنجم باقیمانده را نیز آماده کنند و تحویل نماینده‌ی روسیه دهند (استادوخ، مکمل، 51، 54، 56، 78-65k-HG1323 و 44-66k). در مجموعه‌اسناد مکمل وزارت خارجه، سندی موجود است که بر نقش شجاع‌الدوله، حکمران قوچان در کم‌اهمیت نشان‌دادن گرماب و توجیه واگذاری این محل به روس‌ها دلالت دارد: «شجاع‌الدوله از باب تعارفاتی که از روس‌ها به او می‌رسید، خدمت اولیای دولت علیه وانمود کرده بود که گرماب، قلعه‌ای است شکسته و خراب و بی‌قدر، و

۱. گوگ‌تپه یا گوگ‌دغه نام محلی است در نزدیکی عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان امروزی و نزدیکی مرز ایران که در ژانویه ۱۸۸۱ م به تصرف روسیه درآمد.

2. douz oloum

۳. روستایی است از توابع بخش باجگیران شهرستان قوچان.

۴. نام قدیمی شهر غلامان



روس‌ها فقط برای آب‌تنی کردن در آب گرم طبیعی آن طالب هستند و اگر دولت ایران واگذار نماید، می‌توان روس‌ها را ممنون نمود. نوشت تا دولت را راضی به واگذار نمودن کرد که اجازه رسید؛ [ولی] مردم قلعه و آن محل راضی نبودند [به] رعیتی روس‌ها تا آن‌که مجدداً حکم رسید جمهوراً اهالی را بیرون کرده، قلعه را به تصرف روس بدهید و آن‌طور شد. الحال آن محل گرم آب، بهترین نقاط آن صفحات است و اکثر فواکه و سبزی‌آلات و خوراکی عشق‌آباد از محل گرم آب می‌رود» (استادوخ، مکمل، 232-65k).

بخش دیگری که بعد از عقد قرارداد آخال و با فشار دولت روسیه از ایران جدا شد، قصبه فیروزه بود. دولت روسیه از همان روزهای نخستین انعقاد قرارداد، به فیروزه چشم طمع بسته بود. نزدیکی قصبه فیروزه به خط مرزی باعث شد تا دولت روسیه، راحت‌تر به اعمال فشار بر رعایای ایرانی و دولت ایران دست یازد. در تعیین خطوط مرزی‌ای که کمیسیون سرحدی خراسان انجام داد، قسمتی از زمین‌های مردم فیروزه در آن طرف خط حدود ایران و روس واقع شد (استادوخ، مکمل، 104-65k). کارگزاری بجنورد که اوضاع فیروزه را رصد می‌کرد و شکایات اهالی را بررسی می‌کرد، در پیشنهادی به وزارت امور خارجه در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۰۱ق، تنها راه محافظت از حقوق اهالی فیروزه و فراهم کردن امنیت و آسایش زارعان این قصبه را ایجاد قراول‌خانه در خط سرحدی می‌دید (استادوخ، مکمل، 171-65k)؛ پیشنهادی که هیچ‌گاه جامه عمل نپوشید. روسیه که از ابتدا قصد فراهم شدن شرایط برای تصرف فیروزه را داشت، علاوه بر اینکه به اذیت و آزار اهالی این قصبه ادامه می‌داد، در سال ۱۳۰۱ق بناها و قلعه‌هایی را هم در حدود اراضی فیروزه ساخت. رعایای فیروزه در عریضه‌ای که در تاریخ ۴ محرم ۱۳۰۲ق به شجاع‌الدوله حاکم قوچان نوشتند، از ممانعت سواره‌های دولت روسیه بر عبور و مرور اهالی فیروزه در آن منطقه شکایت کردند و از اقدامات آن دولت در ساختن قلعه‌ها و بناهایی در اراضی آنان خبر دادند (استادوخ، مکمل، 66-65k). وزارت امور خارجه در ۲۴ صفر ۱۳۰۲ق طی نامه‌ای به سفارت روس در تهران به این عمل دولت روسیه اعتراض کرد: «آن جناب، تصدیق خواهند نمود، بنایی که از طرف کارگزاران آخال در اراضی فیروزه شده، خواه قراول‌خانه یا اتاق خشتی، هر کدام بوده باشد، قبل از مسئله تحدید حدود، مناسب نخواهد بود» (استادوخ، مکمل، 194-66k). روس‌ها در سال‌های بعد عملاً به احداث قلاع نظامی در نزدیکی فیروزه دست زدند و پادگان نظامی خود را از گرماب به فیروزه منتقل کردند. علاوه بر این، آب رودخانه فیروزه را نیز تقسیم کردند و بخشی از آن را به پادگان نظامی خود بردند و بخشی را به زراعت اختصاص دادند: «... روس‌ها قریب به مدینه فیروزه خیال احداث قلعه دارند. به قرار اطلاعات مجده، قریب به محل باقر که نزدیک به دره فیروزه

است، خشت و مصالح زیادی جمع‌آوری کرده‌اند و قشونی که مرکب از شش هزار نفر است و همه‌ساله آن را به گرماب می‌آورده‌اند، امساله در آنجا اردو زده؛ و قلعه مزبوره [را] برای سکناى قشون آماده و احداث خواهند کرد و رودخانه فیروزه را هم قسمت کرده‌اند» (استادوخ، مکمل، 66-78k). ولی شاه ایران پس از گذشت یک دهه از انعقاد قرارداد و مضایقه بسیاری که بر اهالی فیروزه رفت، به این فکر افتاد که جویای اوضاع فیروزه شود. او در سال ۱۳۱۰ق در دست‌خطی به صدراعظم نوشت که: «جناب صدراعظم! یک نفر مهندس قابل‌لازم است که به‌چاپاری به قوچان رفته و وضع فیروزه را و احوالات آنجا را نوشته، به‌زودی معاودت نماید. به‌مخبرالدوله اطلاع دادم که فردا یک نفر مهندس بیاورد، دستورالعمل بدهم برود... به‌هیچ‌وجه از آنجا بصیرتی نداریم» (صفایی، ۲۵۳۵، سند ص ۴۵). انگیزه شاه از اطلاع‌یافتن از اوضاع فیروزه در پی درخواست رسمی روسیه از ایران برای واگذار کردن این قصبه به آن کشور، به‌بهانه ایجاد ساختاری نظامی بود. سرانجام در همین سال، پوتروف وزیرمختار روسیه در تهران، با صدراعظم امین‌السلطان وارد گفت‌وگو شد و طی قراردادی در ۲۳ ذی‌القعدة ۱۳۱۰ق برابر با ۲۷ می ۱۸۹۳م فیروزه را با پنج برابر زمین بایر و خالی از سکنه خراسان متعلق به روس، معاوضه کردند.

دولت روسیه به هر طریقی می‌کوشید تا خط مرزی را به‌سمت داخل ایران تغییر دهد و بخشی از ایران را به‌نفع خود مصادره کند. یکی دیگر از شیوه‌های مرسوم روسیه، تغییر خط مرزی در روی نقشه‌هایی بود که مهندسان روسی تهیه می‌کردند. روسیه از غفلت مسئولان ایرانی و تسلط‌نداشتن آنان به خطوط مرزی استفاده می‌کرد و پس از تغییر خطوط در روی نقشه، آن‌ها را به تأیید دربار ایران می‌رساند. سپس مناطق مذکور را تصاحب می‌کرد و خطوط جدید را مطابق خطوط نقشه‌های تأییدشده تعیین می‌کرد. یکی از این مناطق، قریه‌های حصار و قاتلان از دهات قزلباشیه ایران در حوزه سرحدی درگز بود. با آن‌که در مذاکرات مرزی، روسیه صرفاً ادعای حاکمیت بر روستاهای ترکمن‌نشین را داشت و سخنی از دهات غیرترکمن به‌میان نیامده بود و علاوه بر آن هیچ بحثی نیز مبتنی بر تشکیک مالکیت ایران بر دو قریه حصار و قاتلان مطرح نشده بود، ولی «مهندسين روس در وقت کشیدن نقشه اتک [این مناطق را] در آن طرف خط انداخته‌اند و جزو دهات تراکمه‌نشین محسوب داشته‌اند. حالا هم می‌خواهند حکم تراکمه را به حصار که تقریباً نود خانوار و قاتلان که بیست خانوار است جاری کنند» (استادوخ، مکمل، 65-281k). دولت روسیه نقشه را به تأیید دربار ایران رساند و در «وقت امضاء نقشه هم رعایت این معنی یا از خاطرها رفته یا تسامح دیگر رفته‌است... حالا که چنین شده‌است، اهالی دو ده در تکلیف خودشان حیران‌اند. می‌گویند با تَطَوُّع^۱ و الرغبه^۲ مرکز رعیتی روس را قبول

۱. میل و رغبت؛ داوطلبانه.

نمی‌کنیم... اگر ناچار باید محل زندگانی را روس تصاحب کند، در نقطه دیگر دره جز به ما جا بدهند... مثل سایر رعایای دره جز خدمت کنیم و اگر چاره دیگری درباره ما بیچارگان می‌نمایند، بفرمایند» (استادوخ، مکمل، 281-65k). سرانجام دولت ایران به خواسته روس تن داد و در سال ۱۳۰۱ق با حضور امین نظام رئیس هیئت امور مرزی، محمدعلی خان حاکم دره جز، قراخان قلمرو اتک، و میرزا احمدخان سرهنگ نایب کارگزار دره جز، روستای حصار تقسیم شد. برطبق این توافق یک پنجم اراضی و یک پنجم آب رود حصار به ایران تعلق گرفت و مابقی به روس‌ها داده شد. بخش عمده‌ای از سکنه حصار نیز در زیر بیرق روسیه قرار گرفتند و تنه‌های و پنج خانوار از بخش فقیرنشین آن به ایران تعلق گرفت. در سواد گزارشی که میرزا احمدخان کارگزار سرخس، در ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۱۰ق به وزارت امور خارجه نوشته است، نمونه‌ای دیگر از تلاش روس‌ها برای تغییر خطوط مرزی ذکر شده است. در اسناد مربوط به این دوره از وجود خط زردی در نقشه‌های روسی سخن به میان آمده است که از چهچهه تا سرخس ناصری به سمت سرزمین‌های ایران کشیده شده و بخش‌هایی از خاک ایران را در محدوده قلمرو روس قرار داده است. روس‌ها پس از انتشار این نقشه تصمیم گرفتند آن را پیاده کنند. آن‌ها قسمت‌های بین مرز اصلی و خط زرد ترسیمی در نقشه‌هایشان را نقشه برداری کردند و ضمن ایجاد مزاحمت برای تردد رعایای ایرانی، اتباع خود را برای زراعت به این نواحی گسیل کردند. میرزا احمدخان کارگزار، در گزارش مذکور موضوع را چنین شرح می‌دهد:

«قریب یک ماه قبل چهار نفر روس به همراه دو نفر ترکمان آمده، سه روز در برج خرابه دربند و دهنه آلن تو توقف نموده، همه‌روزه به کوه‌های اطراف رفته، نقشه کوه و اراضی دربندات را کشیده، از همین خط جاده که به طرف چهل کمان^۱ و اراضی سه پنجه^۲ می‌رود، رفتند. بعد از رفتن آن‌ها، مکاری کرمانی که همیشه از این کوه‌ها هیزم بریده به شهر و توابع آن‌جا می‌رود، آمده، بیشتر بارهای خود را بارگیری کرده، دو نفر سوار پستیچی ترکمان آمده او را گرفتند و مال را ضبط کردند که این جنگل و کوه‌ها متعلق به خاک دولت روس است و او را نزد پریستاو^۳ قهقهه^۴ بردند. چند روز است پریستاو قهقهه آمده مزاحم رعایا می‌شود... از این حرکات روس، یعنی فرستادن زارع به چهل کمان و منع هیزم آوردن از کوه‌های خواجه و آلن تو و برداشتن نقشه آن نقاط و مسیر مهندسین آن‌ها در جاده و کوه منتهی‌الیه دره چهل کمان، معلوم می‌شود که خیال دارند خط سرحدی را از چهچهه^۵ به طرف جنوب میل بدهند؛ به طوری که اراضی سه پنجه و آلن تو و دربند چهل کمان و دره آن را که پنج فرسنگ امتداد دارد به جلگه اتک، با مراتع اطراف و اراضی خان‌گیران با اراضی قابل زرع و جنگل یسار هری رود داخل خاک خود نمایند. از روی نقشه لفافه نفاذ

۱. روستایی است در جنوب غربی درگز.

۲. روستایی است از توابع بخش زاوین شهرستان کلات.

۳. کلاتر

۴. اکنون شهری است در استان آخال ترکمنستان و در نزدیکی مرز ایران.

۵. اکنون شهری است در ترکمنستان و نزدیکی مرز ایران. منطقه‌ای هم به این نام در شهرستان سرخس وجود دارد.



داشت، ملاحظه خواهید فرمود [که] اگر خط سرحد را از نقاط فوق بگذرانند، اراضی محصور، بین خط زرد و سرحد مخفی خاک دولتین است و خط نقطه چین شده، جزو خاک روس محسوب می‌شود» (استادوخ، مکمل، ۵۷-۶۶ک).

تغییر علامات سرحدی نیز یکی دیگر از روش‌های روس‌ها در پیشروی به داخل خاک ایران بود. در موردی از تغییر علامات سرحدی، در عریضه‌ای که در ۱۲ محرم ۱۳۱۸ق از لطف‌آباد به تهران نوشته شده، چنین آمده است:

«... دیروز عصر از شلنگان^۱ خبر رسید که امروز یک نفر استاد و سه نفر عمله از طرف خاک روس به طرف شلنگان، میخ به زمین کوبیده، متجاوز از هزار قدم از علامت سرحدی پیش آمده‌اند. از آن‌ها سؤال شده، گفته‌اند ما حکم داریم و رئیس ما هم خواهد رسید... چون چند نمره از میخ‌ها در میان زراعت مردم کوبیده شده، اسباب تزلزل خاطر اهالی شده است» (استادوخ HG1318-k11-p11-8).

کارگزاری بجنورد نیز به تاریخ ۵ ذی‌حجه ۱۳۲۵ در مراسله‌ای به حکومت بجنورد، از تغییر دیگری در خط مرزی توسط روس خبر داد. «از قراری که مسموع گردید خط سرحدی دولتین ایران و روس در دوآبینه تغییر و تبدیل یافته؛ به این معنی که رعایای روس قریب نیم فرسخ به داخله خاک ایران تجاوز کرده و نه‌ری تقریباً به طول سه فرسخ احداث نموده، آن را حد قرار داده‌اند و علاوه بر این در اراضی این طرف نهر حالیه نیز که خود رعایای روس به تعلق داشتن آن‌ها به دولت علیّه معترف هستند، زراعت کرده و می‌نمایند» (استادوخ، HG1326-k24-p2-6).

از دیگر روش‌هایی که روسیه برای گسترش سرحدات خود به داخل ایران به آن متوسل می‌شد، حمایت از طوایف سرحدی و جذب این ایلات و سپس اعمال فشار برای تعیین خطوط مرزی براساس محل زندگی و کوچ این طوایف بود. طوایف سرحدی بعد از انعقاد قرارداد آخال نیز هم‌چون گذشته، مسیرهای کوچ فصلی سنتی خود را حفظ کرده بودند و در ماه‌هایی از سال برای چرای احشام خود به آن سوی مرزهای مقرر در قرارداد می‌رفتند. روس‌ها بر آن بودند تا از این فرصت بهره بجویند و با حمایت از طوایف سرحدی، آنان را اتباع خود بنامند و سپس مرزهایشان را براساس محدوده زندگی این ایلات تعیین کنند. مسئولان روسی نیز در برخی از اظهارنظرهای خود به وضوح بر این سیاست تأکید می‌کردند. لسار^۲ که مأمور تحقیق و بررسی متصرفات و راه‌های اداره وسایل حمل و نقل عسگریه بود، در سخنانی در مجلس جغرافیای روسیه صراحتاً به این نقشه روس‌ها در خراسان، اعتراف کرد. سخنان او به تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۸۸۴م در روزنامه «نوورمیا»ی روسیه چاپ شد. سر ثور فطن در مراسله‌ای که به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۸۸۴م، از پترزبورگ به ارل‌گرانویل^۳، وزیر امور خارجه انگلیس نوشت، محتوای سخنرانی لسار را

۱. در یک فرسخی لطف‌آباد دره‌گز.

2. Isar

3. Earl Granville

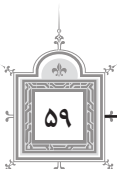
چنین جمع‌بندی کرد: «کلیه مضمون آن این است که باید برحسب لزوم تمایل ایل تراکمه سالور و ساروق را دولت روس تحت اقتدار خود درآورد و موافق این تفصیل سرحدی که معین می‌شود، باید سرحد طبیعی از روی طوایف آن صفحات باشد» (کاووسی عراقی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱، سند ۲۸۹).

این نوع نگاه دولت روسیه به توسعه‌طلبی در ایران، درباره ترکمانان یموت رعیت دولت ایران که در حوزه اترک و گرگان پراکنده بودند، شدیدتر بود. از همان آغازین روزهای انعقاد قرارداد آخال، دولت روسیه برآن بود تا ایل یموت را جزو اتباع خود به‌شمار آورد. در مذاکراتی که وکیل‌الملک، مأمور وزارت امور خارجه ایران، با زینویوف انجام داد، نماینده روسیه، ایل یموت را رعیت دولت روسیه می‌دانست (استادوخ، مکمل، 155 و k66-153). کارگزاری استرآباد نیز که از همان ابتدای حضور روس‌ها در استرآباد پس از قرارداد آخال، پی به نیت روس‌ها درباره یموت برده بود، نگرانی خود را در این رابطه به وزارت امور خارجه اعلام کرد و بر تلاش برای حفظ رعیتی این طایفه تأکید کرد: «محرمانه به‌عرض برساند [که] مأمورین روسیه به‌جهت جلب یموت همه‌طور دام گسترده‌اند. از جمله این است که هر کس ادعا و گفت‌وگویی دارد، خود را تحت حمایت ما [روسیه] بشناسد، همراهی می‌کنیم. به این جهت بعضی از ترکمان‌های ... متوسل به آن‌ها می‌شوند» (استادوخ، مکمل، k126-256). یکی از کسانی که آن روزها در زمینه نیت روس‌ها درباره یموت بسیار حساسیت به‌خرج می‌داد، میرزا جوادخان، مسئول کارگزاری استرآباد بود. برطبق اسناد موجود به‌نظر می‌رسد که او فردی بسیار وطن‌پرست و دقیق بوده و دفاع محکم او از منافع ایران عصبانیت روس‌ها را برانگیخته بوده‌است؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۰۳ ق سفارت روس در یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران خواستار خودداری از اعزام او به مأموریت رسیدگی به دعای طرفین شد (استادوخ، مکمل، 28-k65). میرزا جوادخان حمایت روس‌ها از ایل یموت را مداخله در امور ایران می‌دانست و ضمن تأکید بر لزوم احقاق حقوق رعایای دولت ایران توسط مأموران کارگزاری، از وزارت خارجه می‌خواست که کنسول روس را از مداخله در امور ترکمن‌های رعیت ایران بازدارد (استادوخ، مکمل، k126-258). کنسول‌گری روس بلافاصله پس از انعقاد قرارداد آخال شروع کرد به حل و فصل مسائل ترکمانان رعیت دولت ایران و تلاش کرد که با استفاده از قدرت خویش کنسول‌گری کشورش را به مرجع رفع اختلافات و احقاق حقوق ترکمانان تبدیل کند و بدین‌وسیله آنان را به پذیرش تابعیت روسیه متمایل گرداند. میرزا محمدقلی کارگزار قوچان و بجنورد نیز که از مداخلات روس‌ها در امور یموت نگران شده بود، در مراسله‌ای به وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۰۰ ق، مداخلات آن کشور در امور یموت



را برشمرده و ضمن تأکید بر تابعیت و تعلق یموت به دولت ایران، اظهار کرد که به هیچ وجه به مداخلات روس‌ها توجه نخواهد کرد: «... و مداخله روس‌ها را به اسم یموت به محل مذاکره با احدی نخواهد گذاشت» (استادوخ، مکمل، 126-324k). در سال ۱۳۰۱ق مجدداً میرزاجوادخان، از اولیای دولت ایران خواست که برای حفظ طایفه یموت و قطع دست متجاوزانه روسیه اقدامی بکنند. او در این مراسم به وزارت امور خارجه توصیه کرد که دستورالعمل‌های مشخصی در این رابطه به کارگزاری‌ها ارسال کنند: «اقتدار مأمورین روسیه در باب یموت واضح است. برای حفظ یموت و قطع دست اقتدار همسایه تدبیری لازم است که از اترک به این طرف نتوانند دخالت نمایند» (استادوخ، مکمل، 228 و 127-202k). در سال بعد نیز میرزاجوادخان فهرست عرض محرمانه‌ای به وزارت امور خارجه نوشت و به مراسلات رسمیه‌ای که کنسول روس درباره یموت می‌نوشت، اعتراض کرد (استادوخ، مکمل، 126-294k). در همان سال سفارت روس از کارگزاری استرآباد در رابطه با اموالی که از رعایای یموت ایرانی به سرقت رفته بود، بازخواست کرد و خواستار بازگرداندن این اموال شد (استادوخ، مکمل، 126-481k). در تابستان سال ۱۳۰۶ق دولت ایران پیشنهاد کرد که چنانچه روس‌ها یموت را رعیت خود می‌دانند، آن‌ها را به آن سوی مرز کوچ دهند؛ ولی روسیه در حمایت از ترکمانان هدف دیگری داشت. ژیرس^۱ وزیر امور خارجه روسیه، از سفیر ایران در پترزبورگ درخواست کرد که نماینده‌ای از روسیه در ایران حضور یابد تا به امور ترکمانان بپردازد که با مخالفت وزیر با این درخواست زیاده‌خواهانه روبه‌رو شد: «... گفتم دولت علیه این تکلیف را در تابستان به شما کرد و گفت اگر می‌خواهید بردارید و دیگر نگذارید به خاک ما بگذارند؛ والا نگذارید که به خاک شما بگذارند. گفت: ما جا و مرتع نداریم آن‌ها را حفظ کنیم؛ باید در خاک شما مأموری داشته باشیم که واری به امور آن‌ها بکند. گفتم: هیچ دولتی به مأمور خارجه به کارهای خود مداخله نمی‌دهد» (استادوخ، مکمل، 342 و 127-341k). باین حال، روسیه در هر فرصتی به جذب ترکمانان ادامه می‌داد. در سال ۱۳۱۲ق، کارپردازی ایران در عشق‌آباد از حضور شش صد و پنجاه نفر از افراد طایفه یموت در مراسم جلوس نیکلای در روسیه خبر داد. این افراد از سران یموت بودند که به دلیل حضور خود در کوچ فصلی به روسیه، می‌بایست هر خانوار ۶ منات پرداخت می‌کردند. دولت روسیه از آن‌ها خواست که در این مراسم سوگند یاد کنند و تابعیت روسیه را بپذیرند. سیزده نفر از آن‌ها سوگند یاد کردند و مابقی اعلام کردند در صورتی تابعیت روس را خواهند پذیرفت که مالیات دیگری علاوه بر این ۶ منات به روسیه نپردازند و در قشون نیز نام‌نویسی نشوند (استادوخ، مکمل، 126-526k). در سال ۱۳۱۲ق نیز کارگزاری استرآباد به وزارت امور خارجه گزارش داد که یموت‌ها با شارژدافر روس مقیم

1. Giers



استرآباد قرار گذاشته‌اند که برای حل و فصل مسائل مربوط به خودشان به او رجوع کنند. کارگزاری از وزارت امور خارجه ایران خواست که در مذاکره با روسیه زمان معینی را مقرر کنند تا یموت‌ها برای انتخاب ملیت روسی یا ایرانی خود تصمیم بگیرند (استادوخ، مکمل، k127-247). در ۱۱ شوال ۱۳۱۳ ق کارگزار استرآباد برای حل مسئله یموت و قطع کردن دست مداخله‌گر روس‌ها از سر ناچاری به صدراعظم پیشنهاد داد که انتخاب تابعیت یموت را به خودشان واگذار کنند؛ کسانی که در خاک ایران تابعیت روس را پذیرفتند به آن سوی مرز کوچانده شوند و روس حق مداخله در امور اتباع ایرانی را نداشته باشد:

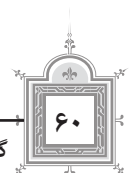
«... این طور قرار بدهید که یک نفر مأمور از جانب دولت علیّه ایران و یک نفر از جانب دولت روس در میان تمام یموت که در خاک ایران و خاک روس سکنا دارند، اعلان می‌کردند که هر کس میل به رعیتی روس دارد، از گرگان کوچیده آن طرف اترک برود و ابدأ کسی ممانعت نخواهد کرد. بعد از دو ماه هر کس در خاک ایران می‌ماند به اسم و رسم، از روی ثبت رعیت دولت علیّه ایران بود و هر جا می‌رفت به رعیتی دولت علیّه می‌رفت و معاودت می‌کرد...» (استادوخ، مکمل، k127-247).

ناصرالدین شاه با پیش‌بینی این نکته که ممکن است در صورت چنین توافقی ترکمانان رعیت ایران نیز به تابعیت روسیه درآیند، در حاشیه این نامه نوشت:

«...شناختن ترکمانان در خاک ایران به سمت رعیتی روس و مداخله مأمورین روس در کار آن‌ها مؤرّث هزارگونه حرارت و خسارت و خلاف صحیح بود» (استادوخ، مکمل، k127-247).

ورود زارعین روسی به داخل خاک ایران و کشت و زرع در سرحدات ایران نیز از روش‌های دیگری بود که در نهایت به تصرف سرزمینی روسیه در خاک ایران منجر می‌شد. روس‌ها در مواردی با درخواست از حاکمان ایران و در مواردی بدون درخواست، در زمین‌های متعلق به ایران کشاورزی می‌کردند.

کارگزاری بجنورد در گزارشی به کارگزاری خراسان در ۲ ذی‌حجه ۱۳۲۵ ق بر تداوم این روش تأکید می‌کند: «اولاً اتباع روس مدتی است، به اختلاف روایات از هفت هشت سال قبل تا حال، در اراضی متعلقه به دولت علیّه در سرحدات معروضه، زراعت کرده و می‌کنند و ثانیاً مقداری از خاک دولت ایران را هم تصرف کرده‌اند.» این سند به تحقیقات از افراد گوناگون اشاره می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که روس‌ها در مواردی که اتباع آن‌ها در زمین‌های ایران زراعت می‌کرده‌اند، به تصرف قسمت‌هایی از خاک ایران اقدام کرده‌اند: «نتیجه همه این تحقیقات زراعت کردن روس‌ها در خاک ایران و تصرف قسمتی از آن خاک است... در بجنورد بیشتر از این تحقیقات ممکن نیست... حکومت هنوز جواب



کارگزاری را نوشته است؛ ولی شفاهاً فرمود که مدتی است این کار اتفاق افتاده» (استادوخ، HG1326-k24-p2-15). در همان سال مرتضی قلی خان نایب کارگزاری بجنورد نیز در پاسخ سؤال کارگزار بجنورد درباره تصرف اراضی ایران توسط روس‌ها، از مشاهدات خود در سفر به سرحدات می‌گوید: «در وقتی که بنده با مرحوم عمیدالوزراء کارگزار به محل دانیه رفت [یم]، سیدحسین کدخدای مشهد غلامان در آنجا اظهار داشت: پاره‌ای از اراضی متعلق به ایران را روس‌ها داخل اراضی خود نموده [اند]؛ سابقاً یعنی دو سه سال قبل این اراضی را من زراعت می‌کردم. بعد به اتفاق کارگزار و سیدحسین رفته، آن اراضی را که روس‌ها داخل خاک [خود] کرده [اند]، نشان داد» (استادوخ، HG1326-k24-p2-16).

در سال‌های آخر دولت تزاری روسیه، شیوه دیگری از توسعه‌طلبی در دستور کار روس‌ها قرار گرفت. در این سال‌ها روس‌ها بر آن شدند تا از طریق خرید اراضی ایرانیان و یا تصرف به‌عنف اراضی و سکونت‌دادن اتباع خویش در این زمین‌ها، شرایط مساعدی برای تسلط بر بخش‌های شمالی کشور فراهم آورند. این رویه که از آن به کلنی‌سازی روسیه در ایران نیز تعبیر می‌شود، پس از توافق روسیه و انگلیس بر سر مناطق نفوذ در ایران، در دستور کار روس‌ها قرار گرفت (نورائی و آندریوا، ۱۳۸۸، ص ۳۰۷). در این شیوه، روسیه با آوردن اتباع خود به خاک ایران و تحریک آنان به مهاجرت دسته‌جمعی به ایران، زمین‌های خریداری و یا غصب‌شده را در اختیار آنان می‌گذاشت تا با زراعت در این زمین‌ها، زمینه تملک آن اراضی را برای خود فراهم آورد. در گزارشی از رئیس گمرک چاتلی^۱ به رئیس گمرک استرآباد آمده است: «حالا که تقریباً هزار خانوار ترکمن تبعه روس در گنبد و کولان هستند، دیناری مالیات به ایران نمی‌دهند و متصل رمه ترکمن تبعه ایران را غارت می‌کنند و رمه خود را در خاک ایران می‌چرانند... علاوه بر این‌ها ماشین قزاق‌ها و سربازهای روسی [را] که در چاتلی و چاقشلا^۲ هستند، وارد کرده و آن زمین‌ها را شخم زده و درو می‌کنند و حاصل را برای مصرف اسب خود انبار می‌کنند. جای تعجب است که دولت ایران ابداً در فکر جلوگیری نیست» (ساکما، 1095، 14429-240، سند 16). دولت روسیه با تشویق اتباع روسی برای مهاجرت کردن به دشت گرگان می‌کوشید تا با افزایش تعداد مهاجران، سرزمین‌های بیشتری را به تملک خود درآورد. در شماره ۲۸۸ روزنامه «زاقانفارسکی رچ» چاپ تفلیس، در سال ۱۹۱۳م شرحی از گزارش ژنرال لدورف^۳، کمیسر سرحدات ایران و روس در ماوراء خزر، چاپ شد. ژنرال مزبور در این گزارش اطلاع داد که در آن سال، هفت صد خانوار از داخله روسیه و ترکستان و ولایت‌های روس به ایران مهاجرت کرده و در کنار رودخانه‌های گرگان و اترک سکنا گرفته‌اند. لدورف متذکر شد که خوانین ایرانی این اراضی را به قیمت هر دستین^۴ یک منات می‌فروشد و پیش‌بینی کرد که چون این اراضی حاصلخیز است و برای زراعت مناسب

۱. چاتلی نام یکی از مواضع سکناي طایفه یموت در گرگان است؛ واقع در پنجاههزارگری چکشلا و پنجاههزارگری شمال غربی گنبد قابوس.
۲. چاکشلا یا چکشلا نام شهری در کناره جنوب شرقی دریای خزر است که در ترکمنستان امروزی واقع است.
3. Ledorov
۴. دستین یا دسیاتین واحد سطح روسی و اندکی بیش از یک هکتار است.

است، در بهار سال بعد، جمع کثیری از اهالی و دهاتی‌های روسیه به این مناطق مهاجرت خواهند کرد. او در این گزارش از حکومت تاشکند خواست که مأموران مخصوصی را برای سرکشی و جابه‌جا کردن مهاجران تعیین و اعزام کند. حکومت تاشکند هم گزارش لدورف را مهم تلقی کرد و مسیو ساخارف^۱ را که مدیر مهاجران در ترکستان بود، مأمور کرد به رسیدگی و سرکشی به امور مهاجران در ایران (استادوخ، HG1332-k51-p94-3). روزنامه «روسکی اسبو» مورخه ۲۸ دسامبر ۱۹۱۳م نیز ضمن ارائه گزارش ژنرال لدورف، بر حاصلخیزی اراضی دشت گرگان و اترک تأکید کرد: «اشجار و نباتات این نقاط، اشجار و نباتات مناطق حاره است و حاصل فوق‌العاده خوب و فراوان است.» این روزنامه سپس اثر گزارش لدورف در بین اتباع روس را بسیار مهم تلقی کرد و از کوچ دسته‌جمعی روس‌ها به ایران پس از ارائه گزارش لدورف خبر داد: «این اخبار از حیث حاصلخیزی این اراضی و ارزانی فوق‌العاده آن، موجب معاملات مهم در تاشکند گردید و در بهار، چندین دسته از مؤسسين روس برای خرید زمین به ایران خواهند رفت و برای همین مقصود، یک کمپانی مخصوص تشکیل شده است. این اخبار در دهات منتشر گردیده رعایا فریفته شده، به قیمت‌های خیلی ارزان دارایی خود را فروخته، دست از مکان و منازل خود کشیده، می‌روند» (استادوخ، HG1332-k51-p94-4).

کارگزاری مهام^۲ خارجه بجنورد در گزارشی به وزارت خارجه در ۵ صفر ۱۳۳۲ق ضمن شرح گزارش لدورف درباره مهاجرت روس‌ها به ایران و ایجاد هیجانی که در اتباع روس برای مهاجرت به ایران به وجود آمده بود، از اسکان هفتصد خانوار روسی در منطقه استرآباد خبر داد و از وزارت امور خارجه درخواست کرد تا برای جلوگیری از ادامه روند مهاجرت، ضمن مذاکره با دولت روسیه، ترتیب بازگرداندن مهاجران را به کشورشان بدهند تا نایره^۳ طمع سایر اتباع روس به اراضی ایران فروکش کند (استادوخ، HG1332-k51-p94-21). گزارشی هم که اداره گمرک گمش‌تپه در ۲ میزان ۱۳۳۱ق به وزارت امور خارجه فرستاد، از تلاش عوامل روسیه برای خرید زمین از اتباع ایرانی و تغییر خط مرزی خبر می‌دهد. این گزارش، حاکی از آن است که پریستاو حسین‌قلی و چکشلر به نزد «چودور» نام از ریش‌سفیدان تراکمه و ساکن سنگرتپه رفته بودند و از او برای فروش منطقه‌ای به نام «قربان‌قاز» درخواست کرده بودند. چودور از فروش این اراضی خودداری کرده بود و اعلام کرده بود که زمین‌ها متعلق به دولت ایران است و اگر زمینی می‌خواهند، باید از دولت ایران تقاضا کنند. روس‌ها پانصد منات به چودور پیشنهاد دادند؛ ولی او زیر بار نرفت. عوامل روسیه تصمیم گرفتند تا علامت‌های سرحدی را در منطقه مذکور نصب کنند؛ ولی چودور مانع شده بود و به آن‌ها گفته بود:

1. Sakharov

۲. mahām (جمع مهم) (در قدیم) به کارهای بزرگ، بااهمیت و دشوار اطلاق می‌شد.

۳. نایره: آتش؛ شعله.



«خاک این زمین را اگرچه شما شور حساب می‌نمایید، اما برای صاحبش شیرین است. بخواهید علامت نصب نمایید یا پست قرار دهید، از دولت ایران اجازه بگیرید» (ساکما، 1095، 240-91922، سند 11).

در همین سند و در گزارشی که رئیس گمرک گمش‌تپه به رئیس کل گمرکات و مفتش مالیات استرآباد نوشته‌است، تحلیل چودور درباره هدف روس از این تلاش‌ها را از قول خود او چنین نقل می‌کند:

«...پرستاو تلاش می‌کرد تا با خرید این زمین، سرحد را از بگون‌باش به قربان‌قاز انتقال دهد. از بگون‌باش الی محل قربان‌قاز تقریباً چهار فرسخ می‌شود؛ تقریباً از گمش‌تپه الی کردمحلّه است. اگر روس‌ها بخواهند در قربان‌قاز پست قرار دهند، قریب چهار فرسخ تجاوز به خاک ایران کرده‌اند و تراکم سرحدنشین لابد باید از سرحد بکویچند و فراری باشند که روس‌ها کم‌کم به مقصود خودشان برسند و خودشان جلوتر بیایند» (ساکما، 1095، 240-91922، سند 8).

چودور ترکمن، هدف تحرکات روسیه در شمال ایران را درست تشخیص داده بود. روس‌ها به هر شیوه‌ای برآن بودند تا مرزهای خود را به داخل ایران بکشانند. در سال ۱۹۱۴م تصاحب شمال ایران به‌عنوان استراتژی‌ای مهم، در سیاست روس به رسمیت شناخته شد و دو مقام بخش مهاجرت آن کشور برای تسهیل مهاجرت اتباع روسی، به کنسول‌گری استرآباد و کمیساریای مرزی روس مستقر در گنبد قابوس اعزام شدند. در این بین، بانک استقراضی روس نیز برای تأمین اعتبار خرید املاک به میدان آمد. تأمین بودجه لازم، ساخت بیمارستان و مدرسه و کلیسا و نقشه‌برداری از اراضی و حل موضوع مالکیت اراضی خریداری‌شده هم در دستور کار کنسول‌گری قرار گرفت (نورائی و آندریوا، ۱۳۸۸، صص ۲۸-۳۰).

کارگزاری مهم خارجة استرآباد در ۲۳ صفر ۱۳۳۲ق در گزارشی به وزارت امور خارجه، درباره مهاجران روس می‌نویسد: «این خانوار و مهاجرینی که گفته‌اند از ترکستان به خاک ایران آمده‌اند، دو قسم هستند. یکی طایفه مالکان یا مایقان رعایای روس هستند که تمام آن‌ها زارع و دهاقین می‌باشند که یک عده از خانوار آن‌ها چند سال قبل در قره‌سو و ملاکله که زیر کردمحلّه است، سکنا کرده که مکرر درباب آن‌ها با قونسول‌گری مذاکره و سواد و سؤال و جواب و راپرت آن به وزارت خارجه تقدیم شده... یک عده از همین مالکان‌ها در دهات و اراضی و املاکی که مأمورین و اتباع روس خریداری و اجاره کرده، یا با اهالی شریک شده‌اند، از قبیل سنگ دوین و شیرنگ و جهان‌آباد و غیره مشغول زراعت هستند... و حول و حوش گنبد قابوس پراکنده شده، رعیتی می‌کنند»

(استادوخ، HG1332-k51-p94-8). گزارش دیگری که در تاریخ ۲۹ دلو ۱۳۳۳ق از کارگزاری مهام خارجه بجنورد به وزارت امور خارجه ارسال شده است، مواردی از تصرفات مالکانه اتباع روس را برمی شمارد: «موافق اطلاع صحیحی که درخصوص استملاک مأمورین روس، در گنبد قابوس رسیده، معروض می دارد: اشخاصی که به زور شخصی و تهدید به رعب از کمیساری روس، دست روی املاک و مراتع اتباع دولت علیه انداخته و استملاک غیرقانونی می کنند، از جمله سردار اورازیام تکه صاحب منصب جکیت روس که آب و ملک قرناوه از دیمی و آبی و مراتع کوه و جنگل آنجا را به هر حيله بوده از ید تصرف طغان دردی نام از طایفه بوقعاجا در آورده؛ نه فقط تصرف مالکانه در این نقاط می نماید، بلکه از محصولات اوبه بیولی و اوهندر و یانبلاغ که جزو سرحد بجنورد است و در حوالی آن نقاط زراعت کرده اند، عشریه مطالبه و یکصد تومان به اسم برداشت حاصل امساله، گرفته است. هم چنین فشتیق نام تکه، آب و ملک و چشمه ملکی حسن خان از گدلو را غصباً تصاحب نموده است. قره گوزنام، مترجم کمیساری روس، آب و ملک چنار را که حدود شمال بجنورد است به اسم این که از عوض فولدق نام خریده، تصاحب نموده، ملک و باغ و آبادانی راه انداخته است. چند نفر دیگر از نوکرهای روس، آب و ملک چیتلق و لوندرویان بلاغ را به وسایل ستمکارانه می خواهند از دست حسن ملانام طایفه بوقعاجا بیرون بیاورند... همین قدر می گویند به حکم رئیس قزاقان مأمورین کمیسیون ایران است. هرگاه از این تجاوزات عاجلانه جلوگیری نشود، عن قریب تمامی اراضی یموت و گرگان را تصاحب خواهند نمود» (استادوخ، HG1332-k51-p94-17).

دست اندازی عوامل روس به اراضی ایران، در گوشه و کنار مناطق شمالی ادامه داشت. یکی دیگر از قسمت هایی را که مأموران روس خریدند، مراتع نوکنده بود. این مراتع را آگنت روس در سال ۱۹۱۴م از شخصی به نام «سید محمد تقی فرنگی» به قیمت هشت صد تومان خرید. فروشنده این مراتع هیچ مدرکی دال بر مالکیت آن مناطق نداشت؛ به همین دلیل صاحبان اصلی این زمین ها به دولت شکایت کردند و فروش اموال غیر به توسط محمد تقی فرنگی، معلوم شد. اما در این زمان او به عتبات متواری شده بود. با این حال کنسولگری روس تصمیم گرفت، این مناطق را تملک کند. علمای بندرجز در تلگرافی به وزارت امور خارجه به تاریخ ۷ ثور ۱۳۳۳ق، شرح وقایع را به اطلاع دولت رساندند و اعلام کردند که: «این اوقات آگنت قونسولگری به معیت «مکلف» خبرنگار روزنامه «اسکی ایلو»، تمام مراتع و جنگل و آب قنوات را مقطوع کرده و در اطراف بیرق نصب و زراعت خشک و مانع هیزم و زغال. رعایا طبیعتاً متزلزل، در تلگراف خانه متحصن، مستدعی است، احقاق حق و منتظر جواب» (نوری و سرایلو، ۱۳۹۰، سند ۶۷). نمونه دیگری از معاملات ملکی



اتباع روس در استرآباد، واگذاری خالصه‌جات به مدت ۹۰ سال توسط سپهدار به پاتایف^۱ روسی بود. پاتایف از عوامل بانک استقراضی روس بود و با توصیه سفیر روس به قونسول روسیه در استرآباد، این املاک را اجاره کرد و سپس، با کمک نظامیان روس، خالصه‌جات را به انضمام بلوکات فندرسک کوهسار در اختیار گرفت (نوری و سرایلو، ۱۳۹۰، سند ۶۸/۲). پاتایف عوامل روسی را بر این دهات گماشته بود و از پرداخت هرگونه مالیات به دولت خودداری می‌کرد. هم‌چنین به دلیل این‌که این خالصه‌جات در تمام بلوکات استرآباد پراکنده بود، دهات هم‌جوار خالصه‌جات نیز «از دست تعدیات و ظلم‌های اعضای پاتایف در عذاب بودند و فریاد آن بیچارگان بلند بود. نه حکام و نه هیئت دولت علاجی نمی‌کردند» (ساکما، ۱۰۹۵، ۱۱۰۲-۲۱۰، سند ۱۳). متصرفات پاتایف تا سوادکوه گسترش یافته بود و اعتراضات اهالی این مناطق، راه به جایی نمی‌برد (نوری و سرایلو، ۱۳۹۰، سند ۶۸/۱). حکام استرآباد در مقابل این زیاده‌خواهی‌های عوامل روسیه واکنش نشان نمی‌دادند و برای حفظ خودشان و کسب منافع، با عوامل روسیه و به‌ویژه ایوانف، قونسول روس، همدست شده بودند و فریاد رعیت بیچاره به جایی نمی‌رسید. سردار رفیع در الحاقیه شماره ۲ نامه خود به دولت ایران در تاریخ سلخ ذی‌حجه ۱۳۳۵ق در توصیف شرایطی که ایوانف بر استرآباد حاکم کرده بود، می‌نویسد: «... درواقع، استرآباد را کلیتاً از خاک ایران مجزا ساخته، جزو خاک روسیه نموده بود. عموم مردم این‌جا را روس‌فیل^۲ نموده، املاک جهت مالکان و موزیک^۳ خریده... تمام عمارات و ابنیه دولتی را محل سکنتای قزاق و سالدات^۴ روس نموده بود» (ساکما، ۱۰۹۵، ۱۱۰۲-۲۱۰، ۴).

اعتراضات دولت ایران به این زیاده‌خواهی‌های روسیه هیچ‌گاه سودی نبخشید. وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ق ضمن نامه‌ای رسمی به سفیر روسیه، در این باب اعتراض کرد و صراحتاً متذکر شد که: «نمی‌توان تصور کرد این رفتار مغایر عهود و مخالف حسن هم‌جواری، به اطلاع اولیای دولت متبوع آن جناب جلال‌ت‌مآب دوستان استظهار نمی‌باشد» و از سفیر خواست که «وسایل لازم را برای منع مهاجرت دهقان‌های روس به خاک ایران و برای رجعت‌دادن مهاجرین حالیه به اوطان خود اتخاذ فرموده» و تهدید کرد که در صورت اقدام‌نکردن روسیه برای بازگرداندن مهاجران «اولیای دولت متبوع دوستدار حق خواهند داشت، خانوارهایی را که فعلاً از روسیه به ایران مهاجرت کرده‌اند، در عداد رعایای دولت ایران به‌شمار آورده، آن‌ها را در محلی که صلاح بداند، مسکن دهند.» ولی این درخواست‌ها و تهدیدها، هیچ‌گاه مانع از دولت روسیه در خرید اراضی و تحریک اتباع خود برای مهاجرت به ایران نشد و دولت ایران نیز نه توانست و نه اراده آن را داشت که تهدیدات خود را عملی کند (استادوخ، HG1332-k51-p94-16).

1. Patayov
۲. در اصطلاح سیاسی کسی را گویند که طرفدار نفوذ روس‌ها باشد.
۳. مرد روستایی روسی.
۴. سرباز؛ به‌ویژه سرباز روسی.

دست‌اندازی روس‌ها بر اراضی ایران تا پایان حکومت تزاری ادامه یافت و مخالفت گاه‌وبیگاه دولت ایران نتوانست مانعی بر سر راه سیاست‌های توسعه‌ارزی آن کشور شود.

نتیجه

دولت روسیه پس از انعقاد قرارداد آخال هم‌همچنان به توسعه‌طلبی ارضی خود در مناطق پیرامون مرزهای مشخص‌شده در این قرارداد ادامه می‌داد. انگیزه عمده روسیه از این تحرکات نزدیکی به هرات و در اختیار گرفتن مسیر حمله احتمالی به افغانستان و هم‌چنین گسترش حوزه سرزمینی خود بود. طرح انتزاع خاک از ایران پس از انعقاد قرارداد آخال تا پایان عمر دولت تزاری در بازه‌های مختلف به صورت مستمر و با رویه‌های موازی دنبال شد. اشغال سرزمینی، تغییر قدم‌به‌قدم مرزهای مشخص‌شده، تغییر علامات سرحدی، حمایت از طوایف مختلف ترکمان و سعی در جلب و تحت‌الحمايه قراردادن آنان و در نتیجه، ادعای ارضی درباره سرزمین‌های محل زندگی این طوایف، خرید زمین‌های زراعی توسط عوامل روسی و در پی آن تشویق اتباع روس برای کوچ به ایران و تشکیل کلونی‌های روسی در استرآباد به کمک بانک استقراضی و افراد متنفذ محلی از جمله روش‌هایی بود که پس از قرارداد آخال به طور هم‌زمان از طرف دولت روسیه برای انتزاع بخش‌هایی از سرزمین ایران در شمال و شمال شرق کشور انجام شد. این تلاش‌های دولت روسیه تا پایان عمر دولت تزاری روس ادامه داشت؛ به گونه‌ای که سرزمین‌هایی که در معرض انتزاع ارضی روس در شمال و شمال شرق ایران قرار داشت، در حدود یک‌پنجم سرزمین‌هایی بود که در قرارداد آخال به روسیه تعلق گرفته بود. حدود تقریبی مناطق جداشده در قرارداد آخال در جدول شماره ۱ آمده است:

مساحت به کیلومتر مربع	سرزمین‌های جداشده
۴۴۷،۱۰۰	ترکمنستان
۴۸۸،۱۰۰	ازبکستان
۱۴۱،۳۰۰	تاجیکستان
۱۰۰،۰۰۰	بخش‌های ضمیمه‌شده به قزاقستان
۵۰،۰۰۰	بخش‌های ضمیمه‌شده به قرقیزستان
۱،۲۲۶،۵۰۰	جمع کل سرزمین‌های جداشده در قرارداد آخال

جدول ۱

حدود تقریبی مناطق جداشده در قرارداد آخال



نمایه‌های سویه‌های توسعه‌طلبی ارضی روسیه در شمال و شمال شرق ایران پس از قرارداد آخال در تصویر شماره ۱ مشخص شده‌است:



تصویر ۱

نمایه‌های توسعه‌طلبی ارضی روسیه
در شمال و شمال شرق ایران پس از قرارداد
آخال

منبع

الف: اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): کارتن ۱۰۹۵، پرونده ۱۱۰۲-۲۱۰، سند ۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): کارتن ۱۰۹۵، پرونده ۱۱۰۲-۲۱۰، سند ۱۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): کارتن ۱۰۹۵، پرونده ۱۴۴۲۹-۲۴۰، سند ۱۶.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): کارتن ۱۰۹۵، پرونده ۹۱۹۹۹-۲۴۰، سند ۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): کارتن ۱۰۹۵، پرونده ۹۱۹۲۲-۲۴۰، سند ۱۱.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ)

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): ۱۳۱۸، کارتن ۱۱، پرونده ۱۱، سند ۸.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): ۱۳۲۶، کارتن ۲۴، پرونده ۲، سند ۶؛ سند ۱۵؛ سند ۱۶.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): ۱۳۳۲، کارتن ۵۱، پرونده ۹۴، سند ۳؛ سند ۴؛ سند ۸؛ سند ۱۲؛ سند ۱۶؛ سند ۱۷.



مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): مکمل، کارتن ۶۵، سند ۲۸؛ سند ۵۱؛ سند ۵۴؛ سند ۵۶؛ سند ۶۶؛ سند ۷۸؛ سند ۱۰۴؛ سند ۱۲۶؛ سند ۱۷۱؛ سند ۲۶۸؛ سند ۲۷۸؛ سند ۲۸۱؛ سند ۳۲۳.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): مکمل، کارتن ۶۶، سند ۴۴؛ سند ۷۵؛ سند ۷۸؛ سند ۱۰۸؛ سند ۱۵۳؛ سند ۱۵۵؛ سند ۱۹۴.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): مکمل، کارتن ۱۲۶، سند ۹۹؛ سند ۲۵۶؛ سند ۲۵۸؛ سند ۲۹۴؛ سند ۳۲۴؛ سند ۴۸۱؛ سند ۵۲۶.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران (استادوخ): مکمل، کارتن ۱۲۷، سند ۲۰۲؛ سند ۲۲۸؛ سند ۲۴۷؛ سند ۳۴۱؛ سند ۳۴۲.

صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۵). اسناد سیاسی دوره قاجاریه. تهران: بابک.

صفایی، ابراهیم. (۱۳۶۲). گزارش‌های سیاسی علاءالملک. تهران: آباد.

قاضیها، فاطمه. (۱۳۸۰). اسناد روابط ایران و روسیه: از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

کاوسی عراقی، محمدحسن. (۱۳۷۳). مراسلات دریاب آسیای مرکزی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

نوری، مصطفی؛ سرایلو، اشرف. (۱۳۹۰). اسناد استرآباد و دشت گرگان در دوره مشروطیت. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

ب: پژوهش‌ها

کتاب

کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.

میرنیا، سیدعلی. (۱۳۷۳). وقایع خاور ایران در دوره قاجار. (چ ۲). مشهد: اردشیر.

مقاله

نورائی، مرتضی؛ آندریوا، النا. (۱۳۸۸). «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار». *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۴، صص ۲۱-۳۶.

نورائی، مرتضی؛ سعادت، مینا. (۱۳۸۹). «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۳۴۰ ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱ م». *گنجینه اسناد*، شماره ۷۸، صص ۱۲-۳۱.

English Translation of References

Documents

Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xāreje (Ostādox) (De-



partment of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

1318/1939, box 11, folder 11, document number: 8.

1326/1947, box 24, folder 2, document number: 6, 15 & 16.

1332/1953, box 51, folder 94, document number: 3, 4, 8, 12, 16 & 17.

Supplementary, box 65, document number: 28, 51, 54, 56, 66, 78, 104, 126, 171, 268, 278, 281 & 323.

Supplementary, box 66, document number: 44, 75, 78, 108, 153, 155, 194.

Supplementary, box 126, document number: 99, 256, 258, 294, 324, 481, 526.

Supplementary, box 127, document number: 202, 228, 247, 341, 342. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

Box 1095, folder 210-1102, document number: 4.

Box 1095, folder 210-1102, document number: 13.

Box 1095, folder 240-14429, document number: 16.

Box 1095, folder 240-91999, document number: 8.

Box 1095, folder 240-91922, document number: 11. [Persian]

Ghaziha, Fatemeh. (1380/2001). *“Asnād-e ravābet-e Irān va Rusieh: Az dowre-ye Nāser-ed-Din Šāh tā soqut-e Qājārieh”* (Documents of Iran - Russia relations from Nasserddin shah's period to the end of Qajar). Tehran: Enteshārāt-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Center for International Research and Education of the Ministry of Foreign Affairs) (CIRE). [Persian]

Kavousi Araghi, Mohammad Hassan. (1373/1994). *“Morāselāt-e dar bāb-e Āsiā-ye markazi”* (Correspondence on Central Asia). Tehran: Enteshārāt-e Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Center for International Research and Education of the Ministry of Foreign Affairs) (CIRE). [Persian]

Nouri, Mostafa & Saraylou, Ashraf. (1390/2011). *“Asnād-e Astar Ābād va Dašt-e Gorgān dar dowre-ye mašrutiat”* (Documents of Astarabad and Gorgan plain during the constitutional period). Tehran: Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]

Safayi, Ebrahim. (2535/1956). “*Asnād-e siāsi-ye dowre-ye Qājārieh*” (Political documents of Qajar period). Tehran: Bābak. [Persian]

Safayi, Ebrahim. (1362/1983). “*Gozāreš-hā-ye siāsi-ye Alā'-ol-Molk*” (Ala al-Molk's political reports). Tehran: Ābād. [Persian]

Books

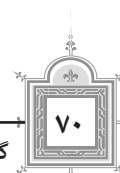
Curzon, George Nathaniel. (1380/2001). “*Irān va qazie-ye Irān*” (Persia and the Persian question). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Entesārāt-e 'Elmi Farhangi. [Persian]

Mirnia, Seyyed Ali. (1373/1994). “*Vaqāye'-e xāvar-e Irān dar dowre-ye Qājār*” () (2nd ed.). Mashhad: Ardešir. [Persian]

Articles

Nouraei, Morteza & Andreeva, Elena. (1388/ 2010). “Mohājerānē Rus va eskān-e ān-hā dar Irān-e avāyel-e qarn-e bistom: Marhale-ye digari az este'mār” (Russian migrants and their settlements in Iran in the early 20th century: A new stage of colonization). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Journal of Historical Researches), 4, pp. 21-36. [Persian]

Nouraei, Morteza & Saadat, Mina. (1389/ 2011). “Tabyin-e mālekiat-e Rus-hā dar se šahr-e Rašt, Tābriz va Astar Ābād 1318-1340 AH / 1900-1921 AD” (Illumination of the ownership of Russians in three cities: Rasht, Tabriz and Astarabad (1900 - 1921)). *Ganjine-ye Asnād*, 78, pp. 12-30. [Persian]





Implications of the 1967 Civil Service Employment Legislation for the Nation's Public Administration System

MohammadReza Alam¹ | Fatemeh Hajiyani²

Abstract:

Purpose: The objective has been to assess the impact of the legislation on modernizing national administrative system.

Method and Research Design: Data presented as the basis of analysis is gathered from archival documents and library materials

Findings and conclusion: Reform in recruitment procedures the Qajar era; although the first national employment law in Iran didn't pass through until 1301 H (1922). The administrative system in Iran, despite the adoption of this law, was still dealing with chaos and old methods, such as bribing, buying positions, seeking proximity with political power and nepotism; were continued. The employment law, in second Pahlavi era, underwent some changes wherein it was tried to pave the way for entering the Experienced and competent employees into the administrative system, by determining the test as measure for employment, giving credit to education as a principle, and employing agencies to monitor the process; and thus play a decisive role in supplying the human resources for the administrative system.

Keywords:

national employment law, second Pahlavi, modernization of the administrative system, education

Citation:

Alam, M., Hajiyani, F. (2020). Implications of the 1967 Civil Service Employment Legislation for the Nation's Public Administration System. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 72-88. (In Persian)

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. Associate professor, Department of History, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I. R. Iran
mram36@yahoo.com
 2. PhD Student of History, Department of History, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I. R. Iran.
(Corresponding Author)
hajianifateme@yahoo.com
- Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2412

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 72 - 88 (17) | Received: 9, Feb. 2018| Accepted: 16, Sep. 2018

Historical research



قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم با تکیه بر اسناد

محمد رضا علم^۱ | فاطمه حاجیانی^۲



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: بررسی نقش قانون مصوب ۱۳۴۶ استخدام کشوری در نوسازی نظام اداری.

روش/رویکرد پژوهش: تحلیل تاریخی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تدوین قانون استخدام کشوری در پی گسترش روابط ایران با غرب در دوره قاجار آغاز شد. نخستین قانون استخدام کشوری در ایران در سال ۱۳۰۱ به تصویب رسید؛ اما آشفتگی ساختار اداری کشور ادامه یافت و شیوه‌های پیشین ورود به دستگاه اداری، مانند پرداخت رشوه، خرید مناصب، نزدیکی به قدرت سیاسی و انتساب خانوادگی ادامه یافت. قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم کوشید تا آزمون را معیار استخدام کشوری کند و به تحصیلات و تعیین نهادهای نظارت‌کننده بر استخدام ارزش دهد و ورود افراد متخصص و شایسته را به سازمان‌های دولتی ممکن سازد.

کلیدواژه‌ها:

قانون استخدام کشوری؛ پهلوی دوم؛ نوسازی ساختار اداری؛ تحصیلات.

استناد:

علم، محمد رضا، حاجیانی، فاطمه. (۱۳۹۹). قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم با تکیه بر اسناد. گنجینه اسناد، ۳۰(۱)، ۷۲-۸۸.

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز،

اهواز، ایران

mralam36@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی.

دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

(نویسنده‌مسئول)

hajianifateme@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۲

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۷۲ - ۸۸ (۱۷)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۵

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

قانون استخدام کشوری، به عنوان یکی از مهم ترین قوانین در جوامع مدرن، در سامان بخشی به نیروی انسانی مورد نیاز در ساختار اداری نقش و کارکردی ویژه دارد. در ایران تا اواخر دوره قاجار، قانونی واحد با عنوان قانون استخدام برای تأمین نیروی انسانی اداری وجود نداشت. تاریخچه پیدایش این قانون در ایران به اواخر دوره قاجار می‌رسد. در دوره قاجار با وجود ایجاد ساختار اداری به سبک غرب، افراد غالباً بدون توجه به تخصص لازم و با توجه به میزان نفوذ سیاسی، ثروت یا انتساب خانوادگی به استخدام دولت درمی‌آمدند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۹۹). این نوع استخدام با اقتضات زمان همخوانی نداشت و به تحول نیاز داشت. با بروز انقلاب مشروطه در اواخر قرن سیزده شمسوی و رشد تحول خواهی و شروع نوسازی در ابعاد مختلف نظام اجتماعی، لزوم تصویب قوانین مختلف در جامعه ایران مطرح شد. قانون استخدام کشوری یکی از قوانینی بود که کمبود آن در جامعه و مدیریت ساختار اداری احساس می‌شد. باین حال غلبه فضای سنتی و نبود تمایل جدی در مسئولان به ایجاد نوسازی، مانع از طرح و پیاده سازی یک قانون استخدام مدون می‌شد. بالأخره مجلس چهارم، نخستین قانون استخدام کشوری را در ۲۲ آذر ۱۳۰۱ ش به تصویب رساند؛ ولی به دلایل مختلف، از جمله قانون گریزی مسئولان و صاحبان قدرت و مقاومت روش های سنتی، این قانون توفیق چندانی نیافت. دولت در دوره پهلوی دوم با ایجاد حجم انبوهی از نهادهای اداری و مشاغل دولتی جدید ناچار شد تا نیروی انسانی متخصص و شایسته را در نظام اداری به کار گیرد؛ بنابراین لزوم احیاء و اصلاح قانون استخدام کشوری در این دوره احساس شد. در قانون استخدام کشوری دوره پهلوی دوم بارها تجدیدنظر و اصلاحات انجام شد و در بندهای مختلف آن تغییراتی به وجود آمد.

این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به پرسش زیر است:

قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم چه ماهیتی داشته است؟

در راستای پاسخ گویی به این پرسش، نویسندگان با مطالعه منابع موجود و تکیه بر

داده های کیفی موجود در منابع این دوره، به بررسی قانون استخدام کشوری پرداختند.

فرضیه پژوهش: به علت تغییراتی که در معیارهای استخدام و ارتقای شغلی در قانون

استخدام کشوری انجام شد، زمینه برای ورود افراد متخصص و شایسته به ساختار اداری و

در نتیجه نوسازی ساختار اداری از نظر نیروی انسانی، فراهم شد.



پیشینه پژوهش

مقاله‌ای چند به بررسی پیشینه تاریخی قانون استخدام در ایران پرداخته‌اند؛ ولی هیچ‌کدام به‌طور مستقل به بررسی تحولات قانون استخدام در دوره پهلوی دوم نپرداخته‌اند. نخستین مقاله‌ای که در موضوع قانون استخدام به رشته تحریر درآمده‌است، مقاله‌ای است با عنوان «تاریخچه قانون استخدام کشوری» به قلم ابوالفضل صفایی که سال ۱۳۵۵ در مجله «فنون اداری» منتشر شده‌است و به سیر پیدایش قانون استخدام کشوری در ایران تا سال ۱۳۴۵ اشاره دارد. مقاله‌ای دیگر با عنوان «اصلاح نظام اداری ایران در عصر قاجار با تأکید بر قانون استخدام کشوری»، تألیف علی جعفری، مرتضی دهقان‌نژاد و فریدون الهیاری، در بهار ۱۳۹۵ در فصل‌نامه علمی پژوهشی «تاریخ اسلام و ایران» دانشگاه الزهرا چاپ شده‌است و به بحث و بررسی درباره چگونگی اصلاح نظام اداری با تأکید بر قانون استخدام کشوری در اواخر دوره قاجار می‌پردازد و معتقد است که با وجود تصمیم به تحول در ساختار اداری با تدوین قانون استخدام کشوری در دوره قاجار، قانون‌گریزی و مقاومت روش‌های سنتی در ساختار اداری، مانع از تأثیرگذاری قانون استخدام کشوری در ساختار اداری و جامعه شد. خلأ پژوهش در باب جایگاه قانون استخدام کشوری در نوسازی ساختار اداری در دوره پهلوی دوم نگارندگان را بر آن داشت تا درباره ماهیت قانون استخدام کشوری در این دوره پژوهشی مستقل انجام دهند.

۲. چشم‌انداز قانون استخدام کشوری در ایران

چگونگی پیوستن افراد به ساختار اداری و دستیابی به مشاغل دولتی در ایران تا دوره قاجار، حاکی از فقدان قانونی خاص در پذیرش افراد برای مشاغل دولتی بوده‌است. این موضوع با آغاز روابط با غرب و ایجاد نهادها و ساختارهای اداری جدید، نهاد اداری را با خلأ و آشفتگی روزافزون مواجه کرد. برای نخستین بار در دوره قاجار، مستشاران بلژیکی مسئول گمرکات ایران در سال ۱۳۱۷/م ۱۹۰۰ ق به موضوع قانون استخدام توجه کردند و با روش‌های اروپایی، نیروی موردنیاز خود را به استخدام درآوردند. ولی این تجربه به رواج قانونی مدون برای استخدام در ایران منجر نشد. با گذشت زمان و تحولات نوسازی در دوره قاجار، هرچند نیاز به استخدام افراد در دستگاه‌های دولتی افزوده شد، ولی همچنان نفوذ اعیان، اشراف و اربابان، و انتساب به خانواده‌های سرشناس و توصیه آن‌ها، عوامل تعیین‌کننده در ورود به ساختار اداری بودند (ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازبایی ۱۳۱۷/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۱۰۹). قانون‌خواهی و قانون‌ستیزی دو رویکرد عمده‌ای بودند که بر فضای نوسازی جامعه ایران در دوره قاجار سایه افکنده بود. در این میان قانون‌گریزان

از طریق مخالفت با تصویب قوانین در زمینه‌های مختلف، از ایجاد تغییرات سودمند در ابعاد مختلف نظام اجتماعی ممانعت می‌کردند. این موضوع در سرتاسر دوره قاجار تداوم داشت و در زمینه قانون استخدام نیز صادق بود به طوری که افراد غالباً بدون توجه به تخصص لازم به استخدام درمی‌آمدند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۹۹). فقدان قانونی مدون در راستای جذب نیروی انسانی مورد نیاز ساختار اداری، به تدریج واکنش نمایندگان مجلس را در پی داشت؛ به طوری که نمایندگان دوره دوم مجلس شورای ملی، ضمن اشاره به وجود بی‌نظمی در شرایط استخدام، بر لزوم تعیین و تصویب شرایط منطقی برای استخدام تأکید کردند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۲۳۴). مطالعه این شواهد از وجود تناقضی عمیق میان قانون و منافع فردی در این دوره حکایت دارد؛ به طوری که با وجود آگاهی از نیاز به قانون در جامعه و به خصوص در ساختار اداری، از تعیین قانونی مدون در حوزه استخدام جلوگیری می‌شد.

در این میان وجود عاملی قدرتمند هم‌چون روابط خارجی و مقتضیات آن در ترویج و پیاده‌سازی برخی قوانین از جمله قانون استخدام کشوری تأثیرگذار بود. به طوری که سرانجام براساس الگوی قوانین استخدامی کشورهای مرفعی و نظر مستشارانی که در ایران فعالیت داشتند، طرحی در زمینه قانون استخدام تهیه شد و به نام قانون استخدام کشوری با هدف تدوین اصول و ملزومات و شرایط به‌کار بستن نیروی انسانی در ساختار اداری، با تشکیل مجلس چهارم شورای ملی (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش) در دوره قاجار، وضع شد (صفایی، ۱۳۵۵، ص ۵۸). به موجب قانون استخدام کشوری مصوب ۲۲ آذر ۱۳۰۱ ش، تغییراتی در شرایط ورود افراد به خدمات دولتی به وجود آمد. بررسی مفاد این قانون در باب چگونگی استخدام افراد حاکی از تصمیم به ایجاد تحولاتی در نحوه پذیرش افراد و ورود آن‌ها به ساختار اداری است. این قانون در صدد بود تا از شیوه‌های سنتی به‌کارگیری افراد در مشاغل اداری فاصله بگیرد. یکی از شرایط داوطلبان داشتن تصدیق‌نامه سال سوم تحصیلات متوسطه بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسات ۱۵۷ و ۱۵۸). هم‌چنین براساس ماده سوم و چهارم داوطلبان می‌بایست از تخصص لازم برای ورود به خدمات دولتی برخوردار می‌بودند و الزاماً از طریق آزمون استخدامی وارد خدمات دولتی می‌شدند (کمام، شناسه سند: ۴۱۱۲۵۵، بازبایی: ۵/۱۰۶/۱۶/۱/۱۸، سند ۱). مفاد مندرج در نخستین قانون استخدام کشوری، ایجاد تحول در ساختار اداری و نوسازی در حوزه نیروی انسانی را نوید می‌داد؛ با این حال گذشت زمان ثابت کرد که این قانون در حوزه عمل موفق نبوده است.

با وجود تصویب نخستین قانون استخدام کشوری، هرج و مرج اداری و اصل



موروثی بودن مشاغل یا تقدیم هدیه و رشوه پایان نیافت. به نظر می‌رسد که به علت جو سنتی و قانون‌گریز حاکم بر کشور و سطحی‌نگری و بی‌توجهی در اجرای قانون استخدام کشوری، این قانون در نوسازی ساختار اداری دوره قاجار چندان اثربخش نبوده است (جعفری، ۱۳۹۵، ص ۳۲). قانون استخدام سال ۱۳۰۱ ش، علاوه بر مواجه شدن با چالش‌هایی در حوزه اجرا، در مفاد خود نیز دارای کاستی‌هایی بود که با تسریع جریان نوسازی در دوره پهلوی و پیدایش تحولات در ساختار اداری، این نواقص مشهودتر هم شد. از میان این کاستی‌ها به مواردی چون تناسب نداشتن در میزان حقوق کارمندان با ارزش کار آن‌ها، و توجه نداشتن به صلاحیت فنی و علمی افراد می‌توان اشاره کرد (ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازیابی ۱۳/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۱). این ضعف در دوره پهلوی اول نیز در قانون استخدام کشوری وجود داشت و علی‌رغم تغییرات تدریجی که در برخی مصوبات ایجاد شد، تغییری در شرایط استخدام به وجود نیامد؛ به طوری که در یکی از مصوبه‌های مربوط به قانون استخدام در سال ۱۳۰۷ ش، آمده است: «حقوق مصوب در بودجه مربوط به شغل است و ربطی به رتبه ندارد و حقوق رتبه مقید در قانون استخدام فقط برای تعیین حقوق انتظار^۱ و حقوق تقاعد^۲ است...» (ساکما، شناسه سند: ۲۱۹۸۱-۲۴۰، بازیابی: ۱۳/۱/۲۱۸۳۹، سند ۷). این ویژگی نخستین قانون استخدام کشوری با نادیده گرفتن تأثیر میزان تخصص افراد در درآمد آن‌ها و آشفته‌گی در رتبه‌بندی شغلی، از اصل شایسته‌سالاری و به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص برای پیش‌برد جریان نوسازی و همراهی با مقتضیات زمان جلوگیری می‌کرد.

جامعه ایران طی دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، با یک جریان گسترده نوسازی و تجدیدخواهی مواجه شد. از آنجاکه نوسازی به تغییراتی در بینش و سازمان‌دهی جوامع منجر می‌شود (باتامور، ۱۳۵۸، صص ۳۲۳-۳۲۵)، قوانین دوره پهلوی دوم نیز تا حدودی دستخوش دگرگونی شدند. فراگرد نوسازی دوره محمدرضا شاه پهلوی که با مدیریت دولت سازمان‌دهی می‌شد، نیازمند تحولات عمده در عرصه قانون و قانون‌گذاری بود. یکی از قوانینی که در این دوره به تغییر و اصلاح نیازمند شد، قانون استخدام کشوری بود. در نخستین سال‌های حکومت محمدرضا شاه پهلوی، ناهمخوانی مفاد قانون استخدام با شرایط جدید اجتماعی و اقتضات نوسازی به مخالفت‌هایی منجر شد. بی‌توجهی به موضوع لزوم ارتباط سطح تحصیلات افراد با میزان حقوق آن‌ها از ناکارآمدی‌های نخستین قانون استخدام کشوری بود که با آغاز دوره پهلوی دوم با واکنش گروه‌هایی از کارمندان دولت مواجه شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۱۰۱).

اعتراض به کاستی‌ها و معایب قانون استخدامی تداوم داشت. از جمله کانون

۱. حقوق انتظار: این حقوق به گروه‌هایی داده می‌شد که به‌عنوان منتظران خدمت، در انتظار برای ورود به ساختار اداری و مشاغل دولتی بودند (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۲۱۴۶۸، سند ۱، ۱۳۰۳؛ ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۲۱۰۲۳، بازیابی: ۱۳/۱/۲۰۸۸۰، سند ۱، ۱۳۰۴).

۲. تقاعد/taqa'od/بازنشستگی.



دانشجویان دانشکده فنی تهران، طی نامه‌ای در سال ۱۳۲۲ش، مراتب اعتراض خود را به مجلس در این زمینه اعلام کرد و تغییر در قانون استخدامی را خواستار شد: «تقریباً دو ماه است مهندسین و استادان دانشگاه و بالأخره طبقه تحصیل کرده کشور برای انجام تقاضاهای مشروع ناچار از کار کناره‌گیری کرده‌اند... و ازینجا معلوم می‌شود که نظر خوشی به طبقه تحصیل کرده وجود ندارد و عناصری درصدد اضمحلال این طبقه می‌باشند. باین حال لایحه تعلیم اجباری به مجلس تقدیم و تقاضای تصویب آن می‌شود. معلوم نیست در صورتی که دولت نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از دانشمندان فعلی کشور استفاده کند و ارزشی مجلس برای زحمات تحصیلی آن‌ها قائل شود، تعلیمات اجباری را به چه منظور پیشنهاد می‌نماید...» (کمام، شناسه سند: ۳۸۶۷۸۷، بازبایی ۱۳/۱۲۸/۹/۱/۵۹، سند ۳، ۱۳۲۲). همان‌طور که این سند گویاست، دانشجویان خواستار ایجاد فرصت شغلی متناسب با تحصیلات خود بوده‌اند؛ نکته‌ای که در نخستین قانون استخدام کشوری از آن غفلت شده بود و می‌توانست از یک‌سو، هم مانع جدی در راستای جریان نوسازی باشد و هم زمینه‌ساز پیدایش نارضایتی‌های اجتماعی شود. بنابراین اقداماتی در راستای ایجاد تحول در قانون استخدام کشوری انجام شد. وزارت دارایی در نامه‌ای به مجلس در ۱۳۳۸/۱/۱۸ نوشت: «باتوجه به اینکه از سال ۱۳۲۸ دولت نیروی انسانی جدیدی را جذب نکرده است و باتوجه به اجرای اصلاح قانون بازنشستگی سال ۱۳۳۷ تعداد زیادی کارمند بازنشسته شده‌اند، برخی از وزارت‌خانه‌ها مانند وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری، وزارت کشور و سایر وزارت‌خانه‌ها با کمبود کارمند مواجه‌اند و به‌علاوه احتیاج به استخدام در بعضی از دستگاه‌ها [و] نیز توسعه سازمانی از قبیل ایجاد دادگاه‌ها و ازدیاد بخشداری‌ها احتیاج به استخدام عده‌ای کارمند تحصیل کرده دارند. باتوجه به اینکه جوانان تحصیل کرده در رشته‌های مختلف از دانشگاه‌های ایران و خارج فارغ‌التحصیل‌اند، لازم است به این مسئله توجه گردد...» (ساکما، شناسه سند: ۷۵۰۵۵۲-۲۴۰، سند ۷، ۱۳۳۸). این سند گویای تأثیر فراگرد توسعه بر لزوم تصحیح قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم است. بدین ترتیب تلاش‌هایی برای اصلاح برخی مفاد قانون اساسی برای همراهی با جریان نوسازی در این دوره آغاز شد.

قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۴۶ اصلاح و ارزیابی شد. البته براساس ماده ۲ قانون استخدامی در سال ۱۳۴۶ش، قانون استخدام کشوری‌ای که برای ادارات دولتی پیش‌بینی شده بود، برخی ارگان‌ها و نهادها را شامل نمی‌شد و آن‌ها هریک از نظر استخدام تابع مقررات خاص خود بودند؛ سازمان‌هایی مانند وزارت دربار شاهنشاهی، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، شرکت‌های دولتی مصوب ۵ خرداد ۱۳۵۲ش، شهرداری‌ها و



مؤسسات تابعه آنها، نیروهای مسلح، دانشگاه‌ها، مجلس، و وزارت امور خارجه (وهمن، ۱۳۵۵، ص ۲). به‌هرحال از آن زمان به‌بعد اکثر ادارات دولتی بر مبنای قانون واحد به استخدام نیروی موردنیاز خود پرداختند.

۳. ماهیت قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم

۱.۳. شرایط استخدام

قانون استخدام کشوری و بسیاری از قوانین مصوب دیگر در دوره پهلوی دوم، درصدد ایجاد تحول موردنیاز برای همراهی با جریان نوسازی بودند. ایجاد فرصت برابر در رقابت برای افراد متخصص در حوزه‌های مختلف از ویژگی‌های بارز قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم بود. هرچند در نخستین قانون کشوری اصل مسابقه به‌عنوان شرط ورود افراد به خدمات دولتی تعیین شده بود، ولی این قانون در حوزه اجرا موفق نبود. نخستین بار در سال ۱۳۲۱ش در معیارهای استخدام تغییراتی جدی به‌وجود آمد و به اصل مسابقه برای استخدام کارمندان توجه شد (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۵۴). قانون استخدام دوره پهلوی دوم با تعیین شرایط یکسان برای ورود افراد مختلف به مشاغل دولتی، با تکیه بر اصل امتحان و رقابت، در ایجاد فرصت برابر در دستیابی به مشاغل دولتی تأثیری به‌سزا داشت. در قانون استخدام این دوره، تدابیر بیشتری در ورود افراد به مشاغل دولتی اتخاذ شد تا از هرگونه کوتاهی و بی‌عدالتی در ایجاد فرصت‌های برابر برای ورود به مشاغل دولتی جلوگیری شود. در عصر محمدرضا شاه پهلوی، برای نظارت بیشتر بر این اصل، سازمان کارگزینی کل کشور مسئولیت برگزاری امتحان و مسابقه برای جذب کارمند در تمام وزارت‌خانه‌ها و بنگاه‌های دولتی را برعهده گرفت و طرز تشکیل شورای عالی امتحانات و طریقه دعوت از داوطلبان و انجام مسابقات و برنامه و مواد امتحانی براساس آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شد که به‌تصویب هیئت وزیران می‌رسید (ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازبایی: ۱۳/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۲، ۱۳۳۴).

در برخی از اصول قانون استخدام کشوری که در مردادماه سال ۱۳۲۵ به‌تصویب هیئت وزیران رسید، تلاش برای ایجاد فرصت‌های برابر برای استخدام افراد و رتبه‌بندی شغلی مشهود است. براساس اصل اول این قانون، اصل وحدت قوانین استخدامی مطرح شد و براساس آن، قوانین متعدد با شرایط نامساوی در استخدام افراد حذف شد. براساس اصل دوم که مربوط به طبقه‌بندی شغلی بود، معیارهای ناعادلانه گذشته در ارتقای شغلی حذف شد و تمام افراد براساس مدارج تحصیلی و معلومات و نوع شغل، رتبه‌بندی می‌شدند و براساس شرایط یکسان و مشخص ارتقا می‌یافتند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۵، ۱۶ مرداد،

ش ۶۱۱، ص ۱). این رویکرد حکومت پهلوی با ایجاد فرصت‌های برابر برای ورود به ساختار اداری و ارتقای شغلی، براساس قانون استخدام واحد، زمینه ورود افراد متخصص به ساختار اداری کشور را فراهم کرد؛ کشوری که قرار بود نوسازی شود، به سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی خود نیاز داشت (وینر، ۱۳۵۵، صص ۳۴۹-۳۵۱ و ۳۶۰). از دیگر اقداماتی که در راستای سامان‌دهی به موضوع استخدام انجام شد طرح ادغام شورای عالی امور اداری و سازمان خدمات کشوری بود. این طرح سبب شد تا از هرج و مرج موجود در استخدام نیروی انسانی جلوگیری شود و بر استخدام افراد نظارت بیشتری بشود. شورای عالی امور اداری و سازمان خدمات کشوری در بهمن ۱۳۴۰ ش، در یکدیگر ادغام شدند و این سازمان با عنوان سازمان امور اداری و استخدامی کشور به فعالیت خود ادامه داد. این سازمان وظیفه طرح قانون جدید استخدام را برعهده گرفت (ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۷۱۲۶، سند ۲، ۱۳۴۰؛ صفایی، ۱۳۵۵، صص ۶۰-۶۱). اتخاذ رویکرد نوسازی در دوره محمد رضا شاه پهلوی، متضمن به‌کارگیری نیروی مستعد برای برعهده گرفتن مشاغل حرفه‌ای بدون در نظر گرفتن خاستگاه اجتماعی، بود؛ زیرا معمولاً در جوامع صنعتی یا در مسیر توسعه صنعتی، انتخاب نیروی کار برای ساختار اداری از طریق شایسته‌سالاری و رقابت انجام می‌شود و براین اساس به تدریج مکانیسم تحصیلات، جایگزین روش‌هایی چون ارث و جانشینی در دست‌یابی به مشاغل دولتی می‌شود (Brown, 2013, p679)؛ قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم این امکان را فراهم کرد.

۳.۲. اهمیت اصل تحصیلات در قانون استخدامی دوره پهلوی دوم

بررسی اسناد مربوط به قانون استخدام کشوری در دوره مذکور، حاکی از تأکید بر تحصیلات و ارزش محوری آن در قانون استخدام است. در حالی که در نخستین قانون استخدام کشوری در ۱۳۰۱ ش، بر مؤلفه تحصیلات در استخدام و ارتقای شغلی افراد چندان تأکیدی نشده بود، در قانون استخدام دوره محمد رضا شاه، بر اصل تحصیلات تأکید زیادی شد. براساس قانون استخدام کشوری سال ۱۳۰۱ ش، انتخاب افراد برای اشتغال در سیستم اداری براساس ملاک‌هایی چون مسابقه و داشتن تصدیق‌نامه سال سوم تحصیلات متوسطه یا دادن امتحانی بود که برای تحصیلات متوسطه معین شده بود (کمام، شناسه سند: ۴۱۱۲۵۵، باز یابی: ۵/۱۰۶/۱۶/۱/۱۸، سند ۲: ۱۳۰۱؛ ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۲۵۱۸، سند ۱: ۱۳۰۱). این اصل از قانون استخدام با وجود تعیین سطحی از تحصیلات برای ورود به مشاغل دولتی، در دوره پهلوی اول با اعتراضاتی از سوی وزارت معارف مواجه شد؛ زیرا سطح تحصیلات تعیین شده با مقتضیات نوسازی همخوانی نداشت. وزارت معارف در



دوره پهلوی اول طی نامه‌ای این اصل را مخالف با شرایط خاص ایران در مسیر نوسازی دانست و خواستار تعیین امتیازات بیشتر برای اصل تحصیلات در قانون استخدامی شد: «توجه به ملاک تحصیلات در جذب نیروی اداری موجب تشویق افراد در کسب علم است» (ساکما، شناسه سند: ۳۱۷۶۳-۲۹۴، سند ۱: ۱۳۰۶). با این حال در دوره پهلوی اول تدبیری در اصلاح این بخش از قانون استخدام اتخاذ نشد و تا پایان این دوره همچنان در شرط تحصیلات برای ورود به خدمت تغییری حاصل نشد (ساکما، شناسه سند: ۱۸۶۹-۲۹۷، سند ۱: ۱۳۱۵). نوسازی و توسعه در گام نخست نیازمند نیروی انسانی متخصص و شایسته است؛ ولی با وجود نیازی که به نیروی متخصص در جامعه مقارن با تصویب نخستین قانون استخدام کشوری وجود داشت، به میزان تحصیلات کارمندان دولت توجه کافی نشد.

طی جریان نوسازی و گذار جوامع از سنتی به مدرن تغییراتی متعدد در سطوح مختلف جامعه ایجاد می‌شود و این خود باعث تغییراتی در انتظارات و خواسته‌های افراد جامعه می‌شود. این موضوع بازتابی روشن در واکنش گروه‌های نوظهور اجتماعی در دوره پهلوی دوم داشت؛ به طوری که آشفتگی در تأثیر تحصیلات در قانون استخدام و ارتقای شغلی، موجب نارضایتی گروه‌های متخصص کارمند در این دوره شد. این نارضایتی‌ها در سال ۱۳۲۲ش از سوی قشر مهندسان آغاز شد. در سال ۱۳۲۲ش گروه‌های زیادی از مهندسان از طریق کانون مهندسان به علت فقدان قانون استخدامی مناسب برای شغل مهندسی و حقوق اجتماعی و اقتصادی آن، مراتب اعتراض خود را به مجلس و دولت اعلام کردند و احقاق حقوق خود را در این زمینه خواستار شدند (کمام، شناسه سند: ۳۸۶۷۸۷، بازبایی: ۱۳/۱۲۸/۹/۱/۵۹، سند ۴، ۱۳۲۲). سرانجام در راستای اصلاح قانون استخدام کشوری لایحه مربوط به قانون استخدام مهندسان در مرداد ۱۳۲۲ش به مجلس تقدیم شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۲، ۲۸ آبان، ش ۵۲۴۸، ص ۴).

در مفاد قانون استخدام در دوره محمدرضا شاه پهلوی، به علت کمبود نیروی متخصص و کاردانی که با جریان نوسازی در این دوره همراه و همگام باشد، در جذب افراد جدید بر اصل تحصیلات تأکید شده و آمده است: «چون افراد تحصیل کرده در ادارات در حد کفایت وجود ندارد، لازم بود موجبات تهیه افراد لایق برای رشته‌های مختلف فراهم گردد و داشتن معلومات شرط ورود به خدمت قرار داده شد» (ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۵۰-۲۴۰، سند ۱۸: ۱۳۳۴). علاوه بر تأکید بر تحصیلات به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ورود به خدمت دولتی، در ترفیع کارمندان و ورود به طبقه بالاتر نیز بر لزوم کسب تحصیلات تأکید شده است (ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۵۰-۲۴۰، سند ۱۹: ۱۳۳۴). دولت در

این دوره، در برنامه استخدام خود برنامه‌ای ویژه در راستای جذب نیروی تحصیل کرده در پیش گرفت. طبق مفاد یکی از اسناد، وزارت دارایی در نامه‌ای به نخست‌وزیری به تاریخ ۱۳۳۸/۱/۱۸ بر استخدام فارغ‌التحصیلان دانشکده حقوق و دانشکده علوم اجتماعی برای تأمین بخشداری‌ها تأکید کرده است (ساکما، شناسه سند: ۲۷۵۰۵۵-۲۴۰، سند ۶، ۱۳۳۸). از دیگر مزایای تحصیل در قانون استخدام این دوره، معافیت از دوره کارآموزی بود. در آیین‌نامه ارتقای معلمان مصوب آذرماه ۱۳۵۲ آمده است: «معلمانی که در حین خدمت موفق به اخذ مدرک تحصیلی بالاتری شوند، [اگر] از نظر استخدامی مورد احتیاج وزارت مذکور باشد، از گذراندن دوره کارآموزی مربوط به رشته یا طبقه شغلی جدید معافاند» (وهمن، ۱۳۵۵، ص ۸۱). این رویکرد به اصل تحصیلات در قانون استخدام کشوری، به دلیل نقشی که قوانین در ایجاد ارزش‌های و هنجارها دارند، در تبدیل تحصیلات و تخصص به ارزش‌های برتر اجتماعی نقشی مهم داشت.

مطالعه اسناد موجود در زمینه تصویب قانون استخدام و واکنش‌ها به آن، گویای تعیین‌کننده بودن ملاک تحصیلات در جذب، و ارتقای شغلی کارمندان دولت است. هرچند در ابتدا پررنگ شدن ملاک تحصیلات به عنوان ارزشی در قانون استخدام با واکنش‌هایی از سوی کارمندان قدیمی فاقد تحصیلات یا با تحصیلات پایین مواجه شد، ولی به تدریج به عنوان مؤلفه‌ای مهم در استخدام دولتی، ارتقای شغلی، و دریافت تسهیلات اهمیت یافت. نامه‌های متعددی از برخی از کارمندان قدیمی دولت در اعتراض به اهمیت یافتن اصل تحصیلات در استخدام و ارتقای شغلی، به مجلس و اداره امور استخدام فرستاده شده است. جمعی از کارمندان دولت در خوزستان ضمن گلایه از مفاد قانون استخدام به مجلس شورای ملی می‌نویسند: «محترماً در این موقع که قانون استخدام کشوری اجرا و صادر گردیده، لازم است به وضع پرسنلی کارمندان قدیمی که معلومات خیلی از این‌ها از دیپلمه‌های جدیدالاستخدام بیشتر است، رسیدگی شود؛ بنابراین اینکه دو گروه، همه در گروه ۴ قرار گیرند، نیاز به اصلاح است» (کمام، شناسه سند: ۴۰۹۹۱۲۳، بازیابی: ۲/۱۷۶-۲۲/۲۲/۲/۱۷۶/۲، سند ۱، ۱۳۳۴). گروهی دیگر از کارمندان دولت در اعتراض به تأکید بر اصل تحصیلات در قانون استخدام و رده‌بندی‌های شغلی می‌نویسند: «در قانون جدید، کارمندان رسمی و غیررسمی قدیمی را که ۲۵ سال سابقه خدمت دارند، به علت نداشتن مدرک تحصیلی لازم در گروه ۲ قرار داده‌اید؛ این بی‌عدالتی است...» (کمام، شناسه سند: ۴۰۹۹۱۲۳، بازیابی: ۲/۱۷۶-۲۲/۲۲/۲/۱۷۶/۲، سند ۷: ۱۳۳۴). با وجود این اعتراضات تأکید بر اصل تحصیلات و تخصص‌گرایی در جذب نیروی انسانی مورد نیاز در ساختار اداری، در سراسر این دوره تداوم یافت.

تداوم رویکرد ارزش‌گذاری به تحصیلات در این دوره را در آیین‌نامه استخدام پیمانی مورخ ۱۳۵۱/۱۲/۲۴ ش نیز می‌توان مشاهده کرد. در ماده اول این آیین‌نامه، مدت قرارداد استخدام پیمانی برای افراد دارای مدرک بالاتر از لیسانس یک سال در نظر گرفته شده است، در حالی که مدت مجاز برای استخدام پیمانی متصدیان زیر لیسانس به مدت سه ماه مطرح بوده است (وهمن، ۱۳۵۵، ص ۴۳). توجه به موضوع تحصیلات در تبدیل کارمندان پیمانی به رسمی نیز مطرح شد، به طوری که در مصوبه قانون تبدیل کارمندان پیمانی به رسمی در سال ۱۳۲۵ ش، آمده است: «کسانی که قبل از ورود به خدمت دارای درجه لیسانس یا بالاتر بوده باشند و یا در خلال کارمندی خدمت اداری دارای تحصیلات بیشتری گردند، می‌توانند از این قانون تبدیل از پیمانی به رسمی بهره‌مند گردند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۲۵، ۲۰ مرداد، ش ۶۱۱۴، ص ۱). این نکته گویای ارزش تحصیلات در استخدام و مزایای آن در قانون استخدام و ایجاد امنیت شغلی بیشتر با داشتن تحصیلات، در دوره پهلوی دوم است. اینجاست که می‌توان گفت: زمینه برای پیدایش نگرش‌های تازه به اهمیت تحصیلات در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد به تدریج شکل می‌گیرد؛ زیرا پیدایش نگرش نوین نتیجه آموزش‌های اجتماعی است که در نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و یا نهاد حکومت صورت می‌گیرد (روشبلاو و بورونیون، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴). قانون استخدام دوره پهلوی دوم با طرح تحصیلات، به عنوان عاملی تعیین‌کننده در استخدام، سبب شد تا به تدریج زمینه برای جذب نیروی متخصص و کارآمد در ساختار اداری این دوره فراهم شود.

نتیجه‌گیری

قانون در جوامع مختلف از مهم‌ترین الگوهای رفتار عملی است؛ بنابراین عرصه قانون‌گذاری در هر مقطعی از زمان می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در طرح‌ها و ارزش‌های عملی مورد نیاز جامعه داشته باشد. قانون استخدام کشوری یکی از قوانین مهم در جوامع مدرن است که با توجه به ارتباط مستقیمی که با وضعیت شغلی و اجتماعی دارد، مورد توجه افراد جامعه است. قانون استخدام کشوری با موقعیت شغلی افرادی که جذب ساختار اداری می‌شوند، مستقیماً ارتباط دارد و چون موقعیت شغلی افراد و مؤلفه‌های تأثیرگذار در کسب مشاغل، نقشی مهم در ترسیم رویکردهای اقتصادی دارند، بنابراین تدوین قانون استخدام و تعیین اولویت‌های استخدامی تأثیری به‌سزا در تبدیل شدن برخی از اولویت‌ها به رویکردهای جدید اقتصادی و اجتماعی دارد. قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم با تغییر در معیارهای استخدام چون تحصیلات و برگزاری آزمون و تأکید بر اجرای

آن از طریق نهادهایی جدید چون سازمان خدمات کشوری و شورای عالی امور اداری زمینه را برای گسترش نظام فرصت در جامعه فراهم کرد. این موضوع به استخدام نیروی انسانی متخصص در راستای نوسازی نظام اداری ایران منجر شد. با توجه به جریان گسترده نوسازی در این دوره و اهمیت تأمین نیروی انسانی، قانون استخدام در این دوره در مفاد خود با این جریان همراهی داشت. تغییرات در قانون استخدام کشوری در دوره پهلوی دوم حاکی از پیدایش رویکردی نوگرایانه در این قانون است که درصدد بوده است تا خود را با مقتضیات نوسازی در این دوره هماهنگ سازد.

منبع

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)
ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۵۰-۲۴۰، سند ۱۸ و ۱۹، ۱۳۳۴.
ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازیابی ۱۳/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۱، ۱۳۳۴.
ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازیابی ۱۳/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۲، ۱۳۳۴.
ساکما، شناسه سند: ۱۰۰۷۵۰-۲۴۰، بازیابی ۱۳/۱/۱۰۰۷۵۰، سند ۱۰۹، ۱۳۳۴.
ساکما، شناسه سند: ۲۴۰/۲۱۰۲۲، بازیابی: ۱۳/۱/۲۰۸۸۰، سند ۱، ۱۳۰۴.
ساکما، شناسه سند: ۲۴۰-۲۱۹۸۱، بازیابی: ۱۳/۱/۲۱۸۳۹، سند ۷، ۱۳۰۷.
ساکما، شناسه سند: ۲۴۰-۲۷۵۰۵۵، سند ۶، ۱۳۳۸.
ساکما، شناسه سند: ۲۴۰-۲۷۵۰۵۵، سند ۷، ۱۳۳۸.
ساکما، شناسه سند: ۲۹۴-۳۱۷۶۳، سند ۱، ۱۳۰۶.
ساکما، شناسه سند: ۱۸۶۹-۲۹۷، سند ۱، ۱۳۱۵.
ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۲۱۲۶۸، سند ۱، ۱۳۰۳.
ساکما، شناسه سند: ۲۹۷/۳۲۵۱۸، سند ۱، ۱۳۰۱.
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)
کمام، شناسه سند: ۸۶۷۸۷۳، بازیابی ۱۳/۱۲۸/۹/۱/۵۹، سند ۳ و ۴، ۱۳۲۲.
کمام، شناسه سند: ۴۰۹۹۱۲۳، بازیابی ۲/۱۷۶-۲۲/۲۲/۲/۱۷۶/۲، سند ۱، ۱۳۳۴.
کمام، شناسه سند: ۴۰۹۹۱۲۳، بازیابی ۲/۱۷۶-۲۲/۲۲/۲/۱۷۶/۲، سند ۷، ۱۳۳۴.
کمام، شناسه سند: ۴۱۱۲۵۵، بازیابی ۵/۱۰۶/۱۶/۱/۱۸، سند ۱، ۱۳۰۱.
کمام، شناسه سند: ۴۱۱۲۵۵، بازیابی ۵/۱۰۶/۱۶/۱/۱۸، سند ۲، ۱۳۰۱.



کتاب

- باتامور، تی. بی. (۱۳۵۸). *جامعه‌شناسی*. (سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی، مترجمان). (چ ۱). تهران: کتاب‌های جیبی.
- روشبلو، آن ماری؛ بورونیون، ادیل. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی اجتماعی: مقدمه‌ای بر نظریه‌ها و آئین‌ها*. (چ ۳). (سیدمحمد دادگران، مترجم). تهران: انتشارات مروارید.
- وهمن، روح‌الله. (۱۳۵۵). *مجموعه کامل قوانین استخدامی... (چ ۱)*. تهران: زرین.
- وینر، مایرون. (۱۳۵۵). *نوسازی جامعه: چند گفتار در شناخت دینامیسم رشد*. (چ ۳). (رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، مترجم). تهران: شرکتهای سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.

مقاله

- جعفری، علی؛ دهقان‌نژاد، مرتضی؛ الهیاری، فریدون. (۱۳۹۵). «اصلاح نظام اداری ایران در عصر قاجار با تأکید بر قانون استخدام کشوری». فصل‌نامه علمی پژوهشی *تاریخ اسلام و ایران* دانشگاه الزهراء، سال ۲۶، ش ۲۹، صص ۵-۳۹.
- صفایی، ابوالفضل. (۱۳۵۵). «تاریخچه قانون استخدام کشوری»؛ *مجله فنون اداری*، شماره ۵۴، صص ۶۵-۵۷.

نشریه

- روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۲۲، ۲۸ آبان، ش ۵۲۴۸، ص ۴.
- روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۲۵، ۱۶ مرداد، ش ۶۱۱۱، ص ۱.
- روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۲۵، ۲۰ مرداد، ش ۶۱۱۴، ص ۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۲۳۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، جلسات ۱۵۷ و ۱۵۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۵۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۹۹.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم، جلسه ۱۰۱.

منابع لاتین

- Brown, Phillip. (2013). "Education, opportunity and the prospects for Social mobility". *British journal of sociology of Education*, 34(5-6), pp 678-700.

English Translation of References

Documents

Ketābxāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

Document ID: 386787, Retrieval number: 13/128/9/1/59, document number: 3 & 4, 1322/1943.

Document ID: 4099123, Retrieval number: 22/22/2/176/2-2/176, document number: 1, 1334/1955.

Document ID: 4099123, Retrieval number: 22/22/2/176/2-2/176, document number: 7, 1334/1955.

Document ID: 411255, Retrieval number: 5/106/16/1/18, document number: 1, 1301/1922.

Document ID: 411255, Retrieval number: 5/106/16/1/18, document number: 2, 1301/1922. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran):

Document ID: 240-10050, document number: 18 & 19, 1334/1955.

Document ID: 240-100750, Retrieval number:13/1/1/100750, document number: 1, 1334/1955.

Document ID: 240-100750, Retrieval number:13/1/1/100750, document number: 2, 1334/1955.

Document ID: 240-100750, Retrieval number:13/1/1/100750, document number: 109, 1334/1955.

Document ID: 240/21022, Retrieval number:13/1/20880, document number: 1, 1304/1925.

Document ID: 240-21981, Retrieval number:13/1/1/21839, document number: 7, 1307/1928.

Document ID: 240-275055, document number: 6, 1338/1959.

Document ID: 240-275055, document number: 7, 1338/1959.

Document ID: 294-31763, document number: 1, 1306/1927.



Document ID: 297-1869, document number: 1, 1315/1936.

Document ID: 297/21268, document number: 1, 1301/1922.

Document ID: 297/32518, document number: 1, 1301/1922. [Persian]

Books

Bottomore, Thomas Burton. (1358/1979). "*Jāme'e-šenāsi*" (Sociology) (1st ed.). Translated by seyeyed Hassan Mansour & Seyyed Hassan Hosseini Kaljahi. Tehran: Ketāb-hā-ye Jibi. [Persian]

Rocheblave-Spenle, Anne Marie & Bourguignon, Odile. (1373/1994). "*Ravān-šenāsi-ye ejtemā'ee: Moqaddame-ee bar nazarie-hā va āyin-hā*" (Psychologie sociale clinique: introduction aux théories et doctrines en psychologie sociales) [Clinical social psychology: Introduction to theories and doctrines in social psychology] (3rd ed.). Translated by Seyyed Mohammad Dadgaran. Tehran: Enteshārāt-e Morvārid. [Persian]

Vahman, Rouhollah. (1355/1976). "*Majmu'e-ye kāmel-e qavānin-e estexdāmi...*" (The complete collection of employment laws) (1st ed.). Tehran: Zarrin. [Persian]

Weinerf, Myron. (1355/1976). "*Nowsāzi-ye jāme'e: Čand goftār dar šenāxt-e dināmism-e rošd*" (Modernization: The dynamics of growth) (3rd ed.). Translated by Rahmatollah Moqaddam. Tehran: Šerkat-hā-ye Sahāmi-ye Ketāb-hā-ye Jibi bā Hamkāri-ye Mo'assese-ye Enteshārāt-e Ferānklin (Franklin Book Program). [Persian]

Articles

Brown, Phillip. (2013). "Education, opportunity and the prospects for Social mobility". *British Journal of Sociology of Education*, 34 (5-6), pp. 678-700.

Jafari, Ali; Dehghan nejad, Morteza & Allahyari, Fereydoun. (1395/2016). "Eslāh-e nezām-e edāri-ye Irān dar asr-e Qājār bā ta'kid bar qānun-e estexdām-e kešvari" (Reforming the bureaucracy of Iran during Ghajar: The case of employment laws). Fasl-nāme-ye 'Elmi va Pažuheši-ye *Tārix-e Eslām va Irān* Dānešgāh-e Al-Zahrā (The Quarterly Journal of History of Islam and Iran), 26 (29), pp. 5-39.



[Persian]

Safayi, Abolfazl. (1355/1976). "Tārix-če-ye qānun-e estexdām-e kešvari" (History of national employment law). *Majalle-ye Fonun-e Edāri*, 54, pp. 57-65. [Persian]

Press

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettela'at Newspaper). (1322, Ābān 28 / 1943, November 20). Issue number: 5248, p. 4. [Persian]

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettela'at Newspaper). (1325, Mordād 16 / 1946, August 7). Issue number: 6111, p. 1. [Persian]

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettela'at Newspaper). (1325, Mordād 20 / 1946, August 11). Issue number: 6111, p. 1. [Persian]

Mašruh-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), second term, session 234. [Persian]

Mašruh-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), fourth term, session 157 & 158. [Persian]

Mašruh-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), thirteenth term, session 54. [Persian]

Mašruh-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), thirteenth term, session 99. [Persian]

Mašruh-e Mozākerāt-e Majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), thirteenth term, session 101. [Persian]





An Early Attempt for Public Financial Accountability in Iran: Formation and Failure of the Commission for Implementation of Remittances

AliReza Mollaei- Tavani¹ | Amin Mohammadi²

Abstract:

Purpose: To report the performance and the failure of the Commission for the Implementation of Remittances as an early attempt by the Parliament after the 1906 Constitutional Revolution for monitoring public expenditures.

Method and Research Design: Data presented is based on Archival records of the Ministry of Economics and Finance held at the National Archives of Iran and the National Assembly Proceedings.

Findings and Conclusion: The chronic and pervasive corruption in public finance made the members of the newly established parliament of the post-constitutional revolution in 1915 to create a regulatory body – a parliamentary commission- mandated to monitor the expenditure of the public money. The commission was given special power to prevent unlawful expenditures. However, weakness of the government as the result of the occupation of the major parts of the country by Russians, Ottomans, and the British during WWI, in compliance to the commission's rulings by the government departments, limited capacity of the Commission to address all cases, and focusing on minor instead the major cases, ended in the failure of the Commission to fulfill its mission. The commission was dissolved in 1922, replaced by the Financial Supervision Commission.

Keywords:

Iran- public finance- parliamentary commission- - World War 1- Commission for the Implementation of Remittances

Citation:

Mollaei Tavani, A., Mohammadi, A. (2020). An Early Attempt for Public Financial Accountability in Iran: Formation and Failure of the Commission for Implementation of Remittances. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 90-115. (In Persian)

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. Associate Professor, Department of History, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, I. R. Iran
mollaiynet@yahoo.com
2. PhD Student of History, Research Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, I. R. Iran
Amin64_m@yahoo.com
Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2413

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 90 - 115 (26) | Received: 9, Dec. 2018 | Accepted: 10, Mar. 2019

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

کمیسیون تطبیق حوالجات (حواله جات): شکل گیری و انحلال (۱۲۹۳-۱۳۰۰ ش)

علیرضا ملایی توانی^۱ | امین محمدی^۲

چکیده:

هدف: شناسایی ضرورت تشکیل و عوامل ناکارآمدی کمیسیون تطبیق حوالجات به عنوان یکی از سازوکارهای نظارت بر مالیه کشور.

روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد وزارت امور اقتصادی و دارایی موجود در آرشیو ملی ایران و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی گردآمده است.

یافته‌ها و نتیجه گیری: فساد فراگیر در تشکیلات مالیه باعث شد مجلس و دولت مردان، پس از مشروطه به فکر ایجاد سازوکار نظارتی بر نظام مالی کشور بیفتند. کمیسیون تطبیق حوالجات در اواخر سال ۱۲۹۳ ش پس از دو تجربه ناموفق دیوان محاسبات و کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه، با هدف تطبیق حوالجات با بودجه و حسابرسی وزارت خانه‌ها و اداره‌های دولتی تشکیل شد. از آنجاکه پیش از مشروطه نبود نظارت بر درآمدها و هزینه‌ها، حکومت قاجار را با بحران فراگیر مواجه کرده بود و باعث اتلاف بخش زیادی از منابع مالی شده بود، این کمیسیون با استقلال و اختیارات ویژه وظیفه داشت با نظارت و بررسی همه جانبه مانع از پرداخت خارج از بودجه و مصوبات دولت شود. اشغال بخش‌های مهمی از کشور توسط نیروهای نظامی روسیه، عثمانی، و بریتانیا در جنگ جهانی اول، جزئی‌نگری و نادیده گرفتن پرونده‌های کلان، بی‌توجهی دستگاه‌های دولتی، بی‌تناسبی کارها با توان اعضای کمیسیون باعث شکست کمیسیون در اجرای مأموریت و انحلال آن در ۱۳۰۰ ش شد و کمیسیون مخارج جای آن را گرفت.

کلیدواژه‌ها:

کمیسیون تطبیق حوالجات (حواله جات)؛ نظارت؛ مشروطه؛ اسناد تاریخی؛ وزارت مالیه؛ ایران؛ جنگ جهانی اول.

استناد:

ملایی توانی، علیرضا، محمدی، امین. (۱۳۹۹). کمیسیون تطبیق حوالجات (حواله جات): شکل گیری و انحلال (۱۲۹۳-۱۳۰۰ ش). گنجینه اسناد، ۳۰(۱)، ۹۰-۱۱۵.

۱. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
mollaiymet@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).
Amin64_m@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۳

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۹۰-۱۱۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

تحقیقات تاریخی

مقدمه

اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم در تاریخ ایران، تشکیلات مالیه همواره مانند قلب تپنده حکومت‌ها عمل کرده‌است. هرگاه این تشکیلات در انجام وظایف خود ناتوان شده، حکومت نیز در ورطه اضمحلال قرار گرفته‌است. تا پیش از تشکیل وزارت مالیه، مستوفی‌الممالک در رأس دیوان یا وزارت استیفا بود و به‌همراه شمار زیادی مستوفی دون‌پایه وظیفه نظارت بر درآمدها و هزینه‌های حکومت قاجار را برعهده داشت. پس از تأسیس وزارت مالیه، منصب مستوفی‌الممالک به وزیر مالیه تبدیل شد؛ ولی ساختار کلی این تشکیلات تغییر نکرد و همچنان اصول مالی صفویه، افشاریه و زندیه با تغییراتی نه‌چندان گسترده به کار خود ادامه داد. از دیرباز وظیفه اصلی تشکیلات مالیه ایجاد توازن میان دخل و خرج (بودجه) کشور بود؛ به این معنی که وظیفه داشت شرایطی را فراهم کند تا درآمدهای حکومت با هزینه‌هایش برابر یا بیشتر از آن باشد. از زمان روی کار آمدن قاجاریه تا پیش از استقرار مشروطیت، حکومت در مواقع زیادی با نبود توازن میان دخل و خرج یا به‌عبارت دیگر با کسری بودجه مواجه می‌شد. وصول نشدن مالیات‌ها و افزایش روزافزون هزینه‌ها که بخش زیادی از آن نتیجه جنگ با روسیه بود، باعث شد تا حکومت قاجار در سراسیمه‌ی سقوط قرار گیرد. در این بازه زمانی، تشکیلات مالیه ساختاری منظم نداشت و مهم‌ترین ویژگی آن فردمحوری بود؛ یعنی سیاست‌های فردی شاه، صدراعظم و وزیر مالیه به استحکام یا آشفتگی آن منجر می‌شد (محمدی، ۱۳۹۶، صص ۱۳۹-۱۴۴).

در دوره ناصری حکومت تلاش کرد با تغییراتی در ساختار مالیه، اوضاع بی‌ثبات آن را سروسامان دهد؛ در این راستا، رساله‌هایی برای شناخت معایب مالیه و پیشنهاد برای بهبود آن، از سوی برخی مقامات مالیه نگارش و تدوین شد (ساکما، ۲۹۵/۷۲۵۸).

استقراض از روسیه و انگلیس و نبود نظارت بر چگونگی مصرف آن، اوضاع مالی کشور را بیش‌ازپیش دچار آشفتگی کرد و درنهایت ورشکستگی مالیه، حکومت قاجار را در وضعیت بحرانی قرار داد. نبود نظارت صحیح بر امور مالیه و پاسخگونبودن مستوفیان از عوامل اصلی به‌وجود آمدن این وضعیت بود (ساکما، ۲۹۵/۷۲۵۸). با استقرار مشروطیت -که اوضاع نابه‌سامان مالیه تأثیری انکارناپذیر بر شکل‌گیری آن داشت- دولت و مجلس مشروطه تلاش کردند مالیه ورشکسته را با انجام اصلاحات اساسی احیا کنند. در این راستا، قوانین بسیاری تصویب شد که مهم‌ترین آن‌ها ایجاد سازوکارهای نظارتی بر تشکیلات مالیه بود. در اولین گام، دیوان محاسبات برای نظارت بر امور مالی تشکیل شد؛ ولی این دیوان خیلی زود منحل شد و جای خود را به کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه و در ادامه به کمیسیون تطبیق حواله‌جات داد. کمیسیون تطبیق حواله‌جات از اواخر سال



۱۳۳۳ قمری وظیفه نظارت بر امور مالی حکومت قاجار را برعهده گرفت و از نظر دیرپایی و تشکیلاتی مهم‌ترین مرجع نظارتی حکومت قاجار پس از استقرار مشروطیت بود. این کمیسیون سرانجام به دلیل ناکارآمدی در سال ۱۳۴۰ قمری منحل شد و کمیسیون مخارج جای آن را گرفت.

پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ اثری به صورت مستقل به موضوع «کمیسیون تطبیق حوالجات» پرداخته است. برخی آثار در ضمن پرداختن به موضوعاتی چون زندگی رجال دوره قاجار، اشاره‌هایی کوتاه به فعالیت‌های این کمیسیون داشته‌اند. برای نمونه مقاله «دکتر مصدق ریاست کمیسیون تطبیق حوالجات مالیه» نوشته ناصر تکمیل همایون روایتی مختصر از زندگی دکتر محمد مصدق در زمان عضویت در کمیسیون مزبور است که مطالب مختصر آن از کتاب «خاطرات و تألمات مصدق» اخذ شده است (تکمیل همایون، ۱۳۹۲، صص ۱۷۷-۱۸۴). غالب آثار پژوهشی مهم در موضوع مالیه و مالیات عصر قاجار بدون توجه به اهمیت این کمیسیون تنها به صورت بسیار مختصر از آن سخن گفته‌اند. برای نمونه در کتاب تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان اثر ویلم فلور نویسنده تنها در یک پاراگراف به معرفی کمیسیون تطبیق حوالجات پرداخته که اطلاعاتش را هم از کتاب «خاطرات و تألمات مصدق» اخذ کرده است (فلور، ۱۳۹۵، ص ۳۹۳). بدون تردید یکی از عوامل سقوط حکومت قاجار آشفتگی مالیه آن بود و شناخت اوضاع مالیه قاجار بدون توجه به تحولات تشکیلات مالیه در پس از مشروطه، امکان‌پذیر نیست. مقاله حاضر می‌کوشد به موضوع بحران مالی حکومت قاجار که به تشکیل کمیسیون تطبیق حوالجات منجر شد بپردازد تا برخی از ابعاد ناشناخته تاریخ اقتصادی ایران را آشکار کند. باتوجه به آنچه گفته شد موضوع اصلی پژوهش حاضر فلسفه و ضرورت تشکیل کمیسیون تطبیق حوالجات در نظام مالی ایران در پس از استقرار مشروطیت و بررسی عوامل ناکارآمدی آن است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و باتوجه به این که در منابع کتابی اطلاعات زیادی درباره موضوع پژوهش حاضر وجود ندارد، تکیه اصلی آن بر اسناد آرشیوی و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی قرار گرفته است. اسناد گردآوری شده مربوط به وزارت دارایی و مجلس شورای ملی اند و از آنجاکه غالب آن‌ها را کمیسیون تطبیق حوالجات ایجاد کرده است، اطلاعات لازم را برای پاسخ به موضوع پژوهش حاضر در خود دارند.

علل تشکیل کمیسیون تطبیق حواله جات

از مهم‌ترین وظایف مالیه که تأثیر زیادی بر توازن دخل و خرج و ثبات حکومت داشت، پرداخت هزینه‌هایی چون جیره و مواجب کارکنان کشوری و لشکری بود. این پرداخت‌ها با حواله‌هایی به نام برات^۱ انجام می‌شد و خزانه مرکزی در پایتخت و پیشکاران مالیه در ایالات و ولایات وظیفه داشتند تا مطابق با این برات‌ها وجوه نقدی یا جنسی را به صاحبان آن‌ها بپردازند (مصدق، ۱۳۰۴، صص ۱۰۹-۱۱۲). سازوکار صدور برات‌ها باید با حساب و کتاب و دقیق انجام می‌شد؛ چراکه بی‌نظمی در آن موجب آشفتگی در نظام مالی و نارضایتی عمومی می‌شد؛ مشابه وضعیتی که در زمان صدارت حاجی میرزا آقاسی به بار آمد؛ یعنی صدور برات بیش از میزان درآمدها که به پدیده برات‌های لاوصول منجر شد (نواب طهرانی، ۱۳۷۶، ص ۸۰).

پیش از مشروطیت، مستوفیان وظیفه نظارت بر سازوکار صدور برات‌های دیوانی را برعهده داشتند. فرایند نظارت محلی داشت که اشخاصی به نام عزب‌دفتر آن را انجام می‌دادند. عزب‌دفتر وظیفه داشت برات‌ها را برای رسیدگی به مستوفیان دیگر ارسال کند. هر مستوفی نیز پس از رسیدگی و تأیید صحت برات‌ها، در ظهر آن‌ها عبارت «ملاحظه شد» را درج می‌کرد (ساکما، ۲۰۷۵/۲۳۲). در ادامه مستوفی‌الممالک یا وزیر مالیه و پس از آن صدراعظم ظهر این برات‌ها را مهر می‌کردند که به امضای پادشاه موشح شود. در نهایت، وزیر مالیه برات را به‌خط خود به خزانه حواله می‌کرد تا در چرخه پرداخت قرار گیرد (ساکما، ۲۴۲۷/۲۳۲؛ مصدق، ۱۳۰۴، صص ۱۱۰-۱۱۱). نبود نظارت بر هزینه‌های حکومت معضلات بسیاری به بار می‌آورد که از مهم‌ترین آن‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

صدور برات‌های بی‌محل: به این معنی که متصدیان این کار بدون حساب و کتاب و تعیین محل مناسب برای وصول برات آن را صادر می‌کردند که در نتیجه فرایند وصول با مشکل مواجه می‌شد. برای نمونه، در زمان صدارت حاجی میرزا آقاسی هر وقت مأموران کشوری و لشکری افزایش مواجب و انعام را از او درخواست می‌کردند، او بدون توجه به توان مالی دولت آن را می‌پذیرفت (واتسن، ۱۳۴۰، ص ۲۵۳). یا در سال ۱۲۹۲ قمری، برای پرداخت مواجب افواج حدود ۱۵ هزار تومان برات بی‌محل به کرمانشاه ارسال شد که حاکم آن ولایت از پرداخت آن‌ها ناتوان بود (ساکما، ۲۹۵/۷۳۹۰). این برات‌ها سال‌ها روی هم جمع می‌شد و در نهایت دولت را با بحران مواجه می‌کرد. مورگان شوستر در دوران ریاستش بر خزانه‌داری کل، میزان برات‌های بی‌محل و وصول نشده را بالغ بر میلیون‌ها دلار

۱. برات نوشته‌ای بود که دولت به خزانه مرکزی یا خزانه ولایات حواله می‌کرد تا در مقابل آن به صاحب برات وجه یا جنسی مشخص پرداخت شود. بیش از ۵۰ نوع برات از دوره قاجار شناسایی شده است (ن ک: محمدی و حسینی، ۱۳۹۶، صص ۲۱۶-۲۵۸).



برآورد کرده‌است (شوستر، ۱۳۹۴، ص ۷۵). پر واضح است که پرداخت نکردن مواجب قوای نظامی موجب اغتشاش می‌شد؛ چنان‌که در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، تأخیر در پرداخت مواجب سربازان خلیج به شورش آن‌ها انجامید (صفایی، ۱۳۵۳، ص ۷).
پدیده مواجب‌سازی: مواجب‌سازی یکی از موارد اصلی تخلف مستوفیان بود (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۵۰). برای نمونه یک مستوفی می‌توانست برای فرزند خود با اسامی مختلفی چون ملاعلی، میرزاعلی، علی‌آقا و علی‌خان مواجب تعیین کند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۷). روایت عین‌السلطنه در این موضوع به‌وضوح از وضعیت اسفناک مواجب‌سازی حکایت دارد:

«دیروز بروات میرزاعنایت [را] که سابقاً نویسنده میرزاحسن مستوفی قزوین بود آوردند؛ به مهر رسید. قریب چهارصد تومان نقد، سی خروار جنس بود. خودش گاهی [به‌اسم] ملاعنایت مستمری می‌برد و گاهی میرزاعنایت سررشته‌دار، گاهی عنایت‌الله. یک پسر دارد [به‌نام] میرزاحسین. یک جا میرزاحسن بود، یک جا میرزاحسین، دو جا هم ملاحسن و ملاحسین. به همین اسامی در کتابچه مرقوم [است] و لاعلاج باید پرداخت. عجب این است همین قبوض در دفتر ارائه می‌شود و قبول می‌کنند. ندهیم، محل ایراد [می‌شود] و از خرج برمی‌گرداندند. حالا ولایت دیگر دوردست که جمعی از چندین مقابل قزوین است حالتش معلوم است. میرزای میرزاحسن که این‌طور باشد، حال نویسنده‌های مستوفی فارس و کرمان و خراسان آشکار [است]» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۰۴).
البته گزارش شده‌است که دیگر مقامات صاحب‌نفوذ هم این تخلف را انجام می‌داده‌اند. برای نمونه برای یک فوج به‌تعداد ۱۲۰ نفر مواجب می‌گرفته‌اند، درحالی‌که تعداد سربازان آن فوج تنها ۸۰ نفر بوده‌است (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۳۲۸، ج ۱۳۴، ص ۸۸).

پرداخت رشوه برای گرفتن مواجب بیشتر: یکی دیگر از موارد تخلف در سازوکار پرداخت برات و حواله رواج ارتشاء بود (رساله مجدی، ۱۳۰۶، ص ۹۱). یک نمونه، برقراری مستمری برای بازماندگان صاحب‌منصبان متوفی بود که مستوفیان سوء‌استفاده‌های زیادی در آن انجام می‌دادند (ساکما، ۱۰۸۱۷/۲۴۰؛ ۰۵۹۴۴۱/۲۴۰).

حساب‌سازی مالیات‌گیرندگان: حسابرسی مالی وزارت‌خانه‌ها، ایالات و ولایات را هم مستوفیان انجام می‌دادند. به این صورت که قبل از نوروز هر سال، مستوفیان درآمدهای مالیاتی و مخارج خود را در دفاتر ثبت می‌کردند و پس از کسر هزینه‌ها از درآمدها، اضافه آن را به خزانه مرکزی می‌فرستادند. درپایان، مستوفیان مرکز دفاتر آن‌ها را بررسی

و صحت آن‌ها را تأیید یا رد می‌کردند (مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۳). از آنجاکه حکام ولایات می‌توانستند مستوفیان را از نزدیکان خود انتخاب کنند، امکان هرگونه فساد در این حسابرسی‌ها ممکن بود (ساکما، ۲۹۵/۷۲۵۸). حساب‌سازی یکی از تخلفات عمده در مالیه پیش از مشروطه بود. به این صورت که صاحب‌منصبان به‌جای پرداخت مالیات با تهیه فهرستی از هزینه‌های غیرواقعی، بدهی خود را تسویه یا خود را طلبکار دولت می‌کردند (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۵۵۱). این کار را بیشتر حکام ولایات انجام می‌دادند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۲۷؛ افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۲۹۲). در گزارش مأموران سیاسی انگلیس به این نکته اذعان شده‌است که حکام ولایات با همکاری دفتر محاسبات در پایتخت، حساب‌های سالانه را دست‌کاری و آشکارا مبالغی فراوان اختلاس می‌کردند (دوراند، ۱۳۹۲، ص ۴۵). از اواخر دوره ناصری، نظارت و حسابرسی ولایات و صاحب‌جمعان با اختلال روبه‌رو شد و ائتلاف بسیاری از درآمد‌های مالیاتی و پرداخت نشدن برات‌های دیوانی را باعث شد (ساکما، ۲۴۰/۱۶۲۰۲). این وضعیت به بغرنج شدن اوضاع مالیه منجر شد و درنهایت یکی از زمینه‌های شکل‌گیری مشروطه شد.

تشکیل کمیسیون تطبیق حواله‌جات

با استقرار مشروطیت، مجلس و دولت تلاش کردند تا با انجام اصلاحات گسترده در تشکیلات مالیه، بحران‌های مالی را که تمامی عرصه‌های کشور را تحت‌تأثیر قرار داده بود کنترل کنند. مهم‌ترین محور تغییرات، ایجاد سازوکار نظارتی در مالیه بود که سران مشروطه از ابتدای استقرار مشروطیت به آن توجه کردند. از نظر صاحب‌نظران، مالیه زمانی قابل‌اصلاح بود که نظارت بر آن به‌صورت کامل انجام شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۱). در این راستا، در سال ۱۳۲۵ قمری، در مجلس اول شورای ملی برای نظارت بر امور مالیه به تشکیل «دیوان محاسبات» توجه شد. از وظایف مهم دیوان محاسبات می‌توان به حسابرسی مالیاتی ولایات و بررسی صحت مخارج دیوانی اشاره کرد (ساکما، ۲۴۰/۴۷۳۱۸؛ ۲۴۰/۱۰۰۸۱۶). بعد از حدود سه سال، وزارت مالیه تصمیم گرفت به‌دلیل وجود برخی نواقص اصلاحاتی در قانون دیوان محاسبات اعمال کند. یکی از این نقایص نداشتن سازوکار ثبت دستورالعمل‌های ولایات و برات‌های رکابی^۱ و دیگر اسناد مالی برای حسابرسی و نظارت بر امور مالی بود که باعث اتلاف زمان و طولانی‌شدن فرایند حسابرسی‌ها می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۱۶۲۰۲). قرار شد پس از رفع نواقص این قانون توسط هیئت دولت، دیوان محاسبات مجدداً به کار خود ادامه دهد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۲۵، ص ۲۵).

۱. برات‌هایی که به افراد پایه‌رکاب و آماده سفر در رکاب شاه داده می‌شد و به این جهت به آن برات‌های رکابی می‌گفتند.
۲. قانون تشکیل دیوان محاسبات در سال ۱۳۲۹ قمری تصویب شد؛ ولی این دیوان در همان سال منحل شد.



از زمان انحلال دیوان محاسبات (سال ۱۳۲۹) تا سال ۱۳۳۳ قمری کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه متصدی نظارت بر مالیه شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۴۷، ص ۴۷). اعضای سه‌نفره این کمیسیون را نمایندگان مجلس از میان ۱۵ نفری انتخاب می‌کردند که هیئت دولت معرفی کرده بود (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰).^۱ در این بازه زمانی، اصلی‌ترین وظیفه کمیسیون تفتیش، صدور مجوز برای پرداخت حواله‌جات بود. هرچند بنابر اعتراف یکی از اعضای آن، کمیسیون مزبور به دلیل موانع داخلی و خارجی از همان ابتدا نتوانست در انجام وظایف خود موفق باشد (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰):
به‌ویژه در پرداخت حقوق مستشاران خارجی که دولت همواره بدون بررسی و تصویب این کمیسیون، آن را پرداخت می‌کرد (کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴).

پس از تجربه ناموفق دیوان محاسبات و کمیسیون تفتیش این بار کمیسیون تطبیق حواله‌جات برای نظارت بر مالیه کشور تشکیل شد. قانون تشکیل این کمیسیون در ۱۵ جوزای (۳ شعبان) ۱۳۳۴ قمری به تصویب رسید؛ ولی شواهد حاکی از آن است که این کمیسیون از چند ماه زودتر یعنی ذی‌الحجه ۱۳۳۳ قمری کار خود را آغاز کرده بود. در مکاتبه میان هیئت وزرا با وزارت مالیه در تاریخ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ قمری درباره ابلاغ مقررات جدید به این وزارت‌خانه، تأکید شده‌است که مفاد مقررات باید به اطلاع اعضای کمیسیون تطبیق رسانده شود (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰/۴۶۸۵). زمان انتخاب اعضای کمیسیون ذی‌الحجه ۱۳۳۳ (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰) و تاریخ ساخت مهر کمیسیون ۱۳۳۳ قمری است (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰/۴۱۵۱۳).

ساختار کمیسیون تطبیق حواله‌جات

بر اساس قانون، اعضای کمیسیون تطبیق حواله‌جات مشتمل بر پنج نفر بودند که نمایندگان مجلس شورای ملی آن‌ها را از میان پانزده نفری که دولت پیشنهاد می‌کرد با اکثریت تام انتخاب می‌کردند (کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴). درباره انتخاب اعضا، برخلاف دیوان محاسبات که در آن اختیار انتخاب به مجلس واگذار شده بود، در قانون کمیسیون تطبیق، وزارت مالیه این امتیاز را داشت که ۱۵ نفر را به مجلس معرفی کند و مجلس از میان معرفی‌شدگان اعضای اصلی را انتخاب کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۳۲۸، ج ۱۳۴، ص ۱۳۵). این امتیاز در راستای افزایش قدرت وزارت مالیه به وزیر آن اعطا شده بود.

شرایط عضویت در این کمیسیون داشتن تابعیت ایران، حداقل سی سال سن، اطلاع از اوضاع مالیه و اداری مملکت، و نیز لیاقت بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۳۱، ص ۳۲). مورد اخیر یعنی «اطلاع از اوضاع مالیه و اداری مملکت» در

۱. برخی از اعضای کمیسیون نظارت و تفتیش مانند عزالملک در ادامه به عضویت کمیسیون تطبیق حوالجات نیز درآمدند (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰).

قانون تشکیل دیوان محاسبات وجود نداشت و به جای آن «داشتن شرایط عمومی همانند کلیه مستخدمین ادارات دولتی» جزو شرایط سه گانه عضویت در دیوان محاسبات بود (شهبازی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶). این تغییر از ارتقاء کیفی اعضای کمیسیون نسبت به دیوان محاسبات حکایت دارد. بررسی سوابق پنج عضو اولیه کمیسیون تطبیق یعنی «عزالمملک کردستانی، میرزارضاحان مستوفی، حسن علی خان نصرالمملک، محمد مصدق السلطنه و محسن خان اقتدارالدوله» نشان می دهد که همه آنها سابقه فعالیت در مالیه را داشته اند (کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴). پس از رأی گیری نمایندگان مجلس شورای ملی، اعضای منتخب به وزارت مالیه معرفی می شدند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۱۹۶۱). برای جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از مقام و منصب، مقرر شد اعضای مجلس شورای ملی و نیز اشخاصی که دارای مشاغل دولتی بودند، نتوانند هم زمان به عضویت کمیسیون تطبیق درآیند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۳۱، ص ۳۲). از سوی دیگر، هریک از اعضای کمیسیون، پیش از اشتغال به کار دولتی دیگری باید از عضویت در این کمیسیون استعفاء می کردند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۱۳۰۴۷). کمیسیون مزبور مکلف بود از میان اعضای خود یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس و از میان غیراعضا به قدر لزوم منشی و اجزاء انتخاب کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۳۱، ص ۳۲). در سال ۱۳۳۴ قمری، وزارت مالیه پس از مطالعه فراوان، برای استحکام بیشتر کارایی کمیسیون تطبیق لایحه ماده واحده را به هیئت وزرا ارسال کرد که براساس آن اعضای کمیسیون تطبیق باید هر شش ماه یک بار رئیس و نایب رئیس کمیسیون را از میان خود انتخاب می کردند (ساکما، ۲۴۰/۰۰۱۹۶۱).

در مواقعی که یکی از اعضای کمیسیون تطبیق به دلیل ناتوانی یا گمارده شدن به کاری دیگر استعفا می داد، براساس نتایج رأی گیری قبلی، یکی از اعضای علی البدل وارد کمیسیون می شد (ساکما، ۲۴۰/۰۰۱۹۶۱؛ مستوفی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۸۴). مدت زمان عضویت در کمیسیون تطبیق دو سال بود (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۲). کمیسیون تطبیق سه شعبه داشت که اعضای آنها به صورت زیر بود (ساکما، ۲۴۰/۰۰۱۹۶۱):

نام شعبه	کارکنان	مشاغل
مراسلات	۶ نفر	رئیس شعبه، منشی اول، منشی دوم، ضابط ^۱ ، اندیکاتورنویس، سوادنویس
محاسبیت	۵ نفر	رئیس شعبه، محاسب اول، محاسب دوم، ثبات ^۲ ، ضابط
تطبیق حواله جات	۳ نفر	رئیس شعبه، محاسب، ثبات

جدول ۱

مشخصات شعب و اعضای
کمیسیون تطبیق

- عزالمملک با ۶۳ رأی بیشترین و اقتدارالدوله با ۳۵ رأی کمترین رأی را کسب کردند (کمام، ۳/۱۱/۱۱/۱۵/۲۱).
- بایگان.
- کارمندی که نامه را در دفتر ثبت می کند.



تعیین میزان حقوق اعضای کمیسیون تطبیق برعهده ریاست وزرا بود. براساس تصویب‌نامه هیئت وزرا در سال ۱۳۳۴ قمری، حقوق اعضای کمیسیون تطبیق ماهی ۲۰۰ تومان و حقوق ریاست کمیسیون ماهی ۲۵۰ تومان در نظر گرفته شد. اوراق درخواست این حقوق در نهایت با تصدیق خود اعضای کمیسیون به اداره محاسبات کل ارسال می‌شد و حواله آن برای پرداخت به خزانه‌داری کل ارسال می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۴۱۵۱۱). حقوق اعضای کمیسیون تطبیق در مقایسه با اعضای دیوان محاسبات و کمیسیون تفتیش افزایش چشمگیر ۵۰ تا ۷۰ تومانی داشته‌است (کیایی‌نژاد، ۱۳۴۲، ص ۷۹؛ کاما، ۳/۶/۱۳/۱/۴).

وظایف و اختیارات کمیسیون

براساس قانون مزبور وظایف و اختیارات زیر که پیش‌ازین برعهده دیوان محاسبات و کمیسیون نظارت و تفتیش بود به کمیسیون تطبیق حواله‌جات محول شد:

۱. تطبیق حواله‌جات مستقیم و اعتباری با بودجه‌ها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آن‌ها قبل از رسیدن به امضای وزیر مالیه؛
۲. رسیدگی به حساب ادارات صاحب جمع نقدی و اجناسی که در حکم نقدی است؛
۳. رسیدگی به حساب وزارت خانه‌ها و کمپانی‌ها و اشخاصی که مطابق قراردادها باید حقی به دولت بدهند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۳۱، ص ۳۲).

در محرم سال ۱۳۳۴ قمری، نظام‌نامه اساسی کمیسیون تطبیق حواله‌جات به تصویب وزارت مالیه رسید و تلاش شد چارچوبی مشخص برای وظایف و اختیارات این کمیسیون ترسیم شود. برخی از مهم‌ترین مواد این نظام‌نامه به صورت خلاصه شامل موارد زیر بود:

- برای مذاکرات حضور سه نفر از اعضا و برای رأی‌گیری حضور چهار نفر لازم است؛
- به هیچ درخواستی که از مجرای قانونی یعنی از طرف وزارت مالیه رسماً به رئیس کمیسیون ابلاغ نشده باشد رسیدگی نخواهد شد؛

- مأخذ رسیدگی کمیسیون تا موقعی که بودجه از مجلس نگذشته است برای مخارج عادی و استمراری، معمول به سابق و برای مخارج فوق‌العاده، تصویب مخصوص هیئت وزرای عظام خواهد بود؛

- مخارج ضروری و غیرمترقبه مانند تعمیر اماکن دولتی مهم و وصول مالیات قبل از مراجعه به کمیسیون از طرف وزارت مالیه اجازه داده می‌شود و از یک ماه الی سه ماه صورت کل آن‌ها به‌ضمیمه اوراق و اسناد و متعلق بها برای اطلاع و تصدیق کمیسیون تهیه و تسلیم می‌شود (ساکما، ۲۴۰/۰۵۳۹۷).

تطبیق حواله‌جات را می‌توان اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه کمیسیون تطبیق حواله‌جات به‌شمار آورد (ساکما، ۱۹۶۱/۰۰۲۴۰). براساس قانون تشکیل کمیسیون تطبیق حواله‌جات، وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی باید اوراق درخواست حواله‌جات را به اداره محاسبات وزارت مالیه می‌فرستادند. اداره محاسبات موظف بود پس از ثبت درخواست‌نامه‌ها و بررسی اولیه وجوه درخواست‌شده، اطلاعات خود را در گزارشی به‌صورت مشروح به اوراق درخواست منضم کند و به کمیسیون تطبیق حواله‌جات ارسال کند (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵). کمیسیون تطبیق مبلغ و موضوع درخواست‌نامه‌ها و گزارش اداره محاسبات کل را بررسی می‌کرد و رأی نهایی خود را در تصدیق یا رد درخواست‌نامه‌ها صادر می‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵). اساس رسیدگی کمیسیون براساس قانون، بودجه‌ها و اعتبارات مصوبه بود. در صورتی که بودجه‌ها و اعتبارات وزارت‌خانه‌ها و اداره‌ها به‌تصویب مجلس شورای ملی نرسیده نبود، اساس رسیدگی کمیسیون تصویب‌نامه‌های هیئت وزرا بود (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵).

در صورتی که درخواست‌نامه‌ها به تصدیق کمیسیون می‌رسید، اوراق درخواست تصدیق‌شده به اداره محاسبات کل ارسال می‌شد و از آنجا برای تأیید و امضای وزیر مالیه به وزارت مالیه ارجاع می‌شد. در صورت تأیید وزیر مالیه، اوراق درخواست با دستور و اجازه صدور حواله به امضای وزیر می‌رسید. در ادامه، اداره محاسبات کل وجه هر یک از اوراق درخواست را به عهده خزانه‌داری کل حواله می‌کرد. حواله صادرشده مستقیماً به امضای وزیر مالیه می‌رسید و اجازه پرداخت وجه آن در مرکز به صندوق مرکزی و در ولایات به پیشکاران مالیه صادر می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵). اگر کمیسیون تطبیق حواله‌جات درخواست‌نامه‌ای را رد می‌کرد، صاحبان حواله برای اعتراض به هیئت وزرا متوسل می‌شدند (ساکما، ۲۱۰/۰۰۲۶۶۹).

وظیفه دیگر کمیسیون که پیشتر از وظایف دیوان محاسبات بود، بررسی صورت حساب‌های پیشکاران مالیه و وزارت‌خانه‌ها و تمام اداره‌های صاحب‌جمع بود. این محاسبات پس از بررسی در اداره محاسبات کل و مقابله با اسناد مثبت^۱ به‌صورت خلاصه در دفاتری مخصوص ثبت می‌شدند. سپس صورتی کلی از این حساب‌برسی برای کمیسیون تطبیق حواله‌جات ارسال می‌شد تا براساس وظایف خود به حساب‌های وزارت‌خانه‌ها و صاحب‌جمعان دولتی و کمپانی‌ها رسیدگی کند و نتایج آن را به وزارت مالیه گزارش دهد (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵). برای نمونه، یکی از وظایف کمیسیون تصدیق صورت حساب‌های شعبه ملزومات بود. این شعبه بودجه‌ای برای خرید لوازم ضروری و فوری اداره‌ها داشت (ساکما، ۲۴۰/۲۹۰۱۶).

۱. اسناد مثبت (ثابت‌کننده) شامل نظراتی بود که اداره محاسبات درباره اوراق درخواست وزارت‌خانه‌ها تحریر و تنظیم می‌کرد.



عوامل ناکارآمدی کمیسیون تطبیق حوالجات

دولت و مجلس با توجه به ساختار منسجم کمیسیون نسبت به دیوان محاسبات و اختیارات و وظایفی که برای آن تعیین شده بود، امیدوار بودند که این کمیسیون به زودی اوضاع نابه‌سامان مالی را سامان بخشد. با وجود این بررسی اسناد و مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که کمیسیون در انجام وظایف خود ناتوان بوده و به همین علت هم منحل شده است. تاریخ دقیق انحلال کمیسیون تطبیق حوالجات به روشنی مشخص نیست. آخرین اسناد به جای مانده از فعالیت کمیسیون دو ماهه آخر سال ۱۳۳۷ قمری است (ساکما، ۲۴۰/۸۴۶۴۸). در عین حال گزارشی از یکی از اعضای کمیسیون تطبیق که مهر کمیسیون نیز در انتهای آن قرار گرفته است نشان می‌دهد که این کمیسیون دست کم تا سال ۱۳۴۰ قمری به صورت اسمی فعال بوده است (کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴). پیش از شکل‌گیری این کمیسیون قرار بود طبق قانون تا زمان اصلاح نواقص، دیوان محاسبات به کار خود ادامه دهد، ولی این قانون عملی نشد تا در نهایت در سال ۱۳۴۰ قمری بر اساس یک ماده واحده، کمیسیون مخارج به صورت رسمی جایگزین آن شد (مصداق، ۱۳۰۴، ص ۱۱۵).

عوامل گوناگونی در ناکارآمدی کمیسیون تطبیق حوالجات نقش داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پیامدهای وقوع جنگ جهانی اول، توجه بیش از حد به امور جزئی، بی‌توجهی وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی به قوانین کمیسیون، و هم‌تراز نبودن حجم کارها با توان اعضای کمیسیون اشاره کرد. برای ملموس شدن این عوامل هر کدام از آن‌ها را به صورت مختصر تشریح می‌گردد:

پیامدهای وقوع جنگ جهانی اول

وقوع جنگ جهانی اول و تبعات ناشی از آن آب سردی بر پیکر مشروطه و مشروطه‌خواهان بود. با وجود اعلام بی‌طرفی دولت ایران، کشورهای درگیر جنگ خیلی زود جنگ خود را به خاک ایران هم کشاندند و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی‌ای را که پس از استقرار مشروطیت بر کشور حاکم شده بود تشدید کردند. تمامی اصلاحاتی که پس از مشروطه در ساختار حکومت قاجار در حال انجام بود به شدت تحت تأثیر تحولات ناشی از جنگ قرار گرفت. یکی از تأثیرپذیرترین بخش‌های دولت قاجار تشکیلات مالی بود. مالیه ورشکسته قاجار با وجود اصلاحات گسترده ورشکسته‌تر از قبل شد (فلور، ۱۳۹۵، ص ۶۲۲). بی‌ثباتی سیاسی باعث ناتوانی دولت مرکزی در وصول مالیات‌های دیوانی بود و درآمدهای کشور با وجود افزایش مخارج آن به شدت کاهش یافت. در این زمان، مالیات‌ها به ویژه در مناطق تحت اشغال روسیه، عثمانی و انگلیس در بهترین حالت به صورت نامنظم وصول می‌شد و

در بدترین حالت اصلاً وصول نمی‌شد (فلور، ۱۳۹۵، صص ۶۲۱-۶۲۲). کمیسیون تطبیق از آغاز تا پایان فعالیتش یعنی اواخر ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۰ قمری، تحت تأثیر جنگ جهانی و پیامدهای ناشی از آن بود. مهم‌ترین تأثیری که وقوع جنگ جهانی بر کمیسیون تطبیق گذاشت، مهاجرت برخی از نمایندگان و تصویب نشدن بودجه کشور در مجلس شورای ملی بود (مصدق، ۱۳۰۴، ص ۱۱۳). این وضعیت به حذف نظارت بر بسیاری از هزینه‌ها و نیز خروج حسابرسی‌ها از چرخه بررسی در کمیسیون تطبیق منجر شد (مصدق، ۱۳۰۴، ص ۱۱۳). تحت تأثیر این اوضاع، صدور شمار زیادی حواله بدون تصدیق کمیسیون، مالیه و رشکسته قاجار را دچار بحران شدید مالی کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۵، ص ۳۵). از آنجاکه بودجه مصوب مجلس وجود نداشت، کمیسیون تطبیق، مبنای بررسی حواله‌جات را بودجه‌ها و تصویب‌نامه‌های تصویب شده در هیئت وزرا قرار می‌داد (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵). در این وضعیت امکان تصدیق تمام وجوهی که از خزانه خارج می‌شد از قبیل حقوق مأموران ولایات و مخارج محلی وجود نداشت (مصدق، ۱۳۰۴، ص ۱۱۳). گزارش‌های نمایندگان مجلس شورای ملی حاکی از آن است که کمیسیون تنها در مواردی چون پرداخت شهریه به فلان ضعیفه حق تصدیق یا رد داشت و در مواردی که پای مبلغی چند هزار تومانی در بین بود حق اظهار نظر پیدا نمی‌کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۴، ص ۳۴).

در چنین شرایطی کمیسیون کارایی خود را از دست می‌داد؛ چراکه تصمیم‌گیرندگان و مصرف‌کنندگان اعتبارات وزرا بودند و آن‌ها نیز هر چه می‌خواستند تصویب می‌کردند (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۹۰).

رسیدگی به حساب اداره‌های صاحب جمع نقدی و جنسی یکی از وظایف اصلی کمیسیون تطبیق بود که در زمان فترت نتوانست آن را به درستی انجام دهد. این وضعیت باعث تجمع بقایای وصول‌نشده مالیاتی شد (ساکما، ۲۴۰/۴۸۷). هم‌چنین، رسیدگی به حساب وزارت‌خانه‌ها، کمپانی‌ها و اشخاصی که مطابق قراردادها باید وجوهی را به دولت پرداخت می‌کردند، یکی دیگر از وظایفی بود که کمیسیون نتوانست به‌خوبی از عهده آن برآید. این وضعیت باعث وصول نشدن طلب‌های دولت و کسری بودجه شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۶، ص ۳۶).

توجه به امور جزئی و رهاکردن امور کلان مالی

بررسی و تأیید حواله‌جات تمامی هزینه‌ها و حسابرسی همه وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی اصلی‌ترین وظیفه کمیسیون تطبیق حواله‌جات بود که به تدریج نادیده گرفته شد



(کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴). بررسی پرونده‌های کمیسیون تطبیق نشان می‌دهد که این کمیسیون تا چه میزان خود را درگیر موضوعات جزئی و کم‌اهمیت کرده و به امور مهم مالی کشور کمتر توجه کرده‌است. این وضعیت دو عامل اصلی داشت: سیاست‌های وزارت مالیه و وضعیت سیاسی و اجتماعی. وزارت مالیه اعتبارات فوری را بدون تأیید کمیسیون پرداخت می‌کرد و تنها، مواردی را که فوریت نداشت آن‌هم به دلیل خالی بودن خزانه به کمیسیون می‌فرستاد. این کار برای ائتلاف وقت تا زمان رسیدن پول به خزانه انجام می‌شد (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۹۰).^۱ کمیسیون به تدریج رسالت اولیه خود را از دست داد و درگیر رسیدگی به پرونده‌های کم‌اهمیت شد. برای نمونه، کمیسیون برای تصدیق پرداخت هزینه‌های برگزاری یک مهمانی در وزارت خارجه، مکاتبات بسیاری برای دریافت ریز مخارج اندک آن انجام داد که طولانی شدن روند تصدیق باعث اعتراض وزارت خارجه و وزارت مالیه به کمیسیون شد. بیش از بیست مکاتبه در این موضوع میان اداره‌های این دو وزارت‌خانه ردوبدل شد که بیشتر به موضوعات کم‌اهمیتی چون ریز هزینه چراغانی و مواردی از این دست اختصاص داشت (ساکما، ۲۴۰/۷۰۱۴). نمونه دیگر، در ۱۳۳۵ قمری در پرونده بررسی ورقه درخواست مخارج مراسم ترحیم حاجی شریعتمدار گیلانی، به دلیل مطالبه ریز مخارج چندین مکاتبه با اداره‌ها و وزارت‌خانه‌های مختلف انجام شد (ساکما، ۲۴۰/۵۳۴۸۱).

رسیدگی به اوراق درخواست پرداخت حقوق کارکنان دولت یکی از موضوعات زمان‌بر کمیسیون تطبیق بود (ساکما، ۲۴۰/۵۰۹). عامل اصلی زمان‌بر بودن بررسی این اوراق این بود که اولاً برای هر شخص پرونده‌ای تشکیل می‌شد، دوم این که کمیسیون بعد از بررسی پرونده‌ها، مواردی از این حقوق‌ها را کسر یا قطع می‌کرد که با اعتراض صاحب حقوق روند بررسی طولانی می‌شد (ساکما، ۲۱۰/۹۷۰۳). پرداخت شهریه اشخاص نیز یکی از موضوعات اصلی و هرروزه کمیسیون بود (ساکما، ۲۴۰/۱۰۲۴۲۱). در این مورد نیز زمانی که شهریه‌ای رد می‌شد یا به تعویق می‌افتاد، کمیسیون با اعتراض و اعمال فشار صاحب آن مواجه می‌شد (ساکما، ۲۱۰/۹۶۷۵).

بعد از انحلال کمیسیون تطبیق، نمایندگان مجلس به این موضوع معترف بودند که کمیسیون تنها حواله‌جات شهریه یا پرونده‌هایی را بررسی می‌کرد که تصدیق کردن یا تصدیق نکردنش برای منافع دولت فرقی نمی‌کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۵۶، ص ۵۶). موارد فهرست‌وار زیر نمونه‌های دیگری از موضوعات کم‌اهمیت و درعین حال زمان‌بر رسیدگی شده در کمیسیون تطبیق حواله جات است:
- هزینه‌های افطاری وزارت امور خارجه (ساکما، ۲۴۰/۱۳۰۴۷).

۱. به باور مصدق، اعضای کمیسیون از این وضعیت شکایتی نداشتند؛ چون در هر صورت حقوق ماهانه خود را دریافت می‌کردند (مصدق، ۱۳۶۴، ص ۹۱).



- هزینه‌های آبیاری راه شمیران (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷).
- اضافه‌حقوق کارکنان دولت به صورت جداگانه (ساکما، ۲۱۰/۹۸۲۸).
- هزینه قصیل^۱ اسب‌های توپ‌خانه (ساکما، ۲۴۰/۴۷۰۶۵).
- هزینه‌های اداره روزنامه آفتاب (ساکما، ۲۴۰/۴۶۸۵).
- هزینه بنایی ساختمان‌های دولتی (کمام، ۳/۱۶۹/۲/۱/۱۸).
- هزینه مأموریت کارکنان به صورت جداگانه (ساکما، ۲۴۰/۳۲۴۰۹).
- هزینه تعمیر مستراح ساختمان کمیسیون (ساکما، ۲۴۰/۴۵۴۱۶).

هم‌تراز نبودن حجم کارها با توان اعضای کمیسیون

رسیدگی به شمار زیاد پرونده‌های ارسالی از اداره محاسبات در توان اعضای کمیسیون نبود. حجم زیاد این پرونده‌ها زمانی مشخص می‌شود که بدانیم تنها برای برقراری حقوق یا اضافه‌حقوق هر فرد یک تصویب‌نامه از طرف هیئت وزرا تهیه و برای رسیدگی به کمیسیون ارسال می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۵۶۲۳۵؛ ۲۴۰/۵۶۲۳۶). این وضعیت به طولانی شدن فرایند بررسی اوراق درخواست منجر می‌شد. براساس گزارش یکی از نمایندگان مجلس، روند رسیدگی به حواله‌جات به گونه‌ای بود که مردم به آن «کمیسیون تعویق حواله‌جات» می‌گفتند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۴، ص ۳۴). این وضعیت هم‌چنین باعث نارضایتی وزرا از وزارت مالیه شده بود و وزیر مالیه ناچار بود برای جلوگیری از فشارها برخی وجوه را پیش از تصدیق کمیسیون از خزانه خارج کند (کمام، ۳/۶/۱۳/۱/۴).

کمیسیون مکلف بود اوراق درخواست فوری را پس از ۲۴ ساعت و اوراق درخواست عادی را پس از ۳ روز رد یا تأیید کند و هم‌چنین ملزم بود در صورت ناقص بودن اسناد، آن را فوراً به اداره محاسبات گزارش دهد (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷). ولی در عمل کمیسیون نمی‌توانست این مهلت تعیین شده را رعایت کند و دلیل آن نقص همیشگی اسناد هزینه و اختلاف نظر میان اعضای کمیسیون بود (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷). افزون بر این، کمیسیون بخش زیادی از وقت خود را صرف بررسی و تصدیق اوراق مخارج سال‌های قبل می‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۸۴۶۴۸). برای نمونه، از همان ابتدای شکل‌گیری یعنی اوایل سال ۱۳۳۴ قمری، کمیسیون برای بررسی حساب وزارت معارف، اصرار داشت تا صورت عواید دوساله و اسناد مثبت این وزارت‌خانه در اختیار اعضا قرار گیرد (ساکما، ۲۴۰/۰۴۹۷۵۴). هم‌چنین، کمیسیون با وجود گذشت چند سال، مجدداً به پرداخت‌های تصویب‌شده مجلس در زمان ریاست شوستر بر خزانه‌داری رسیدگی می‌کرد (ساکما، ۲۱۰/۰۰۲۶۶۹).

۱. قصیل /qasil/ بوته جو نارس که درو کنند و به چهارپایان دهند. آنچه از کشت سبز بریده می‌شود.



یکی دیگر از معضلات کمیسیون، استعفای گاه‌وبیگاه اعضای آن برای تصدی مناصب دیگر بود. این وضعیت باعث تأخیر در کار کمیسیون می‌شد؛ چراکه براساس نظام‌نامه، برای اتخاذ رأی در کمیسیون حضور چهار نفر لازم بود (ساکما، ۱۳۰۴۷/۰۲۴۰). در سال ۱۳۳۶ قمری، بعد از استعفای میرزارضا مستوفی و مرگ مجیرالملک کمیسیون طبق قانون تنها با سه رأی حق رأی‌گیری در پرونده‌ها را نداشت؛ به‌همین دلیل اوراق درخواست بلا تکلیف ماند و صاحبان اوراق همه‌روزه به اداره محاسبات فشار می‌آوردند (ساکما، ۱۳۰۴۷/۰۲۴۰). با ادامه این وضعیت، وزارت مالیه طی نامه‌ای به کمیسیون تطبیق دستور داد اوراق درخواست معوقه مربوط به حقوق عقب‌افتاده کارکنان وزارت‌خانه‌ها را به‌دلیل به حدنصاب نرسیدن اعضای کمیسیون به اداره محاسبات عودت دهد تا این وزارت‌خانه با مسئولیت خود تکلیف آن‌ها را مشخص کند (ساکما، ۱۳۰۴۷/۰۲۴۰). این درخواست با مخالفت کمیسیون مواجه شد و درنهایت پس از تکمیل اعضای کمیسیون، اداره محاسبات از کمیسیون خواست به‌دلیل فشارهای صاحبان حواله، به‌صورت فوری اوراق درخواست سال گذشته و جدید را بررسی و تصدیق کند (ساکما، ۱۳۰۴۷/۰۲۴۰).

بی‌توجهی وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی به قوانین کمیسیون

حسابرسی وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی که از وظایف مهم کمیسیون تطبیق بود، به‌دلیل تعلل وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی در ارسال اسناد خرج خود به وزارت مالیه همواره با مشکل روبه‌رو بود. همین موضوع باعث شد تا درنهایت کار حسابرسی آن‌ها از وظایف کمیسیون حذف شود (ساکما، ۱۳۰۴۶۸۵/۰۲۴۰). کارکنان وزارت مالیه نیز یکی از موانع اصلی رسیدگی به حساب صاحب‌جمعان بودند. بنابر گزارش کمیسیون، طی پنج سال تنها محاسبه چهار پیشکار مالیه به‌صورت ناقص انجام شد (کمام، ۱۳۰۴۶۸۵/۰۳۰۶). کفیل وزارت مالیه، در گزارشی مهم‌ترین عامل ناتوانی مالیه در حسابرسی‌های کشور را ناآشنایی کارکنان وزارت‌خانه‌ها با قوانین و مقررات جدید وزارت مالیه و بی‌توجهی به این قوانین معرفی کرده است (ساکما، ۱۳۰۴۶۸۵/۰۲۴۰). وزارت مالیه نیز به این امر معترف بود که هنوز بسیاری از کارکنان طبق روال گذشته به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند؛ براین‌اساس در نامه‌ای خطاب به اداره‌های تابعه ضمن اعتراض به نظام ملوک‌الطوایفی حاکم بر اداره‌های مالیه درباره تعلل آن‌ها در انجام کار ارباب‌رجوع هشدار داد (ساکما، ۱۳۰۴۷/۰۲۴۰). گزارش کمیسیون تطبیق نیز به این نکته اشاره دارد که پس از شروع کار کمیسیون، کارکنان وزارت مالیه به‌تدریج به تصدیقات کمیسیون واقعی نمی‌گذاشتند و در بسیاری از مواقع اوراق ارسالی به کمیسیون را وزیر مالیه پیشتر مهر و تصدیق کرده بود (کمام، ۱۳۰۴۶۸۵/۰۳۰۶). در یک نمونه

به دلیل تعلل کمیسیون و سایر اداره‌های مالیه، کار تصدیق و صدور حواله هزینه تعمیر مستراح ساختمان کمیسیون تطبیق بیش از دو سال طول کشید (ساکما، ۲۴۰/۴۵۲۱۴). کمیسیون تمام تلاش خود را انجام می‌داد تا بتواند در بررسی اوراق درخواست و پرونده‌های حسابرسی مالیه طبق قانون و نظام‌نامه عمل کند. بر همین اساس در بسیاری از مواقع با کوچکترین نقص کار تصدیق پرونده‌ای را به تعویق می‌انداخت (ساکما، ۲۴۰/۵۱۷۵۱). یکی از اشکالات عمده‌ای که کمیسیون به اوراق درخواست می‌گرفت، ناقص بودن اسناد خرج بود. بسیاری از اوراق درخواست بدون ارسال صورت مخارج به کمیسیون می‌رفت (ساکما، ۲۴۰/۰۶۲۷۷۵) و برخی دیگر بدون تعیین محل اعتبار مخارج ارسال می‌شد (ساکما، ۲۴۰/۸۴۶۴۸). هرچند این اشکالات براساس قانون و نظام‌نامه بر درخواست‌ها وارد بود، ولی باتوجه به وضعیت بحرانی کشور در آن روزگار، به نظر می‌رسد که این کار کمیسیون به وخیم شدن اوضاع و طولانی شدن فرایند بررسی اوراق و حسابرسی‌ها منجر می‌شده است. در سال ۱۳۳۵ قمری، اداره محاسبات کل به دلیل فشار وزارت خانه‌ها به وزارت مالیه از کمیسیون تطبیق درخواست کرد تا فهرستی از اوراق درخواست معوقه و علت تعویق آن‌ها را تهیه کند (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷). فهرست مدنظر نشان می‌داد که از چهل ورقه درخواست تنها چند عدد از آن‌ها بررسی شده بودند. از نظر اداره محاسبات کمیسیون در تصدیق اوراق درخواست، وضعیت جامعه را در نظر نمی‌گرفت. برای نمونه، در سال ۱۳۳۶ قمری، اداره محاسبات در نامه‌ای به کمیسیون درخواست کرد تا رسیدگی به پرونده بازخرید مستمری‌بگیران بدون فوت وقت انجام شود؛ چراکه این اشخاص به دلیل پریشانی اوضاع مالی، خود را بازخرید کرده بودند و این کار سود فراوانی برای دولت داشت؛ ولی کمیسیون به این درخواست توجهی نکرد (ساکما، ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷) یا زمانی که وضعیت معلمان مدارس به دلیل تعویق چندین ماهه حقوق بحرانی بود، کمیسیون تطبیق حواله‌جات به دلیل تصویب نشدن بودجه وزارت معارف در مجلس شورای ملی حواله آن‌ها را رد کرد و باعث تشدید وضعیت بحرانی معلمان شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۴۰، ص ۴۰).

نتیجه‌گیری

نبود نظارت بر مالیه از سال‌های آغازین تشکیل حکومت قاجار به بروز پدیده‌هایی چون موجب‌سازی و حساب‌سازی منجر شد و این وضعیت بسیاری از منابع مالی را تباہ کرد. پس از استقرار نظام مشروطیت، دولت و مجلس مشروطه به درستی یکی از راه‌های بهبود اوضاع تشکیلات ورشکسته مالیه را در ایجاد سازوکار نظارتی برای آن تشخیص دادند.



پس از ناکارآمدی دیوان محاسبات و کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه، کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل شد و به نظر می‌رسید که سازوکاری کارآمد و دقیق برای نظارت بر هزینه‌های دولتی و حسابرسی وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی باشد. این کمیسیون با اختیارات و استقلال بیشتر از دو تجربه پیشین، در اواخر سال ۱۳۳۳ قمری تشکیل شد و انتظار می‌رفت که بتواند به تدریج باعث افزایش درآمدها و مانع از اتلاف آن‌ها شود که این گونه نشد. عوامل گوناگونی در ناکارآمدی کمیسیون تطبیق نقش داشتند که مهم‌ترین آن‌ها وضعیت سیاسی اقتصادی کشور متأثر از جنگ جهانی اول و پیامدهای آن بود. این جنگ علاوه بر آشفتگی سیاسی بر آشفتگی اقتصادی کشور هم افزود و باعث افزایش هزینه‌ها و کاهش شدید درآمدها شد. این وضعیت باعث شد وزارت مالیه و هیئت وزرا برای پیشبرد مقاصد خود از اختیارات کمیسیون بکاهند و بسیاری از هزینه‌ها را بدون تأیید کمیسیون تصویب و پرداخت کنند. در نهایت ناتوانی کمیسیون در انجام به‌موقع وظایفش و بی‌اعتنایی اداره‌های دولتی به قوانین باعث طولانی‌شدن فرایند نظارت بر هزینه‌ها شد و دولت هم تنها امور جزئی چون پرداخت شهریه اشخاص و هزینه‌های جزئی وزارت‌خانه‌ها را به کمیسیون محول می‌کرد. این عوامل به همراه تراز نبودن حجم کارها با توان اعضا سرانجام به انحلال کمیسیون در سال ۱۳۴۰ قمری منجر شد.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند:

۲۱۰/۰۰۲۶۶۹؛ ۲۱۰/۹۶۷۵؛ ۲۱۰/۹۷۰۳؛ ۲۱۰/۹۸۲۸؛ ۲۳۲/۲۰۷۵؛ ۲۳۲/۲۴۲۷؛ ۲۴۰/۰۰۱۹۶۱؛ ۲۴۰/۰۰۵۳۹۷؛ ۲۴۰/۰۱۳۰۴۷؛ ۲۴۰/۰۵۹۴۴۱؛ ۲۴۰/۰۶۲۷۷۵؛ ۲۴۰/۱۰۰۸۱۶؛ ۲۴۰/۱۰۰۸۱۷؛ ۲۴۰/۱۰۲۴۲۱؛ ۲۴۰/۱۶۲۰۲؛ ۲۴۰/۴۹۷۵۴؛ ۲۴۰/۲۹۰۱۶؛ ۲۴۰/۳۲۴۰۹؛ ۲۴۰/۴۱۵۱۱؛ ۲۴۰/۴۱۵۱۳؛ ۲۴۰/۲۱۴۴۵؛ ۲۴۰/۴۵۴۱۶؛ ۲۴۰/۴۶۸۵؛ ۲۴۰/۴۷۰۶۵؛ ۲۴۰/۴۷۳۱۸؛ ۲۴۰/۴۸۱۷؛ ۲۴۰/۵۰۹؛ ۲۴۰/۵۱۷۵۱؛ ۲۴۰/۵۶۲۳۵؛ ۲۴۰/۵۶۲۳۶؛ ۲۴۰/۷۰۱۴؛ ۲۴۰/۸۴۶۴۸؛ ۲۹۵/۷۲۵۸؛ ۲۹۵/۷۳۹۰.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام): شماره بازیابی: ۳/۱۶۹/۲/۱/۱۸؛ ۳/۱۶۹/۱۳/۱/۴؛ ۳/۱۷۹/۱۱/۱/۵/۲۱.

کتاب

افضل الملک، غلام‌حسین. (۱۳۶۱). *افضل التواریخ*. (منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، مصححان).



- تهران: نشر تاریخ ایران.
دوران، سر مورتیمر. (۹۲۱۳). گزارش سر مورتیمر دوران: اسنادی درباره وضعیت ایران در دهه پایانی قرن نوزدهم. (احمد سیف، مترجم). تهران: نشر نی.
شوستر، مورگان. (۱۳۹۴). *اختناق ایران*. (حسن افشار، مترجم). تهران: نشر ماهی.
صفایی، ابراهیم. (۱۳۵۳). *زمینه‌های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹*. تهران: شرکت افست.
عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. (ج ۲). (مسعود سالور و ایرج افشار، مصححان). تهران: اساطیر.
فراهانی، حسن. (۱۳۸۵). *روزشمار تاریخ معاصر ایران*. (ج ۱). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
فلور، ویلم. (۱۳۹۵). *تاریخ مالی ایران در روزگار صفویان و قاجاریان*. (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: انتشارات توس.
کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۲). (ج ۵). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
مستوفی، عبدالله. (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. (ج ۱؛ ج ۳). تهران: انتشارات زوار.
مصدق، محمد. (۱۳۰۴). *اصول قواعد و قوانین در ممالک خارجه و ایران*. تهران: مطبعه تمدن.
مصدق، محمد. (۱۳۶۴). *خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق*. (ایرج افشار، کوشش‌گر). تهران: محمدعلی علمی.
نظام السلطنه مافی، حسین قلی. (۱۳۶۲). *اسناد و خاطرات حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*. (ج ۳). (ج ۲). (معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدونیان و حمید رام‌پیشه، مصححان). تهران: نشر تاریخ ایران.
نواب طهرانی، میرزاهدی. (۱۳۷۶). *دستورالاعتقاد: رساله‌ای انتقادی و سیاسی از اوایل عصر قاجار*. (سیدعلی آل‌داوود، کوشش‌گر). تهران: نشر تاریخ ایران.
واتسن، رابرت گرت. (۱۳۴۰). *تاریخ قاجار*. (عباس قلی آذری، مترجم). بی‌جا: بی‌نا.

مقاله

- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۹۲). «دکتر محمد مصدق ریاست کمیسیون تطبیق حوالجات مالیه». *بخارا*، سال پانزدهم، شماره ۹۵ و ۹۶ (مهر-آبان ۱۳۹۲)، صص ۱۷۷-۱۸۴.
«رساله مجدی». (۱۳۰۶). *ارمغان*، شماره ۶۲ و ۶۳ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۰۶)، صص ۸۲-۹۵.
شهبازی، خیرالله. (۱۳۷۳). «سیری در تحولات حقوقی دیوان محاسبات از آغاز تا به امروز: دیوان محاسبات



در آینه حقوق». *مجلس و پژوهش (مجلس و راهبرد)*، شماره ۱۳ (دی و بهمن ۱۳۷۳)، صص ۱۴۳-۱۶۰.

کیایی‌نژاد، زین‌الدین. (۱۳۴۲). «دیوان محاسبات و قدرت قانونی آن». *کانون وکلا*، شماره ۸۸ (بهمن و اسفند ۱۳۴۲)، صص ۷۵-۷۹.

محمدی، امین. (۱۳۹۶). «کتابچه محاسن و معایب دیوان استیفاء: تلاش حکومت قاجار برای اصلاح مالیه در دوره ناصری». *آرشیو ملی ایران*، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۳۶-۱۷۳.

محمدی، امین؛ مرضیه ثمره حسینی. (۱۳۹۴). «بررسی برات و اسناد شبه‌برات». *پیام بهارستان*، دوره ۲، سال ۸، شماره ۲۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، صص ۲۱۶-۲۵۸.

مشروح مذاکرات

- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۲۶، ج ۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۳۲۸، ج ۱۳۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۲۵.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۳۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم، ۱۳۳۳، ج ۴۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۵.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۳۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۴۰.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰، ج ۵۶.

English Translation of References

Documents

Ketābxāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library,

Museum and Document Center of Iran Parliament), Retrieval number:

3/169/2/1/18; 3/6/13/1/4; 3/179/11/1/5/21. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmāā) (National Library and Archives Organization of Iran), Document ID:

210/002669; 210/9675; 210/2703; 210/9828; 232/2075; 232/2427; 240/ 001961;

240/005397; 240/013047; 240/059441; 240/062775; 240/100816; 240/100817;



240/102421; 240/16202; 240049754; 240/29016; 240/32409; 240/41511; 240/41513;
240/45214; 240/45416; 240/4685; 240/47065; 240/47318; 240/487; 240/509;
240/51751; 240/53481; 240/56235; 240/56236; 240/7014; 240/84648; 295/7258;
295/7390. [Persian]

Books

- Afzal Al-Molk, Gholam Hossein. (1361/1982). *“Afzal ot-tavārix”* (The best of histories). Edited by Mansoureh Ettehadieh & Sirous Saadvandian. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2001). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 2) (5th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Durand, Henry Mortimer. (1392/2013). *“Gozāreš-e Ser Mortimer Dorānd: Asnādi darbāre-ye vaz’eyat-e Irān dar dahe-ye pāyāni-ye qarn-e nuzdahom”* (Sir Mortimer Durand’s report: Documents on Iran in the late nineteenth century). Translated by Ahmad Seif. Tehran: Našr-e Ney. [Persian]
- Eyn Al-Saltaneh, Ghahreman Mirza Salour. (1374/1995). *“Ruznāme-ye xāterāt-e Eyn os-Saltane”* (Journal of Eyn Al-Saltaneh’s memoires) (vol. 2). Edited by Mašoud Salour & Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Farahani, Hassan. (1385/2006). *“Ruz-šomār-e tārix-e mo’āser-e Irān”* (Chronology of Iranian contemporary history) (vol. 1). Tehran: Mo’assese-ye Motālē’āt va Pažuheš-hā-ye Siāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]
- Floor, Willem. (1371/1992). *“Tārix-e māli-ye Irān dar ruzegār-e Safaviān va Qājāriān”* (A Fiscal history of Iran in the Safavi and Qajar periods 1925 - 1500). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Enteshārāt-e Tus. [Persian]
- Mosaddegh, Mohammad. (1304/1925). *“Osul, qavā’ed va qavānin dar mamālek-e xāregeh va Irān”* (Principles, regulations and laws in foreign countries and Iran). Tehran: Matba’-ye Tamaddon. [Persian]
- Mosaddegh, Mohammad. (1364/1985). *“Xāterāt va ta’ammolāt-e Doktor Mhammad-e Mosaddeq”* (Memoirs and reflections of Dr. Mohammad Mossadegh).



- Edited by Iraj Afshar. Tehran: Mohammad Ali 'Elmi. [Persian]
- Mostowfi, Abdullah. (1388/2009). "*Šarh-e zendegāni-ye man, yā tārix-e ejtemā'ee va edāri-ye dowre-ye Qājārieh*" (The story of my life, or the social and ministerial history of Qajar era) (vol. 1 & 3). Tehran: Enteshārāt-e Zovvār. [Persian]
- Navvab Tehrani, Mirza Mahdi. (1376/1997). "*Dastur-ol-A'qāb: Resāle-ee enteqādi va siāsi az avāyel-e asr-e Qājār*" (Instructions from our ancestors: A critical and political treatise on the early Qajar period). Edited by Seyyed Ali Al Davoud. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Nezam Al-Saltaneh Mafi, Hossein Gholi. (1362/1983). "*Asnād va xāterāt-e Hossein Qoli Xān-e Nezām-os-Saltane-ye Māfi*" (Documents and memoirs of Hossein Gholikhan Khan Nizam Al-Saltanah Mafi) (vol. 3) 2nd ed.). edited by Masoumeh Mafi, Mansoureh Etehadieh, Sirous Saādvandian & Hamid Rampisheh. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Shuster, William Morgan. (1394/2015). "*Extenāq-e Irān*" (The strangling of Persia: Story of the European diplomacy and oriental intrigue that resulted in the denationalization of twelve million Mohammedans). Translated by Hassan Afshar. Tehran: Našr-e Māhi. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (1353/1974). "*Zamine-hā-ye ejtemā'ee-ye kudetā-ye 1299*" (The social context of the coup in 1299 HS / 1920 AD). Tehran: Šerkat-e Ofset. [Persian]
- Watson, Robert Grant. (1340/1961). "*Tārix-e Qājār*" (The history of Qajar). Translated by Abbas Gholi Azari. (n. p.): n. p. [Persian]

Articles

- Kiayinejad, Zein Al-Din. (1342/1964). "Divān-e mohāsebāt va qodrat-e qānuni-ye ān" (Supreme Audit Court and its legal power). *Kānun-e Vokalā*, 88 (Bahman & Esfand 1342 / 1964, February & March), pp. 75-79. [Persian]
- Mohammadi, Amin. (1396/2017). "Ketābče-ye mahāsen va ma'āyeb-e divan-e estifā: talāš-e hokumat-e Qājār barā-ye eslāh-e mālieh dar dowre-ye Nāseri" (A booklet on advantages and disadvantages of the Court of Appeal: The efforts of Qajar government for financial improvement in the Nasiri period). *Aršiv-e Melli-ye*



- Irān*, 3 (2) (1396 Summer / 2017), pp. 136-173. [Persian]
- Mohammadi, Amin & Marzieh Samareh Hosseini. (1394/2015). "Barresi-ye barāt va asnād-e šabih-e barāt" (A study of negotiable instrument and similar documents). *Payām-e Bahārestān*, 8 (26) (Fall & Winter 1394 / 2015, Fall & 2016, Winter), pp. 216-258. [Persian]
- "Resāle-ye Majdieh" (Majdieh epistle). (1306/1927). *Armaqān*, 62 & 63 (Ordibehešt & Xordād 1306/ 1927, May & June), pp. 82-95. [Persian]
- Takmil Homayoun, Naser. (1392/2013). "Doktor Mohammad-e Mosaddeq riāsat-e komisiun-e tatbiq-e havale-jāt-e mālieh" (Dr. Mohammad Mossadegh: Chairman of the commission for the implementation of tax expenditures). *Boxārā*, 15 (95 & 96) (Mehr & Ābān 1392/ 2013, October & November), pp. 177-184. [Persian]
- Shahbazi, Kheirollah. (1373/1995). "Seiri dar tahavolāt-e hoquqi-ye divan-e mohāsebāt az āqāz tā be emruz: Divān-e mohāsebāt dar āyene-ye hoquq" (A look at the legal developments of the Supreme Audit Court from the Beginning to the Present: Supreme Audit Court as reflected in the mirror of Law). *Majles va Pažuheš: Majles va Rāhbord* (Majlis & Rahbord: Scientific Research Quarterly Journal), 13 (Dey & Bahman 1373/ 1995, January & February), pp. 143-160. [Persian]

Records of parliamentary debates

- Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 1st term, 1326/1947, vol. 1. [Persian]
- Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 2nd term, 1328/1949, vol. 134. [Persian]
- Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 3rd term, 1333/1954, vol. 25. [Persian]
- Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 3rd term, 1333/1954, vol. 31. [Persian]



Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 3rd term, 1333/1954, vol. 47. [Persian]

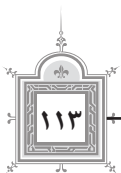
Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 4th term, 1340/1961, vol. 34. [Persian]

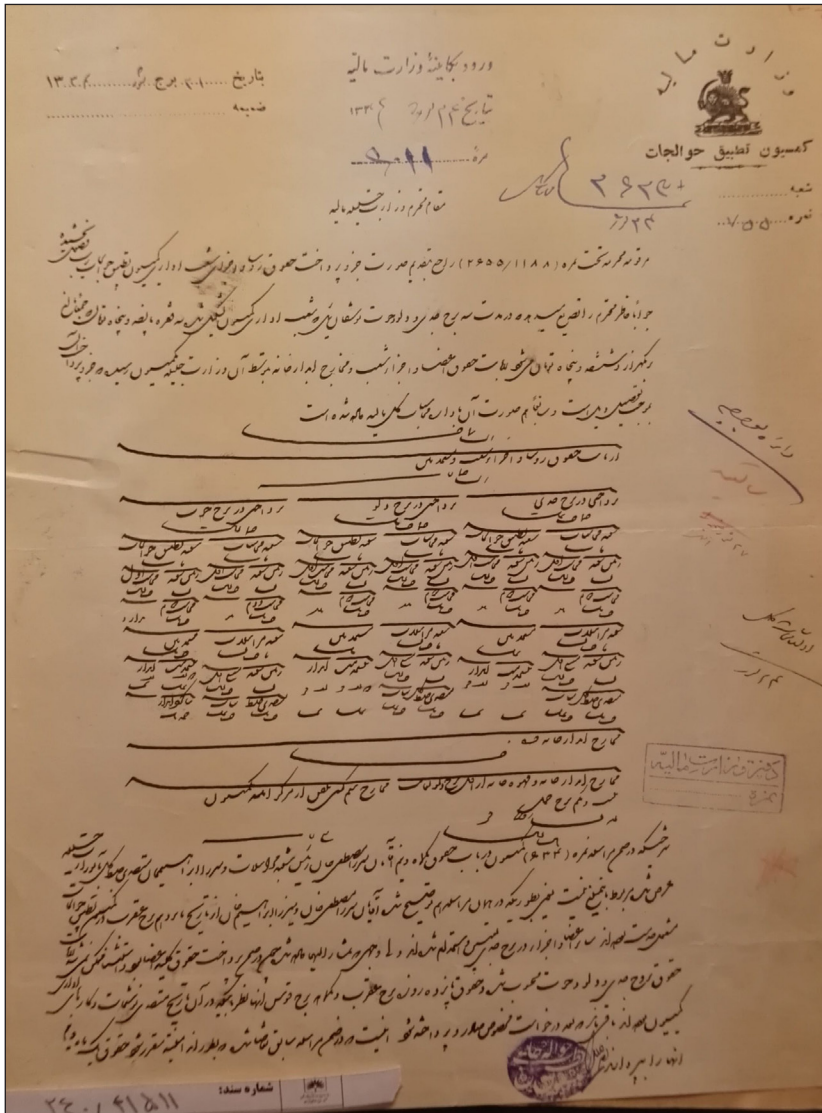
Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 4th term, 1340/1961, vol. 35. [Persian]

Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 4th term, 1340/1961, vol. 36. [Persian]

Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 4th term, 1340/1961, vol. 40. [Persian]

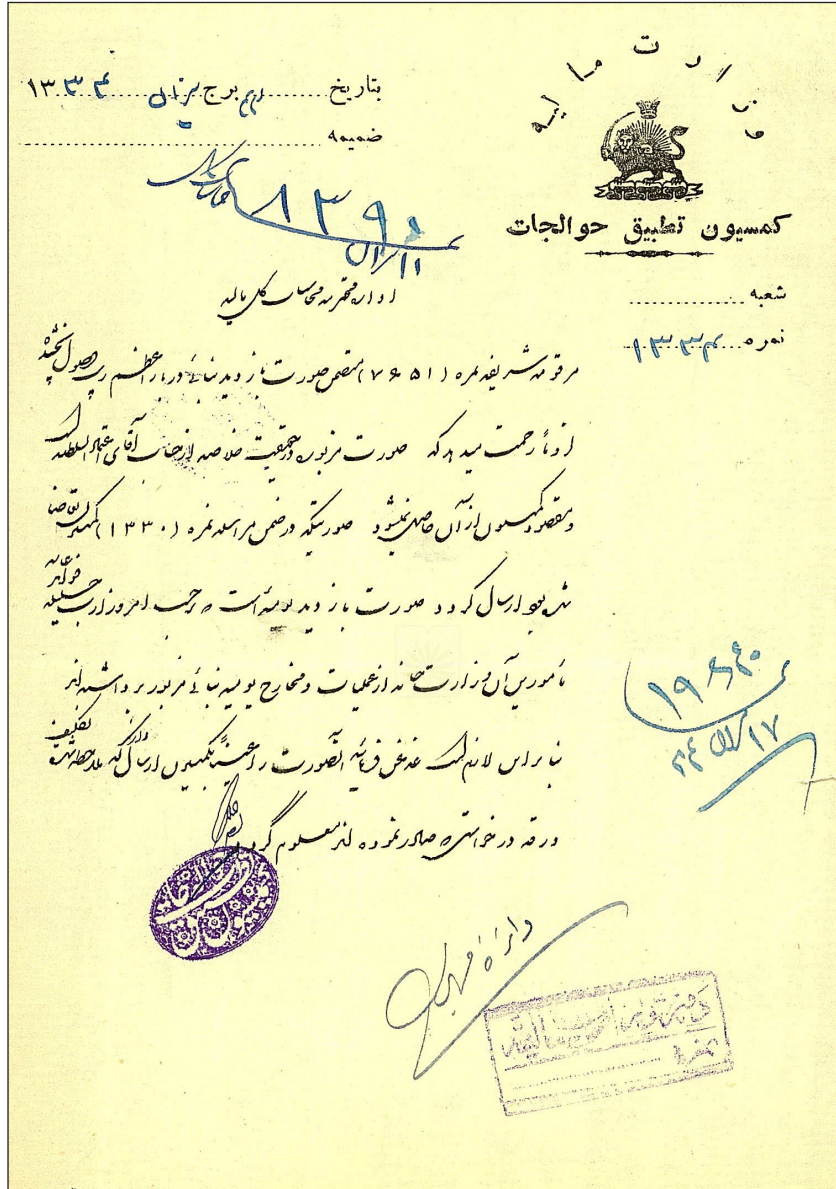
Mašruh-e mozākerāt-e majles-e Šorā-ye Melli (Detailed records of parliamentary debates of the National Consultative Assembly), 4th term, 1340/1961, vol. 56. [Persian]





تصویر ۱
سند پرداخت حقوق کارکنان کمیسیون تطبیق حوالجات و سایر هزینه‌های این اداره





تصویر ۲

مکاتبه کمیسیون تطبیق با وزارت ممالیه
در باره نقص اسناد مخارج بنایی دربار
اعظم



Proposing a Framework for Developing a Participatory Archives for Tehran Metropolitan Area

Hojat Aliyari-Molan¹ | Maryam Nakhoda² | AmirReza Asnafi³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Exploring required components for creating a participatory archive for Tehran metropolitan area archival centers based on web2 technology.

Method and Research Design: Based on extensive interview with a number of experts, we arrived at a number of categories. The Categories were used to develop a questionnaire and circulated among all the 95 practicing professional archivists of the area. Data from the 77 questionnaires completed and returned were analyzed using descriptive and inferential statistics and Friedman test.

Findings and Conclusion: Agreement with the eight categories with a mean of 4.1924 and a standard deviation of 0.67304 was at a desired level. The eight categories include: collaborative archive management, protection and maintenance, legal issues, user participation, archive culture, technology, access and archivists.

Keywords:

Participatory archive, Archive 2.0, Interactive Archives, Tehran Archival Centers.

Citation:

Aliyari Molan, H., Nakhoda, M., Asnafi, A. (2020). Proposing a Framework for Developing a Participatory Archives for Tehran Metropolitan Area. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 116-143. (In Persian)

1. MA Student of Archival Studies,
University of Tehran, Tehran, I. R. Iran
aliyari386@ut.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of
Information Science and Knowledge
Studies, University of Tehran, Tehran,
I. R. Iran, (Corresponding Author)
mnakhoda@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of
Information Science and Knowledge
Studies, University of Shahid Beheshti,
Tehran, I. R. Iran
aasnafi@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This
is an Open Access article distributed
under the terms of the Creative Commons
Attribution 4.0 International,
which permits others to download this
work, share it with others and adapt
the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2414

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 116 - 143 (28) | Received: 24, Aug. 2019 | Accepted: 29, Dec. 2019

Archival studies

پیشنهاد الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در کلانشهر تهران

حجت علیاری مولان^۱ | مریم ناخدا^۲ | امیررضا اصنافی^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: شناسایی مولفه‌های ضروری برای ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی کلانشهر تهران با استفاده از فناوری وب ۲.

روش/رویکرد پژوهش: نخست با تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه با متخصصان در موضوع آرشیوهای مشارکتی شماری مقوله به دست آوردیم. سپس با استفاده از مقوله‌های به دست آمده پرسش‌نامه‌ای طراحی و در میان تمام ۹۵ نفر آرشیویست‌ها و کارشناسان اسناد شاغل در مراکز آرشیوی شهر تهران به گردش درآوردیم. داده‌های ۷۷ پرسش‌نامه تکمیل و بازگشت داده شده را با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون فریدمن تحلیل کردیم.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: میزان موافقت آرشیویست‌ها با الگوی پیشنهادی در هشت مؤلفه با میانگین ۴/۱۹۲۴ و انحراف معیار ۰/۶۷۳۰۴ مطلوب بود. هشت مؤلفه عبارتند از مدیریت آرشیو مشارکتی؛ حفاظت و نگهداری؛ مسائل حقوقی؛ مشارکت کاربران؛ فرهنگ آرشیوی؛ فناوری؛ دسترسی و آرشیویست‌ها.

کلیدواژه‌ها:

آرشیو مشارکتی؛ آرشیو ۲ (وب ۲)؛ آرشیوهای تعاملی؛ مراکز آرشیوی شهر تهران.

استناد:

علیاری مولان، حجت، ناخدا، مریم، اصنافی، امیررضا. (۱۳۹۹). پیشنهاد الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در کلانشهر تهران. گنجینه اسناد، ۳۰(۱)، ۱۱۶-۱۴۳.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات

آرشیوی دانشگاه تهران، تهران، ایران

aliyari386@ut.ac.ir

۲. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده

مسئول)

mnakhoda@ut.ac.ir

۳. استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

aasnafii@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۴

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۱۱۶ - ۱۴۳ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۸

مطالعات آرشیوی

مقدمه

آرشیوها با افزایش درک و قدردانی از گذشته به زندگی مردم ارزش می دهند (تیمر^۱، ۲۰۱۴). تاریخ به ما می گوید که مواد آرشیوی باید حفظ شود. آرشیو در واقع نگهداری گذشته و حال برای ساختن آینده است. آرشیوها در طول تاریخ خود با تغییرات و چالش های فراوانی روبه رو شده اند؛ این تغییرات هم بر علم آرشیو و هم بر عمل آرشیوها به طور یکسان تأثیر گذاشته است و باعث به وجود آمدن مفاهیمی جدید در آرشیو شده است. ما در قرن گذشته شاهد تغییراتی اساسی در زمینه های مختلف فعالیت های آرشیوی بوده ایم که هنوز هم ادامه دارد و امروز هم می تواند تجربه شود و به نظر می رسد تأثیرات آن قوی تر و بیشتر از همیشه است. از برجسته ترین نکات در توسعه آرشیوها موضوع فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید و یا دقیق تر بخواهیم بگوییم تغییر در شیوه های ارتباطی افراد، گروه ها و مؤسسات است؛ موضوعی که همواره هم در حال توسعه است (زکلی^۲، ۲۰۱۷). آرشیو مشارکتی^۳ استفاده برخط از دانش جمعی داوطلبان و یا کاربران (عموم مردم) برای بهبود یا تکمیل مجموعه موجود در آرشیوهاست. عبارت آرشیوهای مشارکتی برای توصیف نوعی تغییر استفاده می شود و آن تغییر، تغییر از تمرکز بر روی حفظ به سمت تمرکز بر روی دسترسی و استفاده است. در الگوی سنتی آرشیو اولویت اول حفظ و نگهداری، سپس قابلیت دسترسی و استفاده است؛ ولی در آرشیوهای مشارکتی قابلیت دسترسی و استفاده اولویت بیشتری دارد (هوایلا^۴، ۲۰۰۸). سهم آرشیوهای مشارکتی برای آینده این است که مسئولیت ها را با محیط جدید تطبیق دهند و فضا و امکانات را برای کمک به نگهداری مؤثر و کارآمد منابع آرشیوی آماده کنند. با توجه به امکانات موجود و سرعت تغییر در فناوری اطلاعات و سخت و پیچیده تر شدن امور، آرشیوهای مشارکتی نقشی مهم در موفقیت و آینده این حرفه دارند.

هدف پژوهش

هدف کلی از این پژوهش پیشنهاد الگوی ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران است.

هدف های جزئی

۱. شناسایی اقدامات لازم برای مدیریت آرشیوهای مشارکتی؛
۲. شناسایی اقدامات لازم برای مشارکت کاربران در آرشیوهای مشارکتی؛
۳. شناسایی اقدامات لازم برای کاربرد فناوری اطلاعات در آرشیوهای مشارکتی؛
۴. شناسایی الگوی اعتباریابی شده آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران.

1. Theimer
2. Szekeley
3. Participatory Archives
4. Huvila



پرسش‌های اساسی پژوهش

این پژوهش درصدد است تا به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد:

۱. برای مدیریت آرشیوهای مشارکتی چه اقداماتی باید انجام شود؟
۲. برای مشارکت کاربران در آرشیوهای مشارکتی چه اقداماتی باید انجام شود؟
۳. برای کاربرد فناوری اطلاعات در آرشیوهای مشارکتی چه اقداماتی باید انجام شود؟
۴. الگوی اعتباریابی شده آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در دهه اخیر و چند سال گذشته پژوهش‌های قابل قبولی در حوزه آرشیوهای مشارکتی و روش‌های مختلف مشارکت در آرشیوها و مراکز فرهنگی، تاریخی و موزه‌ها در خارج از کشور انجام شده است که هرکدام مباحث جدیدی به این حوزه و ادبیات این حوزه افزوده‌اند؛ ولی در کشور ما پژوهشی که منحصراً به آرشیوهای مشارکتی بپردازد انجام نشده است. برخی پژوهش‌هایی که درباره آرشیو مشارکتی یا موضوعات مشابه بوده‌اند به شرح زیرند:

اصنافی و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «آرشیو ۲؛ رهیافتی نو در خدمت اطلاع‌رسانی و مدیریت اسناد الکترونیکی» به بررسی نرم‌افزارهای اجتماعی و کاربرد آن‌ها در آرشیو و درجهت کمک به کاربران پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که نگهداری طولانی مدت از پیشینه‌های رقمی، مشکلی بزرگ برای بسیاری از مراکز آرشیوی محسوب می‌شود؛ بنابراین برای حفظ و نگهداری و دسترسی به این پیشینه‌ها باید نگاه و برنامه‌ریزی راهبردی داشت. آرشیویست‌ها باید خود و کار حرفه‌ای خود را با فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نزدیک‌تر و ملموس‌تر کنند و از آن برای تسهیل مدیریت پیشینه‌ها استفاده کنند. الگوی پیشنهادی در پایان این مقاله استفاده از مفهوم آرشیو ۲ و آرشیودار ۲ با استفاده از قابلیت‌های وب ۲ است که در آن آرشیوها قادر خواهند بود تا در تمام طول هفته و در هر ساعتی از شبانه‌روز با کاربران در تعامل باشند تا آرشیویست‌ها در قالب نقشی جدید یعنی آرشیودار ۲ بتوانند از طریق فناوری‌های وب ۲ راحت‌تر و سریع‌تر به مدیریت پیشینه‌های الکترونیکی بپردازند و برای تأمین نیازهای اطلاعاتی کاربران تعاملی نزدیک با آن‌ها داشته باشند. هویلا (۲۰۰۸) در مقاله خود بیان می‌کند که آرشیو مشارکتی به دنبال شفافیت از طریق مشارکت است؛ مشارکت بیشتر قرار است تنوع انگیزه‌ها و دیدگاه‌ها را در مواقعی که آرشیوها با مشکل مواجه می‌شوند آشکار سازد. او برخی از ویژگی‌های اساسی از جمله تقسیم مسئولیت‌ها بین آرشیویست‌ها، و انتخاب بهترین دانش درباره سوابق و زمینه‌های

مورد استفاده را برای آرشیوهای مشارکتی عرضه کرده است و در نهایت استفاده از نرم افزار معنایی مدیاویکی را که احتمالاً بهترین راه حل موجود در آن زمان بوده پیشنهاد داده است. تیمر (۲۰۱۰) برای درک و پاسخ به این پرسش که منظور از ایجاد آرشیو مشارکتی چیست؟ جنبه های مختلف مشارکت در آرشیو را بررسی کرده و نظرش را درباره آرشیو مشارکتی این گونه تعریف کرده است: «آرشیو مشارکتی یک سازمان سایت یا مجموعه ای است که در آن افرادی غیر از متخصصان آرشیو منابع خود را معمولاً در محیطی برخط به اشتراک می گذارند و موجب افزایش آگاهی و کمک به درک مطالب آرشیوی می شوند» و در پایان به این نتیجه رسیده است که روش مشارکت و جمع آوری، یکی از راه های برجسته ای است که آرشیوهای مشارکتی برای افزایش تعامل با کاربر و هم چنین افزایش اطلاعات و توسعه منابع آرشیوی از آن استفاده می کنند. رایدز (۲۰۱۰) در پایان نامه خود با عنوان «آرشیو مشارکتی: بررسی رویکرد همکاری برای پروژه اجتماعی بومی» به بررسی توسعه مشارکتی آرشیوهای محلی جوامع بومی کانادا و کشف مفهوم آرشیو مشارکتی و نحوه به کارگیری آن برای ثبت پیشینه ها درباره مردم بومی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مشارکت خارج از حرفه آرشیو، در حال حاضر یک واقعیت است. ایلی (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان «تبریک جهانی: کشف آرشیوهای مشارکتی» به بررسی پروژه های جمع سپاری برای ترویج تعامل کاربران با میراث آرشیو و جست و جوی مشترکات و الگوها، برای نشان دادن بهترین شیوه های برخط مشارکت کاربران پرداخته است و الگوی مفهومی جدیدی را برای مشارکت کاربر در آرشیو عرضه می کند که در آن انتقال هویت حرفه ای همیشه هدف و نتیجه نیست. این الگو تلاش برای شروع راه های مختلفی است که ممکن است در مشارکت تأثیر بگذارد. هویلا (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «سبک های مختلف و تجزیه و تحلیل چگونگی مشارکت و بررسی گفتگوهای "مشارکت" در ادبیات آرشیو» روی آرشیوهای مشارکتی بحث می کند و با بررسی ادبیات و شیوه های گفتمان در این زمینه و تجزیه و تحلیل آن ها به این نتیجه می رسد که گفتمان ها در زمینه آرشیوهای مشارکتی تنوع ایده ها را نشان می دهد و با وجود وسعت و گوناگونی به نظر می رسد که تمام گفتمان ها یک نقطه ذاتی مشترک دارند که معنای آن، آرشیو در عصر مشارکت است با سه مبحث آرشیوها و مدیریت آن ها، مشارکت کاربران، و کاربرد فناوری اطلاعات. پیامدهای علمی این پژوهش به درک بهتر درباره شیوه های مؤثر همکاری و مشارکت در توسعه آرشیوها کمک می کند. لیو^۱ و واکینز^۲ (۲۰۱۸) در مقاله خود با عنوان «بینش استفاده از رسانه های اجتماعی توسط مؤسسات حافظه در نیوزلند: مشارکت در مقابل فرهنگ آموزشی» به بررسی خطرات و درک مشکلات ناشی از استفاده از رسانه های اجتماعی برای مشارکت عمومی در آرشیو با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۴

1. Liew
2. Watkins



نماینده از بخش اطلاعات و میراث فرهنگی نیوزلند پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تنها اقلیتی کوچک از نهادهای نمونه از ابزارهای وب اجتماعی برای ساخت هویت جامعه و مجموعه‌های میراث فرهنگی استفاده می‌کنند. روسچلی^۱ و کیم^۲ (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «چیزی که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد: نقش داستان‌های شخصی در ایجاد آرشیو مشارکتی مبتنی بر جامعه» به این نتیجه رسیدند که چگونه مردم خاطرات گذشته خود را درک و ارزیابی می‌کنند و چگونه شکل‌گیری آرشیوهای مشارکتی مبتنی بر جامعه، مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مطالعه روشن می‌کند که چگونه افراد از طریق اشخاص و داستان‌های شخصی خود با جوامع ارتباط برقرار می‌کنند.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور می‌توان دریافت که هیچ‌گونه پژوهشی با هدف پیشنهاد الگوی ایجاد آرشیو مشارکتی برای مراکز آرشیوی انجام نشده است؛ به‌همین دلیل در پژوهش حاضر محقق تلاش کرده است تا با مطالعه مقالات و پیشینه‌های خارجی مربوط به این موضوع طرحی را عرضه کند که در مراکز آرشیوی کشور استفاده شود. نتایج به‌دست‌آمده از پیشینه‌های خارجی نشان می‌دهد که آرشیوهای مشارکتی از طریق تعامل با عموم مردم و مراکز آرشیوی دیگر به‌دنبال روش‌هایی جدید برای توسعه و غنی‌سازی آرشیوها هستند و به‌همین دلیل تحقیقات و پروژه‌های پراکنده و مختلفی از سوی مراکز آرشیوی دولتی و غیردولتی انجام شده است تا بتوانند طیفی گسترده از فناوری‌ها و دستیابی به حمایت عمومی را برای کمک به آرشیوها جلب کنند. در پژوهش حاضر نتیجه‌گیری از پیشینه‌های خارجی و اقدامات و عملکردهای آرشیوهای مشارکتی بررسی شده و محقق با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده و نیاز به کار علمی در این موضوع از طریق مصاحبه با متخصصان و استادان و صاحب‌نظران این زمینه الگویی برای ایجاد آرشیو مشارکتی عرضه کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این پیمایش با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است. برای این کار پرسش‌نامه‌ای از مقوله‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه ساخته شد و پس از بررسی روایی و پایایی، پرسش‌ها برای سنجش در بین آرشیویست‌های مراکز آرشیوی شهر تهران توزیع شد و در پایان الگوی اعتباریابی شده آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران، پیشنهاد شد. جامعه آماری شامل همه آرشیویست‌ها و کارشناسان اسناد شاغل در مراکز آرشیوی شهر تهران (۱۳ مرکز) است که تعداد آن‌ها ۹۵ نفر است. پرسش‌نامه بین تمام آرشیویست‌ها توزیع شد و در نهایت ۷۷ پرسش‌نامه برگردانده شد. مصاحبه این پژوهش شامل ۱۲ پرسش بود.

1. Roeschley

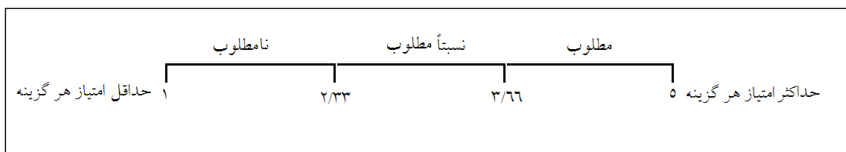
2. Kim



پرسش‌ها با مطالعه ادبیات پژوهش طراحی شد. برای تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل و نمره‌گذاری این پرسش‌نامه و مؤلفه‌های آن و تبدیل پاسخ‌های کیفی به مقادیر کمی از روش وزن‌دهی استفاده شد؛ به این صورت که با محاسبه میانگین مربوط به هر پرسش، امتیاز هر یک از پرسش‌ها مشخص شد و همان‌طور که در فرمول زیر مشخص شده است، با معین کردن فراوانی پاسخ‌های مربوط به هر کدام از گزینه‌ها و تعیین امتیاز مربوط به هر گزینه (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) امتیاز هر کدام از پرسش‌ها مشخص شد.

$$\text{مجموع (ارزش عددی (وزن) هر گزینه سوال مربوط به نشانگر} \times \text{فراوانی مربوط به آن)} = \frac{\text{امتیاز نشانگر}}{\text{تعداد کل پاسخ‌دهندگان به سوال مورد نظر}}$$

برای قضاوت درباره مطلوبیت متغیرها و مطلوبیت هر کدام از مؤلفه‌های آن‌ها از طیف استاندارد ارزیابی بازرگان و همکاران (حجازی، بازرگان، اسحاقی، ۱۳۸۷) استفاده شد. طیف این سطح مطلوبیت براساس حداکثر و حداقل ارزش عددی مربوط به گزینه‌های پرسش نشانگر ساخته می‌شود؛ به این معنی که در یک طرف طیف حداکثر امتیاز و در طرف دیگر حداقل امتیاز قرار می‌گیرد و سپس فاصله این دو به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود. در این طیف چنانچه از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شود، اگر میانگین مؤلفه‌های مدنظر بین ۱ تا ۲/۳۳ باشد، وضعیت نامطلوب ارزیابی می‌شود؛ چنانچه این میانگین بین ۲/۳۳ تا ۳/۶۶ باشد، وضعیت نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود و چنانچه این میانگین بین ۳/۶۶ تا ۵ باشد، وضعیت مؤلفه‌های بررسی شده مطلوب ارزیابی می‌شود. نمودار زیر طیف سطح مطلوبیت را نشان می‌دهد.



نمودار ۱

طیف سطح مطلوبیت بازرگان و همکاران در مقیاس لیکرت پنج‌ارزشی (سرمه، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۳).

در این پژوهش از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های آرشو مشارکتی استفاده شد.



یافته‌های پژوهش

جدول ۱ توزیع مراکز آرشیوی مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

درصد	فراوانی	نام مرکز آرشیوی
۲۲/۱	۱۷	آرشیو ملی ایران
۳/۹	۳	اداره آرشیوها و کتاب‌خانه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
۷/۸	۶	اداره کل اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه
۵/۲	۴	بنیاد ایران‌شناسی
۹/۱	۷	کتاب‌خانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران
۵/۲	۴	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
۶/۵	۵	مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۶/۵	۵	مرکز اسناد میراث فرهنگی
۶/۵	۵	مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۷/۸	۶	مرکز اسناد بنیاد شهید و امور ایثارگران
۳/۹	۳	آرشیو موزه دفاع مقدس
۹/۱	۷	مرکز اسناد کاخ گلستان
۶/۵	۵	مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
۱۰۰	۷۷	جمع

جدول ۱

مراکز آرشیوی مشارکت‌کننده در پژوهش

در این قسمت با استفاده از آمار توصیفی (شامل توزیع فراوانی و میانگین) و آمار استنباطی (با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب) به هشت مؤلفه پرسش‌نامه پرداخته می‌شود. در این بخش هشت مؤلفه مدیریت آرشیو مشارکتی، حفاظت و نگهداری، مسائل حقوقی، مشارکت کاربران، فرهنگ آرشیوی، فناوری، دسترسی، و آرشیویست‌ها در نظر گرفته شده‌است و از تحلیل عاملی تأییدی برای بار عاملی گویه‌های این هشت مؤلفه استفاده می‌شود. این هشت مؤلفه شامل ۳۷ گویه است و در جدول ۳ آمده‌است.

۰/۷۱۹	آماره آزمون KMO	
۲۰۲۱/۰۷۱	تخمین خی-دو	آزمون کرویت بارلت
۶۶۶	درجه آزادی (df)	
۰/۰۰۰	سطح معناداری (Sig)	

جدول ۲

آمار KMO و نتایج آزمون کرویت^۱
بارلت برای پرسش‌نامه



در تحلیل عاملی اگر مقدار KMO بیشتر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود. باتوجه به اینکه در جدول ۲ مقدار KMO ۰/۷۱۹ است، پس داده‌های طراحی پیشنهاد الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران برای انجام تحلیل عاملی مناسب‌اند. هم‌چنین نتایج آزمون کرویت بارتل نیز معنی‌دار است؛ یعنی تفکیک عامل‌ها درست انجام شده‌است.

استخراج	گویه‌ها	استخراج	گویه‌ها	استخراج	گویه‌ها
۰/۶۲۳	Q۲۷	۰/۷۲۳	Q۱۴	۰/۶۶۱	Q۱
۰/۷۱۷	Q۲۸	۰/۶۹۵	Q۱۵	۰/۷۴۴	Q۲
۰/۷۶۷	Q۲۹	۰/۵۳۹	Q۱۶	۰/۴۹۵	Q۳
۰/۷۵۹	Q۳۰	۰/۷۹۵	Q۱۷	۰/۷۴۱	Q۴
۰/۵۹۱	Q۳۱	۰/۶۷۸	Q۱۸	۰/۶۵۵	Q۵
۰/۷۶۷	Q۳۲	۰/۶۳۹	Q۱۹	۰/۵۹۷	Q۶
۰/۶۷۶	Q۳۳	۰/۸۱۲	Q۲۰	۰/۵۴۹	Q۷
۰/۷۸۹	Q۳۴	۰/۸۵۳	Q۲۱	۰/۵۷۴	Q۸
۰/۸۱۹	Q۳۵	۰/۸۰۵	Q۲۲	۰/۷۳۵	Q۹
۰/۵۷۲	Q۳۶	۰/۶۵۷	Q۲۳	۰/۶۸۱	Q۱۰
۰/۷۴۷	Q۳۷	۰/۶۷۲	Q۲۴	۰/۶۵۰	Q۱۱
		۰/۷۱۸	Q۲۵	۰/۷۱۸	Q۱۲
		۰/۷۷۸	Q۲۶	۰/۵۷۱	Q۱۳

جدول ۳

تحلیل بار عاملی گویه‌ها

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بار عاملی همه گویه‌ها بیشتر از ۰/۴ است.

مجدور مقادیر چرخشی			مجدور مقادیر استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه			عامل
درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس	کل	
۱۲/۳۱۰	۱۲/۳۱۰	۴/۵۵۵	۳۳/۷۳۱	۳۳/۷۳۱	۱۲/۴۸۱	۳۳/۷۳۱	۳۳/۷۳۱	۱۲/۴۸۱	۱
۲۲/۸۱۰	۱۰/۵۰۰	۲/۸۸۵	۴۰/۵۳۶	۶/۸۰۵	۲/۵۱۸	۴۰/۵۳۶	۶/۸۰۵	۲/۵۱۸	۲
۳۲/۷۱۳	۹/۹۰۳	۲/۶۶۴	۴۶/۳۷۸	۵/۸۴۲	۲/۱۶۱	۴۶/۳۷۸	۵/۸۴۲	۲/۱۶۱	۳
۴۰/۹۸۴	۸/۲۷۱	۲/۰۶۰	۵۲/۰۴۴	۵/۶۶۶	۲/۰۹۶	۵۲/۰۴۴	۵/۶۶۶	۲/۰۹۶	۴
۴۹/۲۰۶	۸/۲۲۱	۲/۰۴۲	۵۷/۱۴۱	۵/۰۹۷	۱/۸۸۶	۵۷/۱۴۱	۵/۰۹۷	۱/۸۸۶	۵
۵۷/۲۲۲	۸/۰۱۷	۲/۹۶۶	۶۱/۳۶۹	۴/۲۲۸	۱/۵۶۴	۶۱/۳۶۹	۴/۲۲۸	۱/۵۶۴	۶
۶۳/۸۸۸	۶/۶۶۶	۲/۶۶۶	۶۵/۴۵۶	۴/۰۸۷	۱/۵۱۲	۶۵/۴۵۶	۴/۰۸۷	۱/۵۱۲	۷
۶۹/۱۲۰	۵/۲۳۱	۱/۹۳۶	۶۹/۱۲۰	۲/۶۶۶	۱/۳۵۶	۶۹/۱۲۰	۲/۶۶۶	۱/۳۵۶	۸

جدول ۴

درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های
مختلف پرسش‌نامه کمی



داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که برای پیشنهاد الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی هر هشت مؤلفه قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند. مؤلفه‌های اول تا هشت به ترتیب ۱۲/۳۱۰، ۱۰/۵۰۰، ۹/۹۰۳، ۸/۲۷۱، ۸/۲۲۱، ۸/۰۱۷، ۶/۶۶۶، ۵/۲۳۱ و در مجموع ۶۹/۱۲۰ درصد از واریانس را دربر دارند. هشت مؤلفه اصلی مربوط به پرسش‌نامه‌های آرشیویست‌ها در طیف لیکرت ۵ سطحی از ۱ تا ۵ بررسی شده‌اند. برای مشخص کردن نرمال بودن یا نرمال نبودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

مؤلفه‌ها	آمار کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
مدیریت آرشیو مشارکتی	۰/۱۴۹	۰/۰۰۰
حفاظت و نگهداری	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰
مسائل حقوقی	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰
مشارکت کاربران	۰/۰۶۲	۰/۰۲۰
فرهنگ آرشیوی	۰/۲۹۳	۰/۰۰۰
فناوری	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰
دسترس	۰/۱۶۴	۰/۰۰۰
آرشیویست‌ها	۰/۱۸۹	۰/۰۰۰
جمع مؤلفه‌ها	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰

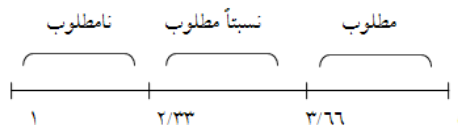
جدول ۵

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای مؤلفه‌های تحقیق

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سطح معنی‌داری آزمون تمام مؤلفه‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان از غیر نرمال بودن مؤلفه‌ها دارد؛ بنابراین برای تحلیل از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شد.

مؤلفه اول: مدیریت آرشیو مشارکتی

باتوجه به نتایج آزمون نرمالیتی داده‌ها، برای تعیین وضعیت مطلوبیت پرسش‌های پژوهش از طیف حجازی و همکاران (۱۳۸۷) استفاده شد. از آنجاکه پرسش‌نامه استفاده‌شده در پژوهش دارای طیف ۵ گزینه‌ای است، فاصله بین عدد ۱ تا ۵ به سه قسمت مساوی تقسیم می‌شود که در این پژوهش طول (اندازه) هر طیف ۱/۳۳ به دست آمد.



بنابراین در پژوهش حاضر چنانچه میانگین هر مؤلفه بین ۱ تا ۲/۳۳ باشد، وضعیت نامطلوب ارزیابی می‌شود؛ چنانچه میانگین مؤلفه مدنظر بین ۲/۳۴ تا ۳/۶۶ به‌دست آید، وضعیت آن نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود و چنانچه میانگین مؤلفه مدنظر بین ۳/۶۷ تا ۵ به‌دست آید، وضعیت مطلوب ارزیابی می‌شود.

در ادامه، وضعیت گویه‌های هر مؤلفه براساس میانگین، فراوانی، درصد فراوانی و هم‌چنین وضعیت مطلوبیت آن مؤلفه آمده‌است.

مؤلفه مدیریت آرشیو مشارکتی در پرسش‌نامه پژوهش حاضر تعداد ۹ گویه را به‌خود اختصاص داده‌است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش‌های این مؤلفه آمده‌است.

وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
مطلوب	۴/۴۰	۳۹	۳۲	۴	۲	۰	فراوانی	تأمین زیرساخت‌های فنی و تجهیزات موردنیاز برای شکل‌گیری آرشیو مشارکتی
		۵۰/۶	۴۱/۶	۵/۲	۲/۶	۰	درصد	
مطلوب	۴/۲۱	۳۳	۳۴	۴	۵	۱	فراوانی	جذب پشتیبان و حمایت مادی افراد خیر برای پیشبرد مقاصد آرشیو مشارکتی
		۴۲/۹	۴۴/۲	۵/۲	۶/۵	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۴۴	۴۱	۳۲	۱	۳	۰	فراوانی	ایجاد ساختار طبقه‌بندی محتوای اسناد الکترونیکی
		۵۳/۲	۴۱/۶	۱/۳	۳/۹	۰	درصد	
مطلوب	۴/۵۵	۴۷	۲۷	۲	۱	۰	فراوانی	تعیین قوانین نگهداری و تعیین تکلیف اسناد
		۶۱/۰	۳۵/۱	۲/۶	۱/۳	۰	درصد	
مطلوب	۴/۳۵	۳۸	۳۰	۷	۲	۰	فراوانی	تدوین خط‌مشی و تعیین هدف و دامنه فعالیت‌های آرشیو مشارکتی و داشتن چشم‌انداز کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت
		۴۹/۴	۳۹/۰	۹/۱	۲/۶	۰	درصد	

جدول ۶

توزیع فراوانی گویه‌های مدیریت آرشیو مشارکتی



وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
مطلوب	۴/۱۸	۲۹	۳۵	۱۱	۲	۰	فراوانی	مدیریت مشارکتی از طریق داشتن نماینده ازسوی آرشیوهای مشارکت کننده در گروه مدیریتی
		۳۷/۷	۴۵/۵	۱۴/۳	۲/۶	۰	درصد	
مطلوب	۴/۲۵	۲۹	۴۰	۶	۲	۰	فراوانی	ایجاد سامانه مشترک بین مراکز آرشیوی از طریق شبکه برای تعامل و تبادل اطلاعات
		۳۷/۷	۵۱/۹	۷/۸	۲/۶	۰	درصد	
مطلوب	۴/۳۵	۳۸	۳۳	۲	۳	۱	فراوانی	استانداردسازی فعالیت ها و خدمات آرشیو مشارکتی و تعیین چهارچوب و قواعد حاکم در این زمینه
		۴۹/۴	۴۲/۹	۲/۶	۳/۹	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۴۳	۳۷	۳۷	۲	۱	۰	فراوانی	استفاده از تجربه سازمان های پیشرو
		۴۸/۱	۴۸/۱	۲/۶	۱/۳	۰	درصد	دیگر کشورها در زمینه آرشیو مشارکتی

ادامه جدول ۶

توزیع فراوانی گویه های مدیریت آرشیو مشارکتی

جدول ۷

وضعیت و میانگین مؤلفه مدیریت آرشیو مشارکتی

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه مدیریت آرشیو مشارکتی
مطلوب	۰/۵۱۴۲۷	۴/۳۵۰۶	

باتوجه به طیف بازرگان و یافته های جدول فوق می توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیویست ها در بخش مؤلفه مدیریت آرشیو مشارکتی با میانگین ۴/۳۵۰۶ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.



مؤلفه دوم: حفاظت و نگهداری

مؤلفه حفاظت و نگهداری در پرسش نامه پژوهش حاضر یک گویه را به خود اختصاص داده است که در ادامه میانگین، فراوانی، و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش های این مؤلفه آمده است.

گویه	توزیع فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	وضعیت
ایجاد مخزن دیجیتال و تدوین استانداردهای حفاظت و نگهداری برای نگهداری اسناد بازگذاری شده کاربران	فراوانی	۱	۲	۴	۲۹	۴۱	۴/۳۹	مطلوب
	درصد	۱/۳	۲/۶	۵/۲	۳۷/۷	۵۳/۲		

جدول ۸

توزیع فراوانی گویه حفاظت و نگهداری

وضعیت	میانگین	انحراف استاندارد
مطلوب	۴/۳۸۹۶	۰/۸۱۳۶۳

جدول ۹

وضعیت و میانگین مؤلفه حفاظت و نگهداری

باتوجه به طیف بازرگان و یافته های جدول فوق می توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیبیست ها در بخش مؤلفه حفاظت و نگهداری با میانگین ۴/۳۸۹۶ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

مؤلفه سوم: مسائل حقوقی

مؤلفه مسائل حقوقی در پرسش نامه پژوهش حاضر تعداد ۲ گویه را به خود اختصاص داده است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش های این مؤلفه آمده است.

گویه	توزیع فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	وضعیت
تعیین سیاست های حقوقی برای کاربران، برای صیانت از حقوق مالکیت مادی و معنوی دیگران	فراوانی	۱	۲	۶	۳۰	۳۸	۴/۳۲	مطلوب
	درصد	۱/۳	۲/۶	۷/۸	۳۷/۰	۴۹/۴		

جدول ۱۰

توزیع فراوانی گویه های مسائل حقوقی



ادامه جدول ۱۰

توزیع فراوانی گویه‌های مسائل حقوقی

گویه	توزیع فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	وضعیت
حق تعلیق، حذف یا ویرایش توسط مدیر آرشیو مشارکتی در صورت محتوای محرمانه یا ناپسند	فراوانی	۳	۵	۱۴	۳۹	۱۶	۳/۷۸	مطلوب
	درصد	۳/۹	۶/۵	۱۷/۲	۵۰/۶	۲۰/۸		

جدول ۱۱

وضعیت و میانگین مؤلفه مسائل حقوقی

مؤلفه مسائل حقوقی	میانگین	انحراف استاندارد	وضعیت
	۴/۰۵۱۹	۰/۷۸۰۴۵	مطلوب

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیویست‌ها در بخش مسائل حقوقی با میانگین ۴/۰۵۱۹ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

مؤلفه چهارم: مشارکت کاربران

مؤلفه مشارکت کاربران در پرسش‌نامه پژوهش حاضر ۱۳ گویه را به خود اختصاص داده‌است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش‌های این مؤلفه آمده‌است.

گویه	توزیع فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	وضعیت
ایجاد انجمن آرشیو مشارکتی برای جلب حمایت حامیان آرشیو	فراوانی	۰	۴	۱۰	۳۶	۲۷	۴/۱۲	مطلوب
	درصد	۰	۵/۲	۱۳/۰	۴۶/۸	۳۵/۱		
تبلیغات و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های گروهی، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی	فراوانی	۰	۱	۱۰	۳۸	۲۸	۴/۲۱	مطلوب
	درصد	۰	۱/۳	۱۳/۰	۴۹/۴	۳۶/۴		
برجسته‌سازی رویدادها و تحت وب قراردادن اسناد و فراخوان برای مشارکت کاربران	فراوانی	۰	۷	۸	۳۴	۲۸	۴/۰۸	مطلوب
	درصد	۰	۹/۱	۱۰/۴	۴۴/۲	۳۶/۴		

جدول ۱۲

توزیع فراوانی گویه‌های مشارکت کاربران



وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
نسبتاً مطلوب	۳/۴۸	۱۵	۲۸	۱۶	۱۵	۳	فراوانی	فراهم آوردن امکان اصلاح و رونویسی اسناد در سایت توسط کاربران
		۱۹/۵	۳۶/۴	۲۰/۸	۱۹/۵	۳/۹	درصد	
نسبتاً مطلوب	۳/۶۰	۱۶	۳۰	۱۶	۱۶	۱	فراوانی	فراهم آوردن امکان تنظیم و توصیف اسناد در سایت توسط کاربران
		۲۰/۸	۳۹/۰	۲۰/۸	۱۸/۲	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۱۲	۲۶	۴۱	۵	۳	۲	فراوانی	فراهم آوردن امکان شناسایی منابع آرشیوی از قبیل اسناد، اشخاص، عکس‌ها، اماکن تاریخی، مناطق جغرافیایی توسط کاربران
		۳۳/۸	۵۳/۲	۶/۵	۳/۹	۲/۶	درصد	
مطلوب	۳/۹۱	۱۹	۳۹	۱۴	۳	۲	فراوانی	غنی‌سازی محتوای آرشیو مشارکتی از طریق بیان خاطرات و داستان‌ها و تاریخ شفاهی توسط کاربران
		۲۴/۷	۵۰/۶	۱۸/۲	۳/۹	۲/۶	درصد	
مطلوب	۴/۱۰	۲۲	۴۵	۶	۴	۰	فراوانی	غنی‌سازی محتوای آرشیو مشارکتی از طریق جمع‌سپاری و جلب مشارکت آرشیوهای خصوصی
		۲۸/۶	۵۸/۴	۷/۸	۵/۲	۰	درصد	
مطلوب	۳/۹۷	۲۰	۴۱	۱۱	۴	۱	فراوانی	ایجاد انگیزه برای مشارکت کاربران از طریق، جوایز نقدی و مادی، قدردانی، لوح سپاس
		۲۶/۰	۵۳/۲	۱۴/۳	۵/۲	۱/۳	درصد	
مطلوب	۳/۹۶	۲۳	۳۶	۱۱	۶	۱	فراوانی	برگزاری مراسم بزرگداشت و تشویق کاربران فعال و نمونه
		۲۹/۹	۴۶/۸	۱۴/۳	۷/۸	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۳۵	۳۳	۳۸	۶	۰	۰	فراوانی	ایجاد اعتماد از طریق شفاف‌سازی و برطرف کردن ابهامات کاربران درباره آرشیو مشارکتی
		۴۲/۹	۴۹/۴	۷/۸	۰	۰	درصد	
مطلوب	۴/۲۹	۲۹	۴۲	۵	۱	۰	فراوانی	به رسمیت شناختن و اطمینان‌دادن به کاربران درباره ارزشمندی مشارکت آن‌ها در آرشیو
		۳۷/۷	۵۶/۵	۶/۵	۱/۳	۰	درصد	
مطلوب	۴/۰۳	۲۲	۴۳	۷	۲	۳	فراوانی	آموزش ورود اطلاعات اسناد در سایت برای مشارکت کاربران
		۲۸/۶	۵۵/۸	۹/۱	۲/۶	۳/۹	درصد	

ادامه جدول ۱۲

توزیع فراوانی گویه‌های مشارکت کاربران



جدول ۱۳

وضعیت و میانگین مؤلفه مشارکت
کاربران

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه مشارکت کاربران
مطلوب	۰/۴۹۸۷۳	۴/۰۱۶۰	

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیویست‌ها در بخش مؤلفه مشارکت کاربران با میانگین ۴/۰۱۶۰ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

مؤلفه پنجم: فرهنگ آرشیوی

مؤلفه فرهنگ آرشیوی در پرسش‌نامه پژوهش حاضر یک گویه را به خود اختصاص داده‌است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش این مؤلفه آمده‌است.

گویه	توزیع فراوانی	کامل مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کامل موافقم	میانگین	وضعیت
ترویج فرهنگ آرشیوی از طریق ایجاد نمایشگاه دائمی آرشیو و بازدید رایگان برای عموم مردم	فراوانی	۱	۲	۸	۴۱	۲۵	۴/۱۳	نسبتاً مطلوب
	درصد	۱/۳	۲/۶	۱۰/۴	۵۳/۲	۳۲/۵		

جدول ۱۴

توزیع فراوانی گویه فرهنگ آرشیوی

جدول ۱۵

وضعیت و میانگین مؤلفه فرهنگ
آرشیوی

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه فرهنگ آرشیوی
مطلوب	۰/۸۰۰۵۰	۴/۱۲۹۹	

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیویست‌ها در بخش مؤلفه فرهنگ آرشیوی با میانگین ۴/۱۲۹۹ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

مؤلفه ششم: فناوری

مؤلفه فناوری در پرسش‌نامه پژوهش حاضر ۶ گویه را به خود اختصاص داده‌است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش‌های این مؤلفه آمده‌است.



وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
مطلوب	۴/۱۰	۳۰	۳۲	۱۰	۳	۲	فراوانی	استفاده از فناوری‌های جدید از قبیل هوش مصنوعی و اینترنت اشیا در آرشیه‌های مشارکتی
		۳۹/۰	۴۱/۶	۱۳/۰	۳/۹	۲/۶	درصد	
مطلوب	۴/۲۱	۳۳	۳۲	۸	۳	۱	فراوانی	استفاده از نرم‌افزارهای کاربرپسند با قابلیت نصب بر روی تمام سیستم‌عامل‌ها بدون نیاز به نصب نرم‌افزار اضافی
		۴۲/۹	۴۱/۶	۱۰/۴	۳/۹	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۰۵	۲۸	۳۱	۱۲	۶	۰	فراوانی	استفاده از فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی و خدمات شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲ (فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، لینکدین، تلگرام، واتساپ و...) در آرشیه مشارکتی
		۳۶/۴	۴۰/۳	۱۵/۶	۷/۸	۰	درصد	
مطلوب	۳/۸۷	۲۰	۳۷	۱۱	۸	۱	فراوانی	استفاده از ویکی‌ها برای جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات توسط کاربران و همچنین اهداف تبلیغاتی
		۲۶/۰	۴۸/۱	۱۴/۳	۱۰/۴	۱/۳	درصد	
مطلوب	۳/۷۸	۱۵	۳۶	۲۱	۴	۱	فراوانی	استفاده از فوکسونومی (طبقه‌بندی مردمی یا عام) برای کشف محتوا در مجموعه‌های آرشیه
		۱۹/۵	۴۶/۸	۳۷/۳	۵/۲	۱/۳	درصد	
مطلوب	۴/۰۵	۲۵	۳۸	۹	۳	۲	فراوانی	استفاده از فناوری‌های تلفن همراه و نرم‌افزارهای آرشیه قابل نصب بر روی گوشی‌های تلفن همراه
		۳۲/۵	۴۹/۴	۱۱/۷	۳/۹	۲/۶	درصد	

جدول ۱۶

توزیع فراوانی گویه‌های فناوری

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه فناوری
مطلوب	۰/۷۱۲۴۳	۴/۰۱۰۸	

جدول ۱۷

وضعیت و میانگین مؤلفه فناوری

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیه‌یست‌ها در بخش مؤلفه فناوری با میانگین ۴/۰۱۰۸ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.



مؤلفه هفتم: دسترسی

مؤلفه دسترسی در پرسش نامه پژوهش حاضر ۲ گویه را به خود اختصاص داده است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش های این مؤلفه آمده است.

وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
مطلوب	۴/۳۴	۳۶	۳۵	۴	۰	۲	فراوانی	تعیین سطوح دسترسی پذیری و امنیتی برای کنترل جریان اطلاعات
		۴۶/۱	۴۵/۵	۵/۲	۰	۲/۶	درصد	
مطلوب	۴/۱۲	۲۶	۳۷	۱۱	۳	۰	فراوانی	رصد و ثبت تمام فعالیت های کاربران در سامانه آرشیو
		۳۳/۱	۴۸/۱	۱۴/۳	۳/۹	۰	درصد	

جدول ۱۸

توزیع فراوانی گویه های دسترسی

جدول ۱۹

وضعیت و میانگین مؤلفه دسترسی

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه دسترسی
مطلوب	۰/۶۷۱۵۳	۴/۲۲۷۳	

باتوجه به طیف بازرگان و یافته های جدول فوق می توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشیویست ها در بخش مؤلفه دسترسی با میانگین ۴/۲۲۷۳ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

مؤلفه هشتم: آرشیویست ها

مؤلفه آرشیویست ها در پرسش نامه پژوهش حاضر ۳ گویه را به خود اختصاص داده است که در ادامه میانگین، فراوانی و درصد فراوانی پاسخگویی به پرسش های این مؤلفه آمده است.

وضعیت	میانگین	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	توزیع فراوانی	گویه
مطلوب	۴/۴۱	۴۴	۲۷	۴	۲	۰	فراوانی	برگزاری کارگاه های آموزشی با موضوع آرشیو مشارکتی برای آرشیویست ها
		۵۷/۱	۳۵/۱	۵/۲	۲/۶	۰	درصد	

جدول ۲۰

توزیع فراوانی گویه های آرشیویست ها



گویه	توزیع فراوانی	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین	وضعیت
استفاده از نیروی متخصص آرشيو در مدیریت آرشيو مشارکتی	فراوانی	۰	۱	۲	۲۸	۴۶	۴/۵۳	مطلوب
	درصد	۰	۲/۶	۱/۳	۳۶/۴	۵۹/۷		
استفاده از آرشيويست‌های آنلاین در سایت برای راهنمایی کاربران	فراوانی	۲	۳	۷	۳۹	۲۶	۴/۰۹	مطلوب
	درصد	۲/۶	۳/۹	۹/۱	۵۰/۶	۳۳/۸		

ادامه جدول ۲۰

توزیع فراوانی گویه‌های آرشيويست‌ها

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه آرشيويست‌ها
مطلوب	۰/۵۹۲۸۰	۴/۳۶۳۶	

جدول ۲۱

وضعیت و میانگین مؤلفه آرشيويست‌ها

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشيويست‌ها در بخش مؤلفه آرشيويست‌ها با میانگین ۴/۳۶۳۶ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

وضعیت	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه‌های الگوی ایجاد آرشيو مشارکتی
مطلوب	۰/۶۷۳۰۴	۴/۱۹۲۴	

جدول ۲۲

وضعیت و میانگین مؤلفه‌های الگوی ایجاد آرشيو مشارکتی

باتوجه به طیف بازرگان و یافته‌های جدول فوق می‌توان ارزیابی کرد که میزان موافقت آرشيويست‌ها با مؤلفه‌های الگوی ایجاد آرشيو مشارکتی در مراکز آرشيو شهر تهران در هشت بخش با میانگین ۴/۱۹۲۴ در ارزیابی وضعیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب، مطلوب) در سطح مطلوب قرار دارد.

براساس یافته‌های فوق، پرسش زیر طرح و آزمون شد:
کدام اقدامات اهمیت بیشتری برای آرشيويست‌ها دارد؟
با استفاده از آزمون فریدمن، پرسش مطرح شده ارزیابی شد.



آمار توصیفی					
مؤلفه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
مدیریت آرشیوهای مشارکتی	۷۷	۴/۳۵۰۶	۰/۵۱۴۳۷	۲/۸۹	۵/۰۰۰
حفاظت و نگهداری	۷۷	۴/۲۸۹۶	۰/۸۱۳۶۳	۱/۰۰	۵/۰۰۰
مسائل حقوقی	۷۷	۴/۰۵۱۹	۰/۷۸۰۴۵	۱/۰۰	۵/۰۰۰
مشارکت کاربران	۷۷	۴/۰۱۶۰	۰/۴۹۸۷۳	۲/۶۲	۵/۰۰۰
فرهنگ آرشیوی	۷۷	۴/۱۳۹۹	۰/۸۰۰۵۰	۱/۰۰	۵/۰۰۰
فناوری	۷۷	۴/۰۱۰۸	۰/۷۱۲۴۳	۱/۸۳	۵/۰۰۰
دسترس	۷۷	۴/۲۲۷۳	۰/۶۷۱۵۳	۲/۰۰	۵/۰۰۰
آرشیوستها	۷۷	۴/۳۶۳۶	۰/۵۹۲۸۰	۱/۶۷	۵/۰۰۰

جدول ۲۳

بُعد میانگین و انحراف استاندارد متغیرها

در جدول فوق بعد میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌ها آمده‌است. دامنه میانگین از صفر الی پنج است. مقایسه میانگین نشان می‌دهد که بالاترین میانگین ۴/۳۸۹۶ متعلق به حفاظت و نگهداری و پایین‌ترین میانگین ۴/۰۱۰۸ متعلق به فناوری است.

آزمون فریدمن	
۷۷	نمونه آماری
۳۷۱/۷۵	Chi-Square) خی-دو مجذور
۷	df) درجه آزادی
۰/۰۰۰	Sig) سطح معنی‌داری

جدول ۲۴

نتایج آزمون فریدمن برای هشت مؤلفه

همان‌گونه که در جدول ۲۴ ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری در آزمون فریدمن معادل صفر است و این مقدار از ۰/۰۰۱ کمتر است؛ به‌همین دلیل آزمون فریدمن نشان داد که اهمیت و رتبه ویژگی‌های مطرح‌شده درباره ایجاد آرشیو مشارکتی با یکدیگر متفاوت است (Sig = 371/75, df=7, P>0/001 = مجذور خی دو) (کریمی، ۱۳۹۴).



بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که آرشیو مشارکتی پدیده‌ای جدید و نسل بعدی روش‌های آرشیو است که در آن فعالیت‌هایی برای اشتراک دانش و همکاری و تعامل با آرشیوها شکل می‌گیرد و باعث غنی‌سازی و توسعه آرشیوها می‌شود. یکی از نقاط قوت آرشیوهای مشارکتی این است که تجارب گوناگون و اسناد تاریخی از جنبه‌های مختلف به اشتراک گذاشته و نشان داده می‌شود. طبق یافته‌های مصاحبه، در دنیای امروز برای دسترسی به اطلاعات، در حال انتقال به سمت دیجیتال شدن و مشارکت در همه امور هستیم و متخصصان و استادان حوزه آرشیو در درجه اول، دسترسی آزاد و آنلاین عموم مردم به آرشیو و ترویج فرهنگ آرشیوی و افزایش سطح آگاهی مردم از آرشیو را برای این کار لازم و ضروری می‌دانند. استفاده از فناوری‌های وب ۲ به ویژه شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در انواع مشارکت کاربران و فعالیت‌هایی مانند شناسایی اسناد، برچسب‌زدن، اصلاح و رونویسی، زمینه‌سازی، و تکمیل مجموعه مفید است. با توجه به اشاره برخی از استادان و صاحب‌نظران در مصاحبه‌ها استفاده از فناوری‌های جدید مانند اینترنت اشیا و هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای جدید و کاربرپسند در آرشیو تأثیرگذار و سودبخش است. هم‌چنین بهره‌گیری از فناوری‌های وب ۲ برای همکاری و تعامل بین مراکز آرشیوی، ایجاد فهرستی مشترک، ایجاد مخزن دیجیتال، و حفاظت و نگهداری، از نکات مهم و بااهمیتی بود که روی آن تأکید شده است. در بحث مدیریت هم شفافیت در انجام امور برای اعتمادسازی و تعیین دقیق مسائل حقوقی و آموزش آرشیویست‌ها و آموزش کاربران برای مشارکت در آرشیو از جمله موارد مهم برای ایجاد آرشیو مشارکتی و مورد توجه متخصصان است.

در بخش دوم پس از تأیید داده‌های طراحی الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران با آزمون کرویّت بار تلت سطح آن معنی‌دار نشان داده شد. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که میزان موافقت آرشیویست‌ها با طراحی الگو برای ایجاد آرشیو مشارکتی در هشت بخش با میانگین ۴/۱۹۲۴ در سطح مطلوب قرار دارد و نشان‌دهنده این است که سطح رضایت آرشیویست‌ها از پیشنهاد الگویی برای ایجاد آرشیو مشارکتی مطلوب است.

در پایان وضعیت رتبه‌بندی متغیرهای آرشیو مشارکتی با استفاده از آزمون فریدمن نشان داد که بالاترین میانگین ۵/۶۵ به حفاظت و نگهداری اختصاص دارد و این بدین معناست که مهم‌ترین مؤلفه از نظر آرشیویست‌ها مؤلفه حفاظت و نگهداری است. بعد از مؤلفه فوق، مهم‌ترین مؤلفه‌های آرشیو مشارکتی به ترتیب عبارت‌اند از: آرشیویست‌ها؛ مدیریت آرشیو مشارکتی؛ دسترسی؛ فرهنگ آرشیوی؛ مسائل حقوقی؛ فناوری؛ مشارکت کاربران.



در ادامه الگوی زیر برای ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران پیشنهاد

می‌شود:

مؤلفه‌های اصلی	اقدامات لازم
مدیریت آرشیوهای مشارکتی	<p>تأمین زیرساخت‌های فنی و تجهیزات مورد نیاز برای شکل‌گیری آرشیو مشارکتی؛ جذب پشتیبان و حمایت مادی افراد خیر برای پیشبرد مقاصد آرشیو مشارکتی؛ ایجاد ساختار طبقه‌بندی محتوای اسناد الکترونیکی؛ تعیین قوانین نگهداری و تعیین تکلیف اسناد؛ تدوین خط‌مشی و تعیین هدف و دامنه فعالیت‌های آرشیو مشارکتی و داشتن چشم‌انداز کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛ مدیریت مشارکتی از طریق داشتن نماینده از سوی آرشیوهای مشارکت‌کننده در گروه مدیریتی؛ ایجاد سامانه مشترک بین مراکز آرشیوی از طریق شبکه برای تعامل و تبادل اطلاعات؛ استانداردسازی فعالیت‌ها و خدمات آرشیو مشارکتی و تعیین چهارچوب و قواعد حاکم در این زمینه؛ استفاده از تجربه سازمان‌های پیشرو دیگر کشورها در زمینه آرشیو مشارکتی.</p>
حفاظت و نگهداری	<p>ایجاد مخزن دیجیتال و تدوین استانداردهای حفاظت و نگهداری برای نگهداری از اسناد بارگذاری شده کاربران.</p>
مسائل حقوقی	<p>تعیین سیاست‌های حقوقی برای کاربران، برای صیانت از حقوق مالکیت مادی و معنوی دیگران؛ حق تعلیق، حذف یا ویرایش توسط مدیر آرشیو مشارکتی در صورت محتوای محرمانه یا ناپسند؛</p>
مشارکت کاربران	<p>ایجاد انجمن آرشیو مشارکتی برای جلب حمایت حامیان آرشیو؛ تبلیغات و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های گروهی، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی؛ برجسته‌سازی رویدادها و تحت وب قراردادن اسناد و فراخوان برای مشارکت کاربران؛ فراهم آوردن امکان اصلاح و رونویسی اسناد در سایت توسط کاربران؛ فراهم آوردن امکان تنظیم و توصیف اسناد در سایت توسط کاربران؛ فراهم آوردن امکان شناسایی منابع آرشیوی از قبیل اسناد، اشخاص، عکس‌ها، اماکن تاریخی، مناطق جغرافیایی توسط کاربران؛ غنی‌سازی محتوای آرشیو مشارکتی از طریق بیان خاطرات و داستان‌ها و تاریخ شفاهی توسط کاربران؛ غنی‌سازی محتوای آرشیو مشارکتی از طریق جمع‌سپاری و جلب مشارکت آرشیوهای خصوصی؛ ایجاد انگیزه برای مشارکت کاربران از طریق، جوایز نقدی و مادی، قدردانی، لوح سپاس؛ برگزاری مراسم بزرگداشت و تشویق کاربران فعال و نمونه؛ ایجاد اعتماد از طریق شفاف‌سازی و برطرف کردن ابهامات کاربران درباره آرشیو مشارکتی؛ به رسمیت شناختن و اطمینان‌دادن به کاربران درباره ارزشمندی مشارکت آن‌ها در آرشیو؛ آموزش ورود اطلاعات اسناد در سایت برای مشارکت کاربران؛</p>
فرهنگ آرشیوی	<p>ترویج فرهنگ آرشیوی از طریق ایجاد نمایشگاه دائمی آرشیو و بازدید رایگان برای عموم مردم.</p>

جدول ۲۵

الگوی پیشنهادی برای ایجاد آرشیو
مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران



مؤلفه‌های اصلی	اقدامات لازم
فناوری	استفاده از فناوری‌های جدید از قبیل هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء در آرشیوهای مشارکتی؛ استفاده از نرم‌افزارهای کاربرپسند با قابلیت نصب بر روی تمام سیستم‌عامل‌ها بدون نیاز به نصب نرم‌افزار اضافی؛ استفاده از فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی و خدمات شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲ (فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، لینکدین، تلگرام، واتساپ و...) در آرشیو مشارکتی؛ استفاده از ویکی‌ها برای جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات توسط کاربران و هم‌چنین اهداف تبلیغاتی؛ استفاده از فوکسونومی (طبقه‌بندی مردمی یا عام) برای کشف محتوا در مجموعه‌های آرشیو؛ استفاده از فناوری‌های تلفن همراه و نرم‌افزارهای آرشیوی قابل‌نصب بر روی گوشی‌های تلفن همراه.
دسترسی	تعیین سطوح دسترسی‌پذیری و امنیتی برای کنترل جریان اطلاعات؛ رصد و ثبت تمام فعالیت‌های کاربران در سامانه آرشیو؛
آرشیویست‌ها	برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوع آرشیو مشارکتی برای آرشیویست‌ها؛ استفاده از نیروی متخصص آرشیو در مدیریت آرشیو مشارکتی؛ استفاده از آرشیویست‌های آنلاین در سایت برای راهنمایی کاربران.

ادامه جدول ۲۵

الگوی پیشنهادی برای ایجاد آرشیو مشارکتی در مراکز آرشیوی شهر تهران

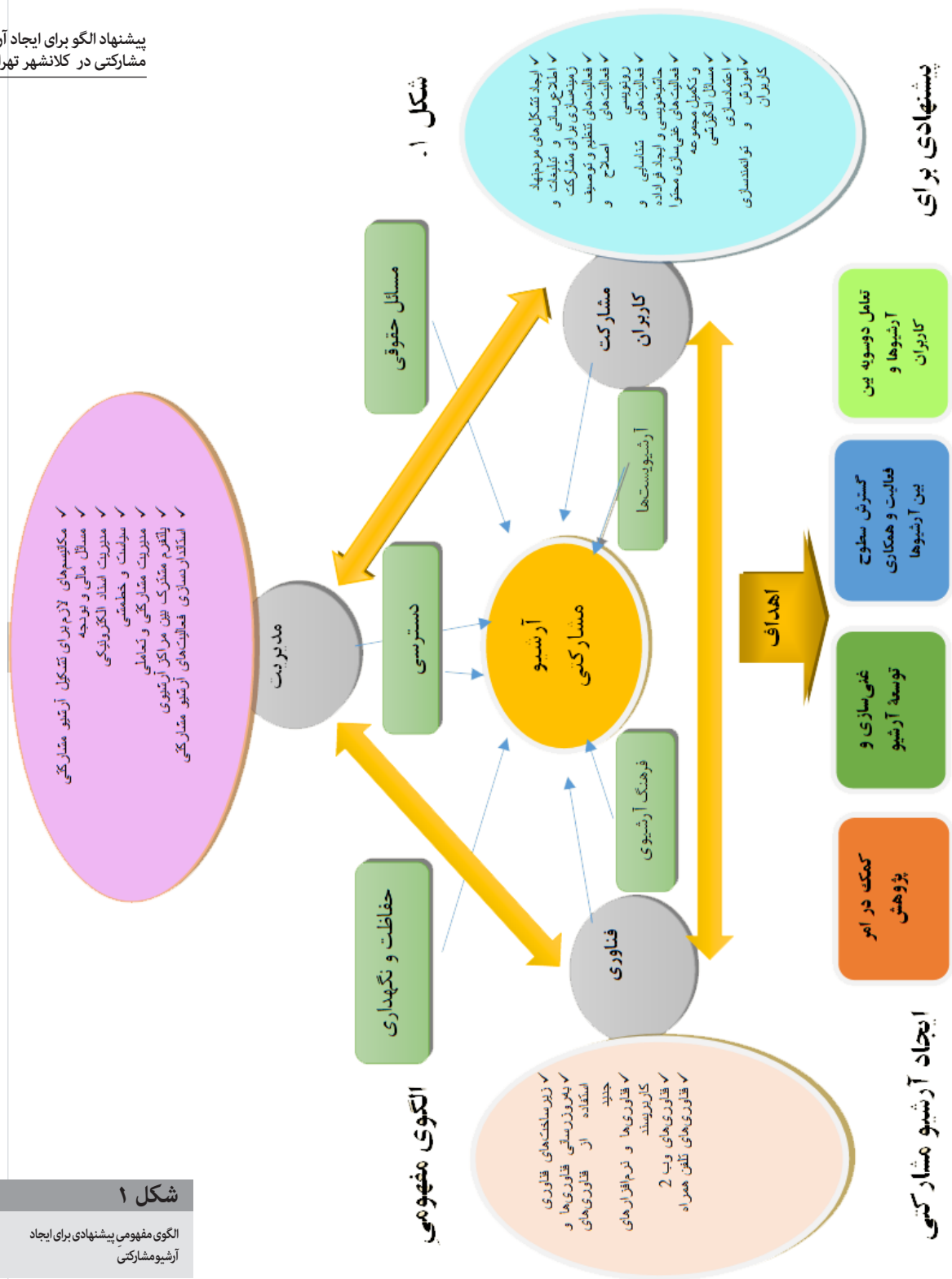
برای درک بهتر الگوی پیشنهادی‌ای که در بالا شرح داده شد، مدل مفهومی الگوی ایجاد آرشیو مشارکتی و ارتباط بین مؤلفه‌های آن در شکل ۱ نشان داده شده است. بین سه ضلع اصلی یعنی مدیریت، مشارکت کاربران و فناوری و پنج مؤلفه حفاظت و نگهداری، مسائل حقوقی، دسترسی، فرهنگ آرشیوی و آرشیویست‌ها که در بین آن‌ها وجود دارد ارتباط متقابل و دوطرفه وجود دارد که به شرح زیر است:

مدیریت و مشارکت کاربران: مدیریت برای مشارکت کاربران باید دسترسی آن‌ها را به آرشیو فراهم کند و تمامی مسائل حقوقی و سیاست‌های لازم را برای مشارکت‌کنندگان تعیین کند و مدنظر قرار دهد.

مدیریت و فناوری: مدیریت برای حفاظت و نگهداری طولانی‌مدت اسناد ملزم به استفاده از فناوری‌های جدید است.

مشارکت کاربران و فناوری: کاربران با استفاده از فناوری‌های وب ۲ و شبکه‌های اجتماعی و با کمک آرشیویست‌های برخط می‌توانند با آرشیوها تعامل داشته باشند و اسناد خود را بارگذاری کنند. آرشیوهای مشارکتی هم‌چنین برای ترویج فرهنگ آرشیوی به فناوری‌ها و رسانه‌های جدید نیاز دارند.





شکل ۱

الگوی مفهومی پیشنهادی برای ایجاد آرشیو مشارکتی

پیشنهادها

در راستای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و عرضه نتایج حاصل از آن در این فصل، آرشیو ملی ایران به عنوان یک سازمان آرشیوی مادر در کشور به دلیل امکانات و زیرساخت‌های فنی مناسب‌تر از سایر مراکز آرشیوی می‌تواند در اجرای این طرح بهترین عملکرد را داشته باشد.

۱. پیشنهادهای کاربردی زیر، باتوجه به اینکه از بطن تجزیه و تحلیل یافته‌ها درآمده است، در این راستا مفید خواهد بود:
 ۲. آرشیو ملی برای ایجاد آرشیو مشارکتی پیش‌قدم شود و برای برنامه‌ریزی مکتوب و تهیه خط‌مشی مدون اقدام کند.
 ۳. برای همکاری بین مراکز آرشیوی در پیشبرد اهداف آرشیو مشارکتی و ایجاد هم‌افزایی، سکوی (پلتفرم) مشترک ایجاد شود.
 ۴. آرشیو ملی، انجمن آرشیوهای مشارکتی را تشکیل دهد و جلسات منظم آن را برگزار کند و خروجی این جلسات را به صورت مکتوب و دقیق تهیه کند.
 ۵. برای امکان‌سنجی ایجاد آرشیو مشارکتی در آرشیو ملی حتماً اقدامات جدی انجام شود.
 ۶. باتوجه به نا آشنا بودن آرشیو مشارکتی در بین آرشیویست‌ها و کاربران، آرشیو ملی کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای آموزشی در این زمینه برگزار کند.
 ۷. مراکز آرشیوی برای بهبود وبسایت‌های خود برای استفاده از فناوری‌های مختلف وب ۲ برای اجرای آرشیو مشارکتی اقدامات جدی انجام دهند.

منبع

کتاب

- حجازی، یوسف؛ بازرگان، عباس؛ اسحاقی، فاخته. (۱۳۸۷). *راهنمای گام به گام ارزیابی درونی کیفیت در نظام دانشگاهی*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- سرممد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). *راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS*. تهران: هنگام.

مجموعه مقاله

اصنافی، امیررضا؛ پاکدامن، مریم؛ باواخانی، آناهیتا. (۱۳۸۸). «آرشیو ۲؛ رهیافتی نو در خدمت اطلاع‌رسانی و مدیریت اسناد الکترونیکی». چاپ‌شده در کتاب *مدیریت اسناد الکترونیکی: مجموعه مقاله‌های*



نخستین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه). (غلامرضا عزیزی، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

منابع لاتین

- Eveleigh, A. (2012). "Welcoming the world: An exploration of participatory archives". *International Council on Archives congress*.
- Huvila, Isto. (2008). "Participatory archive: towards decentralised curation, radical user orientation, and broader contextualisation of records management". *Archival Science*, 8(1), pp 15-36.
- Huvila, Isto. (2015). "The unbearable lightness of participating? Revisiting the discourses of "participation" in archival literature". *Journal of Documentation*, 71(2), pp 358-386.
- Liew, Chern Li; Oliver, Gillian; Watkins, Morgan. (2018). "Insight from social media use by memory institutions in New Zealand: Participatory vs curatorial culture". *Online Information Review*, 42(1), pp 93-106.
- Roeschley, Ana; Kim, Jeonghyun. (2019). "“Something that feels like a community”: the role of personal stories in building community-based participatory archives". *Archival Science*, 19(1), pp 27-49.
- Rydz, Michelle. (2010). "Participatory archiving: exploring a collaborative approach to aboriginal societal provenance". A Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies in partial fulfillment of the requirements of the degree of MASTER OF ARTS.
- Szekely, Ivan. (2017). "Do archives have a future in the digital age?". *Journal of Contemporary Archival Studies*, 4(2), p1.
- Theimer, K. (2010). "Building participatory archives". *ArchivesNext* (blog), available at: www.archivesnext.com/?p1536.
- Theimer, Kate. (2014). "The future of archives is participatory: Archives as platform, or a new mission for archives". Retrieved from *ArchivesNext*: <http://www.archivesnext.com>.



English Translation of References

Books

- Hejazi, Yousef; Bazargan, Abbas & Eshaghi, Fakhteh. (1387/2008). "*Rāhnamā-ye gām be gām-e arzyābi-ye daruni-ye kefiyat dar nezām-e dānešgāhi*" (Guide to quality internal evaluation in university system). Tehran: Danešgāh-e Tehrān, Mo'assese-ye Čāp va Entesārāt (University of Tehran Press). [Persian]
- Karimi, Ramin. (1394/2015). "*Rāhnamā-ye āsān-e tahlil-e āmāri bā es pi es es*" (The simple guide for statistical analysis with SPSS). Tehran: Hengām. [Persian]
- Sarmad, Zohreh; Bazargan, Abbas & Hejazi, Elaheh. (1393/2014). "*Raveš-hā-ye tahqiq dar 'olum-e raftāri*" (Research methods in behavioral sciences). Tehran: Āgah. [Persian]

Articles

- Asnafi, Amir Reza, Pakdaman, Maryam & Bavakhani, Anahita. (1388/2009). "Āršiv-e do; Rahyāfti no dar xedmat-e ettelā'-resāni va modiriat-e asnād-e elekteroniki" (Archive 2; A new approach to information and management of electronic documents). In Gholamreza Azizi (Ed.), "*Modiriat-e asnād-e elekteroniki: Majmu'e maqāle-hā-ye noxostin hamāyeš-e melli-ye āršivi: Āršiv barāye hameh*" (Electronic document management: Collection of articles of the first National Archive Conference: Archive for all). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). [Persian]
- Eveleigh, A. (2012). "Welcoming the world: An exploration of participatory archives". *International Council on Archives Congress*.
- Huvila, Isto. (2008). "Participatory archive: Towards decentralised curation, radical user orientation, and broader contextualisation of records management". *Archival Science*, 8(1), pp 15-36.
- Huvila, Isto. (2015). "The unbearable lightness of participating? Revisiting the discourses of "participation" in archival literature". *Journal of Documentation*, 71 (2), pp. 358-386.
- Liew, Chern Li; Oliver, Gillian & Watkins, Morgan. (2018). "Insight from social media



use by memory institutions in New Zealand: Participatory vs curatorial culture”.

Online Information Review, 42 (1), pp. 93-106.

Roeschley, Ana & Kim, Jeonghyun. (2019). “Something that feels like a community”:

The role of personal stories in building community-based participatory archives”.

Archival Science, 19 (1), pp. 27-49.

Szekely, Ivan. (2017). “Do archives have a future in the digital age?”. *Journal of Con-*

temporary Archival Studies, 4 (2), p. 1.

Dissertations

Rydz, Michelle. (2010). “*Participatory archiving: Exploring a collaborative approach to aboriginal societal provenance*”. A Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies in partial fulfillment of the requirements of the degree of MASTER OF ARTS.

Online sources

Theimer, K. (2010). “Building participatory archives”. Retrieved from ArchivesNext [blog]: www.archivesnext.com/?p1536.

Theimer, Kate. (2014). “The future of archives is participatory: Archives as platform, or a new mission for archives”. Retrieved from ArchivesNext: <http://www.archivesnext.com>.



Determining the components affecting the selection of images in video archives News of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization

Ghanbar Ahmadi¹ | Farideh Osareh² | Mohsen Hajzinoledini³

Abstract:

Purpose: To investigate the factors affecting the selection and retrieval of images in news networks for faster and more accurate retrieval of images in the News Archive of the Islamic Republic of Iran Broadcasting.

Methodology & Design Research: The research method is documentary and library research and data is collected and analyzed from archival and library sources.

Conclusion and Findings: In order to prevent pollution and information loss in retrieving news images, it is necessary that every video archive has a written policy. The image selection working group should be formed and images should be selected based on the criteria set in the policy. Important criteria for selecting news images are: user needs, content value, fundamental programming value, re-programming value, and historical value. As the updating and quick response is so important for news archives, periodic evaluation (at least once every two years) is needed and weeding, replacement, and updating should be carried out on a regular basis. Also, ongoing assessment of the needs and the views of the user group is a must.

Keywords:

Collectivization; Image selection; News networks; Images in Video News Archives; Optimal data recovery; Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization

Citation:

Ahmadi, G., Osareh, F., Haji zeinolabedini, M. (2020). Determining the components affecting the selection of images in video archives News of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 144-165. (In Persian)

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. PhD Student of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I. R. Iran, (Corresponding Author)
ahmadi196@chmail.ir

2. Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, I. R. Iran
osareh.f@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, Shahid Beheshti University, Tehran, I. R. Iran
zabedini@gmail.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2415

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 144 - 165 (20) | Received: 5, Oct. 2019 | Accepted: 19, Mar. 2020

Archival studies

تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

قنبر احمدی^۱ | فریده عصاره^۲ | محسن حاجی زین العابدینی^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

چکیده:

هدف: تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر انتخاب و بازیابی تصاویر در شبکه‌های خبری به منظور بازیابی سریع‌تر و دقیق‌تر تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. **روش / رویکرد پژوهش:** روش پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است و داده‌ها از منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: برای پیشگیری از آلودگی و از دست رفتن تصاویرهای خبری، آرشیو تصویری حتما باید خط‌مشی مدون داشته باشد و کارگروه‌گزینش تصاویر بر اساس همین خط‌مشی تشکیل شود و بر اساس معیارهای آن عمل کند. معیارهای مهم عبارتند از نیاز کاربران، ارزش محتوا، ارزش برنامه‌سازی بنیادی، ارزش برنامه‌سازی مجدد، و ارزش تاریخی. چون موضوع روزآمدی و پاسخگویی سریع آرشیوهای خبری بسیار اهمیت دارد، لازم است حداقل هر دو سال یکبار تصاویر گردآمده ارزیابی و در صورت نیاز و جین، جایگزین و روزآمد شود. نیاز سنجی و نظرسنجی مستمر از کاربران سامانه نیز بسیار اهمیت دارد.

کلیدواژه‌ها:

مجموعه‌سازی؛ انتخاب تصاویر؛ شبکه‌های خبری؛ آرشیوهای تصویری خبر؛ بازیابی بهینه اطلاعات؛ سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

استناد:

احمدی، قنبر، عصاره، فریده، حاجی‌زین‌العابدینی، محسن. (۱۳۹۹). تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. *گنجینه اسناد*، ۳۰(۱)، ۱۴۴-۱۶۵.

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، (نویسنده مسئول)
ahmadi196@chmail.ir
۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
osareh.f@gmail.com
۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
zabedini@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۵

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۱۴۴-۱۶۵ (۲۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۹

مطالعات آرشیوی

مقدمه و بیان موضوع

امروزه پیشرفت سریع فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی سبب استفاده روزافزون از منابع دیداری شده‌است و زندگی در عصر فرادیداری سبب شده‌است تا ابزارها و تجهیزات جدید حجم زیادی از اطلاعات و تصاویر را منتقل کنند (میلز^۱، ۲۰۱۱). به همین علت آرشیوهای تصویری^۲ خبر اهمیت بیشتری می‌یابند؛ بنابراین شیوه‌ها و فنونی مناسب نیاز است تا تصاویر ذخیره‌شده در آرشیوها در کمترین زمان ممکن بازیابی شوند.

انواعی متنوع از تصاویر در شبکه‌های خبری تولید و ذخیره می‌شود و همواره این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چگونه می‌توان تصاویر موردنیاز را در اسرع وقت به صورت مطلوب بازیابی کرد. گسترش حجم تصاویر، نیاز به راه‌های دستیابی مطلوب‌تر و کارآمدتر به آن‌ها را نیز افزایش داده‌است (کوالسکی و میبوری^۳، ۲۰۰۲).

باتوجه به پیشرفت دانش بشری و به‌وجود آمدن نسل جدیدی از رسانه‌ها، رقابت بین شبکه‌ها و اهمیت سرعت، دقت و صحت به‌عنوان شعار اصلی شبکه‌های خبری، و ضرورت اقناع مخاطب، بازنگری روش‌های مدیریت منابع اطلاعاتی و آرشیوی در شبکه‌های خبری ضرورتی انکارناپذیر است.

در جهان امروز اهمیت و جایگاه رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های خبری، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. رسانه‌ها چنان در تاروپود زندگی افراد رخنه کرده‌اند که زندگی بشر امروزی کاملاً به آن‌ها وابسته است. بسیاری از مردم با استفاده از رسانه‌ها با دنیای پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنند و به زندگی خود معنا می‌دهند.

در سال‌های اخیر به‌علت توسعه شبکه‌های خبری گوناگون و رقابت بین آن‌ها و توسعه فناوری‌های دیجیتال، انتشار تصاویر خبری رشدی بی‌سابقه یافته‌است. وایلم فلوسر^۴ (۲۰۰۰) این ایده را مطرح کرده‌است که رسانه‌های نوین سبب انقلاب تصویری شده‌اند و روند فزاینده تصاویر دیجیتال به تغییر رویکردهای رسانه‌ای تبدیل شده‌است. باتوجه به گوناگونی روزآمد تصاویر دریافتی از شبکه‌های مختلف خبری، انتخاب و ذخیره مطلوب تصاویر ضروری است تا بتوان در کمترین زمان ممکن تصاویر ذخیره‌شده را برای بازتولید دیگر برنامه‌ها و پوشش خبری بازیابی کرد.

امروزه به‌علت افزایش قدرت پردازش رایانه‌ها و دسترسی نامحدود به وسایل ذخیره‌سازی این امکان فراهم شده‌است که حجم زیادی از تصاویر براساس مفاهیم و واژگان نمایه‌سازی در پایگاه‌های اطلاعاتی ذخیره شوند و چون کاربران برای جست‌وجوی مفاهیم از واژگان خود استفاده می‌کنند، افراد متصدی ذخیره تصاویر خبری نیز بهتر است تا برای بازیابی بهتر این تصاویر، زبانی مشترک با کاربران داشته باشند.

1. Mills

۲. در تمامی منابع آموزشی مرکز آموزش سازمان صداوسیما برای مشاغل خبری و تلویزیونی از اصطلاح تصویر استفاده شده‌است؛ به همین علت در این پژوهش از اصطلاحات دیگر از جمله ویدئو و فیلم صرف‌نظر می‌شود. برخی از مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از: روزنامه‌نگاری برای تصویر، ده گام برای تولید یک گزارش خبری، تصویر در خبر، خلاقیت در تولید خبر تلویزیونی و دیگر منابع آموزشی که در پیوند زیر در دسترس است:

http://iriboffice.ir/tc/MO_GAL/f120

3. Kowalsky & Maybury

4. Vilém flusser



بازیابی تعداد زیادی تصویر از آرشیوهای تصویری خبر موضوعی چالش‌برانگیز است. اگر کاربر بداند که در پی چه نوعی از اطلاعات تصویری است - مثلاً عنوان یا پدیدآوری خاص - ممکن است موضوع مورد نیاز خود را بیابد؛ ولی مشکل اینجاست که همه تصاویر خبری داخلی و برخی تصاویر خبری خارجی، عنوان یا شناسنامه مشخصی ندارند. در رسانه‌هایی که برای مدخل‌های تصویری شناسنامه تهیه شده است (همانند شکل ۱)، بازیابی اطلاعات خبری سریع‌تر و دقیق‌تر انجام می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود برای دسترسی آسان‌تر به تصویر مدخل شکل ۱ دست‌کم ۸ نمایه تعریف شده است.



شکل ۱

شناسنامه مدخلی تصویری از خبرگزاری
آسوشیپرس

تصاویر را در آرشیوهای تصویری خبر مشکل کرده است. کاربر ممکن است در پی تصاویر مربوط به موضوع، دوره زمانی، سبک یا مفهومی خاصی باشد ولی نتواند تصاویر مدنظر خود را با این ویژگی‌ها بیابد؛ چون پیوندی مناسبی بین تصاویر ذخیره شده و متون پشتیبانی‌کننده شناسایی تصویر برقرار نشده است (رابرتس^۱، ۲۰۰۱).

باتوجه به چالش‌های ذکر شده، مهم‌ترین موضوع این پژوهش شناسایی و تحلیل مؤلفه‌هایی است که بر انتخاب و در پی آن بازیابی تصاویر در شبکه‌های خبری نقشی مهم دارند. به نظر می‌رسد که با شناسایی این مؤلفه‌ها و انتخاب درست تصاویر در مرحله ذخیره‌سازی می‌توان برنامه‌ریزی مناسبی برای بهینه‌سازی نظام‌های بازیابی تصاویر در شبکه‌های خبری - که عامل سرعت در آن‌ها خیلی مهم است - به وجود آورد.

1. Roberts

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت انتخاب تصاویر در شبکه‌های خبری، تحقیقات محدودی در این باره انجام شده است. پژوهش اصنافی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی قابلیت‌های یونی مارک و مارک ایران برای مدیریت منابع آرشیوی به منظور ارائه الگویی برای یک نرم‌افزار آرشیوی بهینه...» نشان داد که یونی مارک و مارک ایران پشتیبانی از مواد آرشیوی و پیروی از قوانین سلسله‌مراتبی حوزه آرشیو را در دستور کار خود قرار نداده‌اند و بیشتر توجه خود را به مواد کتابخانه‌ای معطوف داشته‌اند. قدیمی (۱۳۹۰) با «بررسی وضعیت نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی منابع دیداری-شنیداری و کارایی آن از دیدگاه کاربران» به این نتیجه رسید که آشنایی بیش از نیمی از نمایه‌سازان و چکیده‌نویسان با اصول نمایه‌سازی در حد مطلوب و بیشتر از اصول چکیده‌نویسی است. پژوهش احمدی زاویه، رضایی شریف‌آبادی و زارعی (۱۳۹۲) نشان داد که از دید کاربران میزان کارایی فیله‌های موضوعی در حد متوسط است و تلاش‌هایی باید در این زمینه انجام شود تا این فیله‌ها یکپارچه و روزآمد شوند و ارتقا یابند. پژوهش زارعی و خداداد شهری (۱۳۹۳) نشان داد که عواملی مثل کمبود اعتبارات مالی و نیروی انسانی متخصص و کارآمد، تدوین‌نشدن راهبردهای مشخص، حجم بسیار زیاد منابع، و نبود زیرساخت‌های تجهیزاتی و فناورانه سبب شده است تا موانعی در مسیر رقمی‌سازی آرشیوها ایجاد شود. وفایی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میزان آشنایی آرشیویست‌ها با قواعد توصیف و دسترسی به منبع (آر.دی.ای.) پایین‌تر از حد متوسط است. پژوهش بهارلو (۱۳۹۵) بهره‌گیری از استانداردهای نوین را گامی مهم برای ایجاد دسترسی جهانی به آرشیو دانست. پژوهش عصاره، توکلی زاده، بیگدلی و قضاوی (۱۳۹۷) نشان داد که بین فیله‌های کلیدواژه عنوان و کلیدواژه نویسندگان شباهت زیادی وجود دارد. کیم و جین^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با «بررسی استخراج اطلاعات متنی از تصاویر» به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات متن به دلیل تفاوت در اندازه، سبک، جهت‌گیری و تراز، و همچنین وضوح رنگ‌ها و تضاد درون تصویر و پس‌زمینه‌های پیچیده، مشکل بسیار زیادی را برای انتخاب و استخراج خودکار متن ایجاد می‌کند. وادیول، سورال و ماجومدر^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «بازیابی تصویر از وب با استفاده از ویژگی‌ها» به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج بازیابی تصاویر با استفاده از پیشنهاد نویسندگان دقت بیشتری دارد و روش الحاقی پیشنهادی آن‌ها در مقایسه با فنون بازیابی مفهوم‌محور و محتوامحور نتایج بهتری دارد. دنگ^۳ و دیگران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «نمایه‌سازی معنایی سلسله‌مراتبی برای بازیابی تصاویر در مجموعه‌های بزرگ» به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از روابط سلسله‌مراتبی دقت بازیابی تصاویر را به صورت چشمگیری افزایش می‌دهد. پژوهش بوت و مشرام^۴ (۲۰۱۴) با عنوان

1. kim & Jain.
2. Vadivel, Sural & Majumdar
3. Deng
4. Bhute & Meshram



بررسی اجمالی روش‌های مبتنی بر متن برای انتخاب، نمایه‌سازی و بازیابی تصاویر نشان داد که طراحی یک نظام استخراج متن هنوز با مشکلاتی روبه‌روست و استخراج متن از تصاویر پیچیده است. پژوهش پنگ، جو، وانگ، فنگ^۱ (۲۰۱۶) نشان داد که برای افزایش کیفیت بازیابی تصاویر، الگویی ترکیبی برای استفاده از داده‌های متنی و تصویری لازم است و تجربیات نشان داده‌است که الگوی ترکیبی، کیفیت بازیابی تصاویر را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. فرانگانیلو^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تصاویر خبری را دارای ارزش پایدار دانسته و بر حفظ آن‌ها تأکید کرده‌است. نتایج این پژوهش نشان داد که حدود ۷۰ درصد از تصاویر ذخیره‌شده راکد هرگز دوباره دیده نشده‌اند؛ بنابراین انتخاب درست تصاویر می‌تواند در استفاده مجدد از آن‌ها تأثیرگذار باشد. پژوهش رینگل و وودال^۳ (۲۰۱۹) نیز نشان داد که بیشتر رسانه‌های خبری هیچ استراتژی‌ای برای انتخاب، حفظ و اشاعه تصاویر ندارند و هیچ آرشیوی به‌درستی نتوانسته‌است رکوردی جامع از آنچه را که تولید می‌کند، ذخیره کند. نتایج پژوهش ادواردز^۴ (۲۰۱۹) نشان داد که برای شناسایی و اولویت‌بندی انتخاب و ذخیره تصاویر در آرشیوها ایجاد استراتژی ضروری است.

گزینش تصاویر و شیوه دستیابی به آن‌ها بخشی مهم از استراتژی و برنامه گردش کار آرشیوها در شبکه‌های خبری است؛ بنابراین ذخیره دائمی تصاویر در آرشیوها در درجه نخست به سازمان مادر و الزامات قانونی آن بستگی دارد. روزانه انواع بسیار زیادی از تصاویر در آرشیوهای خبری دریافت می‌شوند که تکراری‌اند؛ بنابراین آرشیوها باید سازوکاری در اختیار داشته باشند تا بتوانند به‌صورت خودکار تصاویر تکراری را حذف کنند. بخش‌های دریافت، ادغام و ذخیره، فرایندهای جزئیات مربوط به مکان و ذخیره داده‌های آرشیو شده را نشان می‌دهند و میزان دستیابی و سطح خدمات را برای تصاویر مشخص می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که در صورت نیاز به تصاویر در زمان‌بندی مشخص می‌توان به آن‌ها دست یافت. مدیریت داده‌ها نیز به فرایند انتخاب، دسترسی به منابع آرشیوی و مراحل ذخیره‌سازی تصاویر و سازوکارهای امنیتی برای اطمینان از حفاظت از منابع آرشیوی اختصاص دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است و داده‌ها از منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای گردآوری و تحلیل شده‌اند.

1. Peng, Zhou, Wang & Fang
2. Franganillo
3. Ringel & Woodall
4. Edwards

انتخاب تصاویر نخستین گام در آرشیوهای تصویری خبر

سالانه میلیون‌ها تصاویر دیجیتال ثبت و نشر می‌شود؛ این حجم از تصاویر سرسام‌آور



است. باین‌حال، به‌دلیل فناوری ارزان‌قیمت ذخیره‌تصاویر، موضوع اصلی در دنیای دیجیتال امروز، ذخیره‌تصاویر نیست؛ بلکه مدیریت، انتخاب درست، بازیابی و دسترسی به این اطلاعات است. بنابراین با توجه به هزینه زیاد دریافت و گردآوری تصاویر خبری، انتخاب نامناسب آن‌ها موجب به‌هدر رفتن سرمایه‌های مادی و انسانی می‌شود؛ بدین‌منظور نظام‌مند کردن این روند برای اشاعه سریع، دقیق و جامع امری ضروری است تا بتوان از نظر زمانی، نیروی انسانی، هزینه و... صرفه‌جویی کرد و خروجی مناسبی را برای مخاطب عرضه کرد. انتخاب تصویر از مهم‌ترین وظایف آرشیوهای تصویری خبر محسوب می‌شود. در واقع کیفیت بسیاری از خدمات آرشیوهای تصویری خبر به انتخاب درست و صحیح تصاویر بستگی دارد. از عمده‌ترین دلایل حساسیت و اهمیت موضوع انتخاب تصاویر در فرایند مجموعه‌سازی آرشیوها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. با انتخاب درست تصاویر، عرضه خدمات مناسب به استفاده‌کنندگان تضمین می‌شود.

۲. در زمینه‌های گوناگون، تصاویر گوناگونی دریافت می‌شود که امکان ذخیره همه آن‌ها در آرشیوها وجود ندارد.

۳. بودجه آرشیوها به قدری محدود است که نه تنها توان آرشیو کردن تمامی تصاویر دریافتی وجود ندارد، بلکه سازمان‌دهی و حفاظت و نگهداری از تصاویر نیز مشکل‌آفرین است.

۴. برای انتخاب و تدوین تصاویر در آرشیو شبکه‌های خبری به تجهیزاتی از جمله دستگاه کامل تدوین و مونتاژ تصاویر نیاز است که هزینه‌بر است.

با توجه به دلایل ذکر شده، آرشیوهای تصویری خبر ناچارند تا از میان انبوه تصاویر دریافت شده، مناسب‌ترین آن‌ها را مطابق با معیارهای مدنظر از جمله نیاز کاربران، ارزش برنامه‌سازی مجدد یا ارزش تاریخی تصاویر انتخاب کنند تا بتوانند از امکانات محدود به بهترین نحو ممکن استفاده کنند. از یک سو آرشیویست‌ها به دنبال آن‌اند تا دریابند که چگونه با انتخاب بهترین قسمت تصاویر می‌توانند گام‌های مثبتی را در این زمینه بردارند و از سوی دیگر، شبکه‌های خبری با داشتن کاربران و مخاطبان خاص خود بر آن‌اند تا دریابند که چگونه می‌توانند با انتخاب و استفاده از بهترین تصاویر، به بیشترین کارایی در سازمان دست یابند؛ نکته‌ای که در علم اقتصاد از آن به‌عنوان «هزینه-کارایی» یاد می‌شود (تفاضل بین هزینه و میزان دسترسی به اهداف). با وجود این چه هدف «هزینه-منفعت» باشد و چه «هزینه-کارایی» باشد، در آرشیوهای تصویری خبر انتخاب تصاویر مناسب از عمده‌ترین روش‌های چاره‌اندیشی برای دسترسی به اهداف سازمانی است.



در هر نظام بازبایی اطلاعات گزینش موادی که باید ذخیره شوند مهم‌ترین کارکرد آن نظام است. هدف نظام هرچه که باشد، اگر محتوای موضوعی لازم را برای برآوردن نیازهای مراجعان مدنظر نداشته باشد، به‌حداکثر رساندن عملیات دیگر کارکردها، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند عملکرد نظام را بهبود بخشد.

بنابراین اهمیت انتخاب درست تصاویر در شبکه‌های خبری را به‌سختی می‌توان نادیده گرفت. با مشخص شدن اهمیت روزافزون ماهیت تصاویر، توجه به خط‌مشی انتخاب تصاویر نیز به همین میزان اهمیت دارد. خط‌مشی انتخاب تصاویر عبارت است از هر قانون، قاعده، مقررات یا عملیاتی (مکتوب یا غیرمکتوب) که خلق، فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، اشاعه یا ارزیابی تصاویر را تحت تأثیر قرار دهد (برگر، ۱۹۹۳). شکل ۲ تصاویر یک صفحه از ۴ صفحه تصاویر دریافتی درباره نفت‌کش توقیف‌شده انگلیسی در تنگه هرمز در یک روز است. از این دست کم هشتاد تصویر دریافتی، مهم‌ترین آن‌ها باید انتخاب و ذخیره‌سازی شود.

1. Burger

شکل ۲

یک صفحه از ۴ صفحه تصویر دریافتی درباره نفت‌کش توقیف‌شده انگلیسی در تنگه هرمز (۱۳۹۸/۰۴/۲۹)



چارچوب علمی‌گزینش تصاویر

گزینش، فرایند فکری شناسایی مواد مناسب و مفید از میان انبوه مواد موجود است و بر معیارهای مدون و یا ضمنی مبتنی است و معمولاً آن را کارکنان حرفه‌ای انجام می‌دهند. اجزاء تشکیل دهنده گزینش تصاویر به‌طور کلی عبارت‌اند از:

الف. «خط‌مشی» گزینش و انتخاب تصاویر: خط‌مشی سندی رسمی است و شامل مبانی فکری مستدل گزینش است. در خط‌مشی انواع مواد و پیشینه‌هایی که باید و نباید انتخاب شوند، همراه با دلایل چنین تصمیم‌هایی می‌آیند.

ب. «فرایند گزینش و انتخاب تصاویر»: شامل پیاده‌سازی عملی سیاست گزینش با استفاده از منابع انسانی و اطلاعاتی برای شناسایی و داوری مواد بالقوه مفید است.

ج. «بازخورد»: سازوکاری در نظام گزینش برای بهینه‌سازی کارایی فرایند انتخاب تصاویر است. هدف از آن به‌طور مستمر نظارت و بالابردن سطح مجموعه است تا انتظارات کاربران برآورده شود و نیازهای آن‌ها پاسخ داده شود. استفاده از نظرات دیگران بر مبنایی یک‌دست و مستمر می‌تواند سازوکاری مؤثر باشد و سودمندی و ربط تصاویر را به حداکثر برساند. پژوهش پیمایشی درباره کاربران و بررسی‌های کاربری روش‌هایی است که به کمک آن می‌توان اطلاعات بازخوردی ارزشمندی را برای انتخاب تصاویر مناسب به‌دست آورد (پائو، ۱۳۷۹).

د. «بازفون اطلاعات در آرشیوهای تصویری خبر»: فرایند دومرحله‌ای تحلیل محتوا و گزینش اصطلاح به بازنمون اطلاعات مشهور است؛ به عبارت دیگر به جنبه‌هایی از بازیابی اطلاعات، بازنمون اطلاعات می‌گویند که در آن تصاویر انتخاب‌شده با مجموعه‌ای از برچسب‌ها یا جایگزین‌هایی نظیر فهرست‌برداشت‌ها، چکیده‌ها یا اصطلاح‌های نمایه‌ای بازنموده می‌شود.

فهرست‌برداشت‌های (شات‌لیست‌های) تصاویر، بازنمون کوتاه و دقیق محتوای تصاویر است که ترجیحاً بر مبنای برداشت کلی، تجربه ذهنی، و دانش بازیاب‌کننده استخراج می‌شود. هدف اصلی فهرست‌برداشت‌ها یافتن عنوان یا موضوع اصلی تصویر برای شناسایی و ذخیره آن است. فشردگی و گویایی، دو مفهوم کلیدی در شات‌لیست‌کردن تصاویر است که بازیاب‌کننده تصویر به شیوه‌ای روشن، موجز، و دقیق آن‌ها را استخراج و ثبت می‌کند. شات‌لیست‌ها علاوه بر آگاهی‌رسانی جاری و پرهیز از تلاش مکرر، از موازی‌کاری نیز جلوگیری می‌کنند. هدف‌های نظام گزینش و انتخاب تصاویر باید راهنمای فرایند شناسایی و تهیه بهترین و مناسب‌ترین تصاویر در دسترس باشد.

بنابراین سیاست انتخاب و گزینش تصاویر شرحی ابتکاری و تلاشی هدفدار است؛

1. Policy Statement

2. Shot List



یعنی بیان اصولی است که تصمیم‌های مربوط به انتخاب تصاویر باید براساس آن گرفته شود. ازسوی دیگر، این سیاست درعمل در معرض تغییر و تفسیر افراد قرار دارد؛ بنابراین فرایند گزینش و انتخاب تصاویر روندی مبهم است. کیفیت و ارزش عواملی است که به‌شکلی ذهنی و انتزاعی معین می‌شود. حتی دو نفر با درجه دقت مشابه در کار داور، نمی‌توانند انتخاب تصاویر را به‌طور یکدست انجام دهند؛ پس خبرگی موضوعی عامل کمک‌کننده مفیدی در انتخاب تصاویر است. آشنایی با اصطلاحات خاص یک زمینه نیز می‌تواند مفید واقع شود و افرادی که دارای اطلاعات موضوعی‌اند، در شناسایی تصاویر مناسب ثابت‌قدم‌ترند.

سیاست‌های انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر

انتخاب تصاویر عبارت است از فرایندها و مسئولیت‌هایی که طی آن مجموعه آرشیو براساس طرح و خط‌مشی معین تهیه می‌شود و با انجام‌دادن روندها و فرایندها این مجموعه به‌صورتی پویا، کارآمد و روزآمد حفظ و نگهداری می‌شود تا امکان دستیابی کاربران به آن فراهم شود. هرچند در ابتدا ممکن است این فرایند به‌صورتی ساده تعبیر شود، ولی با تغییر و تحولات جدید چه از نظر توسعه فناوری، و چه از نظر جامعه‌شناسی و مشکلات اقتصادی، مجموعه‌سازی فرایندی پیچیده و چندبعدی شده‌است که به شناخت چندجانبه نیاز دارد (علوم، ۱۳۷۶).

برای انتخاب تصاویر، هر آرشیوی باید دارای هدفی ازپیش‌تعیین‌شده باشد. با توجه به محدودیت‌های شدید مالی که امروزه گریبان‌گیر همه آرشیوهاست و نیز حجم زیاد تصاویر دریافتی که آرشیوکردن تمامی آن‌ها امکان‌پذیر نیست، لازم است تا آرشیوها براساس اولویت‌بندی‌ها و خط‌مشی‌ها و روش‌های ازپیش‌تعیین‌شده درصدد انتخاب تصاویر باشند. در واقع سیاست‌گذاری انتخاب تصاویر متضمن حداکثر استفاده از تصاویر انتخاب‌شده و محدود موجود و حداکثر منافع ممکن است. در حال حاضر معمولاً در آرشیوهای تصویری خبر، تصاویری که دارای دست‌کم یکی از ارزش‌های زیر باشند، آرشیو می‌شوند:

۱. تصاویری که ارزش برنامه‌سازی مجدد را داشته باشند؛ یعنی تصاویری باشند که در هر زمان بتوان روی آن‌ها نقد و بررسی انجام داد و برنامه‌ای جدید ساخت.
۲. تصاویری که ارزش تاریخی دارند. برای نمونه تمامی بیانات حضرت امام خمینی (ره)، علاوه بر ارزش برنامه‌سازی مجدد و پخش مجدد، در حال حاضر نیز دارای ارزش تاریخی است.
۳. تصاویری که ارزش پخش مجدد داشته باشند. روزانه تصاویر زیادی دریافت

می شوند که تصاویر خبر روزند و به اصطلاح تاریخ مصرف دارند و بعد از آن تاریخ دیگر ارزش پخش مجدد ندارند؛ مانند گزارش های مردمی و تحلیل های روز و... (احمدی، ۱۳۸۲).

عوامل مهم در انتخاب تصاویر عبارت اند از: ۱. اهمیت تصاویر؛ ۲. کیفیت تصاویر؛ ۳. شات تصاویر، مثلاً اگر تصویر مدنظر تصویر شخصیت است، تکشات (شات بسته) دارد یا خیر.

اگر تصاویر شخصیت های مختلف داخلی و خارجی به صورت تکشات یا شات بسته باشند، در بیشتر مواقع می توانند مجدداً استفاده شوند. تصویر شماره ۱ تکشات (شات بسته) ظریف، وزیر امور خارجه را نشان می دهد.



تصویر ۱

تکشات (شات بسته) ظریف،
وزیر امور خارجه

در دیدارهای مقامات مختلف، دوشات تصاویر (تصویری که هر دو شخصیت در آن وجود داشته باشند) نیز ضروری است. تصویر شماره ۲ دوشات ایستاده وزیر امور خارجه کره شمالی با ظریف و دوشات نشسته بشار اسد، رئیس جمهور سوریه با ظریف را نشان می دهد.



تصویر ۲

دوشات وزیر امور خارجه کره شمالی
و رئیس جمهور سوریه با ظریف



همه این نکات، در انتخاب تصاویر باید مدنظر باشد؛ چون از عوامل مهم انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبرند.

کارگروه انتخاب تصاویر

کارگروه انتخاب تصاویر متشکل از افرادی است که انتخاب تصاویر را با توجه به راهبردهای آرشیو و نیاز استفاده‌کنندگان برعهده دارند. دلایل اصلی تشکیل کارگروه انتخاب تصاویر عبارت‌اند از:

۱. انتخاب تصاویر نیازمند تخصص‌های گوناگونی است که در یک فرد وجود ندارد. برای نمونه برای ذخیره و بازیابی آسان تصاویر پزشکی، موقع انتخاب و شناسایی این نوع تصاویر به متخصص موضوعی نیاز است.

۲. مشورت در انتخاب تصاویر همواره به بهترین انتخاب ممکن منجر می‌شود.

۳. با توجه به محدودیت موجود در تهیه تصاویر و هزینه‌های زیاد، نمایندگان گروه‌های ذی‌نفع به علت داشتن تخصص ویژه و تسلط بر تصاویر، امکانات محدود را به اولویت بهتری اختصاص خواهند داد.

۴. از آنجاکه تصاویر شخصیت‌های مختلف داخلی و خارجی بیشترین تصاویر دریافت‌شده در شبکه‌های خبری را تشکیل می‌دهند و چون بیشتر تصاویر داخلی و برخی تصاویر خارجی دریافت‌شده بدون برچسب عنوان، موضوع و شناسنامه هستند و همه این شخصیت‌ها را یک فرد نمی‌شناسد، تهیه‌کنندگان خبری و تحریریه خبر نیز می‌توانند در شناسایی دقیق تصاویر نقشی مهم داشته باشند.

سازمان‌دهی تصاویر برای بازیابی

برای این‌که آرشیوهای تصویری خبر مفید واقع شوند، تصاویر باید با توجه به مفاهیم و واژگان نمایه‌سازی شوند. کسانی که متصدی پایگاه‌های تصاویر در آرشیوها هستند و کاربران این پایگاه‌ها باید با زبانی مشترک صحبت کنند (رابرتس^۱، ۲۰۰۱). زبان تصاویر به‌طور کامل قابل‌برگرداندن به واژه نیست (سونونیوس^۲، ۱۹۹۴). آنچه که بیان می‌شود نمی‌تواند گویای همان چیز باشد؛ بنابراین نمی‌تواند با واژگان نمایه‌سازی شود. این‌که چه تعداد واژه برای تشریح یک تصویر به‌کار رود اهمیت ندارد، چون اطلاعات دیداری به‌طور کامل کسب نمی‌شود (کالینز^۳، ۱۹۹۸). جاکوبز^۴ نیز بر این باور است که نمایه‌سازی تصاویر شامل چیزی بیش از موضوع صرف است. او به نکاتی از قبیل زاویه دوربین، زمانی از روز که در آن تصویر گرفته شده‌است، نوع فیلم، و قصد مخاطبان هم علاوه بر مکان و دیگر

1. Roberts
2. Svenonius
3. Collins
4. Jacobs

اطلاعاتی که به راحتی در تصویر مشخص نیستند توجه می‌کند (جاکوبز، ۱۹۹۹). برخی از مهم‌ترین چالش‌های بازیابی تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر عبارت‌اند از: نمایه‌سازی ناقص و به‌روزشده؛ بازیابی اطلاعات متناقض؛ پیوندهای مغرضانه و اطلاعات ناخواسته موتورهای جستجو؛ فقدان بهره‌برداری از بازخورد کاربر؛ نارسایی در تشخیص نیاز اطلاعاتی و وجود محتویات بی کیفیت و یا رتبه‌بندی نامتناسب به خصوص برای مرتب‌کردن آن با پرسش‌های کاربر.

از مهم‌ترین حوزه‌های نمایه‌سازی تصاویر که همواره با چالش‌هایی عمده مواجه بوده است، جست‌وجو و بازیابی تصاویر خبری است. کاربران هنگام جست‌وجوی تصاویر از طریق متنی (کلیدواژه‌ای) با چالش‌هایی مواجه‌اند؛ چون اصطلاحات جست‌وجو با زبان متنی همراه تصویر مطابق نیست (منارد^۱، ۲۰۰۹). در حال حاضر بیشتر نظام‌های بازیابی اطلاعات چندرسانه‌ای در آرشیوهای تصویری خبر برای بازیابی اطلاعات بر متن متکی‌اند؛ چون استخراج اطلاعات متنی از اطلاعات چندرسانه‌ای امکان‌پذیر است و نظام‌های موجود این کار را انجام می‌دهند؛ ولی چالش اصلی نظام‌های بازیابی اطلاعات چندرسانه‌ای توسعه روش‌ها و فنونی برای فهم خودکار محتوای متن است که هنوز پیشرفت چندانی نکرده است. منظور از فهم خودکار محتوا این است که رایانه با دریافت یک شات از تصاویر و تجزیه و تحلیل آن، به صورت خودکار تشخیص دهد که آنچه در این تصاویر وجود دارد یک اتومبیل یا یک گل سرخ است و اطلاعات را بر همین اساس بازیابی کند (جمالی مهمویی، ۱۳۸۹).

در چند سال اخیر، رویکردهای کاربرمحوری نظیر ایجاد نرم‌افزارهای اجتماعی تحت وب همراه با فولکسونومی^۲ (رده‌بندی مردمی) یکی از شیوه‌های سازمان‌دهی محسوب می‌شود که طی آن کاربران فرمت‌های مختلف اطلاعاتی اعم از متن، داده، صوت، و تصویر را در قالب کلیدواژه‌های معمولی - که در اصطلاح فولکسونومی به آن‌ها برچسب گفته می‌شود - برچسب‌گذاری می‌کنند. در چنین سیستم‌هایی کاربران به سازمان‌دهی دانش با روش شخصی خود و متناسب با نیازها و واژگان مدنظر خود ترغیب می‌شوند (مردانی، ۱۳۸۸). همان‌طور که گفته شد از آنجا که بیشتر تصاویر داخلی و برخی تصاویر خارجی عنوان و یا شناسنامه مشخصی ندارند، شاید فولکسونومی بتواند ابزاری بالقوه برای نمایه‌سازی و مدیریت تصاویر باشد (کوکبی و دیگران، ۱۳۹۲).

از طرف دیگر شبکه‌های خبری برای ماندگاری و تأثیرگذاری و شکوفاشدن، به دسترسی به تصاویر نیاز اساسی دارند. میزان فراهم کردن دسترسی آسان و کم‌هزینه به تصاویر می‌تواند تأثیری اساسی بر قابلیت‌های شبکه‌های خبری برای فعالیت مؤثر در محیط‌های رقابت ملی و بین‌المللی داشته باشد.

1. Menard

2. Folksonomy



تصاویر همچون اطلاعات ماهیتی «هرج و مرج طلب» دارد. تصاویر همچون اطلاعات نمی‌تواند خودش را سازمان‌دهی کند؛ بلکه به بی‌نظمی گرایش دارد. چنانچه تصاویر به‌شیوه‌ای خاص سازمان‌دهی نشود، سریعاً به «هرج و مرج» گرایش پیدا خواهد کرد. بنابراین هدف بنیادی آرشیوهای تصویری خبر فراهم‌آوری، انتخاب، نگهداری، سازمان‌دهی و اشاعه یا فراهم‌کردن دسترسی گسترده به تصاویر از قبل تولیدشده است. آرشیو را می‌توان فی‌نفسه به‌عنوان نوعی نظام بازیابی اطلاعات در نظر گرفت. محتوای این نظام یک پایگاه اطلاعاتی است که به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده است تا دسترسی اثربخش به محتوای آن امکان‌پذیر شود. جنبه مهم بازیابی اطلاعات و یکی از نکات مهم «نقاط دسترسی» است. نقاط دسترسی را کسانی ایجاد می‌کنند که نظام اطلاعاتی را طراحی کرده‌اند یا آن را دسترس‌پذیر می‌کنند. آرشیویست‌ها یا استفاده‌کنندگان از این نظام‌ها برای جایابی تصاویر یا منابع مدنظر از این نقاط دسترسی استفاده می‌کنند. هیچ سازمان‌دهی تصویری نخواهد توانست به‌طور کامل و رضایت‌بخش نیازهای تک‌تک جست‌وجوکنندگان را برآورده کند (مان، ۱۹۹۳)؛ باوجوداین، آرشیویست‌ها از طریق ابزار فکری‌شان، قواعدی اثربخش را برای انبوه وسیعی از تصاویر فراهم می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌علت زیادبودن اطلاعات و وجود جزئیات زیاد در منابع تصویری و ضرورت سرعت و دقت لازم در بازیابی تصاویر موردنیاز در آرشیوهای تصویری خبر، باید روش‌هایی مناسب برای انتخاب و ذخیره‌سازی منابع تصویری خبر به‌کار گرفته شود تا بتوان تصاویر مناسب را در زمان مناسب به استفاده‌کننده مناسب عرضه کرد. انتخاب تصاویر در آرشیوهای تصویری خبر کار آسانی نیست و باید با روش‌های روشن و آشکار و پیرو راهبردی معین انجام شود. نخستین رکن در آرشیوهای تصویری خبر، انتخاب تصاویر است؛ زیرا دیگر فعالیت‌های آرشیو به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پس از انتخاب تصاویر آغاز می‌شود. همان‌طور که در ایجاد هر مجموعه‌ای مرحله انتخاب و مجموعه‌سازی اصلی‌ترین مرحله است، در آرشیوهای تصویری خبر نیز این مرحله اهمیتی بسیار دارد. از این‌رو تصمیم‌گیری درست برای مجموعه‌سازی و به‌کارگیری فرایند انتخاب، واضح و روشن است. این موضوع که چه منابعی باید در اولویت قرار گیرند و تعیین معیارهایی به‌عنوان ضابطه نگهداری هر گروه از منابع و بسیاری نکات دیگر در تصمیم‌گیری ضروری است؛ بنابراین، تعیین سیاست مناسب برای انتخاب تصاویر، مرحله‌ای ضروری در اجرای برنامه‌های گزینش تصاویر است.

I. Mann



وجود افرادی در آرشیوهای تصویری خبر لازم است که شناختی درست و جامع از فرایند انتخاب و هم‌چنین جامعه استفاده‌کنندگان و نیازهای آن‌ها داشته باشند؛ یعنی هم دارای تخصص آرشیوی باشند و هم در شناخت مخاطبان و نیازهای آن‌ها مهارت داشته باشند. ضروری است که کارگروهی از افراد کارشناس تشکیل شود تا بتوانند با هم‌فکری و با دلایل متقن تصاویر را انتخاب کنند. انتخاب کارگروه از این نظر اهمیت دارد که چون ممکن نیست همه تخصص‌ها در یک فرد جمع باشد، پس بهتر است که در انتخاب تصاویر از کارشناسان مختلف استفاده شود. مشاوره نه تنها امکان اشتباه را کاهش می‌دهد، بلکه از یکسوگیری و اعمال سلیقه‌های شخصی نیز جلوگیری می‌کند.

کارگروه انتخاب تصاویر با توجه به وضعیت و عملکرد آرشیوها باید به یک خط‌مشی یا آیین‌نامه حتی نانوشته پایبند باشد. تجربیات نشان می‌دهد که انتخاب تصاویر پاشنه‌آشیل آرشیوهای تصویری خبر است. تا امروز مشکل عمده آرشیوهای تصویری خبر بعد از نبود نیروی انسانی متخصص، به سیاست‌های انتخاب تصویر و تأمین منابع مربوط بوده است.

پیشنهاد‌های پژوهش

کمک‌گرفتن از افراد آشنا به زبان‌های خارجی در آرشیوهای تصویری خبر، برای تهیه فهرست‌برداشت (شات‌لیست) از تصاویر خارجی منطبق با استانداردهای کتابداری ضروری است. چون متن ترجمه‌شده در آرشیوهای تصویری خبر به‌منزله عنوان و موضوع تصویر انتخاب می‌شود، پس با نظر آرشیویست‌ها باید عنوانی مناسب انتخاب شود تا در موقع بازیابی تصاویر مشکلی پیش نیاید.

از آنجاکه انتخاب تصاویر خیلی مهم است و ذخیره تمامی تصاویر غیرممکن است باید کارگروه انتخاب تصاویر با همکاری افراد هیئت تحریریه خبر تشکیل شود تا بتوان تصاویر موردنیاز و مناسب را انتخاب و ذخیره کرد تا پس از ذخیره، هم بتوان در اسرع وقت به تصاویر موردنیاز دست یافت و هم در هزینه و نیروی انسانی صرفه‌جویی کرد.

ارتباط آرشیو باید از طریق شبکه اینترنت به تمامی رایانه‌های تحریریه خبر برقرار شود تا بتوان از تعامل عوامل خبر برای انتخاب و ذخیره تصاویر استفاده کرد. برای دستیابی آسان به تصاویر بدون محدودیت زمان و مکان، تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ای برای ذخیره‌سازی تصاویر با رعایت استانداردها ضروری است.

تشکیل کارگروه‌های تخصصی، بهره‌گیری از نظرات متخصصان، استفاده از تجارب موفق دیگر کشورها، داشتن رویکرد مدبرانه و انتخاب تصاویر براساس معیارهای علمی و استاندارد انتخاب، از مهم‌ترین نکاتی است که باید به آن توجه کرد تا بتوان به نمونه‌ای



قابل استفاده و عملیاتی از آرشیوهای تصویری در شبکه‌های خبری دسترسی داشت. در نهایت اینکه برای تسهیل انتقال تصاویر در آرشیوهای مختلف سازمان، باید خط‌مشی مدون وجود داشته باشد؛ داشتن برنامه راهبردی در این زمینه نیز حائز اهمیت است. فناوری ذخیره‌سازی تصاویر به سرعت در حال تکامل است و مدام روش‌هایی تازه‌تر عرضه می‌شود. بنابراین برای دسترسی طولانی‌مدت به آرشیوهای تصویری خبر باید برنامه‌ریزی اساسی شود و پس از استفاده آنی، برای استفاده‌های آتی هم باید با کمک آرشیویست‌ها، کتابداران، و دیگر متخصصان برای توسعه الگوها و روش‌های جدید تدابیری اندیشیده شود.

کریشناموتی (۲۰۰۳) سرعت، صحت و روزآمد بودن تصاویر را از مهم‌ترین عوامل در پاسخگویی مؤثر به نیازهای اطلاعاتی کاربران آرشیوها و مراکز اطلاعاتی می‌داند. روشن است که هر آرشیوی که بخواهد در دسترس قرار بگیرد، سرانجام باید مجموعه‌ای داشته باشد تا برای کاربرانش واقعاً مفید و قابل استفاده باشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود تا برای تبادل نظر با هدف تأثیر بازخورد نیازهای کاربران در انتخاب تصاویر، بستری مداوم تدارک دیده شود. برای این منظور به نکات زیر باید توجه داشت: ایجاد فرم تعاملی پیشنهاد ذخیره تصاویر دریافتی روزانه از طرف تهیه‌کنندگان خبری و دیگر عوامل تحریریه خبر؛ تقویت امکانات جست‌وجو در نرم‌افزار آرشیو و ... همه این موارد می‌تواند در انتخاب درست تصاویر و نزدیک کردن امکانات و خدمات موجود با نیازهای کاربران راهگشا باشد (مغرب و حیاتی، ۱۳۹۲).

منبع

کتاب

پائو، میراندا لی. (۱۳۷۹). *مفاهیم بازیابی اطلاعات*. (اسدالله آزاد و رحمت‌الله فتاحی، مترجمان). مشهد: دانشگاه فردوسی. صص ۱۴۲ - ۱۴۳.
علوم، طاهره. (۱۳۷۶). *اداره کتاب‌خانه*. تهران: سمت.

مقاله

احمدی، قنبر. (۱۳۸۲). «گزینش تصویر از آرشیو خبر». *نشریه افق*، ماهنامه تخصصی آموزش معاونت سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم و پنجم. صص ۱۰۰ - ۱۰۳.
احمدی زاویه، علی؛ رضایی شریف‌آبادی، سعید؛ زارعی، هاجر. (۱۳۹۲). «بررسی میزان کارایی قالب‌های فراداده‌ای مورداستفاده در آرشیو صدای جمهوری اسلامی ایران براساس نظرات کاربران سیستم».

- گنجینه اسناد، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۱۱۴-۱۲۵.
- بهارلو، فرزانه. (۱۳۹۵). «بررسی تحلیلی کارکردپذیری استاندارد تبادل داده توصیف آرشیو رمزگذاری شده (EAD) برای توصیف محتوایی منابع آرشیوی در آرشیو ملی ایران». فصلنامه آرشیو ملی، سال دوم، شماره دوم، (شماره ۶).
- جمالی مهمویی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). «مقدمه‌ای بر ذخیره و بازیابی اطلاعات؛ درس دوره کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی». (ویراست نخست). تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- زارعی، عیسی؛ خداداد شهری، نیره. (۱۳۹۳). «بررسی روند رقمی سازی منابع دیداری-شنیداری در آرشیوهای سازمان صداوسیما: موانع و راهکارها». گنجینه اسناد، سال ۲۴، شماره ۳، (پیاپی ۹۵)، صص ۱۱۰-۱۲۵.
- عصاره، فریده؛ توکلی‌زاده راوری، محمد؛ بیگدلی، زاهد؛ قضاوی، رقیه. (۱۳۹۷). «مطالعه میزان شباهت اصطلاحات عنوان، کلیدواژه‌های نویسنده و موضوعات کنترل‌شده برای تعیین فیلد مناسب در تحلیل‌های موضوعی علم‌سنجی». مدیریت اطلاعات سلامت، ۱۵(۵)، (پیاپی ۶۳)، صص ۲۲۰-۲۲۵.
- کوکبی، مرتضی؛ رحیمی، صالح؛ عصاره، فریده؛ نوروزی، علی‌رضا. (۱۳۹۲). «تأملاتی بر نمایه‌سازی تصاویر: یک تصویر ارزشی برابر هزار واژه». تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۹(۲)، صص ۲۵۷-۲۷۶.
- مغرب، مریم؛ حیاتی، زهیر. (۱۳۹۲). «اولویت‌های مجموعه‌سازی در کتابخانه دیجیتال از دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز». فصل‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۶(۳)، (پیاپی ۶۳)، صص ۱۹۹-۲۲۶.
- مردانی، امیرحسین. (۱۳۸۸). «فولکسونومی: آژان کاربران، برای کاربران». فصل‌نامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۰(۳)، صص ۲۳۹-۲۶۰.

پایان‌نامه

- اصنافی، امیررضا. (۱۳۹۰). «بررسی قابلیت‌های یونی مارک و مارک ایران برای مدیریت مواد آرشیوی به‌منظور ارائه الگویی برای یک نرم‌افزار آرشیوی بهینه با نگاهی به نرم‌افزارهای آرشیوی ایران». پایان‌نامه دکتری. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- قدیمی، مهدیه. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی منابع دیداری شنیداری در مراکز آرشیوی شهر تهران و کارایی آن از دیدگاه کاربران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- وفایی، رضوان. (۱۳۹۳). «مطالعه به‌کارگیری قواعد توصیف و دسترسی به منبع (آر. دی. ای.) در آرشیو صداوسیما جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تنکابن.



- Bhute A. N. and Meshram, B. B. (2014). "Text Based Approach For Indexing and Retrieval Of Image And Video: A Review". *Advances in Vision Computing: An International Journal* (AVC) Vol. 1, No. 1, March 2014.
- Burger, Robert. H. (1993). *Information Policy: A Framework for Evaluation & Policy Research*.
- Collins, Karen. (1998). "Providing Subject Access to Image: A Study of User Queries". *The American Archivist*, 61(1), PP 36-55.
- Deng, Jia; Berg, Alexander C; Li, Fei Fei. (2011). "Hierarchical semantic indexing for large scale image retrieval". in *Proceedings / CVPR, IEEE Computer Society Conference on Computer Vision and Pattern Recognition*. PP 785-792.
- Edwards, John. (2019). "In your data archive strategy, how long is long enough?". The Tech Target network. 13 Nov 2019: <https://searchdatabackup.techtarget.com/tip/In-your-data-archive-strategy-how-long-is-long-enough?src=5996842>
- Flusser, Vilém. (2000). *Towards a philosophy of photography*. European Photography Andreas Müller-Pohle.
- Franganillo, Jorge. (2018). *Reuse of news footage: practical, legal and ethical issues*. University of Barcelona.
- Jacobs, C. (1999). "If a picture is worth a thousand words, then ...". *The Indexer*, 21(3), PP 119-121.
- Kim, Kwang & Jain, Anil. (2004). "Text information extraction in images and video: A survey". *Pattern Recognition*, 37(5), PP 977-997.
- Kowalski, Gerald. J. & Maybury, Mark. T. (2002). *Information Storage and Retrieval Systems: Theory and Implementation*. (Second Edition). New York: Kluwer Academic publishers.
- Krishnamurthy, Sandeep. (2003). *E-commerce management: Text & Cases*. Mason, Ohio Thomson/South-Western.
- Mann, Thomas. (1993). *Library Research Models: A Guide to Classification, Cataloging & Computers*. New York: Oxford University Press.
- Menard, Elaine. (2009). "Images Retrieval: A Comparative Study on the Influence of

- Indexing Vocabularies". *Knowledge Organization*, 36(4), PP 200-213.
- Mills, R. (2011). "Bluff your way in image management". *Multimedia Information & Technology*, Vol. 37, Issue 1, p24-25. <http://connection.ebscohost.com/c/articles/58688741/bluff-your-way-image-management>.
- Peng, Yang; Zhou, Xiaofeng; Wang, Daisy Zhe; Fang, Chunsheng Victor. (2016). "Scalable image retrieval with multimodal fusion". *Proceedings of the Twenty-Ninth International Florida Artificial Intelligence Research Society Conference*.
- Ringel, Sharon & Woodall, Angela. (2019). "A Public Record at Risk: The Dire State of News Archiving in the Digital Age". *Columbia Journalism Review*.
- Roberts, Helene E. (2001). "A picture is worth a thousand words: Art indexing in electronic databases". *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 52(11), P6.
- Svenonius, Elaine. (1994). "Access to Nonbook Materials: The Limits of Subject Indexing for Visual and Aural Languages". *Journal of the American Society for Information Science*, 45(8), pp 600-606.
- Vadivel, A; Sural, Shamik; Majumdar, A.K. (2009). "Image retrieval from the web using multiple features". *Online Information Review*, Vol. 33 Issue: 6, pp 1169-1188.

English Translation of References

Books

- Oloumi, Tahereh. (1376/1997). "*Edāre-ye ketābxāneh*" (Library administration). Tehran: SAMT (Sāzmān-e Motālēe va Tadvin-e Kotob-e 'Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities). [Persian]
- Pao, Miranda Lee. (1379/2000). "*Mafāhim-e bāzyābi-ye ettelā'āt*" (Concepts of information retrieval) (pp. 142-143). Translated by Asadollah Azad & Rahmatollah Fathi. Mashhad: Dānešgāh-e Ferdowsi (Ferdowsi University of Mashhad). [Persian]



Articles

- Ahmadi, Ghanbar. (1382/2003). "Gozineš-e tasvir az āršiv-e xabar" (Image retrieval from news archive). *Našriye-ye Ofoq, Mahnāme-ye Taxassosi-ye Āmuzeš-e Mo'avenat-e Siāsi*, 4 (45), pp. 100-103. [Persian]
- Ahmadi Zavieh, Ali; Rezayi Sharifabadi, Saeed & Zareei, Hajar. (1392/2013). "Barresi-ye mizān-e kārāyi-ye qāleb-hā-ye farā-dāde-ee-ye morede estefādeh dar āršiv-e sedā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān bar asās-e nazarāt-e kārbrān-e sisten" (Efficacy of metadata formats used in the voice archives of the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) Organization). *Ganjine-ye Asnād*, 23 (4), pp. 114-125. [Persian]
- Baharlou, Farzaneh. (1395/2016). "Barresi-ye tahlili-ye kār kard-paziri-ye estāndārd-e tabādol-e dāde-ye towsif-e āršiv-e ramz-gozāri-šode (ee-ey-di) barāye towsif-e mohtvāyi-ye manābe'-e āršivi dar āršiv-e melli-ye Irān" (An analytical study of functionality of the exchange standard of Encoded Archival Description data for content description of archival sources in the National Archives of Iran). *Faslnāme-ye Āršiv-e Melli*, 2 (2), (Number 6). [Persian]
- Jamali Mahmoudi, Hamidreza. (1389/2010). "Moqaddame-ee bar zaxire va bāzyābi-ye ettelā'āt; dars-e dowre-ye kāršenāsi-ye aršad-e rešte-ye ketābdāri va ettalā'-resāni" (An introduction to information storage and retrieval) (1st ed.). tehran: *Dānešgāh-e Tarbiat Mo'allem* (Tarbiat Moallem University). [Persian]
- Kokabi, Morteza; Rahimi, Saleh; Osareh, Farideh & Nowrouzi, Alireza. (1392/2013). "Ta'ammolāti bar namāye-sāzi-ye tasāvir: Yek tasvir-e arzeši barābar-e hezār vāzeh" (Reflections on image indexing: A value-laden image worth a thousand words). *Tahqiqāt-e Ettelā'-Resāni va Ketābxāne-hā-ye 'Omumi* (Research on Information Science and Public Libraries, The Quarterly Journal of Iran Public Libraries Foundation), 19 (2), pp. 257-276. [Persian]
- Mardani, Amirhossein. (1388/2009). "Folksonomi: Az ān-e kārbarān, barāye kārbrān" (Folksonomy: By users, for users). *Faslnāme-ye Motāle'āt-e Meli-ye Ketābdāri va Sāzmāndehi-ye Ettelā'āt* (Journal of National Studies on Librarianship and Information Organization) (NASTINFO), 20 (3), pp. 239-260. [Persian]



- Mojarrab, Maryam & Hayati, Zoheir. (1392/2013). "Olaviat-hā-ye majmu'e-sāzi dar ketābxāne-ye dijital az didgāh-e a'zā-ye hey'at-e 'elmi va danešjuyān-e tahsilāt-e takmili-ye Dānešgāh-e Širāz" (Priorities of library acquisitions in digital library from the perspective of faculty members and graduate students of Shiraz University). *Faslnāme-ye Ketābdāri va Ettlā'-Resāni* (Journal of Library and Information Sciences) (LIS), 16 (3) (serial number: 63), pp. 199-226. [Persian]
- Osareh, Farideh; Tavakkolizade Ravari, Mohammad; Bigdeli, Zahed & Ghozavi, Roghayeh. (1397/2018). "Motālēe-ye mizān-e šebāhat-e estelāhāt-e 'onvān, kelid-vāže-hā-ye nevisandeh va mowzu'āt-e kontorol-šode barāye ta'yin-e fild-e monāseb dar tahlil-hā-ye mowzu'ee-ye 'elm-sanji" (Study of similarities of terms in title, author's keywords and controlled vocabulary for determining the appropriate field in scientometric thematic analysis). *Modiriat-e Ettlā'āt-e Salāmat* (Health Information Management Journal), 15 (5) (serial number: 63), pp. 220-225. [Persian]
- Zarei, Eisa & Khodadad Shahri, Nayereh. (1393/2014). "Barresi-ye ravand-e raqami-sāzi-ye manābe'-e didāri-šenidāri dar āršiv-hā-ye sāzmān-e sedā va simā: Māvāne' va rāhkār-hā" (Digitization of audio-visual materials at the Iranian Broadcasting (IRIB) centers: Barriers and strategies). *Ganjine-ye Asnād*, 24 (3) (serial number: 95), pp. 110-125. [Persian]

Dissertations

- Asnafi, Amir Reza. (1390/2011). "*Barresi-ye qābeliat-hā-ye yuni mārک va mark-e Irān barāye modiriat-e mavād-e āršivi barāye erā'e-ye olguyi barāye yek narm afzār-e āršivi-ye behineh bā negāhi be narm afzār-hā-ye āršivi-ye Irān*" (A survey on UNIMARC and IranMARC for archival materials management to present a prototype for standard archival software with a glance to Iranian Archival Software) [Doctoral dissertation]. 'Elm-e Ettlā'āt va Dāneš-šenāsi (Department of Library and Information Science), Dāneškade-ye Ravān-šenāsi va 'Olum-e Tarbiati (Faculty of Education and Psychology), Dānešgāh-e Šahid Čamrān-e Ahvāz

(Shahid Chamran University of Ahvaz). [Persian]

Ghadimi, Mahdiah. (1390/2011). "*Barresi-ye vazeyyat-e namāye-sāzi va čekide-nevisi-ye manābe'-e didāri šenidāri dar marākez-e āršivi-ye šahr-e Tehrān va kārāyi-ye ān az didgāh-e kārbarān*" (A review of the status of indexing audio-visual resources in archival centers of Tehran and its efficiency from the perspective of its users) [Masters' thesis]. Islamic Azad University Science and Research Branch, Department of Library and Information Science. [Persian]

Vafayi, Rezvan. (1393/2014). "*Motāle'e-ye be kārgiri-ye qavā'ed-e towsif va dastresi be manba' (ār. di. ey) dar āršiv-e sedā va simā-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (A Study of the application of the principles of Resource Description and Access (RDE) in the archives of Islamic Republic of Iran Broadcasting) [Masters' thesis]. Islamic Azad University: Tonekābon Branch. [Persian]



Social Media Record Management in World Top Universities: Proposing a Framework for Iranian Universities

Sara Soltani¹ | Saeed Rezaei Sharifabadi² | Amir Ghaebi³

Abstract:

Purpose: This paper has carefully examined the ways social media contents are managed in high ranking universities around the world, in order to propose an appropriate model for Iranian universities.

Methods and Research Design: Data about social media records management policy of seven universities was collected by reviewing the websites of 100 top world universities from the Times 2020 list and categorized using Maxqda software. The categories, then were put in a checklist and circulated among 13 members of a Delphi panel consisting of academics with rich experience in the area of social media records management. We calculated the average of the answers given by the panel members to the both rounds and compared them. Friedman Test was carried out to determine rankings of the components in the proposed model.

Findings and Conclusion: Target components, scope and records availability are present in all policies. Also in the first round of Delphi 80% and in the second 60% of the components had a mean above 9. Only the cookies component had a mean below 8. Regarding the rankings of the components, according to experts in the Friedman test, security, had the highest rating. Again, the use of cookies had the lowest rating. All the components examined were regarded to be significant the experts, however, the degree of significance assigned was not the same. The policy pattern was proposed, contained two groups of mandatory and optional components. We also added a few recommendations for the application of our model.

Keywords:

Records Management, Social Media, Universities, Iran.

Citation:

Soltany, S., Rezaei Sharifabadi, S., Ghaebi, A. (2020). Social Media Record Management in World Top Universities: Proposing a Framework for Iranian Universities. *Ganjine-ye Asnad*, 30(1), 166-183. (In Persian)

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

1. MA Student of Archival Studies, Alzahra University, Tehran, I.R. Iran, (Corresponding Author)
sarasoltany72@gmail.com

2. Professor, Department of Information Science, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran
srezaei@alzahra.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Information Science, Alzahra University, Tehran, I. R. Iran
Ghaebi@alzahra.ac.ir

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«117»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2416

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 1, Spring 2020 | pp: 166 - 183 (18) | Received: 3, Jan. 2020 | Accepted: 13, Mar. 2020

Archival studies

مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های برتر جهان: پیشنهاد چارچوب برای دانشگاه‌های ایران

سارا سلطانی^۱ | سعید رضائی شریف‌آبادی^۲ | امیر غائبی^۳

چکیده:

هدف: عرضه الگویی برای مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های ایران براساس مطالعه وضعیت مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های برتر جهان.

روش/ رویکرد پژوهش: نخست با بررسی صفحات مرتبط با رسانه‌های اجتماعی در ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان براساس نظام رتبه‌بندی آموزش عالی تایمز ۲۰۲۰ هفت خط‌مشی یافتیم. مؤلفه‌های هفت خط‌مشی را استخراج و در یک سیاهه واری و محتوای آنها را با استفاده از نرم‌افزار مکس.کیو.دی.ای تحلیل و با کدگذاری آزاد مقوله‌بندی کردیم. سیاهه واری را با استفاده از تکنیک دلفی در میان پنبلی متشکل از ۱۳ عضو هیئت علمی با سوابق پژوهشی در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی و اسناد الکترونیکی و رسانه‌های اجتماعی به چرخش درآوردیم. میانگین داده‌های حاصل از دور دوم پرسش‌نامه محاسبه و نتایج حاصل از دو پرسش‌نامه با یکدیگر مقایسه شد. برای تعیین رتبه مؤلفه‌ها در الگوی پیشنهادی از آزمون فریدمن استفاده گردید.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: مؤلفه‌های هدف، دامنه و دسترس‌پذیری اسناد در همه خط‌مشی‌ها وجود دارد. در دور اول دلفی ۸۰ درصد و در دوم آن ۶۰ درصد از مؤلفه‌ها میانگین بیشتر از ۹ داشتند و تنها مؤلفه استفاده از کوکی‌ها میانگین زیر ۸ داشت. در رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از نظر متخصصان، مؤلفه رعایت استانداردهای امنیتی بالاترین رتبه و استفاده از کوکی‌ها پایین‌ترین رتبه را داشت. از این رو، از نظر متخصصان همه مؤلفه‌ها به درجات مختلف مهم‌اند. الگوی خط‌مشی پیشنهادی شامل بیست مؤلفه در دو گروه مؤلفه‌های اجباری با نوزده مؤلفه و مؤلفه‌های اختیاری با یک مؤلفه عرضه شد.

کلیدواژه‌ها:

مدیریت اسناد؛ رسانه‌های اجتماعی؛ دانشگاه‌های جهان؛ دانشگاه‌های ایران.

استناد:

سلطانی، سارا، رضائی شریف‌آبادی، سعید، غائبی، امیر. (۱۳۹۹). مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های برتر جهان: پیشنهاد چارچوب برای دانشگاه‌های ایران. *گنجینه اسناد*، ۳۰(۱)، ۱۶۶-۱۸۳.



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات
آرشیوی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،
(نویسنده مسئول).

sarasoltany72@gmail.com

۲. استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی،
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

srezaei@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی،
دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Ghaebi@alzahra.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۷»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۱۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۱، بهار ۱۳۹۹ | صص: ۱۶۶-۱۸۳ (۱۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳

مطالعات آرشیوی

مقدمه و بیان موضوع

امروزه باتوجه به تحول ابزارهای ارتباطی و در نتیجه تغییر و تحول در سیر ارتباطات، رسانه‌های اجتماعی نقشی مهم در جوامع ایفا می‌کنند. این رسانه‌ها به دلیل ویژگی‌هایی که دارند، در محافل علمی و غیرعلمی از محبوبیت زیادی برای ارتباط و تعامل، و به اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات برخوردارند.

مرکز ملی فضای مجازی ایران (۱۳۹۶) رسانه‌های اجتماعی را مجموعه‌ای از خدمات کاربرمحور معرفی می‌کند. شبکه‌های اجتماعی نوعی از این خدمات است که انواع ارتباطات کاربرمحور مانند متن، عکس و ویدئو بر بستر آن شکل می‌گیرد.

واریبی^۱ (۲۰۱۵) اشاره می‌کند که شمار کاربران رسانه‌های اجتماعی مانند تلگرام^۲، اینستاگرام^۳ و... به سرعت در حال افزایش است. اکثر افراد و سازمان‌ها با استفاده از این ابزارها، افکار و اطلاعات خود را درباره رویدادها اشاعه می‌دهند (نقل در اصنافی، ۱۳۹۵). اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در این رسانه‌ها از لحاظ علمی و پژوهشی و تاریخی اهمیت دارند. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند ابزاری بسیار مهم و مفید برای برقراری ارتباطات و تبادل اطلاعات و ترویج اخبار و فعالیت‌های سازمان‌ها باشند.

سازمان‌ها از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار اخبار و قراردادن تصاویر و ویدئو از سازمان یا موجودی مجموعه خود بهره می‌گیرند. علاوه بر این به نظرات، ویدئوها یا تصاویر منتشر شده در پاسخ به پست‌ها هم می‌توان به منزله نوعی سابقه و سند نگاه کرد (علی‌پور، ۱۳۹۴). یکی از جوانب کاربرد رسانه‌های اجتماعی در سازمان‌ها جنبه سندی است (خداداد شهری، ۱۳۹۴). اسناد رسانه‌های اجتماعی سازمان‌ها نشان‌دهنده فعالیت‌های سازمان‌هاست و دسترسی به آن‌ها و مدیریتشان، برای بررسی‌های تاریخی و پژوهشی ضروری است. حفاظت از محتوای موجود در رسانه‌های اجتماعی و دسترس‌پذیر ساختن آن‌ها، باتوجه به ماهیت پویا و البته ناپایدار آن‌ها اهمیتی به‌سزا دارد. امروزه محمل‌های اطلاعاتی الکترونیکی و رسانه‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد؛ ولی باین حال درصد اندکی از تعاملات دیجیتال برای استفاده در آینده نگهداری و آرشیو می‌شوند. سازمان‌های آرشیوی باید برای مدیریت محتوای اطلاعات و حفاظت از آن‌ها اقدام کنند؛ وگرنه حفظ این منابع مشکل خواهد بود (ماسر^۴، ۲۰۱۶).

دانشگاه یکی از مهم‌ترین مراکز علمی در جهان است که علاوه بر مأموریت‌های علمی، نقش و کارکرد مؤثر اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی هم دارد. این نهاد بزرگ اجتماعی و فرهنگی جامعه را -به‌ویژه در عرصه علم و فناوری- برای تسلط بر رویدادهای آینده توانمند و مهیا می‌کند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴).

1. Nichloas Worby
2. Telegram
3. Instagram
4. Linda Musser



آرشیوهای دانشگاهی در شمار آرشیوهای سازمانی قرار می‌گیرند. آرشیوهای دانشگاهی به‌عنوان حافظه سازمانی دانشگاه‌ها به عرضه خدمات می‌پردازند و در مدیریت منابع اطلاعاتی در تمامی رسانه‌ها و شکل‌ها، نقشی یکپارچه ایفا می‌کنند. اسناد این آرشیوها بیانگر روند تکامل دانشگاه‌ها و نحوه تصمیم‌گیری در آنهاست (انجمن آرشیویست‌های آمریکا، ۱۹۹۹). اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌ها نیز به‌عنوان بخشی از سوابق تشکیل‌دهنده حافظه سازمانی آنها دارای اهمیت و ارزش است.

پیشینه پژوهش: یکی از پژوهش‌هایی که در زمینه موضوع مقاله حاضر انجام شده است مقاله خداداد شهری، غائبی و کربلاآقایی کامران (۱۳۹۶) است. این پژوهش با عنوان «مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی: تحلیل محتوای دستنامه‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی آرشیوهای ملی جهان» بیان می‌کند که از میان ۳۳ کشوری که از وب‌سایت آرشیو ملی آنان دستنامه گردآوری شده است، تنها ۶ کشور دستنامه مخصوص مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی تدوین کرده‌اند. مقدمه، تعاریف، دامنه، اهداف، خط‌مشی، مسئولیت‌ها، و توصیه‌ها هفت جزئی‌اند که بیشترین حضور را در دستنامه‌های مورد بررسی داشته‌اند.

اصنافی (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر آرشیوسازی رسانه‌های اجتماعی» با روش مطالعه کتابخانه‌ای متون آرشیوسازی رسانه‌های اجتماعی را بررسی کرده و به معرفی برخی از نرم‌افزارهای ویژه آرشیوسازی محتوا پرداخته است و در نتیجه‌گیری آورده است که آرشیوسازی این منابع یکی از مشکلات امروزه است و داشتن برنامه راهبردی در این زمینه اهمیت دارد. در واقع می‌توان از این منابع به‌شکل آنی استفاده کرد و برای استفاده‌های آتی نیز باید تدبیری اندیشید. خداداد شهری (۱۳۹۴ب) هم در پایان‌نامه خود با عنوان «میزان بهره‌گیری وب‌سایت‌های آرشیوهای ملی جهان از قابلیت‌های ابزارهای رسانه‌های اجتماعی و چگونگی مدیریت اسناد این رسانه‌ها و ارائه الگوی پیشنهادی برای معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» که با روش آمیخته انجام شده است، اشاره می‌کند که هر سازمانی برای دستیابی به برنامه موفق مدیریت اسناد الکترونیکی به ایجاد فراساختارهای پایدار مدیریت اسناد نیاز دارد که این موضوع شامل تدوین خط‌مشی‌هایی برای مدیریت اسناد و اطلاعات در اشکال الکترونیکی و کاغذی است. از طرفی فوندرن و مک‌کین (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آرشیوسازی و حفاظت از رسانه‌های اجتماعی در کتابخانه کنگره: چالش‌های سازمانی و فرهنگی آرشیوسازی تویتر» بیان می‌کنند که امروزه به پژوهش‌هایی نیاز است تا راه‌هایی جدید را برای مدیریت و دسترسی به محتوای رسانه‌های اجتماعی سازمان‌ها بیابند.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که وضعیت مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی

در دانشگاه‌های جهان مشخص نیست و پژوهشی هم درباره مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی در ایران انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر به مطالعه وضعیت مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های برتر جهان پرداخته است و در نهایت پیشنهادهایی را در زمینه مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی به دانشگاه‌های ایران عرضه کرده است.

روش پژوهش

صفحه‌های رسانه‌های اجتماعی ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان براساس نظام رتبه‌بندی آموزش عالی تایمز^۱ ۲۰۲۰ بررسی و خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه یافته شد. سپس مؤلفه‌های خط‌مشی‌ها شناسایی و استخراج شد (جدول ۱):

ردیف	مؤلفه	عنوان لاتین	تعریف
۱	هدف	Goal/Purpose	بیان مقصود دانشگاه از گردآوری اسناد و مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی
۲	دامنه	Scope	ذکر محدوده اسناد مورد حفظ و نگهداری شامل انواع اسناد و انواع رسانه‌های اجتماعی دانشگاه
۳	گردآوری اخلاقی	Ethical collecting	گردآوری اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه براساس شرایط و قوانین اخلاقی تعریف شده توسط دانشگاه
۴	رعایت استانداردهای مدیریت اسناد	Records management standards	استفاده از استانداردهای تعیین شده برای دریافت، نگهداری، انتقال و امحای اسناد
۵	رعایت استانداردهای امنیتی	Security standards	رعایت قواعد امنیتی مانند حفظ استانداردهای امنیتی رایانه‌ها
۶	قواعد و تعهدات	Rules and obligations	توجه به مجوزها و قواعد در مدیریت اسناد و دسترس‌پذیر ساختن آن‌ها و رعایت محرمانگی اطلاعات مندرج در اسناد رسانه‌های اجتماعی به‌هنگام ضبط و استفاده از آن‌ها
۷	تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها	Inform members of staff to run the policy directives	مطلع کردن کارکنان سازمان از الزاماتشان برای حفظ اسناد رسانه‌های اجتماعی

1. Times Higher Education

جدول ۱

مؤلفه‌های موجود در خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه برتر جهان



ردیف	مؤلفه	عنوان لاتین	تعریف
۸	استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن	Use of secure account and platform	استفاده از حساب‌های کاربری و پلتفرم‌های رسمی و مورد تأیید دانشگاه توسط کارکنان به‌هنگام ارسال و یا دریافت پیام
۹	آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی	Social media records management training	اهمیت آموزش نحوه صحیح مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی به کارکنان و به‌روزرسانی این آموزش همگام با تغییر انواع رسانه‌های اجتماعی
۱۰	حفظ اسناد به‌محض دریافت و ایجاد	Capturing the records as close to point of creation or receive	اسناد رسانه‌های اجتماعی به‌دلیل ماهیتشان باید به‌محض دریافت یا ایجاد توسط دانشگاه حفظ شوند.
۱۱	وضوح ارتباط پیام با سازمان	Clarity of message relation with the organization	کارکنان به‌هنگام ارسال و یا دریافت پیام باید به‌وضوح مشخص کنند که از طرف سازمان اجازه انتشار پیام رسانه اجتماعی را دارند.
۱۲	ویژگی اسناد	Records trait	اسناد رسانه‌های اجتماعی باید دارای ساختار، محتوا، زمینه و فراداده‌های مرتبط باشند.
۱۳	ارزشیابی	Appraisal	اسناد موجود در دفاتر اسناد نباید بدون دریافت مجوز از نگهدارنده سند امحا شوند. همه بخش‌ها نیز موظف‌اند که فرایند امحا را به‌صورت کامل بگذرانند و اسناد رسانه‌های اجتماعی را تا مدت‌زمان معین نزد خود نگهداری کنند. هم‌چنین این فرایند، ارزیابی محتوای اسناد را نیز دربر می‌گیرد.
۱۴	نرم‌افزارهای مدیریت اسناد	Record management softwares	نرم‌افزارهایی که در سطوح ملی و بین‌المللی خدماتی را در زمینه مدیریت اسناد به سازمان‌ها عرضه می‌کنند.
۱۵	دسترسی‌پذیری اسناد	Records availability/ accessibility	رویکرد دسترسی به اسناد مانند دسترسی‌پذیری باز و رایگان یا محدود (بر اساس قوانین تعریف‌شده، تنها افرادی خاص اجازه دسترسی و استفاده از اسناد رسانه‌های اجتماعی را خواهند داشت)
۱۶	حق نسخه‌برداری	Copyright	مجوز و قراردادهای استفاده از اسناد و دانلودکردن آن‌ها
۱۷	استفاده از کوکی‌ها	Use of cookies	بسته‌ای از اطلاعات که وب‌سایت‌ها در قالب فایل‌های متنی روی کامپیوتر کاربر ذخیره می‌کنند. کوکی‌ها در برخی از موارد مشکل نقض حریم خصوصی را نیز به‌دنبال دارند. در اینجا منظور، استفاده از کوکی‌ها برای ردیابی استفاده افراد از رسانه‌های اجتماعی و اسناد آن‌هاست.

ادامه جدول ۱

مؤلفه‌های موجود در خط‌مشی
مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷
دانشگاه برتر جهان



ردیف	مؤلفه	عنوان لاتین	تعریف
۱۸	حق مالکیت معنوی	Intellectual property law	رعایت حقوق معنوی اشخاص حقیقی و حقوقی در دسترس پذیر ساختن اسناد، حذف اطلاعات مغایر با این حقوق و نیز پیگیری حقوق نقض شده
۱۹	چالش‌های حفاظت و نگهداری	Conservation and preservation challenges	ذکر مشکلاتی که در مسیر مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی وجود دارد؛ مانند ناتوانی در ضبط همه محتوای رسانه‌های اجتماعی، سرعت تغییر فناوری و جایگزین شدن آن
۲۰	ضبط اسناد در اشکال مختلف رسانه به عنوان نسخه پشتیبان	Backing up records in an alternate formats	الزام در تهیه نسخه پشتیبان از اسناد در شکل‌های مختلف رسانه به صورت دسترس پذیر و قابل بازیابی

ادامه جدول ۱

مؤلفه‌های موجود در خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه برتر جهان

سپس مؤلفه‌ها به سیاهه واری تبدیل شد و سپس تحلیل گردید و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل محتوا کدگذاری و مقوله‌بندی و به روش دلفی در میان پنلی ۱۳ نفره از متخصصان به چرخش درآمد:

- عضو هیئت علمی یا غیرهیئت علمی با سوابق پژوهشی در زمینه مدیریت اسناد الکترونیکی؛
- دارای تخصص و تجربه علمی و عملی در زمینه اسناد الکترونیکی و رسانه‌های اجتماعی.

تعداد نهایی اعضای این پانل ۱۳ نفر بود و پرسش‌نامه‌ها در دو دور در میان آن‌ها توزیع شد. پرسش‌نامه با توجه به نتایج گرفته شده از سیاهه واری و نیز مؤلفه‌های به دست آمده در تحلیل محتوای خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه برتر جهان طراحی شد. هم‌چنین داده‌های حاصل از آن با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس تحلیل شدند. تحلیل خط‌مشی‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار مکس.کیو.دی.ای انجام شد. سپس میانگین داده‌های حاصل از دور دوم پرسش‌نامه محاسبه شد و نتایج حاصل از دو پرسش‌نامه با یکدیگر مقایسه شد. در ادامه نیز برای تعیین رتبه مؤلفه‌ها برای حضور در الگوی پیشنهادی، از آزمون فریدمن استفاده شد.



یافته‌های پژوهش

پرسش اول: وضعیت خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه برتر جهان چگونه است؟

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی که مطابق با سیاهه و آرسی و به کمک نرم‌افزار ایجاد و مقوله‌بندی شده است، در جدول ۲ براساس حضور هریک از مقوله‌ها در خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی آمده است.

مقوله	نام دانشگاه						
	ایلینویز	پنسیلوانیا	دوک	مریلند	ملبورن	میشیگان	هایدلبرگ
هدف	*	*	*	*	*	*	*
دامنه	*	*	*	*	*	*	*
رعایت استانداردهای مدیریت اسناد	-	-	-	-	*	-	-
تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها	-	-	-	-	*	-	-
استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن	*	-	-	-	*	*	-
آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی	-	-	-	-	*	-	-
حفظ اسناد به محض دریافت و یا ایجاد	-	-	-	-	*	-	-
ویژگی اسناد	*	-	-	-	*	-	-
وضوح ارتباط پیام با سازمان	-	-	-	-	*	-	-
نرم‌افزارهای مدیریت اسناد	*	*	*	*	-	*	-
قواعد و تعهدات	*	-	*	-	*	-	-

جدول ۲

حضور مقوله‌ها در خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی



نام دانشگاه							مقوله
هایدلبرگ	میشیگان	ملبورن	مریلند	دوک	پنسیلوانیا	ایلینویز	
*	*	*	*	*	*	*	دسترس پذیری اسناد
-	*	*	*	*	-	*	ارزشیابی
-	-	-	-	-	-	*	رعایت استانداردهای امنیتی
-	-	-	-	-	-	*	حق نسخه برداری
-	-	-	-	-	-	*	استفاده از کوکی‌ها
-	-	-	-	*	-	-	گردآوری اخلاقی
-	-	-	-	-	-	*	حق مالکیت معنوی
*	*	-	*	*	-	-	چالش‌های حفاظت و نگهداری
-	-	*	-	-	-	-	ضبط اسناد در اشکال مختلف رسانه به عنوان نسخه پشتیبان

ادامه جدول ۲

حضور مقوله‌ها در خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی

طبق جدول ۲ خط‌مشی دانشگاه ملبورن با ۱۳ مؤلفه و خط‌مشی دانشگاه ایلینویز با ۱۲ مؤلفه بیشترین مؤلفه‌ها را دارند؛ به نظر می‌رسد که این مطلب نشان‌دهنده نگاه تخصصی به مدیریت اسناد و اهمیت این فرایند برای این دو دانشگاه است. مؤلفه‌های هدف، دامنه و دسترس‌پذیری اسناد به‌عنوان مؤلفه‌های مهم در تمامی خط‌مشی‌های بررسی شده حضور دارند.

پرسش دوم: مؤلفه‌های اصلی در الگوی پیشنهادی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های ایران از نظر متخصصان داخل کشور کدام‌اند؟

در مرحله دوم پرسش‌نامه، برای جمع‌بندی و نیز مقایسه نتایج، میانگین اهمیت مؤلفه‌ها در دور اول و دوم محاسبه شده و در جدول ۳ آمده است.



ردیف	مؤلفه	میانگین دور اول	انحراف معیار دور اول	میلگین دور دوم	انحراف معیار دور دوم
۱	هدف	۹/۲۰	۱/۲۹	۹/۰۹	۱/۵۳
۲	دامنه	۹/۰۸	۰/۰۹	۹	۱/۱۹۳
۳	رعایت استانداردهای مدیریت اسناد	۹/۴۶	۰/۷۷۶	۹/۲۵	۰/۸۶۶
۴	تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها	۹/۳۱	۰/۸۵۵	۹	۱/۰۴
۵	استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن	۸/۹۲	۰/۸۶۲	۸/۷۵	۰/۶۲۲
۶	آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی	۹/۲۳	۰/۸۳۲	۸/۹۲	۰/۶۶۹
۷	حفظ اسناد به محض دریافت و یا ایجاد	۹/۳۱	۰/۶۳	۹	۰/۹۵۳
۸	ویژگی اسناد	۹/۱۵	۰/۸۹۹	۸/۹۲	۰/۷۹۳
۹	وضوح ارتباط پیام با سازمان	۹/۰۸	۱/۱۱۵	۹	۰/۷۳۹
۱۰	نرم افزارهای مدیریت اسناد	۹/۳۸	۰/۶۵	۸/۹۲	۰/۹۹۶
۱۱	قواعد و تعهدات	۹/۳۱	۰/۸۵۵	۹/۳۳	۰/۶۵۱
۱۲	دسترس پذیری اسناد	۹/۱۵	۰/۹۸۷	۸/۹۲	۱/۰۸۴
۱۳	ارزشیابی	۹/۳۱	۰/۷۵۱	۹/۱۷	۰/۷۱۸
۱۴	رعایت استانداردهای امنیتی	۹/۲۵	۰/۷۵۴	۹/۴۲	۰/۷۹۳
۱۵	حق نسخه برداری (دانلود کردن)	۸/۷۷	۱/۰۱۳	۸/۷۳	۰/۹۰۵
۱۶	استفاده از کوکی‌ها	۸	۱/۹۱۵	۷/۶۶	۱/۳۷
۱۷	گردآوری اخلاقی	۸/۶۹	۱/۳۷۷	۸/۸۳	۰/۸۳۵
۱۸	حق مالکیت معنوی	۹/۳۱	۰/۹۴۷	۹/۲۵	۰/۷۵۴
۱۹	چالش‌های حفاظت و نگهداری	۹/۰۸	۰/۹۵۴	۹	۰/۷۳۹
۲۰	ضبط اسناد در اشکال مختلف رسانه به عنوان نسخه پشتیبان	۹/۰۸	۱/۱۶۵	۹/۰۸	۰/۶۶۹

جدول ۳

میانگین اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها
از نظر متخصصان در دور اول و دوم
دلفی



با مقایسه میانگین اهمیت هریک از مؤلفه‌ها از نظر متخصصان داخلی در دور اول و دوم دلفی، مشخص شد که اکثر مؤلفه‌ها در دور اول و دوم میانگینی بیشتر از ۹ دارند. برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها براساس نظر متخصصان، از آزمون فریدمن استفاده شده که نتایج آن به ترتیب رتبه در جدول ۴ آمده است.

رتبه	مؤلفه
۱	رعایت استانداردهای امنیتی
۲	قواعد و تعهدات
۲	رعایت استانداردهای مدیریت اسناد
۲	حق مالکیت معنوی
۲	ارزشیابی
۳	دسترسی پذیری اسناد
۳	حفظ اسناد به محض دریافت و یا ایجاد
۳	تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها
۳	نرم افزارهای مدیریت اسناد
۳	چالش‌های حفاظت و نگهداری
۳	ضبط اسناد در اشکال مختلف رسانه به عنوان نسخه پشتیبان
۴	وضوح ارتباط پیام با سازمان
۴	هدف
۴	دامنه
۴	آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی
۴	ویژگی اسناد
۴	گردآوری اخلاقی
۴	حق نسخه برداری
۴	استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن
۵	استفاده از کوکی‌ها

جدول ۴

رتبه مؤلفه‌ها در آزمون فریدمن
براساس نظر متخصصان



در رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از نظر متخصصان براساس آزمون فریدمن، مؤلفه رعایت استانداردهای امنیتی بالاترین رتبه را دارد و مؤلفه استفاده از کوکی‌ها پایین‌ترین رتبه را دارد.

پرسش سوم: الگوی پیشنهادی برای مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های ایران چیست؟

باتوجه به رتبه مؤلفه‌ها از نظر متخصصان داخلی، مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاه‌های ایران به دو گروه «مؤلفه‌های اجباری» و «مؤلفه‌های اختیاری» تقسیم شد.

هدف	مؤلفه‌های اجباری
دامنه	
رعایت استانداردهای مدیریت اسناد	
رعایت استانداردهای امنیتی	
استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن	
نرم‌افزارهای مدیریت اسناد	
تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها	
حفظ اسناد به محض دریافت و یا ایجاد	
آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی	
وضوح ارتباط پیام با سازمان	
گردآوری اخلاقی	
قواعد و تعهدات	
ارزشیابی	
ویژگی اسناد	
دسترس پذیری اسناد	
حق مالکیت معنوی	
حق نسخه‌برداری (دانلودکردن)	
چالش‌های حفاظت و نگهداری	
ضبط اسناد در اشکال مختلف رسانه به عنوان نسخه پشتیبان	
استفاده از کوکی‌ها	

جدول ۵

مؤلفه‌های اجباری و اختیاری



بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که در یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی ۷ دانشگاه برتر جهان نیز بیان شد، مؤلفه دسترس‌پذیری اسناد، هدف، دامنه، ارزشیابی، نرم‌افزارهای مدیریت اسناد، چالش‌های حفاظت و نگهداری، استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن، و قواعد و تعهدات به ترتیب بیشترین حضور را در خط‌مشی‌ها داشته‌اند و در میان آن‌ها سه مؤلفه هدف، دامنه و دسترس‌پذیری اسناد به دلیل حضور در همه خط‌مشی‌های بررسی شده از مؤلفه‌های مهم محسوب می‌شوند.

در مقایسه بین میانگین‌های دور اول و دوم به نظر می‌رسد که تفاوت اندک بین میانگین مؤلفه‌ها در طیف ده‌تایی ترستین (ترستون) که نقاط آن بسیار نزدیک به یکدیگر است، تفاوت بسیار زیادی نیست. از طرفی گفتنی است که یکسان نبودن میانگین مؤلفه‌ها ناشی از متفاوت بودن اهمیت مؤلفه‌ها در نزد متخصصان است. آزمون فریدمن نیز نشان داد که رتبه مؤلفه‌ها نزدیک به یکدیگر است؛ بنابراین شاید بتوان گفت که از نظر متخصصان، بیشتر مؤلفه‌ها جزو مؤلفه‌های اصلی‌اند.

در رتبه‌بندی مذکور مؤلفه رعایت استانداردهای امنیتی در رتبه یک قرار گرفته است. به نظر می‌رسد قرار گرفتن این مؤلفه در رتبه یک نشان‌دهنده اهمیت موضوع امنیت در مدیریت اسناد از نظر متخصصان داخلی باشد. کوکی‌ها برای ردیابی استفاده افراد از اسناد رسانه‌های اجتماعی کاربرد دارند؛ بنابراین دربارۀ کوکی‌ها موضوع نقض حریم خصوصی کاربران مطرح می‌شود که می‌تواند نگرانی افراد را در استفاده از این مؤلفه فراهم آورد؛ در نتیجه متخصصان اهمیت این مؤلفه را کمتر از سایر مؤلفه‌ها تعیین کرده‌اند.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که اگرچه در این رتبه‌بندی، مؤلفه‌ها در رتبه‌های متفاوت قرار گرفته‌اند، ولی این تفاوت در تقدم و تأخر حضور مؤلفه‌ها در خط‌مشی، تأثیری در عرضه الگوی پیشنهادی نداشته باشد؛ چراکه تقدم و تأخر حضور را اصول تدوین یک خط‌مشی مشخص می‌کند و این رتبه‌ها تنها نشان‌دهنده اهمیت این مؤلفه‌ها از نظر متخصصان داخلی است.

بر اساس رتبه مؤلفه‌ها از نظر متخصصان داخلی، در الگوی پیشنهادی خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی در دانشگاه‌های ایران مؤلفه‌های رتبه یک تا چهار در گروه مؤلفه‌های اجباری قرار گرفته‌اند و تنها مؤلفه کوکی‌ها که رتبه‌ای پایین و بسیار متفاوت با سایر مؤلفه‌ها داشته، در گروه مؤلفه‌های اختیاری قرار گرفته است.

الگوی پیشنهادی خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی ایران در دو گروه مؤلفه اجباری و اختیاری عرضه شد. از ۲۰ مؤلفه، ۱۹ مؤلفه در گروه مؤلفه‌های اجباری



قرار گرفتند و مؤلفه استفاده از کوکی‌ها که در یافته‌ها دارای همبستگی و رتبه پایین بود در گروه مؤلفه‌های اختیاری قرار گرفت.

براساس این گروه‌بندی، مؤلفه‌های هدف، دامنه، رعایت استانداردهای مدیریت اسناد، رعایت استانداردهای امنیتی، استفاده از حساب کاربری و پلتفرم مطمئن، نرم‌افزارهای مدیریت اسناد، تعهد کارکنان در اجرای دستورالعمل‌ها، حفظ اسناد به‌محض دریافت و یا ایجاد، آموزش مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی، وضوح ارتباط پیام با سازمان، گردآوری اخلاقی، قواعد و تعهدات، ارزشیابی، ویژگی اسناد، دسترس‌پذیری اسناد، حق مالکیت معنوی، حق نسخه‌برداری (دانلودکردن)، چالش‌های حفاظت و نگهداری، و ضبط اسناد در اشکال مختلف به‌عنوان نسخه پشتیبان در گروه مؤلفه‌های اجباری قرار گرفتند. مؤلفه استفاده از کوکی‌ها نیز در گروه مؤلفه‌های اختیاری قرار گرفت.

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، خداداد شهری، غائبی و کربلاآقایی کامران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی: تحلیل محتوای دستنامه‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی آرشیوهای ملی جهان» به این نتیجه رسیده‌اند که مقدمه، تعاریف، دامنه، اهداف، خط‌مشی، مسئولیت‌ها، و توصیه‌ها هفت جزئی‌اند که بیشترین حضور را در دستنامه‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی آرشیوهای ملی جهان داشته‌اند. نتایج پژوهش حاضر نیز تأیید می‌کند که از اجزای ذکر شده برای دستنامه‌های مدیریت اسناد، هدف و دامنه دو جزء ضروری خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی است؛ بنابراین خط‌مشی‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی آرشیوهای ملی و دانشگاهی در ضرورت دو مؤلفه هدف و دامنه انسجام نظر دارند. به‌نظر می‌رسد که اشتراک موجود بین مؤلفه‌های آرشیوهای ملی و دانشگاهی برای این است که وجود دو مؤلفه هدف و دامنه برای هر خط‌مشی ضروری است و خط‌مشی بدون وجود آن‌ها بی‌معناست؛ ولی مؤلفه‌های دیگر می‌توانند بنابر نوع و اهداف آرشیوها با عنوان و صورتی متفاوت ظاهر شوند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- استفاده از مؤلفه‌های پیشنهادی عرضه‌شده برای تدوین خط‌مشی مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی ایران؛
- استفاده از مؤلفه‌های پیشنهادی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درباره آغاز فرایند مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی ایران؛
- ایجاد پایگاه اسناد رسانه‌های اجتماعی دانشگاهی ایران براساس مؤلفه‌های پیشنهادی.

منابع

کتاب

ذاکر صالحی، غلام‌رضا. (۱۳۸۴). *دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*. تهران: کویر.

مقاله

اصنافی، امیررضا. (۱۳۹۵). «تأملی بر آرشیوسازی رسانه‌های اجتماعی». *گنجینه اسناد*، ۲۶(۲)، صص ۹۶-۱۱۳.

خداداد شهری، نیره. (۱۳۹۴). «بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی در آرشیوها». *مجله دانشجویی آرشیو*، ۳(۱)، صص ۶-۱۲.

خداداد شهری، نیره؛ غائبی، امیر؛ کربلاآقایی کامران، معصومه. (۱۳۹۶). «مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی: تحلیل محتوای دستنامه‌های مدیریت اسناد رسانه‌های اجتماعی آرشیوهای ملی جهان». *گنجینه اسناد*، ۲۶(۱)، صص ۱۲۶-۱۵۳.

علی‌پور، نسرين. (۱۳۹۴). «اهمیت ذخیره‌سازی سوابق ایجادشده در رسانه‌های اجتماعی برای سازمان‌ها». *کتاب مهر*، ۵(۱۷ و ۱۸)، صص ۶-۲۵.

پایان‌نامه

خداداد شهری، نیره. (۱۳۹۴). «میزان بهره‌گیری وب‌سایت‌های آرشیوهای ملی جهان از قابلیت‌های ابزارهای رسانه‌های اجتماعی و چگونگی مدیریت اسناد این رسانه‌ها و ارائه الگوی پیشنهادی برای معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران». کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.

منابع اینترنتی

مرکز ملی فضای مجازی. (۱۳۹۶). «رسانه‌های اجتماعی». بازیابی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، از http://majazi.ir/general_content/79679/swd_id/13825/unitWldd/53784/رسانه-های-اجتماعی.html?t=محتوای-عمومی

منابع لاتین

Fondren, Elisabeth; McCune, Meghan Menard. (2018). "Archiving and Preserving Social Media at the Library of Congress: Institutional and Cultural Challenges to Build a Twitter Archive". *Preservation, Digital Technology & Culture*



- (PDT&C), Retrieved 2019, Nov. 29, from: <https://www.semanticscholar.org/paper/Archiving-and-Preserving-Social-Media-at-the-of-and-Fondren-McCune/b4daa46efb4b6940c7ba1b5e9ea8307b536ba48d>
- Musser, Linda. (2016). "Preserving the Digital Record of Science and Engineering: the Challenge of New Forms of Grey Literature". Retrieved 2018, May 22, from: <http://istl.org/16-winter/short.html>
- Society of American Archivists. (1999). "Guidelines for College and University Archives". Retrieved 2018, May 20, from: <https://www2.archivists.org/book/export/html/14800>
- Times Higher Education. (2020). "World University Rankings 2020". Retrieved 2020, May 23, from: https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2020/world-ranking#!/page/0/length/25/sort_by/rank/sort_order/asc/cols/stats

English Translation of References

Books

- Zaker Salehi, Gholamreza. (1384/2005). "*Dānešgāh-e Irāni: Darāmadi bar jāme'e-šenāsi-ye āmuzeš-e 'ālī*" (Iranian university, an introduction to sociology of higher education). Tehran: Kavir. [Persian]

Articles

- Alipour, Nasrin. (1394/2015). "Ahammiat-e zaxire-sāzi-ye savābeq-e ijād-šode dar rasāne-hā-ye ejtemā'ee barāye sāzmān-hā" (The importance of storing records created on social media for organizations). *Ketāb-e Mehr*, 5 (17 & 18), pp. 6-25. [Persian]
- Asnafi, Amir Reza. (1395/2016). "Ta'ammoli bar āršiv-sāzi-ye rasāne-hā-ye ejtemā'ee" (Archiving the social media). *Ganjine-ye Asnād*, 26 (2), pp. 96-113. [Persian]
- Khodadad Shahri, Nayereh. (1394/2015A). "Bahre-bardāri az šabake-hā-ye ejtemā'ee dar āršiv-hā" (Utilizing social media in archives). *Majalle-ye Dānešjuyi-ye Āršiv*, 1 (3), pp. 6-12. [Persian]
- Khodadad Shahri, Nayereh; Ghaebi, Amir & Karbala Aghaei Kamran, Masoumeh.



(1396/2017). "Modiriat-e asnād-e rasāne-hā-ye ejtemāee: Tahlil-e mohtavā-ye dastnāme-hā-ye modiriat-e asnād-e rasāne-hā-ye ejtemāee-ye ārsiv-hā-ye melli-ye jahān" (Content analysis of the social media record management manuals of national archives around the world). *Ganjine-ye Asnād*, 27 (1), pp. 126-153. [Persian]

Dissertations

Khodadad Shahri, Nayereh. (1394/2015 B). "*Mizān-e bahre-giri-ye vebsāit-hā-ye ārsiv-hā-ye melli-ye jahān az qābeliat-hā-ye abzār-hā-ye rasāne-hā-ye ejtemā'ee va čegunegi-ye modiriat-e asnād-e in rasāne-hā va erā'e-ye olgu-ye pišnahādi barāye mo'āvenat-e asnād-e sāzmān-e asnād va ketābxāne-ye melli-ye jomhuri-ye eslāmi-ye Irān*" (The extent to which the world's national archive websites benefit from the capabilities of social media tools and how to manage the documents of these media and proposing a model for the Documents Deputy of the National Library and Archives Organization of the Islamic Republic of Iran) [Masters' thesis]. Dānešgāh-e Alzahrā (Alzahra University), Faculty of Educational Sciences and Psychology, Department of Information Science and Knowledge Management. [Persian]

Online sources

Fondren, Elisabeth & McCune, Meghan Menard. (2018). "Archiving and preserving social media at the library of congress: Institutional and cultural challenges to build a twitter archive". *Preservation, Digital Technology & Culture* (PDT&C), Retrieved 2019, Nov. 29, from: <https://www.semanticscholar.org/paper/Archiving-and-Preserving-Social-Media-at-the-of-and-Fondren-McCune/b4daa46efb4b6940c7ba1b5e9ea8307b536ba48d>

Markaz-e Mell-ye Fazā-ye Majāzi (National Center for Cyberspace). (1396/2017). "Rasāne-hā-ye ejtemāee" (Social media). Retrived, in 1397, Ordibehešt 18 (2017, May 8), from http://majazi.ir/general_content/79679/swd_id/13825/unit-Wdld/53784/اجتماعی-های-رسانه.html?t=محتوای-عمومی. [Persian]



Musser, Linda. (2016). "Preserving the digital record of science and engineering: The challenge of new forms of grey literature". Retrieved 2018, May 22, from: <http://istl.org/16-winter/short.html>.

Society of American Archivists. (1999). "Guidelines for college and university archives". Retrieved in 2018, May 20, from: <https://www2.archivists.org/book/export/html/14800>

Times Higher Education. (2020). "World university rankings 2020". Retrieved in 2020, May 23, from: https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/2020/world-ranking#!/page/0/length/25/sort_by/rank/sort_order/asc/cols/stats.





نمایه سال ۱۳۹۸ فصلنامه گنجینه اسناد

سید محمود سادات بیدگلی^۱

	نمایه عنوان‌ها
تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق ۱۱۵: ۶۸-۹۸	اختلاف ایران و عثمانی بر سر شهر باغسائی ۱۱۴:
تکالیف حقوقی انتشار مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در فضای مجازی ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱	۳۰-۶
توصیف عنوان منابع آرشیوی براساس استانداردهای بین‌المللی ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵	اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران ۱۱۶:
داستان یک جاده: ساخته شدن و نگهداری راه مشهد- عشق آباد (۱۳۰۵-۱۳۴۴ق) ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵	۴۰-۶
راهبرد برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۱-۱۳۴۶) در تأمین اشتغال مهاجران روستایی ۱۱۳: ۳۳-۵۳	امکان‌سنجی ایجاد آرشیو شهری برای شهر تهران ۱۱۶:
ساختار رکن مطلع در مکاتبات عصر قاجار ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷	۱۶۷-۱۴۰
ساختارشناسی پنج ورق حساب از سده ششم هجری (کهن‌ترین اسناد نویافته محفوظ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی) ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷	بررسی روند تأسیس کتابخانه ملی و توسعه آن تا ۱۳۶۰ق/۱۳۲۰ش با تکیه بر اسناد آرشیوی ۱۱۵:
عراق در دوره حکومت مصطفی قلی خان قرآش‌باشی (شعبان ۱۳۰۴- ربیع‌الثانی ۱۳۰۵ق) ۱۱۴: ۳۳-۷۱	۳۴-۶
فرمان‌های تولیت (تولیت‌نامه‌ها، نیابت‌نامه‌ها) در دوره قاجار ۱۱۵: ۱۴۸-۱۶۸	بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها ۱۱۶: ۴۲-۷۲
فعالیت‌های حزب توده در مدارس خراسان (۱۳۲۱-۱۳۳۵ش) ۱۱۳: ۵۴-۸۴	بهینه‌سازی گران‌روی (قوام، چسبناکی) چسب گیاهی سریش برای استفاده در مرمت کاغذ ۱۱۴:
	۱۴۸-۱۲۴
	پیامدهای تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در بخش اقتصاد تجاری ایران (۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ش) ۱۱۳: ۶-۳۰
	تأثیر سیاست‌های اقتصادی در تقابل بازاریان با حکومت در عصر پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ش) ۱۱۵: ۳۶-۶۷

۱. استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
m.sadat@yahoo.com



نمایه نویسندگان

- آدینه‌وند، مسعود: ۷۲-۴۲: ۱۱۶-۴۲-۷۲
- احمدزاده نودیجه، حسین: ۴۰-۶: ۱۱۶-۴۰-۶
- احمدی رهبریان، حسین: ۱۱۵-۱۰۰: ۱۱۷-۱۰۰-۱۱۵
- اسدیان، هلن: ۱۱۶-۱۸۶: ۲۰۵-۱۸۶-۲۰۵
- افشارپور، مریم: ۱۱۴-۱۲۴: ۱۴۸-۱۲۴-۱۴۸
- امیرخانی، غلامرضا: ۱۱۵-۶: ۳۴-۶-۱۱۵
- بختیاری، سمیه: ۱۱۴-۳۲: ۷۱-۳۲-۷۱
- برادر، رویا: ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷-۱۴۰-۱۶۷
- بصیرت‌منش، حمید: ۱۱۴-۶: ۳۰-۶-۱۱۴
- خدری‌زاده، علی‌اکبر: ۱۱۳-۸۶: ۱۰۸-۸۶-۱۰۸
- دهقان‌نژاد، مرتضی: ۱۱۵-۳۶: ۶۷-۳۶-۶۷
- رازنهان، محمدحسن: ۱۱۴-۹۲: ۱۲۳-۹۲-۱۲۳
- رستمی، عادل: ۱۱۵-۳۶: ۶۷-۳۶-۶۷
- رضائی شریف‌آبادی، سعید: ۱۱۶-۱۴۰: ۱۶۷-۱۴۰-۱۶۷
- رضایی، زینب: ۱۱۴-۱۷۶: ۱۹۲-۱۷۶-۱۹۲
- زندیه، حسن: ۱۱۶-۱۰۶: ۱۳۹-۱۰۶-۱۳۹
- سادات بیدگلی، سید محمود: ۱۱۵-۶۸: ۹۸-۶۸-۹۸
- سامانیان، کورس: ۱۱۴-۱۲۴: ۱۴۸-۱۲۴-۱۴۸
- سپاهی، عبدالودود: ۱۱۴-۹۲: ۱۲۳-۹۲-۱۲۳
- سعیدی، حوریه: ۱۱۵-۱۴۸: ۱۶۸-۱۴۸-۱۶۸
- سلامی، مریم: ۱۱۵-۱۷۰: ۲۰۱-۱۷۰-۲۰۱
- سلیمانی، محمدحسین: ۱۱۵-۱۱۸: ۱۴۷-۱۱۸-۱۴۷
- سنگ‌تراشان، علی‌رضا: ۱۱۶-۱۰۶: ۱۳۹-۱۰۶-۱۳۹
- قابلیت به‌کارگیری استاندارد متس در نظام اطلاعاتی
آرشیوی باز برای اسناد رقمی فارسی ۱۱۳:
۱۶۴-۱۴۲
- کارکرد آموزشی-فرهنگی دارالمعلمت و دانشسراهای
دخترانه در دوره پهلوی اول ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
- گردش کار اداری بین محاکم عرف و شرع در آستانه
مشروطیت، براساس بایگانی دیوان عدلیه
اعظم (۱۳۲۲ق): ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
- محتوا و شکل نکاح‌نامه‌های دوره ناصری (۱۲۶۵-
۱۳۱۳ق): ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
- مدرسه آیانس کرمانشاه و نقش آن در پیشرفت
فرهنگی جامعه کلیمیان (۱۲۸۱-۱۳۰۵ش)
۱۱۴: ۷۲-۹۰
- مسائل زنان در دهه نخست عصر رضاشاه برپایه
مقالات دو نشریه زنان ۱۱۳: ۱۰۸-۸۶
- مطالعه مقایسه‌ای نرم‌افزارهای آرشیوی با تأکید بر
استانداردهای فراداده‌ای و آرشیوی ۱۱۵: ۱۷۰-
۲۰۱
- مواد و فنون به کار رفته در توش نگاتیوهای عکاسی
پایه‌شیشه‌ای کاخ گلستان ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵
- موانع اجرای قانون سجل احوال در بلوچستان در دوره
رضاشاه ۱۱۴: ۹۲-۱۲۳
- میزان سواد آرشیوی کاربران مراکز آرشیوی تهران ۱۱۴:
۱۹۲-۱۷۶

- سیاست‌های اقتصادی ۱۱۵: ۶۷-۳۶
- سیفی، لیلی ۱۱۳: ۱۶۴-۱۶۴
- کوه‌کش، نسیم ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸
- شجاعی دیوکلانی، سیدحسن ۱۱۳: ۳۰-۶
- متولی حقیقی، یوسف ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵
- شریف مقدم، هادی ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
- محمودآبادی، سیداصغر ۱۱۵: ۳۶-۶۷
- شریفی نیا، علی اصغر ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
- مرادی مقدم، مراد ۱۱۴: ۶-۳۰
- شکری، رقیه ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
- مصطفی قلی خان فراش باشی ۱۱۴: ۳۲-۷۱
- شیخ الحکمایی، عمادالدین ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷
- منصوربخت، قباد ۱۱۶: ۶-۴۰
- صادق گندمانی، مقصود علی ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷
- میرزاوند، زهرا ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴
- صالحی، پیمان ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱
- ناخدا، مریم ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲
- صدری، منیژه ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
- نظری، آناهیتا ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵
- صنیدید، زینب سادات ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷
- نوحی، سحر ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵
- ضیایی، ثریا ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
- نودهی، کبری ۱۱۳: ۵۴-۸۴
- عادل فر، باقر علی ۱۱۶: ۴۲-۷۲
- نورائی، مرتضی ۱۱۳: ۵۴-۸۴
- عبداللهی، محمدجواد ۱۱۳: ۳۲-۵۳
- نوروزی، جمشید ۱۱۵: ۶-۳۴
- عزیزی، غلامرضا ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱
- نیازی، فتح‌الله ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵
- عسگری، پریسا ۱۱۵: ۶-۳۴
- وکیلی، هادی ۱۱۳: ۵۴، ۸۴، ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵
- علوی کیا، محمد ۱۱۴: ۷۲-۹۰
- یوسفی فر، شهرام ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
- علیرضا، نوروزی ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲
- نمایه موضوعی**
- فرخی، یزدان ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
- آرشیو شهری ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷
- قره‌داغی، معصومه ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
- آموزش ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
- قصابی گزکوه، جلیل ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵
- آندره گدار ۱۱۵: ۶-۳۴
- قیصریان فرد، هادی ۱۱۵: ۶۸-۹۸
- آیین دادرسی ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
- کجباف، علی اکبر ۱۱۳: ۵۴-۸۴
- اخوانیات ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷
- اداره بین‌المللی کار ۱۱۶: ۶-۴۰

بهینه سازی گران روی ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	آستان قدس رضوی ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷
پلی ساکارید ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	استاندارد آرشیوی ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
پهلوی اول ۱۱۳: ۶-۳: ۱۱۴: ۹۲-۱۳۳	استاندارد فراداده‌ای ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
پهلوی دوم ۱۱۵: ۳۶-۶۷	استاندارد متس ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴
تاریخ شفاهی ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱	استانداردسازی ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵
تثبیت آزیم ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	استخراج یا اناول ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸
تجار ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵	اسناد ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
تجار ایرانی ۱۱۶: ۴۲-۷۲	اسناد سلجوقی ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷
تجار مشهد ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵	اسناد فارسی ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴
تجارت ۱۱۳: ۶-۳۰	اشتغال ۱۱۳: ۳۲-۵۳
التزام نامه ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵	اقتصاد ۱۱۳: ۶-۳۰
تعمیر ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵	امکان سنجی ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷
تقابل ۱۱۵: ۳۶-۶۷	امین الضرب‌ها ۱۱۶: ۴۲-۷۲
تکالیف حقوقی ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱	اواخر دوره قاجار ۱۱۶: ۶-۴۰
تهران ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷	ایران ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴: ۱۱۴: ۳۰-۶: ۱۱۶: ۶-۴۰
توسعه ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵	ایران دولت‌آبادی ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸
تولیت نامه ۱۱۵: ۱۴۸-۱۶۸	بازاریان ۱۱۵: ۳۶-۶۷
تومانیا ننتس ۱۱۶: ۴۲-۷۲	باغسائی ۱۱۴: ۶-۳۰
تومانیا نها ۱۱۶: ۴۲-۷۲	برابر حقوقی ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸
جنگ تحمیلی ۱۱۵: ۶۸-۹۸	برنامه عمرانای سوم ۱۱۳: ۳۲-۵۳
چسب ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	بلوچستان ۱۱۴: ۹۲-۱۲۳
چسبندگی ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	بندر گز ۱۱۶: ۴۲-۷۲
حزب توده ۱۱۳: ۵۴-۸۴	بهداشت ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸

شهرداری ۱۱۶: ۱۴۰-۱۶۷	حفاظت رقمی ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴
صدیقه صفوی نوابه ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸	حکومت ۱۱۵: ۳۶-۶۷
صلح ۱۱۵: ۶۸-۹۸	خراسان ۱۱۳: ۵۴-۸۴
ظل السلطان ۱۱۴: ۳۲-۷۱	دارالمعلمت ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
عالم نسوان ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸	دانش آموزان ۱۱۳: ۵۴-۸۴
عثمانی ۱۱۴: ۶-۳۰	دانش سراهای مقدماتی دخترانه ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
عراق (اراک) ۱۱۴: ۳۲-۷۱	دوره پهلوی اول ۱۱۶: ۶-۴۰
عراق ۱۱۵: ۶۸-۹۸	دوره قاجار ۱۱۴: ۳۲-۷۱: ۱۱۵: ۱۴۸-۱۶۸
عکاسی ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵	دیوان عدلیه اعظم ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
علی اصغر حکمت ۱۱۵: ۶-۳۴	دیوان سالاری ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷
عناصر توصیف ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵	راه تجاری مشهد-عشق آباد ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵
عنوان نویسی ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵	رتوش ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵
فرمان های تولیت ۱۱۵: ۱۴۸-۱۶۸	رضاشاه ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹
فرهنگ ۱۱۶: ۱۰۶-۱۳۹	رکن مطلع ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷
فضای مجازی ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱	زبان زنان ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸
قاجار ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۶، ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷: ۱۱۶: ۴۲-۷۲	زنان ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸
قانون انحصار تجارت خارجی ۱۱۳: ۶-۳۰	سده ششم هجری ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷
قانون سجل احوال ۱۱۴: ۹۲-۱۲۳	سرمایه گذاری صنعتی ۱۱۳: ۳۲-۵۳
قطعه نامه ۱۱۵: ۵۹۸-۹۸	سربش ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸
قواعد بین المللی ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵	سفارت روسیه ۱۱۶: ۷۴-۱۰۵
قوام ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸	سلطان آباد ۱۱۴: ۳۲-۷۱
کاخ گلستان ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵	سواد آرشویی ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲
کاربران ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲	سیاق و دفترداری ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷



نرم افزار آرشیوی ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱	کتابخانه معارف ۱۱۵: ۶-۳۴
نظام اطلاعاتی آرشیوی باز ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴	کتابخانه ملی ۱۱۵: ۶-۳۴
نظام آموزشی ۱۱۳: ۵۴-۸۴	کرمانشاه ۱۱۴: ۷۲-۹۰
نظام بین الملل ۱۱۵: ۶۸-۹۸	مجلس اجرا ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
نکاح نامه ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴	مجله های زنان ۱۱۳: ۸۶-۱۰۸
نگاتیوهای پایه شیشه ای ژلاتینی ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵	محاكم شرع ۱۱۴: ۱۵۰-۱۷۵
نگاتیوهای پایه شیشه ای کلودیونی ۱۱۶: ۱۸۶-۲۰۵	مخالفت ها و مواع ۱۱۴: ۹۲-۱۲۳
نوسازی ۱۱۴: ۷۲-۹۰	مدرسه آلیانس ۱۱۴: ۷۲-۹۰
نیابت نامه ۱۱۵: ۱۴۸-۱۶۸	مدرسه دارالفنون ۱۱۵: ۶-۳۴
والیان فیلی ۱۱۴: ۶-۳۰	مرز جغرافیایی ۱۱۵: ۶۸-۹۸
وب ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱	مرمت کاغذ ۱۱۴: ۱۲۴-۱۴۸
ورق حساب ۱۱۵: ۱۱۸-۱۴۷	مصاحبه ۱۱۳: ۱۱۰-۱۴۱
یهودیان ۱۱۴: ۷۲-۹۰	مطالعه مقایسه ای ۱۱۵: ۱۷۰-۲۰۱
METS ۱۱۳: ۱۴۲-۱۶۴	معلمان ۱۱۳: ۵۴-۸۴
	مکاتبات ۱۱۵: ۱۰۰-۱۱۷
	منابع آرشیوی ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲: ۱۱۶: ۱۶۸-۱۸۵
	منابع دست اول ۱۱۴: ۱۷۶-۱۹۲
	مهاجران روستایی ۱۱۳: ۳۲-۵۳
	مهاجرت داخلی ۱۱۳: ۳۲-۵۳
	مهدی بیانی ۱۱۵: ۶-۳۴
	مهریه ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
	ناصرالدین شاه ۱۱۳: ۱۶۶-۱۹۴
	نخستین قوانین رسمی کارگری ۱۱۶: ۶-۴۰

Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.30, No.1, (Spring 2020)

Ser.No: 117

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

Cooperation and Confrontation: Volatile relations between President Banisadr and the Parliament over the Election of the Prime Minister and the Cabinet Member's\
Saleh Pargari, Foad Pourarian, Mustafa Javan 6-46(41)

Russia's land annexation attempts in north and northeast of Iran after the Akhal treaty of 1881 until the collapse of the Tsarist Regime\
Majid Nasrabadi, Aliakbar Jafari, Morteza Nouraei 48-70(23)

Implications of the 1967 Civil Service Employment Legislation for the Nation's Public Administration System\
MohammadReza Alam, Fatemeh Hajiyani 72-88(17)

An Early Attempt for Public Financial Accountability in Iran: Formation and Failure of the Commission for Implementation of Remittances\
AliReza Mollaei- Tavani, Amin Mohammadi 90-115(26)

Archival Studies

Proposing a Framework for Developing a Participatory Archives for Tehran Metropolitan Area\
Hojat Aliyari-Molan, Maryam Nakhoda, AmirReza Asnafi 116-143(28)

Determining the components affecting the selection of images in video archives News of the Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization\
Ghanbar Ahmadi, Farideh Osareh, Mohsen Hajizinolabedini 144-165(20)

Social Media Record Management in World Top Universities: Proposing a Framework for Iranian Universities\
Sara Soltani, Saeed Rezaei Sharifabadi, Amir Ghaebi 166-183(18)

The Index of Articles Published in Ganjine-ye Asnad(2019-2020)
Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli 184-189(6)

English Abstracts \ **Ebrahim Afshar-Zanjani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.30, No.1, Spring 2020

(117)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeed Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeed Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahramnia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

Robabeh Motaghedi, Assistant Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 26405621

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

